

شماره دعوا B 15255-19

رای دادگاه
۱۴ ژوئیه ۲۰۲۲
صادر در استکهلم

[نشان‌واره] دادگاه بدوی استکهلم

STOCKHOLMS TINGSRÄTT
Avdelning 4

INKOM: 2022-08-24
MÅLN: B 15255-19

طرفین دعوا (تعداد متهمان: ۱)

متهم

حمید نوری، ۱۲۵۱ - ۱۹۶۱۰۴۸۹
محرومیت از آزادی: بازداشت شده
در حال حاضر در بازداشتگاه هودینگه Huddinge
شهروند ایران

وکیل مدافع تسخیری:

وکیل دعاوی دانیل مارکوس Daniel Marcus
MP ADVOKATTEAM AB
Wennerbergsgatan 10, 5 tr.
112 58 Stockholm

وکیل مدافع تسخیری:

توماس سودرکویست Thomas Söderqvist
Kiström Advokatbyrå KB
Box 7184
103 88 Stockholm

دادستان

دادستان عمومی کریستینا لیدهوف کارلسون Kristina Lindhoff Carleson و مارتین وینسلو Martina Winslow
اداره دادستانی
واحد کشوری علیه جرایم بین المللی و سازمان یافته
Box 57
101 21 Stockholm

داد خواهان

نگاه کنید به پیوست داد خواهان

رای دادگاه

جرمی که متهم برای آن محکوم میشود

۱. جرایم مربوط به حقوق بین الملل، جرایم سنگین، بند ۱ و ۲ از ماده ۶ از فصل ۲۲ قانون کیفری، متن پیش از ۱ ژوئیه ۱۹۹۵.

از ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۸ تا ۱۶ اوت ۱۹۸۸

۲. قتل، ماده ۱ از فصل ۳ قانون کیفری، متن پیش از ۱ ژوئیه ۲۰۰۹
از ۲۷ اوت ۱۹۸۸ تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸

مجازات و غیره

حبس ابد

درباره اینکه دادگاه چگونه داده های شخصی را پردازش می کند نگاه کنید به www.domstol.se/personuppgifter برای دریافت اطلاعات به صورتی دیگر با ما تماس بگیرید.

ایمیل
stockholms.tingsratt.avdelning4@dom.se
وبسایت
www.stockholmstingsratt.se

نشانی پستی
Box 8307
104 20 Stockholm

ساعت های کار
دوشنبه - جمعه
۱۶ تا ۸

نشانی مراجعه حضوری
Scheelegatan 7
تلفن
08-561 654 10

اخراج

متهم بر پایه ماده ۱ از فصل ۸a قانون اتباع بیگانه (۲۰۰۵:۷۱۶) از سوئد اخراج و از بازگشت به اینجا منع می شود. تخلف از این ممنوعیت می تواند حداکثر تا یک سال زندان در پی داشته باشد.

خسارات

۱. حمید نوری به هر یک از افراد نام برده در اینجا باید مبلغ ۴۰.۰۰۰ کرون خسارت بپردازد: حسین سید احمدی، سولماز علیزاده، فریدون نجفی آریا، مجید صاحب جم اتابکی، علی اکبر بندلی، لاله بازرگان، سیدجعفر میرمحمدی برنجستانی، مجید جمشیدیت، احمد ابراهیمی، مهدی اسحاقی، محسن اسحاقی، رضا فلاحی، حسین فارسی، رمضان فتحی، مهدی برجسته گرمودی، حسن گلزاری، همایون کاویانی، نصرالله مرندی، اصغر مهدی زاده، مهناز میمنت، ایرج مصداقی، صدیقه حاجی محسن، سیامک نادری، مهری حاجی نژاد، ویدا رستمعلی پور، سارا روزدار، محمود رویایی، اکبر صمدی، مسعود اشرف سمنانی، عصمت طالبی کلهران، محمد زند و علی ذوالفقاری.
۲. ادعای خسارت خدیجه برهانی و مختار بروجردی شالوند رد می شود.

مصادره و توقیف

توقیف تلفن همراه حمید نوری تا قطعی شدن حکم ادامه دارد. سپس تلفن به حمید نوری تحویل داده می شود (شماره توقیف 2019-5000-Bg123625 p.1).

بازداشت و غیره

حمید نوری تا قطعی شدن حکم مجازات و اخراج وی، در بازداشت خواهد ماند.

دستمزد

۱. وکیل دعاوی گیتا هادینگ وپیری Ghita Hadding Wiberg دستمزدی به مبلغ 2,632,527 کرون از دولت دریافت می کند. از این مبلغ، 1,975,259 کرون به کار، 71,940 کرون به زمان تلف شده، 58,823 کرون به هزینه ها و 526,505 کرون به مالیات بر ارزش افزوده مربوط می شود.
۲. وکیل دعاوی بنگت هسلبری Bengt Hesselberg دستمزدی به مبلغ 2,722,330 کرون از دولت دریافت می کند. از این مبلغ، 1,975,259 کرون به کار، 133,821 کرون به زمان تلف شده، 68,784 کرون به هزینه ها و 544,466 کرون به مالیات بر ارزش افزوده مربوط می شود.
۳. وکیل دعاوی یوران یالمارسون Göran Hjalmarsson از دولت دستمزدی به مبلغ 2,732,109 کرون دریافت می کند. از این مبلغ، 1,978,424 کرون به کار، 122,760 کرون به زمان تلف شده، 84,503 کرون به هزینه ها و 546,422 کرون به مالیات بر ارزش افزوده مربوط می شود. پیش پرداخت 625,000 کرون باید از مبلغ کسر شود.
۴. وکیل دعاوی دانیل مارکوس از دولت به مبلغ 6,891,414 کرون دستمزد دریافت می کند. از این مبلغ، 4,776,712 کرون به کار، 216,480 کرون به زمان تلف شده، 519,939 کرون به هزینه ها و 1,378,283 کرون به مالیات بر ارزش افزوده مربوط می شود.
۵. وکیل دعاوی توماس سودرکوئیست مبلغ 7,012,765 کرون از دولت دستمزد دریافت می کند. از این مبلغ، 4,792,339 کرون به کار، 200,970 کرون به زمان تلف شده، 616,903 کرون به هزینه ها و 1,402,553 کرون به مالیات بر ارزش افزوده مربوط می شود. پیش پرداخت 750000 کرون باید از مبلغ کسر شود.
۶. هزینه وکلای مدافع و وکلای دادخواهان بر عهده دولت خواهد بود.

متفرقه

۱. درخواست حمید نوری درباره اخراج رد می شود.
۲. درخواست حسین سید احمدی، علی اکبر بندلی، خدیجه برهانی و محمد زند مبنی بر انتصاب وکیل دعاوی کنت لوییس Kenneth Lewis به عنوان وکیل آنان رد می شود.

۳. درخواست حسین سید احمدی، علی اکبر بندلی، خدیجه برهانی و محمد زند مبنی بر اعطای دستمزد از بودجه عمومی برای هزینه هایشان به وکیل دعاوی کنت لوییس نماینده خصوصی رد می شود.
۴. ادعای حسین سید احمدی، علی اکبر بندلی، خدیجه برهانی و محمد زند مبنی بر اینکه حمید نوری بایستی هزینه دادگاه آنان را پردازد رد می شود.
-

محتوا

6	خلاصه
10	پیشینه
21	درخواست ها و غیره
21	مسئولیت کیفری
24	توقیف و اخراج
24	خسارت
26	نگرش حمید نوری
27	عدم پذیرش
28	تحقیقات در پرونده
29	اسناد و مدارک دو طرف
30	خلاصه بازپرسی
30	اطلاعات حمید نوری
35	دلایل رای دادگاه
35	I. صلاحیت حقوق کیفری سوئد
39	II. مسئولیت کیفری
39	A- اصول حقوقی
46	B. تجزیه و تحلیل وضعیت دادرسی – پرسش هایی که باید در نظر گرفته شوند
49	C- بند ۱ کیفرخواست – جرایم مربوط به حقوق بین الملل، جرایم سنگین
49	i مجاهدین و مخاصمات مسلحانه
56	ii فتوا و اعدام در زندانهای ایران
68	III. موج اول اعدام ها در گوهردشت
82	اعدام شدگان در پیوست A
103	IV حضور حمید نوری در موج اول
137	D- بند ۲ کیفرخواست – قتل
137	i موج دوم اعدام ها در گوهردشت
147	اعدام شدگان در پیوست C
158	ii حضور حمید نوری در موج دوم
176	E- بررسی داده های حمید نوری
182	F- قصد، مجرم و عنوان
184	III. کیفر و میزان آن

184 خسارت .IV
189 درخواست های ویژه .V
190 متفرقه .VI
197 چگونگی درخواست تجدید نظر

خلاصه

این کیفرخواست درباره اتهامات مربوط به اعدام زندانیان سیاسی در زندان گوهردشت در ایران در تابستان ۱۹۸۸ است. بخشی از این اعدام ها مربوط به هواداران یک سازمان سیاسی بنام مجاهدین خلق ایران (مجاهدین) در دوره ۳۰ ژوئیه تا ۱۶ اوت ۱۹۸۸ و بخش دیگر اعدام ها مربوط به هواداران گروه های چپ گرای مختلف در دوره ۲۷ اوت تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ است که پنداشته می شد اعتقاد خود را به اسلام از دست داده بودند.

دادگاه بدوی خود را صالح به قضاوت در مورد جرایم کیفرخواست یعنی نقض قوانین بین المللی و قتل می داند. نقض قوانین بین المللی زیر عنوان به اصطلاح صلاحیت قضایی جهانی قرار می گیرد. این بدان معناست که دادگاه سوئد نیز برای جرایم ارتكابی در خارج از این کشور و توسط یک شخص خارجی، صلاحیت دارد. با توجه به اتهام قتل، صلاحیت قضایی دادگاه بر پایه ارزش بالای کیفری جرم است. در این زمینه باید اضافه کرد که متهم هنگام دستگیری داوطلبانه به سوئد سفر کرده بود و در خاک سوئد بسر می برد.

این رویدادهای در مرکز توجه، شامل حوادث بزرگ و به دشواری قابل درک است، که در آنها افراد زیادی برای ارتكاب این اعمال مشارکت و همکاری داشته اند. دادگاه بدوی در این پرونده تنها مسئولیت کیفری متهم را برای مشارکت در ارتكاب این اعمال مورد بررسی قرار داده است.

شواهد موجود در این پرونده گسترده بوده و به طور کلی محکم و قوی ارزیابی شده اند. علاوه بر شواهد اصلی، مانند بازپرسی از شاکیان و شاهدان، شواهد حمایتی ارایه شده است که از جمله شامل گزارش های منتشره از سوی سازمان های مستقل بین المللی حقوق بشر در همان زمان و مقالات و خاطرات زندانیان سابق است. با توجه به اینکه آنچه شاهدان گفته اند مربوط به حوادثی است که از سال ۱۹۸۸ در حافظه آنان مانده است، دادگاه بدوی اهمیت ویژه ای به اطلاعات مربوط به بخش های مرکزی تجربه آنها داده است، زیرا اطلاعات کم اهمیت تر با سرعت بیشتری از حافظه محو می شوند. همچنین مساله، شرح و توصیف رویدادهای منحصر به فرد است که از نظر احساسی برای افراد از اهمیت چشم گیری برخوردار است و مهم است که آنان در طول زمان آن رویداد را به درستی بخاطر بیاورند. در زمینه تعیین هویت متهم به عنوان مجرم دادگاه بدوی به شناسایی افرادی که پیش از این در زمان ارتكاب جرم شناخت خوبی درباره او داشتند توجه ویژه ای داشته است.

اقدام علیه هواداران مجاهدین سابقه خود را در جنگ قدرت پس از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ و مهمتر از همه مشارکت این گروه در درگیری مسلحانه ایران و عراق داشت. تحقیقات نشان داده است که حملات مجاهدین به ایران در دوره قبل از اعدام های مورد بحث در این پرونده، از خاک عراق صورت می گرفته و این حملات، از جمله حمله فروغ جاویدان در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸، توسط این سازمان و با همکاری و پشتیبانی ارتش عراق صورت می گرفته است. دادگاه بدوی از این رو نتیجه گرفته است که مجاهدین تبدیل به بخشی از یک درگیری مسلحانه بین المللی میان ایران و عراق شدند. این بدان معناست که مقررات بشردوستانه حقوق بین الملل در مورد زندانیان مجاهد قابل اعمال بود. بر پایه این مقررات مجاهدین زندانی به مثابه غیرنظامیان اسیر در دستان یک طرف درگیری، افراد حمایت شده بشمار آمده و از این رو نباید تعرضی به آنان صورت می گرفت.

بررسی ها نشان می دهد که بالاترین رهبر مذهبی در ایران در درجه نخست به دلیل حمله فروغ جاویدان مجاهدین در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ دستور (فتوا) داد که هواداران مجاهدین در زندان های ایران که به عقیده خود وفادار بودند، اعدام شوند. این فتوا شرایطی را نشان می دهد که حاکی از وجود ارتباطی مستقیم میان حکم اعدام صادر شده برای هواداران مجاهدین در زندان ها و درگیری های مسلحانه بین المللی است.

اجرای فتوا همان طور که بررسی ها نشان داد مستلزم برنامه ریزی، سازماندهی و همکاری چند نفر در نقش های مختلف در هنگام اجرای عمل بود. در مورد اقدام مشترک در زندان گوهردشت، ثابت شده است که کمیته ای بر اساس فتوا، موضع زندانیان را در مورد مجاهدین بررسی کرده و طبق رویه ای که بی توجه به شرایط پایه ای یک محاکمه عادلانه بود، زندانی را به اعدام محکوم می کرده است. مجازات اعدام بلافاصله با دار زدن اجرا می شد. به این ترتیب تعداد بسیار زیادی از زندانیان از حق حیات محروم شدند. با این روش، به دیگر زندانیان نیز اضطراب شدید مرگ داده میشد. ارزیابی دادگاه بدوی اینست که این اقدام نقض جدی مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل بود.

تحقیقات نشان داده متهم با نام مستعار و به عنوان دستیار معاون دادستان در زندان، به همراه دیگران و با تفاهم و مشورت آنان در اجرای فتوا مشارکت داشته است، از جمله بردن بازداشت شدگان به کمیته و همچنین اسکورت زندانیان تا محل اعدام. شرایط به گونه ای بوده است که متهم به عنوان مجرم شناخته می شود. اقدامات متهم با توجه به ارتباط با درگیری بین المللی، به عنوان نقض قوانین بین الملل و از نوع جرم سنگین ارزیابی شده است.

همچنین مشخص شد که آن کمیته در ۲۷ اوت ۱۹۸۸ به زندان گوهردشت بازگشت و محاکمه کمیته این بار بر هواداران جناح چپ متمرکز بود که پنداشته می شد دین اسلام خود را ترک کرده اند. آنها زندانیانی بودند که پس از انقلاب به دلیل ارتباط با گروه های مختلف و مخالف چپ به زندان افتاده بودند. این محاکمات منجر به اعدام تعداد بسیار زیادی از زندانیانی شد که عقاید فکری و مذهبی آنها در تضاد با حکومت دینی ایران تشخیص داده می شد. احکام اعدام این بار نیز طبق رویه ای اجرا شد که شرایط اولیه یک محاکمه عادلانه را برآورده نمی کرد. این چنین اعمالی از جمله نقض میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل است که ایران در سال ۱۹۸۸ ملزم به اجرای آن بود.

با توجه به نظام سیاسی ایران و توزیع قدرت تصمیم گیری پس از انقلاب، این احتمال وجود دارد که این اعدام ها با تصمیم رهبری مذهبی و سیاسی در ایران صورت گرفته باشد.

همچنین ثابت شده است که متهم با همان نام مستعار و در همان نقش به همراه دیگران و با توافق یا مشورت آنان با انتخاب زندانیان جهت معرفی به آن کمیته، خواندن نام زندانیان و بردن آنان به آن کمیته در اجرای اعدام هواداران گروه های چپ نیز شرکت داشته است. دخالت فعال متهم در ارتکاب این اعمال به این معنی است که او به عنوان مجرم تلقی می شود. این اعمال به عنوان چندین مورد قتل ارزیابی شده است.

گفته های متهم دایر بر اینکه او در زندان اوین و نه در گوهردشت شاغل بوده، و اینکه در دوره انجام این جرایم در مرخصی بوده و اینکه برای او توطئه چیده شده است و یا اینکه او را با فرد مجرم دیگری اشتباه گرفته اند،

ارزیابی نمی شود که بر ارزش مدارک و شواهد دادستان تأثیر بگذارد. کیفرخواست در مجموع مستدل تلقی می شود.

مجازات حبس ابد تعیین شده است. دلیل این امر این است که متهم در اعمال مجرمانه ای شرکت کرده که در آن تعداد بسیار زیادی از افراد به دلیل مواضع سیاسی یا مذهبی خود به دنبال رویه ای که شرایط یک دادرسی عادلانه را برآورده نمی کرد، اعدام شده اند.

دادگاه بدوی همچنین تعیین میزان خسارتی که باید پرداخت شود را با قوانین ایران مقایسه کرده اما رویه سوئدی در ارزیابی معقول بودن میزان خسارت پرداختی را اعمال کرده است و این کار به دلیل نبود توضیحی از طرفین در مورد محتوای قوانین ایران صورت گرفته است. در این دادرسی، برای رنج روحی به بازماندگانی که اعدام بستگان نزدیک آنها ثابت شده است و همچنین به زندانیان بازمانده ای که دچار رنج روحی شده اند، غرامت پرداخت خواهد شد.

در این بخش یک پیشینه کلی برای کیفرخواست بر اساس تحقیقات انجام شده در پرونده ارایه می شود. در ابتدا اطلاعات کلی درباره جمهوری اسلامی ایران، انقلاب ۱۹۷۹ و جنگ قدرت پس از آن میان گروه های گوناگون انقلابی، و همچنین در مورد درگیری مسلحانه با عراق ارایه می شود. در پی آن داده های مربوط به گزارش های اعدام در زندان های ایران در سال ۱۹۸۸ از جمله در زندان های تهران و کرج و سرانجام مطالبی در باره شکایت علیه حمید نوری و شرایط دادرسی کیفرخواست خواهد آمد.

اطلاعات کشور و پیشینه تاریخی

اطلاعات عمومی درباره جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب در ۱ آوریل ۱۹۷۹ اعلام شد و جمعیت آن حدود ۸۳ میلیون نفر است که اکثریت آنها را مسلمانان شیعه تشکیل می دهند. این کشور از جمله با کشورهای عراق، ترکمنستان، افغانستان و پاکستان هم مرز است. تهران با ۸.۷ میلیون نفر جمعیت پایتخت این کشور است.



سال نو در تقویم ایرانی از اول فروردین یا ۲۱ مارس آغاز می شود، و در آخر اسفند یعنی در ۲۰ مارس به پایان میرسد. در این رای دادگاه برای تاریخ ها از تقویم غربی استفاده می شود و در صورت لزوم معادل تقویم ایرانی در داخل پرانتز می آید.

وقایع مورد بحث در این پرونده در تابستان ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) رخ داده است. بند اول کیفرخواست مربوط به دوره ۳۰ ژوئیه تا ۱۶ اوت ۱۹۸۸ (۸ تا ۲۵ مرداد ۱۳۶۷) است. بند دوم کیفرخواست مربوط است به ۲۷ اوت تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ (۵ تا ۱۵ شهریور ۱۳۶۷)

۱. فروردین	21 مارس - 20 آوریل
۲. اردیبهشت	21 آوریل - 21 مه
۳. خرداد	22 مه - 21 ژوئن
۴. تیر	22 ژوئن - 22 ژوئیه
۵. مرداد	23 ژوئیه - 22 اوت
۶. شهریور	23 اوت - 22 سپتامبر
۷. مهر	23 سپتامبر - 22 اکتبر
۸. آبان	23 اکتبر - 21 نوامبر
۹. آذر	22 نوامبر - 21 دسامبر
۱۰. دی	22 دسامبر - 20 ژانویه
۱۱. بهمن	21 ژانویه - 19 فوریه
۱۲. اسفند	20 فوریه - 20 مارس

تصویر ۲.

نظام سیاسی کنونی ایران پس از انقلاب ۱۹۷۹ برقرار شد و به معنای تحقق یک دولت اسلامی دینی است که در آن روحانیت قدرت تعیین کننده را در دست دارد. زیربنای این نظریه سیاسی از دهه ۱۹۶۰ توسط آیت الله روح الله موسوی خمینی ارایه شده بود، و تشکیل شده از یک نظام مرجعیت سنتی شیعی که در آن ایده حکومت مردمی با برداشتی از اسلام که در آن فقیهان هدایت جامعه را بدست دارند پیوند خورده است.¹

از طریق انتخابات منظم، نخست وزیر و رئیس جمهور منصوب می شوند. با این حال، آنها در نهایت تابع ولی فقیه هستند که رئیس دولت و فرمانده کل قوا و

¹ David Thurfjell, Yttrande om den historiska och religiösa bakgrunden till vågen av avrättningar i Iran 1988, protokollbilaga H1, s. 25.

همزمان دارنده قدرت تصمیم‌گیری بر قوه مجریه، مقننه و قضاییه در کشور است. آیت‌الله خمینی که اولین رهبر بعد از انقلاب بود، آنچه را که از آن به عنوان "ولایت مطلقه فقیه" یاد می‌شود نمایندگی می‌کرد. بر اساس آن آموزه، ولی فقیه به عنوان نایب امام غایب مهدی تلقی می‌شود که دشمنان او، دشمنان خدا هستند. هر کس طرف او باشد طرف خدا را می‌گیرد، در این نظام، مردم وظیفه دارند از ولی فقیه که اختیارات تقریباً نامحدودی دارد، اطاعت کنند.²

نظام حقوقی قدیم پس از انقلاب کنار گذاشته شد و نظام حقوقی جدیدی بر اساس تفسیری از اسلام به عنوان مبنای حقوقی به منظور اسلامی کردن جامعه مطابق با بینش انقلابی معرفی شد. ولی فقیه، مسئول قوه قضاییه را تعیین می‌کند که به نوبه خود قضات را منصوب می‌کند که باید هم در قوانین اسلامی و هم قوانین خاص ایران آموزش دیده باشند.

علاوه بر سیستم دادگاه‌های عادی، از ۱۷ ژوئن ۱۹۷۹ دادگاه‌های انقلاب نیز وجود دارد. آنها تحت نفوذ مستقیم سپاه پاسداران و در نتیجه ولی فقیه هستند. دادگاه‌ها به پرونده‌هایی رسیدگی می‌کنند که مربوط به امنیت ملی است و اغلب ماهیت سیاسی دارند. اینها جرایمی هستند که با هدف مقابله با انقلاب انجام می‌شوند.

از زمان انقلاب تاکنون آزادی‌ها و حقوق سیاسی و مذهبی ناقص در ایران حاکم بوده است. احزاب سیاسی به معنای غربی وجود ندارند. امکان برپایی گردهمایی‌ها و تظاهرات به شدت محدود است. هر کس از رژیم انتقاد کند یا در تظاهرات غیرمجاز شرکت کند، می‌تواند به جرایم علیه امنیت ملی محکوم شود. هر کس که از اسلام روی گرداند و تغییر مذهب داد یا خود را خدا نشناس اعلام کرد، مجازات اعدام او را تهدید می‌کند.³

علاوه بر این، کاستی‌های گسترده‌ای در زمینه امنیت حقوقی در سیستم قضایی وجود دارد. دادگاه‌ها از نظر سیاسی مستقل نیستند. افراد بدون اطلاع از آنچه بدان متهم هستند بازداشت می‌شوند. محاکمات در دادگاه‌های انقلاب که

² Ibid. s. 23.

³ Utrikesdepartementet, Mänskliga rättigheter, demokrati och rättsstatens principer i Iran 2015 2016, protokollbilaga J2, s. 2 ff. och 9.

بطور معمول پشت درهای بسته برگزار می شود، می تواند محاکماتی سرسری و بدون بررسی دقیق باشد که منجر به مجازات اعدام و دیگر مجازات های شدید شود. همچنین فرجام خواهی از رای دادگاه ها مشکل است. دسترسی محدود به وکلای مدافع وجود دارد و محکوم همیشه از حقوق خود یا محتوای حکم مطلع نمی شود. دادن عناوین کلی به جرایم مانند «جنگ با خدا یا محاربه» و «انتشار فساد به روی زمین یا افساد فی الارض» به هر قاضی این امکان را می دهد که به روش خود آن جرایم را تفسیر کند و این کار به نامی قضایی و بلا تکلیفی حقوقی کمک می کند. عادی ترین نوع اعدام ها به دار کشیدن افراد است و البته مقامات ایرانی هیچ آماری از تعداد اعدام ها منتشر نمی کنند.⁴

شرایط در زندان های ایران برای زندانیان با ازدحام بیش از حد، بهداشت نامناسب و مواد غذایی ناکافی، بد است. زندانیان سیاسی اغلب در کنار مجرمان عادی قرار می گیرند و همچنین می توانند برای مدت طولانی در سلول انفرادی نگهداری شوند.⁵

مبارزه برای قدرت پس از انقلاب

پس از سرنگونی شاه در ژانویه ۱۹۷۹، جنگ قدرت بین گروه های انقلابی آغاز شد. آیت الله خمینی و پیروانش در حزب حاکم انقلاب اسلامی در مقابل گروه های چپ منتقد رژیم مانند حزب توده، پیکار و فداییان و همچنین مجاهدین خلق ایران (مجاهدین) قرار گرفتند.

اسلام گرایان در برخی از ایده های سوسیالیسم مشترک بودند، اما در اساس به شدت از برداشت ماتریالیستی آن از واقعیت انتقاد داشتند. آنها در عوض برای وجود یک جوهر غیر مادی در جهان استدلال می کردند و ادعا می کردند که انکار این جوهر از جانب سوسیالیسم هرگز نمی تواند به حقیقت منجر شود. مجاهدین به نوبه خود ترکیبی از اسلام گرایی، ناسیونالیسم و سوسیالیسم بودند و پس از انقلاب از حمایت گسترده ای در میان دانش آموزان دبیرستانی و دانشجویان در شهرهای بزرگ برخوردار بودند.

اختلاف آنان با آیت الله خمینی، از جمله، از نقش فقها در اسلام تشکیل می شد. مجاهدین به احتمال بهترین سازمان توده ای سازمان یافته را تشکیل می دادند که زیر فرمان آیت الله خمینی نبود

⁴ Ibid. s. 2 ff.

⁵ Ibid. s. 6.

و گروهی از منتقدان رژیم بودند که در مسیر خشن ترین برخورد با آن قرار گرفتند.⁶

در ۲۴ مه ۱۹۷۹ آیت الله خمینی اعلام کرد که همه کسانی که از اسلام منحرف شدند دشمنان انقلاب هستند، این گفته در اواخر تابستان همان سال با ممنوعیت تظاهرات و دولتی شدن رسانه ها دنبال شد.⁷ رژیم همچنین سیستم موسوم به "کمیته" را پایه گذاری کرد که متشکل از کمیته های انقلابی با اختیارات تعریف شده ی مبهم بود که در هر محله مسکونی ایجاد شد. اینها یک دستگاه شستشوی مغزی و انضباط گسترده در جامعه ایجاد کردند و در کنار رسانه های دولتی و مساجد برای کنترل جمعیت در سطح محلی و برای تضعیف همه گروه های سیاسی خارج از دایره اسلامی مورد استفاده قرار گرفتند. کمیته ها همچنین خبر چینی و لو دهی را تشویق می کردند، ابتدا برای یافتن سلطنت طلبان، و بعد برای یافتن حامیان گروه های غیر اسلامی.⁸

دادستان کل ایران در ۸ آوریل ۱۹۸۱ کلبه جلسات و تجمعات سیاسی را که بدون مجوز برگزار می شود غیرقانونی اعلام کرد. علاوه بر این، روزنامه ها و سایر مطالب چاپی نیز مجاز به انتشار بدون مجوز نبودند. این محدودیت ها بر اساس قطعنامه ای که به طور محرمانه توسط مقامات دولتی و مقامات دادستانی تصویب شد، اعمال شد. از آن قطعنامه این نتیجه گرفته شد که همه اعضای سازمان هایی که به عنوان متخاصم فعال طبقه بندی می شوند باید دستگیر، محاکمه و به شدیدترین مجازات محکوم شوند. همچنین مقرر شد تمامی هوادارانی که به توزیع روزنامه و اعلامیه می پرداختند و یا به نحوی به نفع این گروه ها فعالیت می کردند، دستگیر و به منظور ارشاد، مجازات شوند. این قطعنامه به سرکوب گسترده گروه های مخالف و افرادی که به نحوی با این گروه ها در ارتباط بودند، انجامید و به موجب آن صدها نفر از مخالفان سیاسی توسط مقامات رژیم دستگیر شدند.⁹

⁶ Thurfjell, s. 29.

⁷ Geoffrey Robertson QC, Appendix A: Brief Chronology: The Massacre of Political Prisoners in Iran, 1988, protokollbilaga J1 s. 1148

⁸ Rouzbeh Parsi, Utlåtande angående den politiska situationen i Iran under 1979 1988, protokollbilaga H1, s. 6 f. och Thurfjell, s. 23 ff.

⁹ Amnesty International, Blood-Soaked Secrets Why Iran's 1988 prison massacres are ongoing crimes against humanity, MDE 13/9421/2018, protokollbilaga J1, s. 461.

یک درگیری که در سال ۱۹۸۱ میان رییس جمهور به نسبت سکولار ابوالحسن بنی صدر و آیت الله خمینی با حزب **جمهوری اسلامی** به وجود آمد، به نبردهای خیابانی منظم و موج جدیدی از وحشت علیه مخالفان انجامید. دلیل آن این بود که بنی صدر در پی کسب حمایت مجاهدین که خطرناک ترین رقیب انقلابی اسلام گرایان بودند، برآمده بود. تظاهرات گسترده سازمان مجاهدین در ژوئن ۱۹۸۱ در حمایت از بنی صدر توسط نیروهای امنیتی سرکوب شد که منجر به زخمی و کشته شدن تعدادی شد. بنی صدر از ریاست جمهوری خلع شد و سپس به همراه رهبر مجاهدین مسعود رجوی به پاریس گریخت.

مجاهدین سپس یک بمب گذاری علیه رژیم ترتیب دادند. در ۲۸ ژوئن ۱۹۸۱ بمبی در مقر حزب **جمهوری اسلامی** منفجر شد و 74 تن از مقامات ارشد از جمله برخی از نزدیکترین یاران آیت الله خمینی کشته شدند. در ۳۰ اوت ۱۹۸۱ افراد دیگری از جمله محمدعلی رجایی رییس جمهور و محمد جواد با هنر نخست وزیر در اثر انفجاری که در یک ساختمان دولتی در تهران صورت گرفت کشته شدند.¹⁰ مدتی بعد، مجاهدین به عنوان یک سازمان تروریستی توسط اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا شناخته شدند.

پاسخ رژیم دستگیری های گسترده و اعدام مخالفان در جامعه بود. برخی از بازداشت شدگان در این خشونت ها دست داشتند، اما افرادی نیز به دلیل فعالیت های سیاسی مسالمت آمیزشان، مانند توزیع اعلامیه ها و روزنامه ها یا شرکت در تظاهرات، یا در برخی موارد تنها به این دلیل که می شد آنان را با افرادی که مخالف سیستم بودند مربوط کرد دستگیر می شدند.

هزاران نفر در دادگاه های انقلاب پس از محاکماتی سرسری و بدون دسترسی به وکیل مدافع به حبس های طولانی مدت یا اعدام محکوم شدند. اکثریت این افراد از اعضای مجاهدین بودند، اما اقدامات رژیم شامل حامیان گروه های چپ و سایر سازمان های سیاسی نیز می شد. تعداد زیادی از محکومان، زندانیان عقیدتی بودند که تنها به دلیل فعالیت های سیاسی یا مذهبی غیر خشونت آمیز زندانی شده بودند.¹¹

¹⁰ Ibid. s. 462.

¹¹ Ibid. s. 459 ff.

درگیری مسلحانه با عراق

در سپتامبر ۱۹۸۰ عراق به ایران هجوم برد که آغاز جنگ میان دو کشور شد. نقشه عراق حمله در زمانی بود که انقلاب ایران و قدرت مرکزی در تهران و نیز ارتش مجهز ایران به شدت تضعیف شده بودند. صدام حسین امیدوار بود که پس از یک عملیات کوتاه مدت بتواند از ایران تضعیف شده امتیاز بگیرد، اما در عوض جنگ بیش از هشت سال طول کشید و خسارات هنگفتی به دو طرف وارد کرد.

موقعیت صدام حسین با پیشرفت جنگ بدتر شد. در رابطه با اخراج مسعود رجوی رهبر سیاسی مجاهدین و سازمان مجاهدین از فرانسه در ژوئن ۱۹۸۶، صدام حسین به آن سازمان اجازه داد تا یک اردوگاه مسلحانه در عراق ایجاد کند. این اردوگاه اشرف نام داشت و تحت حفاظت صدام حسین در شمال شرقی بغداد قرار گرفت. مجاهدین سپس در ژوئن ۱۹۸۷ تشکیل شاخه نظامی خود را اعلام کردند؛ ارتش آزادی بخش ملی ایران که هدفش سرنگونی رژیم اسلامی بود.

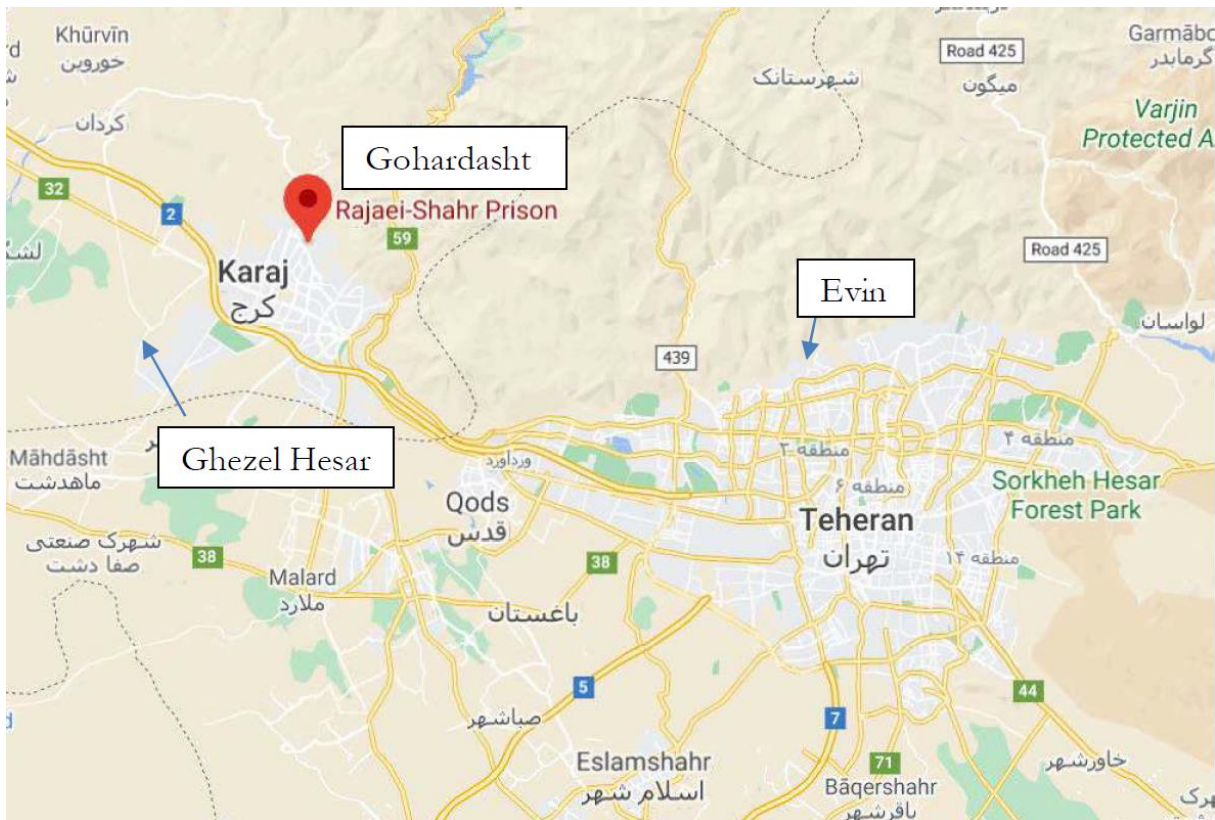
در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۵۹۸ را در مورد آتش بس میان عراق و ایران تصویب کرد. اما این به معنای پایان جنگ نبود. صدام حسین می خواست برتری خود را قبل از مذاکرات صلح قریب الوقوع نشان دهد که در نتیجه آن ارتش عراق حملات تهاجمی خود را در سراسر جبهه آغاز کرد.

عملیاتی به نام فروغ جاویدان در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ توسط عراق به همراه شاخه مسلح مجاهدین آغاز شد. هدف آن تصرف شهر کرمانشاه در قسمت مرکزی جبهه بود که توسط حدود ۷۰۰۰ سرباز مجاهد با پشتیبانی نیروی هوایی عراق انجام شد. هدف رسیدن به تهران و سرنگونی رژیم اسلامی با تشویق توده ها بود. با این وجود، تهاجم توسط نیروهای ایرانی در یک حمله متقابل متوقف و منجر به نابودی تقریباً کامل شاخه نظامی مجاهدین شد.

تعداد معدودی از رزمندگانی که جان سالم به در بردند در ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۸ به عراق بازگشتند. آتش بس پس از آن در ۲۰ اوت ۱۹۸۸ اجرا شد.¹²

اعدام زندانیان در زندانهای تهران و کرج در سال ۱۹۸۸

در ایران در سال ۱۹۸۸ دستکم ۲۰ زندان از جمله در تهران و کرج وجود داشت که زندانیان سیاسی در آنجا جا داده شده بودند. اوین بزرگترین زندان تهران بود. زندانهای رجایی شهر (از این پس گوهردشت) و قزل حصار به فاصله کمتر از یک ساعت با اتومبیل از تهران و در کرج قرار داشتند، اما از اوین اداره می شدند. در این زندان ها زندانیان سیاسی و زندانیان عادی بسر می بردند. جابجایی زندانیان بین زندان ها رایج بود. در زندان ها نمایندگانی از نهاد های انقلابی مانند دادگاه انقلاب و دادستانی انقلاب تهران حضور داشتند.



تصویر ۳.

¹² Parsi, s.2 ff.

در اواخر ژوئیه ۱۹۸۸ هزاران نفر از ناراضیان سیاسی در زندان‌های سراسر ایران ناپدید شدند. تعداد زیادی از آنها زندانیان عقیدتی یاد شده در بالا بودند که در این زمان هنوز در زندان بودند. بیشتر آنها هواداران مجاهدین و فعالان چپ سکولار بودند. خانواده‌هایی که از زندان بازدید می‌کردند دیگر اجازه ملاقات با بستگان خود را نداشتند. ماه‌ها هیچ خبری از آنچه در حال وقوع بود دریافت نکردند.¹³

از اسناد علنی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۸ دسامبر ۱۹۸۸، چنین بر می‌آید که نماینده ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران به اطلاعاتی دسترسی داشته که نشان می‌دهد موجی از اعدام‌ها در دوره ژوئیه تا سپتامبر ۱۹۸۸ رخ داده است و تعداد زیادی از مردم به دلیل اعتقادات سیاسی شان کشته شده‌اند.¹⁴

عفو بین‌الملل در گزارش سال ۱۹۸۸ خود گزارش داد که به نظر می‌رسد حمله مجاهدین به ایران در ژوئیه ۱۹۸۸ منجر به کشته شدن بسیاری از مخالفان در زندان‌های ایران شده است. علاوه بر این، با این شرط که رقم صحیح به احتمال به طور قابل توجهی بالاتر باشد، بیان شد که بیم آن می‌رود که بیش از 1200 زندانی سیاسی از اواخر ژوئیه تا دسامبر ۱۹۸۸ اعدام شده باشند.¹⁵

شکایت علیه حمید نوری

ایرج مصداقی در دهه ۱۹۸۰ در ایران زندانی سیاسی بود. وی به دلیل ارتباط با مجاهدین به زندان افتاد و پس از آزادی چندین مقاله و کتاب در مورد زندانی شدن خود نوشت. او در مقالاتی که در سال ۱۹۹۶ منتشر کرد درباره حمید عباسی دستیار معاون دادستان گوهردشت نوشت. او در کتابی که در سال ۲۰۰۶ منتشر شد، دوباره اطلاعاتی درباره این دستیار گزارش کرد و در این زمینه از او با نام «حمید نوری (عباسی)» نام برد. این اسامی را سایر زندانیان آزاد شده نیز در گزارشی از آنچه در این سال‌ها در زندان‌های ایران تجربه کرده‌اند ذکر کرده‌اند.

¹³ Amnesty International, Blood-Soaked Secrets, s. 469.

¹⁴ UN General Assembly, Situation of human rights in the Islamic republic of Iran: resolution /adopted by the General Assembly, 8 December 1988, A/RES/43/137, protokollbilaga J2, s. 155 f.

¹⁵ Amnesty International, Årsrapport 1989 för perioden januari december 1988 (Iran), protokollbilaga J2, s. 23 ff.

در اکتبر ۲۰۱۹ فردی ناشناس با ایرج مصداقی تماس گرفت که آنچه را که ایرج مصداقی در مورد دوران حضورش در زندان های ایران نوشته بود خوانده بود. این فرد تصویر مردی را نشان داد که ایرج مصداقی او را حمید عباسی در گوهردشت تشخیص داد. فرستنده هرش صادق ایوب Heres Sadeghayob بود که در سوئد زندگی می کرد و با زنی که مرد تصویر، حمید نوری، او را دختر خود می داند ازدواج کرده بود. حمید نوری به دلیل مشکلات زناشویی میان زن و شوهر در دو نوبت برای میانجیگری با این خانواده دیدار کرده بود. هرش صادق ایوب گفته است که حمید نوری ویزیای شنگن گرفته و دوباره می خواهد به سوئد سفر کند.

ایرج مصداقی با کاوه موسوی، رییس سابق برنامه حقوق بشر در دانشگاه آکسفورد که با او در ۱۰ مه ۲۰۱۰ در یک سمپوزیوم به مناسبت گزارش جفری رابرتسون درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران در سال ۱۹۸۸ ملاقات کرده بود، تماس گرفت. کاوه موسوی نیز به نوبه خود با شرکت حقوقی McCue & Partners LLP تماس گرفت و بدنبال آن جلسات مختلفی در لندن برگزار شد.

در تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۱۹ وکیل دعاوی یوران یالمارسون به نمایندگی از McCue & Partners LLP، ایرج مصداقی، مسعود اشرف سمنانی و حمید اشتری شکایتی علیه حمید نوری مظنون به از جمله ارتکاب جنایت جنگی در گوهردشت در تابستان ۱۹۸۸ تسلیم پلیس کرد. این شکایت حاوی شهادت کتبی شاهدان نام برده در بالا و نیز اطلاعاتی در مورد زمان ورود حمید نوری به سوئد بود.

حمید نوری در غیاب خود در تاریخ ۸ نوامبر ۲۰۱۹ بازداشت شد. او در ۹ نوامبر ۲۰۱۹ هنگامی که هواپیمایش در فرودگاه آرلندا به زمین نشست دستگیر شد. حمید نوری بر پایه شواهد و ادله کافی از ۱۳ نوامبر ۲۰۱۹ مظنون به انجام جرایم مربوط به حقوق بین الملل، جرایم سنگین و ارتکاب قتل بین ۲۸ ژوئیه ۱۹۸۸ تا ۳۱ اوت ۱۹۸۸ در کرج، تهران، ایران در بازداشت به سر می برد.

شرایط دادرسی برای کیفرخواست

بر پایه بند ۶ از ماده ۳ از فصل ۲ قانون کیفری در نسخه ی قبل از ۱ ژانویه ۲۰۲۲ اگر سوئد از طریق کنوانسیون های بین المللی ملزم است که صلاحیت قضایی خود را اعمال کند، دادرسی برای جرایمی که خارج از قلمرو سوئد صورت

گرفته بر پایه قوانین سوئد و در دادگاه سوئدی انجام خواهد شد. جرایم ذکر شده در این ماده بطور کلی تنها پایه در حقوق بین الملل دارد.

علاوه بر این در بند ۷ از ماده ۵ از فصل ۲ قانون کیفری در نسخه قبل از ۱ ژانویه ۲۰۲۲ آمده است که فردی بر پایه قوانین سوئد و در دادگاه سوئدی برای جرایمی که در خارج از قلمرو سوئد انجام شده محکوم می شود که سبک ترین مجازات برای آن جرم در قوانین سوئد چهار سال زندان یا بیشتر باشد. برای قتل کمترین مجازات ده سال زندان است.

بر پایه بند دوم از ماده ۵ از فصل ۲ قانون کیفری در نسخه قبل از ۱ ژانویه ۲۰۲۲ طرح اتهام درباره جرایم صورت گرفته همانند آنچه که اکنون در این پرونده درباره ایران در مرکز توجه است، مستلزم صدور دستور از جانب دولت است. دولت طی تصمیمی در تاریخ ۲۲ دسامبر ۲۰۲۰ چنین دستوری را علیه حمید نوری به دلیل ارتکاب جرایم مربوط به حقوق بین الملل، جرایم سنگین و قتل های ارتکابی بین ژوئیه تا سپتامبر ۱۹۸۸ در کرج در ایران صادر کرد. پس از آن، دولت همچنین تصمیم گرفت که دادگاه بدوی استکهلم دادگاه صالح برای این پرونده است.

دادگاه بدوی به صورت رسمی خود را صالح به قضاوت در مورد جرایم تشخیص داده و احضاریه ای را برای پاسخگویی متهم به کیفرخواست صادر کرده است. در آخرین مرحله از جلسه اصلی دادرسی، وکلای مدافع درخواست رد کیفرخواست را به طور کلی یا جزئی به دلیل فقدان صلاحیت دادگاه سوئدی برای قضاوت در مورد جرایم دادند، نگاه کنید به بخش درخواست ها و غیره و دلایل رای دادگاه.

درخواست ها و غیره

مسئولیت کیفری

دادستان خواستار محکومیت حمید نوری به ارتکاب جرایم مربوط به حقوق بین الملل، جرایم سنگین و قتل با توجه به شرح جرم و استناد قانونی در زیر شده است.

۱. جرایم مربوط به حقوق بین الملل، جرایم سنگین

بین سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ یک درگیری مسلحانه بین المللی بین ایران و عراق رخ داد. در مرحله پایانی درگیری مسلحانه، ایران در چندین نوبت از جمله در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ توسط یک شاخه مسلح سازمان سیاسی مجاهدین خلق ایران (مجاهدین) مورد حمله قرار گرفت که به موجب آن مجاهدین بخشی از درگیری مسلحانه بین المللی شدند. این حملات از خاک عراق و با پشتیبانی و همکاری ارتش عراق انجام شد.

در صورتی که اقدامات مجاهدین طبق بند بالا جزء بخشی از درگیری های مسلحانه بین المللی میان ایران و عراق در بهار و تابستان ۱۹۸۸ شمرده نشود، در کنار درگیری بین ایران و عراق، یک درگیری مسلحانه غیر بین المللی نیز میان دولت ایران و مجاهدین وجود داشته است.

رهبر ایران، آیت الله خمینی، عمدتاً در واکنش به حمله ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸، اندکی پس از آن فتوا/ دستوری صادر کرد که تمامی زندانیان در زندان های ایران که به مجاهدین تعلق داشتند/ هوادار آنها بوده و به عقاید خود مومن/ وفادار بودند می باید اعدام شوند.

اندکی بعد، اعدام های دسته جمعی اعضا/ هواداران مجاهدین که در زندان های ایران زندانی بودند، آغاز شد.

حمید نوری در دوره ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۸ تا ۱۶ اوت ۱۹۸۸ در زندان گوهردشت (رجایی شهر) کرج به عنوان دستیار معاون دادستان یا در سمت/ نقش مشابه دیگری، با هم فکری/ مشورت با سایر مجرمان بطور عمد، جان تعداد بسیار زیادی از زندانیان را که به مجاهدین تعلق داشتند/ هوادار آنها بودند را (از جمله افراد ذکر شده در پیوست A) گرفت.

مشارکت حمید نوری در این اعدام ها به این معناست که او به طور مشترک و با هم فکری/ مشورت با سایرین در کار سازماندهی و اجرای این اعدام ها شرکت می کرد و از جمله، انتخاب می کرد که کدام زندانی در برابر یک کمیسیون (کمیته) دادگاه مانند قرار بگیرد. آن کمیسیون بر پایه فتوا/ دستور ماموریت داشت در مورد اینکه کدام زندانی باید اعدام شود، تصمیم گیری کند. حمید نوری این زندانیان را به دالانی که به اصطلاح راهروی مرگ نامیده میشد می برد و نگاهی از آنها را در آنجا بر عهده می گرفت، نام کسانی را که قرار بود در برابر کمیته حاضر شوند می خواند، آنان را به نزد کمیته می برد، اطلاعات کتبی/ شفاهی در مورد زندانیان به کمیته ارایه می کرد، اسامی زندانیانی که قرار بود اعدام شوند را می خواند، به زندانیان دستور میداد تا برای رفتن به محل اعدام صف بکشند و پس از آن زندانیان را به آنجا می برد تا

با دار زدن آنان از حیات خود محروم شوند. خود حمید نوری نیز در مواردی در این اعدام ها حضور و در آن ها شرکت داشته است.

حمید نوری نیز در سمت دستیار معاون دادستان یا در سمت/نقش مشابه دیگری در زندان گوهردشت با همراهی و هم فکری/مشورت دیگر کارکنان ارشد از سایر عوامل زندان میخواست و یا به آنان دستور می داد تا با کمک به وی و دیگر کارکنان ارشد زندان در اعدام ها شرکت کنند و احکام اعدام را به اجرا گذارند.

در هر صورت، حمید نوری به اتفاق و با هم فکری/مشاوره با سایر عوامل زندان و به شیوه شرح داده شده در بالا، مجازات اعدام تعیین شده توسط کمیته را که پس از رویه ای صادر می شد که شرایط اولیه یک دادرسی عادلانه را بر پایه حقوق انسانی بین المللی برآورده نمی ساخت اجرا می کردند.

همچنین حمید نوری در سمت معاونت دادستان یا در سمت/نقش مشابه دیگری در همان مدت و در همانجا با همراهی و با هم فکری/مشاوره با سایر عوامل زندان باعث رنج شدید تعداد بسیار زیادی از زندانیان که اعضا / هواداران مجاهدین بودند (از جمله افراد ذکر شده در پیوست A و B) شد.

او این کار را با ایجاد ترس شدید از مرگ در زندانیان، که شکنجه محسوب شده و عملی غیر انسانی است می کرد به این ترتیب که زندانیان را به کمیته می برد و یا آنان را در انتظار برای رفتن به کمیته و یا انتظار اعلام تصمیم کمیته به راهروی مرگ هدایت میکرد و نیز در مواردی زندانیان را به محل اعدام ها می برد و آنان را آماده برای اعدام شدن می کرد.

همدستی حمید نوری در این شکنجه و رفتار غیرانسانی این است که وی به طور مشترک و با هم فکری/مشاوره با دیگران، زندانیان را برای معرفی به کمیته ای که تصمیم می گرفت کدام زندانی اعدام شود، انتخاب می کرد. آنان را به راهروی مرگ می برد، به آنان دستور میداد که در آنجا بنشینند - اغلب به مدت چندین ساعت - و منتظر بمانند، از آنان نگرهبانی می کرد، نام کسانی را که باید به کمیته برده می شدند می خواند و آنان را به کمیته می برد، اسامی زندانیانی را که قرار بود به محل اعدام ها برده شوند می خواند، به زندانیان دستور می داد که صف بکشند تا او آنان را به محل اعدام ها ببرد و هم اینکه زندانیان را تا محل اعدام ها همراهی می کرد.

حمید نوری همچنین در سمت معاونت دادستان یا در سمت/نقش مشابه دیگری در زندان گوهردشت با همراهی و با هم فکری/مشاوره با سایر کارکنان ارشد از سایر عوامل زندان میخواست و یا به آنان دستور می داد تا در شکنجه دادن ها و رفتار غیر انسانی از راه کمک به او و سایر کارکنان ارشد زندان در اقداماتشان و مطابق با آنچه در بالا آمد شرکت کنند.

در هر صورت، حمید نوری باید شریک جرم تلقی شود، زیرا وی با تمام اعمالی که در بالا گفته شد کشتار به عمد و شکنجه و رفتار غیرانسانی را در گفتار و کردار دامن زده است.

این اعمال خلاف در وهله اول، خواسته می شود که به عنوان بخشی از درگیری مسلحانه بین المللی بین ایران و عراق یا در ارتباط با آن انجام شده است در نظر گرفته شود.

به این ترتیب حمید نوری از طریق اقدامات گفته شده که هدف آن غیرنظامیانی بود که بر اساس کنوانسیون چهارم ژنو یا اصول عمومی پذیرفته شده ی مربوط به مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل از حمایت ویژه برخوردارند، ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو در مقایسه با ماده ۷۵ و ماده ۸۵ از پروتکل الحاقی I و همچنین اصول عمومی پذیرفته شده ی مربوط به مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل را بطور جدی زیر پا گذاشته است.

در وهله دوم خواسته می شود که این اعمال خلاف به عنوان بخشی از یک درگیری مسلحانه غیر بین المللی که میان ایران و مجاهدین یا مرتبط با آن انجام شده است دیده شود.

به این ترتیب حمید نوری از طریق اقدامات گفته شده مرتکب نقض جدی ماده ۳ مشترک کنوانسیون چهارم ژنو و همچنین اصول عمومی پذیرفته شده ی مربوط به مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل شده است.

جرایم مربوط به حقوق بین الملل را باید جدی ارزیابی کرد، زیرا تعداد بسیار زیادی از افراد به روش های بسیار ظالمانه اعدام و شکنجه شدند و با آنها رفتار غیرانسانی صورت گرفت.

استناد قانونی

بند ۱ و ۲ از ماده ۶ از فصل ۲۲ قانون کیفری در نسخه قبل از ۱ ژوئیه ۱۹۹۵، ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو در مقایسه با ماده ۱، ۷۲، ۷۵ و نیز ماده ۸۵ پروتکل الحاقی I و در وهله دوم ماده ۳ کنوانسیون چهارم ژنو، و ماده ۱ از فصل ۳ قانون کیفری در نسخه قبل از ۱ ژوئیه ۲۰۰۹ به عنوان آلترناتیو برای قتل ها.

۲. قتل

رهبری مذهبی/سیاسی ایران مدتی قبل از ۲۷ اوت ۱۹۸۸ تصمیم گرفت که سایر زندانیان سیاسی در زندان های ایران نیز که هوادار گروه های مختلف چپ بودند و مسلمان معتقد نبودند/ پنداشته می شد که از دین اسلام خود دست کشیده اند نیز اعدام شوند.

حمید نوری طی مدت ۲۷ اوت ۱۹۸۸ تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ در زندان گوهردشت (رجایی شهر) کرج، در سمت دستیار معاونت دادستان یا در سمت/نقش مشابه دیگر، همراه و با توافق/مشاوره با سایر مرتکبان بطور عمد تعداد بسیار زیادی از زندانیان را که اعتقادات ایدئولوژیک/مذهبی آنها در تضاد با دولت دینی ایران بود (از جمله موارد ذکر شده در ضمیمه C) از حق حیات محروم کرد.

مشارکت حمید نوری در این اعدام ها به این معناست که او به طور مشترک و با هم فکری/مشورت با سایرین در کار سازماندهی و اجرای این اعدام ها شرکت می کرد و از جمله، انتخاب می کرد که کدام زندانی در برابر یک کمیسیون (کمیته) دادگاه مانند قرار بگیرد. آن کمیسیون در مورد اینکه کدام زندانی باید اعدام شود، تصمیم گیری می کرد. حمید نوری این زندانیان را به دلالتی که به اصطلاح راهروی مرگ نامیده می شد می برد و نگاهی از آنها را در آنجا بر عهده می گرفت، نام کسانی را که قرار بود در برابر کمیته حاضر شوند می خواند، آنان را به نزد کمیته می برد، اطلاعات کتبی/شفاهی در مورد زندانیان به کمیته ارائه می کرد، اسامی زندانیانی که قرار بود اعدام شوند را می خواند، به زندانیان دستور میداد تا برای رفتن به محل اعدام صف بکشند و پس از آن زندانیان را به آنجا می برد تا به دار آویخته شوند

حمید نوری همچنین در سمت دستیار معاون دادستان یا در سمت/نقش مشابه دیگری در زندان گوهردشت با همراهی و با تفاهم/مشاوره با سایر کارکنان ارشد از سایر عاملان دعوت کرد و دستور داد تا به وی و دیگر کارکنان ارشد در اقداماتشان آنگونه که در بالا شرح داده شد کمک و نیز در اجرای اعدام ها شرکت کنند.

در هر صورت، حمید نوری با همراهی و با تفاهم/مشاوره با سایر مرتکبین با رویه ای که در بالا شرح داده شد، مجازات اعدام تعیین شده توسط کمیته را طبق روشی اجرا کردند که شرایط اولیه یک دادرسی عادلانه را برآورده نمی کرد.

در وهله دوم خواسته می شود که حمید نوری بعنوان همدست تلقی شود، زیرا او با اعمال خلاف گفته شده در بالا، در گفتار و کردار به قتلها دامن زده است.

استناد قانونی

ماده ۱ از فصل ۳ قانون کیفری در نسخه قبل از ۱ ژوئیه ۲۰۰۹ آن.

پیوست های A-C دعوا را می توان در ضمیمه ۱ دادنامه یافت.

توقیف و اخراج

علاوه بر آن دادستان برای حمید نوری تقاضای ضبط مدرک جرم و اخراج او را به شرح زیر ارایه کرده است.

۱. تقاضا می شود تلفن همراه حمید نوری تا قطعی شدن حکم در توقیف باقی بماند و سپس رفع توقیف شود. (شماره توقیف 2019-5000-Bg123625 p.1)

۲. درخواست می شود حمید نوری بر پایه ماده ۱ از فصل ۸a قانون اتباع بیگانه (۲۰۰۵:۷۱۶) با ممنوعیت بازگشت، از کشور اخراج شود.

پرداخت خسارت

همه شاکیان به دادستانی در تهیه کیفرخواست کمک کرده اند. البته شاکیان علی اکبر بندلی، محمد زند، خدیجه برهانی و حسین سید احمدی اعلام کرده اند که آنها با نظر دادستان مبنی بر اینکه مبارزه مسلحانه مجاهدین علیه رژیم در ایران بخشی از درگیری مسلحانه بین المللی بین عراق و ایران بوده است، موافق نیستند. آنها در عوض استدلال می کنند که یک درگیری مسلحانه غیر بین المللی بین ایران و مجاهدین وجود داشته است که

از سال ۱۹۸۱ شروع شده است. همه شاکیان درخواست کرده اند که حمید نوری باید پرداخت خسارت خود را با در نظر گرفتن قوانین ایران و برپایه نمونه قضایی دادگاه عالی سوئد به شماره NJA 1969 صفحه ۱۶۳ به شرح زیر پرداخت کند:

بند ۱ کیفرخواست

شاکیان ایرج مصداقی، مسعود اشرف سمنانی، مهدی برجسته گرمرویی، همایون کاویانی، محسن اسحاقی، سیامک نادری، فریدون نجفی آریا، احمد ابراهیمی، رضا فلاحی، اکبر صمدی، محمود رویایی، مهدی اسحاقی، علی ذوالفقاری، مجید جمشیدیت، حسن گلزاری، رمضان فتیحی، نصرالله مرنندی، اصغر مهدی زاده، مجید صاحب جم اتابکی، حسین فارسی، مختار بروجردی **شلالوند**، مهناز میمنت، مهری حاجی نژاد، سید جعفر میرمحمدی برنجستانکی، علی اکبر بندلی، محمد زند، خدیجه برهانی و حسین سید احمدی درخواست کرده اند حمید نوری به هر یک از آنها به کرون سوئد معادل 4.800.000.000 ریال ایران خسارت پرداخت کند. مبنای این درخواست این است که حمید نوری با این اقدام مجرمانه به آنها صدمات روحی وارد کرده است و طبق قوانین ایران موظف به پرداخت خسارت است. درخواست می شود پرداخت خسارت بر پایه ماده ۱ و ۳ قانون مسئولیت مدنی ایران مصوب ۱۹۶۰ و بند ۵ از ماده ۳ و ماده ۲۱۰ قانون دیه ایران مصوب ۱۹۸۲ اجرا شود. مبلغ درخواست به آنچه که در قوانین ایران به اصطلاح دیه کامل گفته می شود اشاره دارد. ارزش دیه در زمان پرداخت تعیین می شود، نه در زمان وقوع خسارت. ارزش دیه هر ساله در سال نو ایرانی و با تصمیم بانک مرکزی تعیین می شود. دیه کامل در ۲۰ مارس ۲۰۲۱ معادل ۴,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال ایران بود.

بند ۲ کیفرخواست

شاکیان سارا روزدار، صدیقه حاجی محسن، ویدا رستمعلی پور، لاله بازرگان، سولماز علیزاده و عصمت طالبی کلهران از حمید نوری خواسته اند تا خسارت هر یک از آنها را به کرون سوئد معادل ارزش چهار میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال ایران پرداخت کند. مبنای این درخواست این است که حمید نوری با آن اقدام مجرمانه به آنها صدمات روحی وارد کرده است و طبق قوانین ایران موظف به پرداخت خسارت است. درخواست می شود پرداخت خسارت بر پایه ماده ۱ و ۳ و قانون مسئولیت مدنی ایران مصوب ۱۹۶۰ و بند ۵ از ماده ۳ و ماده

۲۱۰ قانون دیه ایران مصوب ۱۹۸۲ اجرا شود. مبلغ درخواست به آنچه که در قوانین ایران به اصطلاح دیه کامل گفته می شود اشاره دارد. ارزش دیه در زمان پرداخت تعیین می شود، نه در زمان وقوع خسارت. ارزش دیه هر ساله در سال نو ایرانی و با تصمیم بانک مرکزی تعیین می شود. دیه کامل در ۲۰ مارس ۲۰۲۱ معادل ۴,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال ایران بود.

دیدگاه حمید نوری

مسئولیت کیفری، توقیف و اخراج

حمید نوری منکر آن اعمال خلاف شده و بر این اساس منکر مسئولیت کیفری جرایم در بند ۱ و ۲ کیفرخواست شده است و آنها را رد می کند. او اعتراضی به درخواست توقیف تلفن همراه خود بعنوان مدرک جرم ندارد. او درخواست اخراج را با استناد به دیدگاهش در بخش مسئولیت کیفری رد می کند.

با توجه به شرایط ادعا شده در شرح جرم در بند ۱ کیفرخواست، وی تایید کرده است که بین ایران و عراق درگیری مسلحانه بین المللی وجود داشته و در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ ایران مورد حمله مجاهدین قرار گرفته و این حمله از خاک عراق بوده است. او البته منکر اینست که این حمله بخشی از آن درگیری مسلحانه بین المللی میان ایران و عراق بوده زیرا آن حمله را به سختی می توان بخشی از یک درگیری مسلحانه از جنبه مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل بشمار آورد. آنچه اتفاق افتاد در چارچوب یک درگیری مسلحانه غیر بین المللی میان ایران و مجاهدین بود. او تایید می کند که رهبر ایران در آن زمان آیت الله خمینی بود. اما وی منکر فتوایی از سوی آیت الله خمینی به معنای آنچه دادستان ادعا می کند شده است. او همچنین نگفته است که اعدام اعضا یا هواداران مجاهدین که در زندان های ایران زندانی بودند، اندکی بعد آغاز شد. وی تاکید کرده است که ایران و عراق هر دو کنوانسیون چهارم ژنو را در سال ۱۹۸۸ تصویب کرده بودند اما تاکید کرده است که این کشورها عضو پروتکل الحاقی I نیستند. او نگفته است که ماده ۷۵ یا ماده ۸۵ پروتکل الحاقی I در آن زمان در سال ۱۹۸۸ از اصول پذیرفته شده ی مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل محسوب میشده است. در سایر موارد او تمامی ادعاهای مطرح شده در شرح جرم را رد کرده است.

وی تمامی موارد ادعایی در شرح جرم مربوط به بند ۲ کیفرخواست را رد کرده است.

پرداخت خسارت

حمید نوری پذیرفته است که قوانین ایران در ارزیابی خسارت قابل اعمال است. او با استناد به دیدگاهش در بخش مسئولیت کیفری ادعای خسارت را رد کرده است. او هیچ مبلغی را به طور مسلم معقول ندانسته است.

عدم پذیرش

حمید نوری در درخواست ۲۰ آوریل ۲۰۲۲ کیفرخواست را رد کرد، بخشی به دلیل اتهام برای جرایم مربوط به حقوق بین الملل، جرایم سنگین، اگر که دادگاه بدوی به این نتیجه برسد که درگیری مسلحانه ماهیت غیر بین المللی داشت و یا اگر این اعمال به عنوان قتل ارزیابی شود، و بخش دیگر به دلیل اتهام قتل. اساس درخواست او اینست که دادگاه سوئدی فاقد صلاحیت است و بطور کلی موارد زیر را بیان کرده است:

این پرونده هیچ ارتباطی با سوئد یا منافع سوئد ندارد. قوانین بین المللی محدودیت هایی را در مورد اینکه یک دولت تا چه حد می تواند صلاحیت خود را گسترش دهد تعیین می کند. هنگامی که یک دادگاه سوئدی اصل صلاحیت جهانی را اعمال می کند، باید از حمایت قوانین بین المللی برای صلاحیت خود برخوردار باشد. در درگیری های مسلحانه غیر بین المللی در سال ۱۹۸۸ هیچ حمایتی در قوانین بین المللی برای صلاحیت جهانی وجود ندارد. هیچ مسئولیت کیفری فردی طبق مقررات بشردوستانه حقوق بین الملل در آن نوع درگیری در سال ۱۹۸۸ وجود نداشت. همچنین در حقوق بین الملل هم هیچ حمایتی از وجود صلاحیت قضایی جهانی یا هر مبنای قضایی دیگری برای قتل هایی که اصلاً ارتباط بین المللی ندارند وجود ندارد.

دادستان به رد کیفرخواست ایراد گرفت و بطور کلی موارد زیر را بیان کرد:

هیچ محدودیتی در صلاحیت دادگاه سوئدی و اعمال قانون سوئد طبق قوانین بین المللی وجود ندارد که دادگاه بدوی را از استماع کیفرخواست مطرح شده باز بدارد. برای جرایم مربوط به حقوق بین الملل، جرایم سنگین، صلاحیت جهانی طبق قوانین بین المللی اعمال می شود. هیچ تفاوتی در کارهای مقدماتی برای تهیه کیفرخواست سوئدی در رابطه با

اینکه جرم در یک درگیری مسلحانه بین المللی یا غیر بین المللی انجام شده است گذاشته نشده است. با توجه به اتهام قتل، می توان اظهار داشت که سوئد منافی برای مورد پیگرد قرار دادن جرایم جدی دارد، حتی اگر بحث جرایم، مربوط به قوانین بین الملل نباشد، اما مرتکب جرم در سوئد باشد. حمید نوری به صورت داوطلبانه وارد کشور شده است. همچنین تاکید شده است که برخی از شاکیان نیز در سوئد اقامت دارند. بنابراین نمی توان قوانین بین الملل را چنان محدودیتی بشمار آورد که دادگاه با تکیه بر ماده ۱۲ از فصل ۲ قانون کیفری بخواهد تعقیب قتل را رد کند.

شاکیان پرونده به آنچه دادستان در بالا گفته است ملحق شده اند.

تحقیقات در پرونده

مدارک طرفین

دادستان

از حمید نوری در این پرونده بازپرسی شده است. علاوه بر این، ۶۰ نفر دیگر نیز بازپرسی شده اند. مشروح سؤالات در صورتجلسه جلسه اصلی قابل مشاهده است. ۳۴ نفر به عنوان شاکی مورد بازپرسی قرار گرفته اند که از این تعداد ۱۲ نفر به عنوان بستگان افراد لیست A و C کیفرخواست که گفته می شود اعدام شده اند بوده اند. به پیوست ۱ رای دادگاه مراجعه کنید. علاوه بر این ۲۶ نفر به عنوان شاهد در رابطه با بندهای ۱ و ۲ کیفرخواست بازپرسی شده اند. ۱۲ نفر دیگر نیز به دلیل آگاهی ویژه یا به دلیل آشنایی یا آگاهی های پر ارزش برای دادرسی بازپرسی شده اند.

مدارک کتبی گسترده ای توسط دادستان در این پرونده ارائه شده است. از جمله گزارش های وزارت امور خارجه و سازمان عفو بین الملل و سایر سازمان های بین المللی، مقالات، گزیده های از کتاب ها، اظهارات و نظرات و همچنین گزارش هایی از یافته های موجود در تلفن همراه حمید نوری.

شاکیان

همه شاکیان به همان شواهدی که دادستان ارائه کرده استناد و علاوه بر آن به یک گزارش رسمی حقوقی در مورد قانون پرداخت خسارت در ایران استناد کرده اند. به درخواست آنها، یک کارشناس در این زمینه نیز بازپرسی شده است. آنها همچنین به برخی شواهد مکتوب استناد کرده اند.

علاوه بر این، علی اکبر بندلی، محمد زند، خدیجه برهانی و حسین سید احمدی به نظر حقوقی استاد بازنشسته اریک داوید تکیه کرده اند. به درخواست آنها، اریک داوید نیز در این پرونده بازپرسی شده است. ضمناً بنا به درخواست ایشان، مدارک تکمیلی از قبیل فیلم، فایل های صوتی، نامه ها، گزیده ای از مصاحبه ها و مانند اینها مورد استناد قرار گرفته است.

حمید نوری

حمید نوری به شواهد مکتوب از جمله شهادت کارشناس، گزیده ای از کتاب ها، اسناد مختلف و کلیپ های فیلم و صدا استناد کرده است. به درخواست آنها، یک کارشناس در این زمینه نیز بازپرسی شده است.

خلاصه ای از بازپرسی

گزارش خلاصه‌ای از آنچه بازجویان پرونده گفته‌اند را می‌توان در ضمیمه ۲ رای دادگاه یافت. اما در عنوان بعدی، نسخه کوتاه‌تری از اطلاعاتی که حمید نوری ارایه کرده است، به طور خاص ارایه می‌شود.

اطلاعات حمید نوری

او متولد ۲۹ آوریل ۱۹۶۱ (۹ اردیبهشت ۱۳۴۰) است و در تابستان سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷)، ۲۷ ساله بود. او با مادر و شش خواهر و برادرش در تهران بزرگ شد برادران او بهمن و بیژن در دوران انقلاب فارغ التحصیل شدند. وی در سالهای بعد خدمت سربازی خود را سپری کرد و سپس در ۹ مارس ۱۹۸۳ (۱۸ اسفند ۱۳۶۱) از دادسرای انقلاب اسلامی تهران درخواست کار کرد و در آنجا استخدام شد. سال بعد ازدواج کرد و صاحب دو فرزند است. یک پسر، متولد ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۵ (۵ مهر ۱۳۶۴) و یک دختر، متولد ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۸ (۷ مرداد ۱۳۶۷). برادرش بیژن در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) در حین خدمت سربازی در شهرستان مرزی **مریوان** بر اثر بمباران این شهر درگذشت. برادر او در راه اسلام شهید شد.

او که در دادسرای تهران استخدام شده بود، در اولین روز کاری خود به عنوان نگهبان به زندان اوین اعزام شد. آن زندان نیز مانند زندان های قزل حصار و گوهر دشت¹⁶ کرج توسط دادستانی اداره می شد که مدیران زندان را نیز منصوب می کرد.

پس از یک دوره آموزشی کوتاه در گروه ۱ مرکز آموزش در اوین مستقر شد. او «عباس» را به عنوان نام مستعار زندان خود انتخاب کرد. این رسم بود که کارکنان در زندان نام مستعار داشته باشند تا زندانیان از نام واقعی آنان مطلع نشوند. او به عنوان زندانبان کار می کرد که در فارسی به آن **پاسدار** می گویند. پاسدارها از اونیفورم متحدالشکلی به رنگ سبز

¹⁶ حمید نوری همواره از نام رجایی شهر برای این زندان استفاده کرده است و ادعا می کند که نام درست آن اینست، نه گوهردشت.

زیتونی استفاده می کنند. بند ۱ دارای ۳۰۰ زندانی بود. این بند یک بند بسته بود. وظایف زندانبان شامل بردن زندانیان به توالت سه بار در روز، هر روز پیاده روی در حیاط زندان، بردن آنها به بازپرسی، دادگاه یا بهداری بود. بیرون بند زندانیان مجبور بودند چشم بند ببندند زیرا چشمانشان نجس بود. مردم را به قتل رسانده بودند. ایران به خاطر اقدامات آنها حمام خون شده بود.

در تابستان ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) به بخش مالی و حقوق و دستمزد اوین رفت و سال بعد به دفتر دادیار زندان منتقل شد. در این مدت او لاغر، خوش لباس بود و ریش داشت. او کارمند بود و به عنوان دستیار یا به عبارت دیگر کاررس برای دادیار که جانشین یا معاون دادستان در زندان بود کار می کرد. واحد او به امور مربوط به ملاقات زندانیان محکوم، مرخصی یا اخلال در رفتار و مانند اینها می پرداخت و در هر زندانی وجود داشت. در این واحدها کارکنان با لباس غیرنظامی بودند. وقتی او در آن واحد شروع به کار کرد، در مجموع ده نفر در آنجا کار می کردند. او «عباسی» را به عنوان نام مستعار در دفتر دادیار به جای «عباس» هنگامی که نگهبان بود انتخاب کرد. او هیچ عنوان کاری نداشت. دادیار تنها معاون دادستان بود. عنوان دادیار در ارتباط با قوه قضاییه است.

زندانیان عریضه های گوناگونی نزد دادیار می نوشتند و برای اقدام به او می سپردند. او سپس روی آن پرونده هایی که به وی محول می شد کار می کرد. هر روز نوشته های جدیدی از زندانیان می آمد که رییس اش به او محول می کرد. او وظایف کاری گوناگونی داشت. او پیشنهادهایی برای تصمیم گیری در مورد دادن مرخصی به زندانیان و غیره تهیه کرد که رییس اش آن را پذیرفت و امضا کرد. او در طول این سالها ۱۰ تا ۱۵ بار به ماموریت به زندان های قزل حصار و گوهر دشت رفت و در آنجا انجام وظیفه کرد. محل خدمت او البته هیچ گاه در گوهر دشت نبود اما به طور موقت از طرف رییس اش در اوین برای ماموریت به آنجا می رفت. او سپس با زندانیان تماس می گرفت، در دفتر دادیار با آنها ملاقات می کرد و صحبت های آنها را یادداشت کرده و به رییس اش در اوین گزارش می داد.

در سالهای ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۸ (۱۳۶۶ تا ۱۳۶۷) مرتضوی رییس زندان اوین و گوهر دشت بود. حسن **حداد** تا اوایل سال ۱۹۸۹ (اواخر ۱۳۶۷) رییس دفتر دادیار اوین بود. پس از آن ناصریان به مدت سه سال رییس دفتر بود. در گوهر دشت در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) دو دادیار وجود داشت که یکی برای زندانیان

تهران و یکی برای زندانیان کرج. ناصریان در گوهردشت دادیار زندانیان تهران بود.

وی به مدت هشت سال در دفتر دادیار کار کرد تا اینکه در سال ۱۹۹۱ (۱۳۷۰) رسماً استعفا داد. اما به درخواست رییس اش پس از استعفا نیز یک روز در هفته در زندان به کار خود ادامه می داد و در طول سالها به ۵۰۰ زندانی از جمله ایرج مصداقی در چند نوبت مرخصی داد.

وی از زمان خروج از زندان در یک شرکت ساختمانی و معدنی در تهران مشغول به کار بوده است. او همچنین به افرادی که مشاوره می خواستند در مورد مسایل حقوقی و همچنین مشکلات خانوادگی یا مالی کمک کرده و مشاوره داده است.

در اواخر ژوئیه تا اوایل سپتامبر ۱۹۸۸ (مرداد-شهریور ۱۳۶۷) به دلیل تولد دخترش در مرخصی بود. بنابراین او در این زمان سرکار نبود. او قبلاً درخواست مرخصی داده و رییس اش در دفتر دادیار با این مرخصی موافقت کرده بود. آنها می توانستند حداکثر دو ماه قبل از تولد و دو ماه بعد از تولد کودک مرخصی بگیرند. او بطور دقیق بخاطر نمی آورد که یک ماه پیش از تولد به مرخصی رفت یا دو ماه پیش از آن. به مسئولان علاوه بر تعطیلات یک تا دو ماه مرخصی استحقاقی داده می شد و خودش هم مرخصی نگرفته بود.

دخترش در روز جمعه ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۸ (۷ مرداد ۱۳۶۷) در بیمارستان **Medjimie** تهران به دنیا آمد. همسرش دو تا سه روز در بیمارستان ماند. او در همان جا به دیدارش رفت. یکشنبه یا دوشنبه از بیمارستان مرخص شدند. در ایران رسم بر این است که زن ده روز اول پس از تولد در خانه مادر زندگی کند. آنها در نزدیکی هم زندگی می کردند. در این مدت همه در خانه مادر زن بودند.

مجاهدین علیه جمهوری اسلامی ایران اعلام جنگ کردند. بمب و این چیزها منفجر می کردند و ۱۷۰۰۰ نفر را در کشور به قتل رساند. آنها در تابستان ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) به عراق رفتند و از خاک عراق در جنگ علیه ایران شرکت کردند و اطلاعات در اختیار عراق قرار می دادند. در ایران هیچ کس این «گروهک» را به نام مجاهدین نمی شناسد. این «گروهک» به منافقین معروف است. آنها سهم زیادی در کشتار ۱۹۶۸۳۷ ایرانی دارند که در طول جنگ جان باختند. آنها آتش بس را شکستند و به کشور وی حمله کردند. او از آنها متنفر است.

در قرآن منافقین به روشنی تشریح شده اند. فردی با دو شخصیت که یکی از آنها دروغین است. آنها با شرکت در جنگ به طور غیرمستقیم در کشته شدن برادرش بیژن نقش داشتند.

احتمالاً در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) در زندان های ایران اعدام های صورت گرفته است. به اعتقاد او ادعای قتل عام حامیان این گروهک و گروه های چپ دروغ های ساختگی است. آنچه که به اصطلاح فتوا گفته می شود فتوا نیست. نامه ای است که منتظری بدون تاریخ و امضا آن را منتشر کرده و پی ارزش است. نمی توان از آن به عنوان یک سند تاریخی استفاده کرد. منتظری فردی ساده لوح بود که اجازه می داد تحت تأثیر مجاهدین و گروه های دیگر قرار گیرد.

هنگام بازگشت از مرخصی در پاییز ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) در اواخر ماه شهریور یا اوایل مهر، خبرهایی مبنی بر توقف چند هفته ای ملاقات ها شنید. او چیزی درباره اعدام ها نشنید. یکی از زندانیان به او گفت که مدتی پیش تمام ملاقات ها را لغو کردند و دلیل آن این بود که زندانیان اوین در حمله مجاهدین به ایران با نیروهای خارجی هماهنگ شده بودند. تصور این بود که به محض حمله این گروهک، شورش در زندان ها به راه می افتد و زندانیان به نگهبانان حمله کرده و آنها را می کشند و آزاد می شوند. زندانیانی که توبه کرده بودند این موضوع را به مقامات زندان ها گزارش دادند و این کار منجر به بستن تلویزیون های بند و غیره شد. بنابراین زندانیان هرگز متوجه نشدند که مجاهدین از چه زمانی حمله خود را به ایران آغاز کرده اند و هرگز علیه نگهبانان خود قیام نکردند.

تحلیل او این است که پس از آنکه ایران در عملیات مرصاد این گروهک را درهم کوبید و تعداد معدودی از آن گروه ۷۰۰۰ نفری به قرارگاه اشرف در عراق برگشتند این داستان را ساختند و قرار بود که همه جا پخش شود که همه کسانی که در جنگ کشته شدند در واقع در زندان های ایران به قتل رسیده اند. آنها با هواداران خود در زندان های ایران و خانواده هایشان تماس گرفتند و با پشتوانه آماری که به دست آوردند و لیست هایی که تهیه کردند، این دروغ را منتشر کردند. اعضای آنها همانطور که گفته می شود بدون بررسی انتقادی، به آنچه که به آنها گفته می شود عمل می کنند. کمونیست ها نیز با این گروهک مشورت کرده اند زیرا آنها نیز می خواستند بخشی از داستان باشند. آنها نمی خواستند همه چیز فقط مربوط به این گروهک باشد. اگر افرادی اعدام شده اند به دلیل فعالیت آنها بوده است نه به خاطر وابستگی های سیاسی آنها.

اتهامات وارده به او ساختگی است. اینها همه دشمن جمهوری ایران و مخالف انقلاب هستند. آنچه ایرج مصداقی درباره آن نوشته است داستان های ساختگی است. ایرج مصداقی تصاویری از او پخش کرده و نامش را منتشر کرده است. این گروهک پس از تهدید ایرج مصداقی به شکایت علیه وی پیوسته اند. آنان جمع شده اند و به دروغ این داستان را ساخته اند. دیگرانی که کتاب نوشته اند، از کتاب های ایرج مصداقی استفاده کرده اند. آنها فقط اهداف سیاسی خود را دنبال می کنند.

دلایل رای دادگاه

I. صلاحیت کیفری سوئد

ارزیابی دادگاه بدوی اینست:

– که یک دادگاه سوئدی صلاحیت رسیدگی به کیفرخواست درباره جرایم مربوط به حقوق بین الملل را که جرمی سنگین است دارد حتی اگر قرار باشد درگیری مسلحانه، غیر بین المللی تلقی شود و نیز

– که دادگاه سوئدی صلاحیت رسیدگی به کیفرخواست درباره قتل را دارد.

در این بخش، دلایل اتخاذ این مواضع ارایه شده است.

۱. دادگاه بدوی با بررسی سوالات مربوط به قوانین رسمی به دلیل اعتراضات حمید نوری مبنی بر اینکه دادگاه های سوئد صلاحیت ندارند در مورد جرایم مربوط به حقوق بین الملل، جرایم سنگینی که به عنوان بخشی یا مرتبط با یک درگیری مسلحانه غیر بین المللی صورت پذیرفته و یا برای قتل قضاوت کنند شروع می کند.
۲. در ابتدا باید تاکید کرد که کنوانسیون های ژنو مصوب ۱۹۴۹ که حاوی ضمانت های اساسی معینی در درگیری های مسلحانه بین المللی است، متضمن تعهد برای طرف های امضا کننده آن برای پیگرد قانونی نقض جدی کنوانسیون ها در این پرونده است¹⁷. دادگاه بدوی با چنین ارزیابی از ماهیت درگیری مسلحانه صلاحیت رسیدگی به موضوع مسئولیت در جرایم مربوط به حقوق بین الملل را دارد.
۳. بند ۶ از ماده ۳ از فصل ۲ قانون کیفری در نسخه قبل از ۱ ژانویه ۲۰۲۲ شامل فهرستی از جرایمی است که سوئد صلاحیت رسیدگی به آنها را دارد، حتی اگر در خارج از کشور و در مکانی که عمل مربوطه قابل مجازات نیست، انجام شده باشد. مهم نیست که جرم توسط یک شهروند سوئدی یا یک فرد خارجی انجام شده باشد. این مقررات جهان شمول است. جرایم ذکر شده عبارتند از جرم طبق قانون فعلی (۲۰۱۴:۴۰۶) در مورد مجازات نسل کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی. ماده ۴ این قانون جرایم جنگی علیه افراد را تنظیم می کند. این پاراگراف

¹⁷ GK IV artikel 146, TP I artikel 85 och prop. 1953:142 s. 18 f.4

در درگیری های مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی و همچنین در زمان اشغال قابل اجرا است.¹⁸

۴. از کارهای مقدماتی برای این ماده روشن شده که تا آنجا که به سوئد مربوط می شود، به عنوان یک قاعده کلی حقوق عرفی هیچ تمایزی بین درگیری های مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی قابل نشده است.¹⁹ در ادامه بیان شده است که توسعه، چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی، به سمت یکسان سازی دو نوع درگیری مسلحانه از نظر قابلیت اجرای مقررات حقوقی بشردوستانه حرکت کرده است. نیاز به حفاظت و اهمیت احترام به مقررات صرف نظر از نوع تعارض به همان اندازه مهم است. هیچ دلیلی وجود ندارد که طرف سوئدی موضع دیگری اتخاذ کند.²⁰
۵. قبل از لازم الاجرا شدن قانون ۲۰۱۴، مجازات قابل اعمال در پرونده جرایم مربوط به حقوق بین الملل، جرایم سنگین، ماده ۶ از فصل ۲۲ قانون کیفری بود. حتی برای آن جرم، دادگاه های سوئد صلاحیت جهانی داشتند.
۶. بعلاوه، از بند ۷ از ماده ۳ از فصل ۲ قانون کیفری در نسخه قبل از ۱ ژانویه ۲۰۲۲ بر می آید که جنایاتی که در خارج از کشور رخ داده بر اساس قوانین سوئد و در دادگاه سوئدی رسیدگی می شود بشرطی که سبک ترین مجازاتی که در قانون سوئد برای جرم پیش بینی شده، چهار سال یا بیشتر زندان باشد. برای قتل، کمترین مجازات ده سال زندان است. چنین بنظر می رسد که دامنه کاربرد این ماده فراتر از آنچه حقوق بین الملل اجازه می دهد گسترده تر بود زیرا از نظر تئوری شامل جنایاتی می شد که کاملاً بی ربط به حقوق بین الملل بودند، با وجود اینکه این ماده تنها در مواردی استفاده می شد که متهم به ارتکاب جرم در سوئد حضور داشت.
۷. نتیجه این شد که این ماده لغو شد و در ۱ ژانویه ۲۰۲۲ قاعده شش ماهه جایگزین آن شد که در آن جرایم مربوط به حقوق بین الملل نقطه شروع را تشکیل می دهد. این بدان معناست که صلاحیت قضایی برای جرایمی که پیش از این

¹⁸ Bäcklund m.fl., Brottsbalken (1 jul. 2021, Version 9, JUNO), kommentaren till 2 kap. 3 § 6 samt 4 § lagen (2014:406) om straff för vissa internationella brott.

¹⁹ SOU 2010:72 s. 317 och bilaga 4.

²⁰ Prop 2013/14:146 s. 127.

مشمول قانون چهار ساله بود همچنان وجود دارد البته با این محدودیت که فرد باید در سوئد باشد. این شرط را می توان در بند ۲ از ماده ۳ از فصل ۲ قانون کیفری یافت که تصریح می کند که دادگاه سوئدی مجاز است در مورد جرایمی که توسط شخصی که در سوئد است قضاوت کند و طبق قوانین سوئد این جرم می تواند بیش از شش ماه حبس داشته باشد.

۸. در این زمینه می توان تاکید کرد که برای صلاحیت دادگاه مطابق قانون شش ماهه لازم است که فرد به طور داوطلبانه در سوئد حضور داشته باشد، به این معنی که نباید برخلاف میل خود به اینجا آورده شده باشد. حضور دایمی شخص در اینجا الزامی نیست بلکه کافی است که فرد به طور موقت در اینجا باشد.²¹

۹. بر پایه آنچه که در مورد قانون رسمی در رابطه با موضوع مورد نظر ما در اینجا توضیح داده شد و با در نظر گرفتن شرایط واقعی پرونده، دادگاه بدوی می تواند اعلام کند که دادگاه سوئدی به خودی خود صالح به رسیدگی به اعمالی است که حمید نوری به آنها متهم است.

۱۰. با توجه به اینکه حمید نوری نه شهروند سوئد و نه مقیم سوئد است، دولت بر پایه ماده ۵ از فصل ۲ قانون کیفری در نسخه قبلی خود، به بررسی این موضوع پرداخته بود که آیا باید دستور تحت تعقیب قانونی قرار دادن وی صادر شود؟ دولت در بررسی خود دریافت که شرایط پرونده به گونه ای است که باید چنین دستوری صادر شود. در این بررسی ملاحظات حقوق بین الملل و سیاست خارجی در نظر گرفته شد و اینکه با توجه به احتمال استرداد و کمک حقوقی بین المللی و همچنین سنگینی و دامنه جرم و میزان ارتباط آن با سوئد، چه امکانات واقعی برای پیگرد قانونی در اینجا وجود دارد.²²

۱۱. هدف مورد نظر ماده ۷ از فصل ۲ قانون کیفری در نسخه پیشین خود، محدودیت در صلاحیت دادگاه های سوئد در نتیجه اصول به رسمیت شناخته شده حقوق بین الملل است. این ماده در اینجا و در درجه نخست به قوانین مربوط به مصونیت اشاره دارد. اصول حقوق بین الملل علاوه بر آن می تواند از جنبه مشخصی نیز دارای اهمیت باشد، مانند ماده ۶ از فصل ۲۲ قانون کیفری

²¹ Prop 2020/21:204 s 110.

²² Ds 2014:13 s. 65 ff.

در رابطه با موضوع مسئولیت و دامنه جرایم مربوط به حقوق بین الملل که قابل مجازات اند توسط حقوق بین الملل به آن صورتی که در زمان انجام جرم رایج بود محدود شده است.²³

۱۲. بر پایه ماده ۷ از فصل ۲۲ قانون کیفری یک دادرسی با این فرض صورت می گیرد که صلاحیت قضایی وجود دارد. با این همه باید گفت که برای اعمال صلاحیت قضایی جهانی، حقوق بین الملل شرطی برای ارتباط سرزمینی یا ملی یا ارتباط دیگری نگذاشته است. بنابراین هیچ محدودیتی به معنای رسمی در صلاحیت دادگاه های سوئد طبق قوانین بین المللی تا آنجا که به صلاحیت جهانی مربوط می شود وجود ندارد. در مقابل، این منابع حقوقی داخلی کشورها هستند که تعیین می کنند چه زمانی باید صلاحیت جهانی اعمال شود. نکته دیگر این است که در صورت نبود الزامات ارتباطی، ممکن است لازم باشد قبل از اعمال صلاحیت جهانی، ملاحظات بین دولتی در نظر گرفته شود. در قوانین سوئد، قانونگذار در این خصوص مقرراتی را در مورد تعقیب کیفری، همانطور که در بالا گزارش شد، ارایه کرده است.²⁴

۱۳. بنابراین دادگاه بدوی می تواند اعلام کند که هیچ محدودیت رسمی در صلاحیت دادگاه سوئدی در پرونده فعلی وجود ندارد. اهمیت مشخص موضوع اینست که دادگاه بدوی به این نتیجه برسد که آن درگیری مسلحانه ماهیتی غیر بین المللی داشته است، یعنی اینکه در عرف مقررات بشر دوستانه حقوق بین الملل در سال ۱۹۸۸ مسئولیت کیفری فردی پیش بینی نشده است. این یک ایراد حقوقی است و در واقع باید در بخش مسئولیت رسیدگی شود.

²³ NJA 1946 s 65.

²⁴ Se Cassese, International Criminal Law, tredje upplagan 2013, s 278 f., och Arrest Warrant Case, ICJ, Judgement of 14 februari 2002, Joint separate opinion of Judges Higgins, Kooijmans and Buergenthal, para 19 och 45, 51, 58 och 60.

II. مسئولیت کیفری**A. نقاط شروع قانونی****i. مقررات قابل اجرای حقوق کیفری**

۱۴. جرایم مربوط به حقوق بین الملل، جرم سنگین احکام مجازات در بند های اول و دوم از ماده ۶ از فصل ۲۲ قانون کیفری، نسخه پیش از ۱ ژوئیه ۱۹۹۵، مسئولیت جرایم مربوط به قوانین بین المللی، جرایم جدی را تنظیم می کند. این ماده اکنون با مقررات مجازات مربوط به جنایات جنگی در قانون (۲۰۱۴:۴۰۶) در مورد مجازات برای جرایم بین المللی خاص جایگزین شده است. قانون جدید عطف به ماسبق نمی کند، به همین دلیل است که حکم مجازات در ماده ۶ از فصل ۲۲ قانون کیفری هنوز در مورد جرایمی که در سال ۱۹۸۸ انجام شده است قابل اجرا است.
۱۵. برپایه احکام مجازات در ماده ۶ از فصل ۲۲ قانون کیفری، هرکسی که مرتکب نقض جدی هرگونه توافقنامه با یک قدرت خارجی یا هر یک از اصول عمومی شناخته شده مربوط به مقررات بشردوستانه حقوق بین الملل در درگیری های مسلحانه شود، به دلیل جرم مربوط به حقوق بین الملل محکوم می شود. در صورت جدی بودن جرم به حداکثر هجده سال زندان یا زندان ابد محکوم می شود. هنگام ارزیابی جدی بودن جرم باید از جمله به اینکه آیا این جنایت از طریق تعداد زیادی اقدامات جداگانه انجام شده است یا تعداد زیادی از افراد کشته شده اند توجه ویژه ای داشت.
۱۶. هدف مقررات بشردوستانه حقوق بین الملل، چه معاهدات و چه حقوق عرفی، انسانی کردن جنگ به منظور محدود کردن رنج ناشی از درگیری مسلحانه برای غیر نظامیان و رزمندگان است.
۱۷. اعمال قواعد و اصول انسان دوستانه حقوق بستگی به ماهیت درگیری دارد. دادستان، در کیفرخواست برای جرایم مربوط به حقوق بین الملل، جرم سنگین در بند ۱، درخواست کرده است که محاکمه در درجه نخست باید بر پایه مقررات مربوط به درگیری های مسلحانه بین المللی انجام شود. دادگاه بدوی با ارایه مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل که قابل اجرا برای این نوع درگیری های مسلحانه است شروع می کند.

۱۸. کنوانسیون های چهارگانه ژنو (GK I-IV) حاوی تضمین های اساسی خاصی است که در صورت بروز درگیری مسلحانه میان دو یا چند طرف پیمان اعمال می شود. علاوه بر کنوانسیون های (موافقتنامه های) چهارگانه ژنو، پروتکل الحاقی I نیز در چنین درگیری ها اعمال می شود.
۱۹. برپایه ماده ۲ مشترک در کنوانسیون های چهارگانه ژنو، درگیری مسلحانه بین المللی زمانی وجود دارد که دو یا چند دولت از خشونت مسلحانه با شدت معینی علیه یکدیگر استفاده کنند. هیچ شرط از پیش تعیین شده ای وجود ندارد که خشونت مسلحانه چه مدت باید طول کشیده باشد، و نه اینکه مرگ و میر ناشی از جنگ چه تعداد باشد. ارزیابی باید در هر مورد جداگانه انجام شود.²⁵
۲۰. نمونه هایی از تخلفات جدی که در بند ۶ از ماده ۶ از فصل ۲۲ قانون کیفری آورده شده است از لیست کنوانسیون ژنو از موارد "نقض شدید" گرفته شده است؛ مواردی از نقض شدید از جمله در ماده ۱۴۷ کنوانسیون های چهارگانه در مورد حمایت از غیر نظامیان در زمان جنگ به تفصیل آمده است. این موارد از جمله شامل قتل عمدی، شکنجه یا رفتار غیرانسانی با افراد محافظت شده است. در این زمینه می توان تاکید کرد که برخی از اقدامات البته ممکن است شامل نقض چندین ممنوعیت، یا به اصطلاح جرایم مرکب باشد که بر ارزیابی سنگینی جرم تأثیر می گذارد.
۲۱. کنوانسیون های چهارگانه ژنو با پروتکل الحاقی I در مورد حمایت از قربانیان درگیری های مسلحانه بین المللی تکمیل شده است. در مورد رفتار یک طرف درگیر با غیر نظامیان، بدون توجه به ملیت آنان قوانین تکمیلی وجود دارد و در مواد ۱، ۷۲، ۷۵ و ۸۵ پروتکل الحاقی I آمده است. ماده ۷۵ اصول اساسی ضمانت ها را بیان می کند از جمله اینکه در هر شرایطی با افراد غیر نظامی رفتاری انسانی باید داشت و آنان باید از حداقل حمایت های گفته شده در این ماده برخوردار باشند، بدون هرگونه تبعیض نامطلوب بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب یا اعتقاد، سیاسی یا عقیده ای دیگر [...]. همچنین بیان می کند که هر یک از طرفین باید به شرافت، اعتقاد یا مذهب همه این افراد احترام بگذارند. اقداماتی که طبق این ماده همیشه ممنوع است، حال چه توسط غیر نظامیان و چه از سوی نظامیان انجام شود، عبارتند از بکارگیری خشونت علیه

²⁵ SOU 2010:72 s. 86 och prop. 2013/14:146 s. 34 f.

جان یک فرد یا سلامتی یا آسایش جسمانی او، به ویژه قتل و شکنجه جسمی و روانی. علاوه بر این، الزاماتی برای برگزاری محاکمه عادلانه وجود دارد. مقرر شده است نمیتوان برای فردی حکم صادر کرد و او را به مجازات رساند که در یک دادگاه بی طرف که به نحو درست تشکیل شده و اصول شناخته شده عمومی دادرسی حقوقی را رعایت کرده است، مجرم شناخته نشده است.

۲۲. ایران در اوایل سال ۱۹۴۹ به کنوانسیون های چهارگانه ژنو (GK I-IV) ملحق شد و به آن متعهد و ملزم است. البته پروتکل الحاقی I از سوی ایران پذیرفته نشده است. با این حال، ماده ۷۵ در پروتکل الحاقی I مدتها قبل از زمان وقوع وقایع مورد بحث در این پرونده دارای وضعیت عرفی بوده و از این رو برای ایران نیز لازم الاجرا بوده است.²⁶

۲۳. کنوانسیون های ژنو همچنین دارای ضمانت های اساسی خاصی هستند که در مورد یک درگیری مسلحانه با ماهیت غیر بین المللی به میان می آیند.²⁷ برای اینکه موضوع، یک چنین درگیری باشد، لازم است که خشونت های مسلحانه طولانی مدت بین نیروهای دولتی و یک گروه مسلح یا بین گروه های مسلح مختلف وجود داشته باشد و اینکه گروه یا گروه های شرکت کننده در درگیری به درجه خاصی از سازماندهی دست یافته باشند. این الزامات به گونه ای تنظیم شده است که مقررات شامل شورش ها و سایر تنش های داخلی نشود.

۲۴. یک درگیری مسلحانه غیر بین المللی در برخی موارد ممکن است ماهیت خود را به یک درگیری مسلحانه بین المللی تغییر دهد. اگر آن گروه مسلح از یک دولت حمایت دریافت کند، بسته به اینکه چه کنترلی آن دولت بر گروه مسلح اعمال می کند، این تغییر می تواند صورت گیرد.²⁸

۲۵. مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل از ابتدای هر درگیری مسلحانه قابل اجرا است و حتی پس از پایان خصومت های واقعی و تا زمانی که دوباره حالت صلح بین دولت ها برقرار شود، یا در مورد درگیری های مسلحانه غیر بین المللی، یک توافق صلح بدست آید.²⁹

²⁶ SOU 1984:56 s. 67.f.

²⁷ در مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل آنچه که گفته شد آمده است، بخشی از آن در ماده ۳ مشترک کنوانسیون ژنو، بخشی در پروتکل الحاقی II به کنوانسیون ژنو و هم چنین در حقوق عرفی بطور عام.

²⁸ SOU 2010:72 s. 90 och prop. 2013/14:146 s. 35.

²⁹ SOU 2010:72 s. 90 f.

۲۶. پیش نیاز جرایم مربوط به حقوق بین الملل این است که ارتباطاتی میان جرایم و درگیری مسلحانه دید. برای اینکه چنین ارتباطی وجود داشته باشد، لازم است که از جمله این نزاع نقش بسزایی در توانایی مرتکب در انجام عمل و تصمیم وی برای اجرای آن داشته است.³⁰

آدم کشی

۲۷. بر پایه احکام مجازات در ماده ۱ از فصل ۳ قانون کیفری در نسخه پیش از ۱ ژوئیه ۲۰۰۹، هر کس جان انسان دیگری را بگیرد به جرم قتل به ده سال حبس یا حبس ابد محکوم می شود. ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل که ایران در سال ۱۹۸۸ به آن ملزم بود، الزامات اساسی برای محاکمه عادلانه را تصریح می کند. از جمله این الزامات حق رسیدگی عادلانه و علنی توسط دادگاه صالح، مستقل و بی طرف، فرض برائت، حق دفاع و داشتن دستیار حقوقی و همچنین زمان و فرصت برای تهیه لایحه دفاعیه است.

ii. همدستی در جرم

۲۸. با توجه به ارتباط میان بخش عمومی حقوق کیفری سوئد و مقررات بشر دوستانه حقوق بین الملل می توان بخوبی دید که نقطه شروع باید مقررات سوئدی برای مشارکت در جرم باشد و اعمال گردد. از اسناد کنفرانس ۱۹۴۹ در ژنو، چنین بر می آید که توافقی در باره مسایل مربوط به همدستی، تلاش برای اجرای جرم، اجبار، زمینه های مصونیت یا اجبار به پیروی از دستورات حاصل نشده است. چیزی که به مجریان قانون در سطح ملی واگذار شد³¹.

۲۹. از ماده ۴ از فصل ۲۳ قانون کیفری چنین بر می آید که مسئولیت یک جرم معین نه تنها باید نسبت به شخص مرتکب آن جرم، بلکه نسبت به سایرینی که در حرف و عمل آن را ترویج کرده اند نیز مورد قضاوت قرار گیرد. هر شرکت کننده باید بر اساس قصدی که به او در ارتکاب جرم نسبت داده می شود مورد قضاوت قرار گیرد. این بدان معنی است که همه مشارکت کنندگان باید مجازات شوند و هر شرکت کننده بطور مستقل مسئول اعمال خود است فارغ از اینکه آیا سایر شرکت کنندگان می توانند مجازات شوند یا خیر.

³⁰ IT-96-23 & 23/1-A, Kunarac, Överklagandekammarens dom den 12 juni 2002, p 58.

³¹ Prop 1953:142, s. 19 och Final record of the diplomatic conference of Geneva of 1949, vol II, section B, s. 114 f.

۳۰. چند نفر که با هم مرتکب جرمی شده اند را میتوان به دلیل شراکت در جرم محکوم کرد در صورتی که آنان "با هم و با توافق با هم" یا "بطور مشترک و هماهنگ" جرم را مرتکب شده باشند. این مواردی است که چند نفر در ارتکاب جرمی کمک کرده اند و هر یک به عنوان شریک جرم مجازات می شوند. این واقعیت که برخی از شرکت کنندگان نقش محوری تری را به عهده داشته و فعال تر از دیگران بودند، تا زمانی که کسانی که فعالیت کمتری داشتند، شرط مشارکت در ارتکاب جرم را برآورده می کردند، شراکت در جرم را منتفی نمی کند

iii. شرط اثبات

۳۱. در دعای کیفری، وظیفه اثبات بر عهده دادستان است. برای صدور حکم، لازم است بدون تردید معقول ثابت شود که متهم در اعمالی که اساس تعقیب را تشکیل می دهد، مجرم بوده است. شرط اثبات برای همه شرایط جرم اعمال می شود.

۳۲. برای اینکه متهم محکوم شود، لازم است شکی در اینکه او از هر نظر به گونه ای که دادستان مدعی است عمل کرده وجود نداشته باشد. این بدان معناست که از جمله برای برآورده شدن شرط اثبات نباید هیچ توضیح معقول دیگری برای توالی وقایع غیر از آنچه در کیفرخواست ذکر شده است، وجود داشته باشد. شرط اثبات "بدون شک معقول" این است که اگر جایگزین معقولی برای تز دادستان وجود داشته باشد، متهم باید تبرئه شود.

iv. استحکام تحقیق

۳۳. در مورد به اصطلاح استحکام شواهد و مدارک می توان گفت که شواهد را تنها زمانی می توان قوی تلقی کرد که شواهد موجود به قدری گسترده باشد که ارزیابی شواهد به سختی با امکان انجام تحقیقات بیشتر مختل شود.

۳۴. در پرونده هایی با ماهیت این پرونده، شرایط سنگینی در مورد استحکام شواهد در نظر گرفته می شود. اگر یک مدرک خاص به بهترین شکل ارایه نشده باشد، در واقع نقصی در استحکام شواهد بوجود می آورد و به طور کلی منجر به کاهش ارزش شواهد می شود. دادگاه بدوی از اصل بهترین شواهد در پرونده استفاده کرده است. چندین نفر که مشاهدات مستقیمی از روند اقدامات صورت گرفته داشتند و آن اقدامات در کیفرخواست آمده

است، در کشوری که در آنجا زندگی می کنند بازپرسی شدند زیرا در نبود مدارک سفر، امکان آمدن به سوئد را نداشتند.

۷. ارزیابی شواهد

۳۵. در سوئد آزادی ارایه مدرک و سند حاکم است. هنگام ارزیابی شواهد، دادگاه بدوی ابتدا ارزش شواهد مختلف را تا جایی که به محاکمه مرتبط هستند و دادستان و شاکی ارایه کرده اند، بررسی می کند. سپس تصمیم گیری می شود که آیا ارزش کل این شواهد برای برآورده کردن شرط اثبات کافی است یا خیر و آیا با این مدارک و شواهد ثابت می شود که عمل مجرمانه به روشی که در شرح جرم ادعا شده اتفاق افتاده است یا خیر. در صورت ناکافی بودن مدارک دادستان، متهم باید تبرئه شود. از سوی دیگر، اگر شرط اثبات برآورده شود، باید اطلاعات متهم و سایر شواهد مورد استناد در برابر ادعای دادستان مبنی بر تخلف، مورد بررسی قرار گیرد. در صورتی که شرح جرم در این بررسی ابطال شود یا دادستان متهم شواهد دادستان را چنان ضعیف کند که شرط اثبات دیگر وجود نداشته باشد، تعقیب قانونی باید منتهی شود. در عین حال، تأکید بر این نکته حایز اهمیت است که متهم وظیفه اثبات چیزی را ندارد و بنابراین موظف به توضیح شرایطی نیست که او را از مسئولیت معاف می کند.³²
۳۶. مدارک دادستان برای ادعاهای فردی در مورد تخلف اساساً شامل مصاحبه با شاکی و شاهدان بوده است. علاوه بر آن دربرگیرنده مطالب گسترده ای از گزارش های بین المللی، مقالات، کتاب ها و مصاحبه ها و غیره با کسانی است که در مورد خاطرات آنان از زندگی در زندان در طول سالیان منتشر شده است.
۳۷. هنگام ارزیابی قابل اعتماد بودن اظهاراتی که در بازپرسی ها شده است، دادگاه بدوی به این نکته توجه داشته است که اینها باز آفرینی مشاهدات از رویدادهایی است که بیش از 33 سال پیش رخ داده است. گذشته از آن مشاهدات در بسیاری از موارد در شرایط احساسی دشوار و آشفته انجام شده است. یکی دیگر از دشواری های رسیدگی این است که چندین شاکی و شاهد، حتی در ارتباط با مسایل دیگر درباره وقایع جاری پرونده به دیگران گفته اند یا از دیگران شنیده اند. از این رو در ارزیابی قابل اعتماد بودن اظهارات مهم بود که

³² NJA 2015 s. 702.

پی برد این گفته ها از کجا آمده اند یعنی افراد بازپرسی شده اطلاعات مربوط به آنچه گفته اند را چگونه بدست آورده اند و برای آنچه در یادشان مانده چه کمک و حمایتی داشته اند. ارزیابی شواهد در نهایت مبتنی بر ارزیابی این است که آیا اطلاعات ارایه شده ناشی از چیزی است که گفته ها قرار است ثابت کند یا خیر.

۳۸. هنگام ارزیابی شواهد از شرایطی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به عنوان مدرک برای یک عمل خلاف مهم هستند، آنچه که به اصطلاح حقایق اثباتی خوانده می شود، می توان از حقایق کمیکی به عنوان پشتیبان استفاده کرد. برای نمونه اطلاعات در مورد توانایی شاهد در مشاهده و شرایط نور در صحنه جرم. سایر شرایطی که می توان هنگام ارزیابی شواهد مورد توجه قرار داد، زیرا که از دیگر شواهد پشتیبانی می کنند، برای نمونه درباره برنامه ریزی جرم، انگیزه جرم و فرصت ارتکاب جرم، رفتار شخص قبل و بعد از جنایت ادعایی و ارتباط شخص با صحنه جرم است.

۳۹. گذشت زمان بسیار طولانی از زمان وقوع جرم طبیعتاً به این معنی است که در ارزیابی اطلاعات مدارک ارایه شده باید احتیاط کرد. کارشناس شاهد تورون لیندهولم Torun Lindholm گفته است که مردم معمولاً این توانایی را دارند که چیزهای خاصی را که در موقعیت های آسیب زا رخ می دهند برای مدت طولانی به خوبی به خاطر بسپارند. مطالعات نشان داده اند که افرادی که در معرض چنین موقعیت هایی قرار می گیرند، توانایی به خاطر سپردن جزئیات مرکزی را نسبت به موارد جانبی تر دارند. به طور کلی هر چه زمان چنین موقعیت هایی طولانی تر باشد در حافظه بهتر می مانند و اینکه رویدادهای انحرافی متمایز بهتر به خاطر سپرده می شوند. همچنین به یاد آوردن افرادی که از قبل شناخته شده اند در مقایسه با افراد ناشناس راحت تر است.

۴۰. یکی دیگر از شرایطی که باید در ارزیابی آنچه در بازپرسی ها گفته می شود در نظر گرفت این است که ممکن است هنگام ترجمه از زبان دیگر، سایه روشن ها و جزئیات جانبی از بین بروند. علاوه بر این شهادت دست دوم معمولاً ارزش اثباتی کمتری نسبت به داستان مبتنی بر مشاهدات مستقیم دارد.

۴۱. هنگام ارزیابی شواهد، دادگاه بدوی باید تک تک شواهدی را که ممکن است به طور مستقیم یا غیرمستقیم به معنای فعالیت مجرمانه باشد ارزیابی کند. پس از ارزیابی ارزش اثباتی هر یک از این شواهد و شواهد پشتیبان اضافی، ارزش های اثباتی به دست آمده باید با هم سنجیده شوند قبل از اینکه بتوان اظهاراتی در مورد وجود

جرائم ادعا شده کرد. ابهامی که احتمالاً در باره ارزش هریک از مدارک وجود دارد می تواند تا ارزیابی مجموعه مدارک مربوط به جرائم ادعا شده باقی بماند. ارزش مجموعه مدارک بطور اصولی بیشتر از ارزش یک مدرک تنهاست. اما از سوی دیگر چندین مدرک ممکن است دارای منبع خطای یکسانی باشند و در نتیجه ارزش مجموعه آنها چیز بیشتری از ارزش یکی از آن مدارک نباشد

B. تجزیه و تحلیل وضعیت پرونده – پرسش هایی برای رسیدگی

در این بخش، دادگاه بدوی پیشنهاد می کند که کدام پرسش ها باید رسیدگی شود و به چه ترتیبی رسیدگی باید صورت گیرد.

۴۲. بر اساس تجزیه و تحلیل وضعیت دادرسی، دادگاه بدوی به این نتیجه رسیده است که پرسش های زیر باید به ترتیب ارایه شده در زیر بررسی شود.

بند ۱ کیفرخواست – جرائم مربوط به حقوق بین الملل، جرائم سنگین
۴۳. پرسش ۱) آیا مجاهدین در مرحله پایانی درگیری ایران و عراق که در چندین نوبت از جمله در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ به ایران حمله کردند، بخشی از درگیری مسلحانه بین المللی ایران و عراق شدند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ باید به پرسش ۴ و در غیر این صورت به پرسش ۲ پاسخ داده شود.

۴۴. پرسش ۲) آیا علاوه بر درگیری مسلحانه بین المللی بین ایران و عراق، در دوره ۳۰ ژوئیه تا ۱۶ اوت ۱۹۸۸ درگیری مسلحانه غیر بین المللی نیز بین ایران و مجاهدین رخ داده است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ باید ایراد قانونی در پرسش ۳ مورد بررسی قرار گیرد. در صورت منفی بودن پاسخ، حمید نوری را نمی توان به جرائم مربوط به حقوق بین الملل محکوم کرد. سپس پرسش ۴ باید بررسی شود.

۴۵. پرسش ۳) آیا در یک درگیری مسلحانه غیر بین المللی در سال ۱۹۸۸ مسئولیت کیفری فردی در عرف مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل وجود داشت؟ در صورت منفی بودن پاسخ، حمید نوری را نمی توان به دلیل جرائم مربوط به حقوق بین الملل محکوم کرد. سپس پرسش ۴ باید رسیدگی شود.

۴۶. پرسش ۴) آیا رهبر ایران، آیت الله خمینی، عمدتاً در واکنش به حمله فروغ جاویدان در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸، اندکی پس از آن فتوا داد که آن دسته از زندانیان حامی یا هوادار مجاهدین که در اعتقاد خود پابرجا بودند

اعدام شوند و اندکی بعد اعدام زندانیان مجاهد در زندان های ایران آغاز شد؟ اگر پاسخ منفی است، بند ۱ کیفرخواست بایستی رد شود، در غیر این صورت پرسش ۵ باید رسیدگی شود.

۴۷. پرسش ۵ آیا تعداد بسیار زیادی از زندانیان مجاهد در زندان گوهردشت در دوره ۳۰ ژوئیه تا ۲۵ اوت ۱۹۸۸ به دنبال رسیدگی یک کمیته و در پی رویه ای که شرایط اولیه یک محاکمه عادلانه را برآورده نمی کرد اعدام شدند؟ و آیا آن اعدام ها و آن درگیری مسلحانه، موجب نشد تعداد بسیار زیادی از زندانیان مجاهد با ترس شدید از مرگ مواجه شوند؟ اگر پاسخ منفی است، بند ۱ کیفرخواست باید رد شود، در غیر این صورت پرسش ۶ باید بررسی شود.

۴۸. پرسش ۶ آیا حمید نوری با نام مستعار حمید عباسی و در سمت دستیار معاون دادستان یا در سمت مشابه دیگری در حوادث زندان گوهردشت موضوع پرسش ۵ شرکت داشته و به طور مشترک و توافقی یا با مشورت سایر مرتکبان، به عمد، جان تعداد بسیار زیادی از زندانیان را که حامی یا هوادار مجاهدین بودند، به روشی که دادستان ادعا کرده گرفته است؟ اگر پاسخ منفی است، بند ۱ کیفرخواست باید رد شود، در غیر این صورت پرسش ۹ باید رسیدگی شود.

بند ۲ کیفرخواست - آدم کشی

۴۹. پرسش ۷ آیا تعداد بسیار زیادی از زندانیان طرفدار گروه های مختلف چپ که پنداشته می شد اسلام خود را ترک کرده بودند، پس از محاکمه توسط یک کمیته و طی روندی که شرایط اولیه یک محاکمه عادلانه را برآورده نمی کرد در زندان گوهردشت و در طی دوره ۲۷ اوت تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ اعدام شدند؟ اگر پاسخ منفی است، بند ۲ کیفرخواست باید رد شود، در غیر این صورت پرسش ۸ باید بررسی شود.

۵۰. پرسش ۸ آیا حمید نوری با نام مستعار حمید عباسی و در سمت دستیار معاون دادستان یا در سمت مشابه دیگری در حوادث زندان گوهردشت مطرح شده در زیر پرسش ۷ شرکت داشته به این صورت که به طور مشترک و توافقی یا با مشورت سایر مرتکبان به عمد، جان تعداد بسیار زیادی از زندانیانی را که اعتقادات عقیدتی و مذهبی آنها در تضاد

با دولت دین سالار (تتوکراتیک) ایران بود، به روش هایی که دادستان ادعا کرده گرفته است؟ اگر پاسخ منفی است، بند ۲ کیفرخواست باید رد شود، در غیر این صورت پرسش ۹ باید بررسی شود.

اطلاعات و مدارک حمید نوری

۵۱. پرسش ۹) آیا اطلاعات حمید نوری و سایر شواهد و مدارک مورد استناد او علیه ادعاهای دادستانی به این معناست که ارزش مدارک دادستان به حدی تضعیف شده است که شرط اثبات دیگر برآورده نمی شود؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، کیفرخواست باید رد شود. در غیر این صورت شکی نیست که او مرتکب اعمال و رفتار گفته شده در کیفرخواست شده و پرسش های پایانی باید رسیدگی شوند.

پرسش های پایانی

۵۲. پرسش های پایانی مربوط است به ارزیابی در مورد قصد، مرتکبین، طبقه بندی جرم، مجازات و خسارت و غیره.

۵۳. دادگاه بدوی می خواهد قبل از محاکمه روشن باشد که این اطلاعات دادستان در کیفرخواست است که چارچوب بیرونی دادرسی را تشکیل می دهد. علاوه بر این، باید تاکید شود که دادگاه بدوی در هنگام تنظیم دلایل رای دادگاه، بایستی فرض برائت کنوانسیون اروپایی را در نظر بگیرد و هرگز اظهارات طولانی تر از آنچه که برای رسیدگی این پرونده ضروری است، ارایه نکند. بویژه از اظهارات مربوط به قابلیت مجازات برای شخصی غیر از متهم پرهیز کند.³³

³³ Fitger m.fl., Rättegångsbalken (2021-12-10, Version 91, JUNO), kommentaren till 30 kap. 5 § 5.

C. بند ۱ کیفرخواست - جرایم مربوط به حقوق بین الملل، جرایم سنگین

i. مجاهدین و درگیری مسلحانه پرسش ۱) آیا مجاهدین بخشی از درگیری مسلحانه ایران و عراق شدند؟

روشن است

- که حملات مجاهدین از خاک عراق سرچشمه می گرفت.
- که این حملات با همکاری عراقی ها و حمایت ارتش آن کشور صورت می گرفت و نیز
- اینکه مجاهدین بخشی از درگیری مسلحانه بین المللی میان ایران و عراق شدند.

در این بخش، دلایل این موضع گیری ها ارایه شده است.

نقاط شروع قانونی

۵۴. درگیری مسلحانه بین المللی بر اساس ماده ۲ مشترک کنوانسیون ژنو (GK I-IV) همانطور که در بالا نشان داده شد، زمانی وجود دارد که دو یا چند دولت از خشونت مسلحانه با شدت خاصی علیه یکدیگر استفاده کنند. هیچ الزام از پیش تعیین شده ای وجود ندارد که خشونت مسلحانه چه مدت باید ادامه داشته باشد یا اینکه خشونت باید چه تعداد کشته یا زخمی داشته باشد. ارزیابی باید در هر مورد جداگانه بر اساس شرایط واقعی انجام شود. ارزیابی وابسته به اعلامیه های رسمی طرف های متخاصم نیست.
۵۵. برای یک درگیری مسلحانه غیر بین المللی، با توجه به گسترش درگیری در عمل، علاوه بر این که درگیری باید شدت خاصی داشته باشد، طرف های متخاصم غیر دولتی باید به اندازه کافی سازماندهی شده باشند.³⁴
۵۶. هنگام ارزیابی شدت درگیری، عوامل متعددی در عمل مورد توجه قرار می گیرد، برای نمونه مانند تعداد درگیری ها و مدت آنها؛ نوع سلاح و سایر تجهیزات نظامی مورد استفاده؛ تعداد افراد و نوع واحدهایی که در نبردها شرکت کرده اند؛ تلفات، یعنی کشته شدگان و زخمی ها؛ خسارات مادی؛ و تعداد غیرنظامیانی که

³⁴ Prosecutor v. Dusko Tadic, (Case No. IT-94-1), ICTY A Ch. Decision on the Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, 2 oktober 1995, para. 70.

از منطقه جنگی فرار میکنند. علاوه بر این، دخالت شورای امنیت سازمان ملل متحد در درگیری می تواند دلیلی بر شدت آن باشد.

۵۷. در مورد درجه سازماندهی گروه های رزمنده، عوامل متعددی در عمل مورد توجه قرار می گیرد، از جمله توانایی گروه در برنامه ریزی و اجرای عملیات نظامی در مدت طولانی تر و وجود ساختارهای فرماندهی و مافوق با صلاحیت اعمال و حفظ نظم و انضباط در گروه.

۵۸. یک درگیری مسلحانه می تواند هم ماهیت بین المللی و هم غیر بین المللی داشته باشد بسته به اینکه کدام گروه ها و بازیگران دولتی با یکدیگر می جنگند.³⁵

۵۹. یک درگیری مسلحانه غیر بین المللی می تواند به یک درگیری مسلحانه بین المللی تبدیل شود. به عنوان مثال، اگر گروه مسلح از یک دولت حمایت شود و دولت از این طریق کنترل کافی بر گروه مسلح داشته باشد، این می تواند اتفاق بیفتد. از آن پس خشونت بکار رفته از سوی گروه مسلح به پای آن دولت حامی نوشته می شود و به این ترتیب آن درگیری ماهیت بین المللی پیدا می کند. در عمل، شرایطی تدوین شده است که در هر صورت باید یک کنترل کلی وجود داشته باشد تا این اتفاق بیفتد.

جنگ ایران و عراق - یک درگیری مسلحانه بین المللی

۶۰. حقایق که دادگاه بدوی باید با آنها روبرو شود اطلاعات کانال های غیر مستقیم است. جنگ ایران و عراق یک رویداد تاریخی کاملاً مستند است. بخش بزرگی از تحقیقات دادستان از منابعی تشکیل شده که ریشه در محیط های دانشگاهی دارد و مقالات بازبینی و ویرایش شده در مجلات دانشگاهی است.

۶۱. تحقیقات در ابتدا تصویر کلی زیر را از جنگ میان ایران و عراق ارائه می دهد. در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ عراق به رهبری صدام حسین به ایران حمله کرد. عراق که بدون اعلان جنگ به ایران حمله کرده بود زمانی دست به این کار زد که انقلاب، قدرت سیاسی و ارتش مجهز ایران را به شدت تضعیف کرده بود و توانست در سه ماهه

³⁵ Ibid. para. 77.

نخست جنگ پیشرفت هایی در جبهه ها داشته باشد. جنگ صدام حسین انتظار داشت کنترل استان نفت خیز جنوب غربی ایران، خوزستان را در دست بگیرد، اما ایران توانست نیروهای متجاوز را عقب براند. از سال ۱۹۸۲ جنگ، مانند جنگ جهانی اول، تبدیل به جنگی راکد شد، با خطوط مقدم طولانی از سنگر هایی که در آن هیچ یک از طرفین پیشرفت قابل توجهی نداشتند و ده ها هزار سرباز در هر تلاش برای حمله از دست می رفتند. عراق به طرق مختلف از جمله با استفاده از گاز اعصاب و موشک های اسکاد در جنگ تلاش کرد تا از این بن بست خارج شود. با این حال، جنگ برای شش سال دیگر بدون پیشرفت قابل توجهی برای دو طرف ادامه یافت. در سال ۱۹۸۸ بود که عراق دست بالا را بدست آورد و دوباره دست به حمله زد. بخش هایی از آن حمله در بخش بعدی توضیح داده شده است. همچنین نقشه خطوط مقدم و مناطق تحت اشغال نظامی را در زیر ببینید.



تصویر 4.

۶۲. در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۸، ایران سرانجام آتش بس را بر اساس قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل پذیرفت. با این حال، عراق خواستار مذاکره مستقیم با ایران در مورد شرایط صلح شد که هفته ها بطول انجامید. علاوه بر عملیات فروغ جاویدان که در قسمت "پیشینه" در بالا ذکر شد و در قسمت بعدی به تفصیل به آن اشاره شده است، در این مدت نبردهای پراکنده دیگری نیز بین کشورها رخ داد که تا ۸ اوت ۱۹۸۸ ادامه یافت. پس از فشار جامعه جهانی دولت عراق قطعنامه ۵۹۸ را می پذیرد و در نتیجه شورای امنیت سازمان ملل متحد در این تاریخ جلسه ای برگزار کرد و اعلام کرد که در سحرگاه ۲۰ اوت ۱۹۸۸ آتش بس برقرار خواهد شد. سپس اولین مذاکرات صلح

میان ایران و عراق طبق برنامه در ۲۴ اوت ۱۹۸۸ آغاز شد. با این حال هیچ آتش بس پایدار یا صلح توافق شده ای هنوز در بهار ۱۹۸۹ برقرار نشده بود.³⁶

۶۳. بر اساس آنچه از تحقیقات پرونده در خصوص شرایط واقعی جنگ میان دو کشور به دست آمده، مشخص می شود که درگیری مسلحانه بین المللی بین ایران و عراق جریان داشته که در مدت زمان اعلام شده در بند ۱ کیفرخواست به پایان نرسیده بود.

مجاهدین و درگیری مسلحانه بین المللی

۶۴. بر اساس تحقیقاتی که از سوی دادستان ارائه شده است، می توان اظهار داشت که مدارک و شواهد زیر حکایت از تبدیل مجاهدین به بخشی از درگیری مسلحانه بین المللی بین ایران و عراق در تابستان ۱۹۸۸ دارد.

۶۵. در ژوئن ۱۹۸۶ مجاهدین و رهبر آن مسعود رجوی از فرانسه اخراج شدند. آنها توسط صدام حسین به عراق دعوت شدند و به آنها فرصت داده شد تا اردوگاهی مسلح به نام کمپ اشرف در شمال شرقی بغداد را تحت حمایت او ایجاد کنند. به این ترتیب و برپایه آنچه که در تحقیقات آمده مجاهدین به طور رسمی با عراق علیه حاکمان ایران متحد شده بودند.³⁷ تحقیقات بیشتر نشان می دهد که عراق علاوه بر دسترسی به زمین و حفاظت، از مجاهدین بصورت دادن پول، سلاح، مهمات، وسایل نقلیه، تانک و آموزش نظامی حمایت کرده است.

۶۶. مجاهدین در ژوئن ۱۹۸۷ تشکیل شاخه مسلح خود را اعلام کردند؛ ارتش آزادی بخش ملی ایران یا ارتش آزادی بخش ملی (NLA) با هدف سرنگونی رژیم در ایران.³⁸

۶۷. در اواخر مارس ۱۹۸۸ عراق از حملاتی که توسط ارتش آزادی بخش ملی بنام عملیات آفتاب در خط مقدم جبهه در نزدیکی شهر شوش در جنوب ایران انجام شد، حمایت کرد. بر پایه اطلاعات منتشره

³⁶ Anthony H. Cordesman m.fl., 1990, The Lessons of Modern War Vol. II: The Iran-Iraq War, protokollbilaga J3 s. 180 ff.

³⁷ Parsi, s. 4.

³⁸ Robertson QC, Appendix A: A Brief Chronology, s. 1150.

مجاهدین هزاران سرباز ایرانی را کشتند و صدها سرباز را اسیر کردند.³⁹

۶۸. در ۱۸ ژوئن ۱۹۸۸، بر اساس آنچه تحقیقات نشان داد، حمله جدیدی علیه ایران در اطراف شهر مهران در به اصطلاح عملیات چلچراغ انجام شد. نیروهای مجاهدین که در عراق آموزش دیده و پشتیبانی شده بودند به همراه نیروهای عراقی به مواضع ایران در منطقه حمله کردند. مجاهدین در این حمله مورد حمایت ارتش عراق قرار گرفتند که از گاز اعصاب و تقریباً ۵۳۰ جت جنگنده و هلیکوپتر در حمله استفاده می کردند. آنان با هم مهران و چند موضع را در ارتفاعات نزدیک شهر گرفتند. در بخشی از نبرد، مجاهدین نزدیک بود که کل "لشکر پاسداران" ایرانی را از بین ببرند و توانستند بیشتر تجهیزات آنها را که هنوز سالم بود، به دست بگیرند. ایران متحمل خسارات سنگین با کشته شدن ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ سرباز شد. نیروهای عراقی پس از سه روز از منطقه عقب نشینی اما نیروهای مجاهدین را در منطقه رها کردند. در این زمان، ایران فقط نیروهای محدودی در منطقه بین جبهه و شهر کرمانشاه باقی داشت - به بند زیر مراجعه کنید.⁴⁰

۶۹. بر اساس حقایق ارائه شده در بالا، دادگاه بدوی می تواند بیان کند که عملیات چلچراغ بر اساس همکاری عملیاتی و یک عملیات برنامه ریزی شده مشترک بین مجاهدین و ارتش عراق بوده است. به ویژه باید تأکید کرد که ارتش عراق در عملیات انجام شده توسط شاخه مسلح مجاهدین مستقیماً در جنگ شرکت داشته است.

۷۰. در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸، طبق آنچه از تحقیقات بدست آمده، تهاجم بعدی، به اصطلاح عملیات فروغ جاویدان صورت گرفت. این عملیات در قسمت مرکزی جبهه و توسط حدود ۷۰۰۰ سرباز متعلق به مجاهدین انجام شد. هدف اعلام شده رسیدن به تهران و سرنگونی رژیم بود. عراق به نیروهای مسلح مجاهدین اجازه داد تا به ایران حمله کنند و این عملیات برق آسا را انجام دهند. کارشناسان این حوزه آن را آزمونی برای صدام حسین و رهبران مجاهدین می دانند تا ببینند آیا این سازمان از حمایت کافی برای شروع یک خیزش مردمی در ایران برخوردار است یا خیر. به جز مجوز

³⁹ Cordesman, s 167.

⁴⁰ Ibid. s. 174.

انجام این حمله از خاک عراق در جریان مذاکرات آتش بس، عراق ابتدا از مجاهدین پشتیبانی نظامی با نیروهای زرهی، پشتیبانی هوایی و پشتیبانی لجستیکی کرد. مجاهدین تا حدود زیادی در خاک ایران پیشروی کردند و در ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۸ به کرمانشاه رسیدند. در آنجا با یک ضد حمله ایرانی به نام عملیات مرصاد مواجه شدند که منجر به شکست مجاهدین با هزاران کشته شد.⁴¹

۷۱. دادگاه بدوی می تواند بر اساس حقایق ارائه شده بیان کند که حتی عملیات فروغ جاویدان هم یک همکاری عملیاتی و یک عملیات برنامه ریزی شده مشترک بین شاخه مسلح مجاهدین و ارتش عراق بوده است. بار دیگر می توان گفت که نظامیان عراقی در عملیاتی که شاخه مسلح مجاهدین انجام داد مستقیماً در جنگ شرکت داشتند.

۷۲. علاوه بر حقایق گزارش شده در بالا، برای پاسخ به این سوال، مهم است که چیزی از تحقیقات در مورد قدرت طرف های درگیر و توسعه ارتش عراق در طول جنگ گزارش شود. عراق حدود یک میلیون سرباز داشت، ایران بیش از ۵۰۰۰۰۰ سرباز داشت، در حالی که مجاهدین طبق گفته خودشان جمعاً حدود ۱۵۰۰۰ سرباز داشتند. بعلاوه، نیروی مجاهدین عمدتاً متشکل از یک واحد پیاده نظام سبک مجهز به خودروهای شنی دار ساخت شوروی و توپ های روسی بود. ارتش عراق که توانایی های عملیاتی خود را در طول جنگ توسعه داده بود، در سال ۱۹۸۸ عملیاتی با استفاده از تسلیحات مختلف و با پشتیبانی توپخانه و نیروی هوایی انجام می داد که نشان از کارایی بیشتر آن نسبت به گذشته بود. پیروزی هایی که این عملیات به دنبال داشت نتیجه کار اطلاعاتی خوب و برنامه ریزی دقیق بود. در این زمینه باید تاکید کرد که بر اساس آنچه از تحقیقات به دست آمده، مجاهدین در ازای دریافت بودجه و تجهیزات نظامی، اطلاعات درباره رژیم انقلابی، خدمات بازپرسی و ترجمه و کمک نظامی مستقیم در اختیار ارتش عراق می گذاشتند.

⁴¹ Cordesman, s 181 f.

۷۳. آنچه در رابطه با روابط قدرت بین طرفین درگیر، توسعه ارتش عراق و همکاری بین عراق و گروه مسلح مجاهدین پدیدار شد نیز در سطح کلی بیانگر این است که در مورد همکاری عملیاتی و عملیات مشترک برنامه ریزی شده بود.

۷۴. ارزیابی کلی و عینی از شرایط گزارش شده، برای دادگاه بدوی ثابت می کند که شاخه مسلح مجاهدین در چندین نوبت از جمله در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ در مرحله نهایی درگیری مسلحانه بین المللی بین ایران و عراق به ایران حمله کردند. مجاهدین از یک شاخه مسلح استفاده کردند که طبق تحقیقات، ساختاری شبیه به ارتش متعارف داشت. عملیات نظامی انجام شده در سال ۱۹۸۸ به توانایی برنامه ریزی برای اجرا و مدیریت لجستیک نیاز داشت. حملات آن تابستان از خاک عراق سرچشمه گرفت و با پشتیبانی و همکاری ارتش عراق انجام شد. اینها عملیات نظامی مشترکی بودند که باید برای آن از قبل برنامه ریزی مشترکی میان رهبری ارتش آزادی بخش ملی و ارتش عراق صورت گرفته باشد. بر اساس آنچه از تحقیقات به دست آمده است، نمی توان در این مورد تردید داشت. بنابراین نتیجه گیری این می شود که نشان داده شده است که عراق در عملیات انجام شده در تابستان ۱۹۸۸ کنترل همه جانبه بر نیروهای مسلح مجاهدین اعمال کرده است. در اینجا می توان تأکید کرد که این ارزیابی با ارزیابی های انجام شده توسط شاهدان کارشناس یان کی کلفنر Jan K. Kleffner و سالی لانگ ورث Sally Longworth در نظرات حقوقی آنان و در اظهاراتشان در برابر دادگاه بدوی تأیید شده است.

۷۵. با این حال در این زمینه باید تأکید کرد که تحقیقات به وضوح نشان داده است که ارتش عراق مستقیماً در عملیات انجام شده توسط شاخه مسلح مجاهدین در خاک ایران مشارکت داشته است. این بدان معنی است که درگیری مسلحانه، صرف نظر از سطح کنترل، ماهیت بین المللی داشته است.⁴²

⁴² Malcolm N. Shaw, International Law, Cambridge, 1990, åttonde upplagan, s 913 f., Christopher Greenwood, International Humanitarian Law and the Tadic case, s. 270, ICC, Case, Prosecutor v. Lubango, 13 september 2012, para. 551 och Marco Sassoli, International Humanitarian Law, s. 187 f. para 643.

۷۶. بنابراین می توان تایید کرد که مبارزه مسلحانه مجاهدین در تابستان ۱۹۸۸ زیر عنوان درگیری مسلحانه بین المللی بین ایران و عراق قرار می گیرد و در دوره زمانی اشاره شده در بند ۱ کیفرخواست یعنی ۳۰ ژوئیه تا ۱۶ اوت ۱۹۸۸ جریان داشته است. از این رو مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل درباره درگیری های مسلحانه بین المللی (کنوانسیون های چهارگانه ژنو GK I-IV و پروتکل الحاقی آن TP I) به خودی خود قابل اجرا است. با این حال، شرط لازم برای نقض مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل این است که بتوان تایید کرد بین اعمال مجرمانه و درگیری مسلحانه ارتباط وجود دارد. دادگاه بدوی هنگام بررسی ادعاهای جرم در بخش های بعدی به این موضوع باز می گردد.

۷۷. در این ارزیابی از ماهیت درگیری، سؤالات ۲ و ۳ از "تجزیه و تحلیل وضعیت پرونده" که در بالا آمده بود بررسی نمی شود، اما دادگاه بدوی به بررسی سؤال ۴ که به فتوا و اعدام در زندان های ایران اشاره دارد، می پردازد.

ii. فتوا و اعدام ها در زندان های ایران

پرسش ۴) آیا اساساً فتوایی به دلیل حمله فروغ جاویدان در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ علیه زندانیان مجاهد در زندان های ایران صادر و به فاصله کوتاهی پس از آن اعدام ها در زندان ها شروع شد؟

این ها از طریق تحقیقات نشان داده شده است:

– این که آیت الله خمینی عمدتاً به دلیل حمله فروغ جاویدان مجاهدین در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ فتوا داد که حامیان یا هواداران مجاهدین در زندان های ایران که به اعتقادات خود وفا دارند اعدام شوند.

– این که موجی از اعدام ها در زندان های ایران بعد از این حکم به راه افتاد.

در این بخش، دلایل این مواضع ارائه شده است.

۷۸. در این بخش مدارک و شواهدی ارائه و ارزیابی می شود که ادعای دادستان را مبنی بر اینکه آیت الله خمینی در درجه نخست به دلیل حمله فروغ جاویدان مجاهدین در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ دستوری (فتوایی) صادر کرد که همه حامیان یا هواداران مجاهدین در زندان های ایران که به عقاید خود وفادار بودند اعدام شوند و اندکی بعد موجی از اعدام ها در زندان های ایران آغاز شد، تایید می کند.

۷۹. این شواهد و مدارک بطور عمده تشکیل شده است از تحقیقات کتبی مانند قطعنامه ها، گزارش ها و خاطرات است. در ادامه، دادگاه بدوی این مدارک را به ترتیب زمانی بررسی می کند.

گزارش های بین المللی ۱۹۹۰ - ۱۹۸۸

۸۰. اولین اطلاعات در اسناد عمومی در مورد اعدام در زندان های ایران چند ماه پس از بازه زمانی مورد بحث در کیفرخواست منتشر شد. از قطعنامه شماره ۴۳/۱۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۸ دسامبر ۱۹۸۸، به نظر می رسد که نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر در ایران به اطلاعاتی دسترسی داشته است که نشان می دهد موجی از اعدام ها در دوره ژوئیه تا سپتامبر ۱۹۸۸ رخ داده است. طبق این قطعنامه تعداد زیادی از مردم به دلیل عقاید سیاسی خود کشته می شدند. مجمع عمومی همچنین نسبت به تشریفات مختصری که در ایران وجود دارد و شرایط اولیه یک دادرسی عادلانه را برآورده نمی کند، مانند حق اطلاع از اتهامات و دسترسی به وکیل حقوقی ابراز نگرانی کرد.⁴³

۸۱. بدنبال آن عفو بین الملل در گزارش سالانه ۱۹۸۹ خود برای دوره ژانویه تا دسامبر ۱۹۸۸ داده های مربوط به اعدام ها در ایران را منتشر کرد. گزارش شد که اعدام های مخفیانه در ایران رایج بوده و به نظر می رسد که عملیات فروغ جاویدان مجاهدین منجر به کشتار بسیاری از مخالفان رژیم شده است؛ ابتدا از طریق اعدام در برابر انبوه مردم در شهرهای غرب ایران و سپس در داخل زندان ها، جایی که زندانیان سیاسی همزمان با حمله به کشور دست به تظاهرات زده بودند. علاوه بر این، گفته شد که قربانیان شامل اعضا و هواداران مجاهدین و سایر گروه های چپ اپوزیسیون می شوند و در بازه زمانی پایانی ژوئیه تا دسامبر ۱۹۸۸ بیش از ۱۲۰۰ زندانی سیاسی در کشور اعدام شده اند. با این حال، عفو بین الملل رقم صحیح را احتمالاً بسیار بالاتر ارزیابی کرد. بر اساس این گزارش، منع ملاقات در اوت ۱۹۸۸ بر زندانیان و بستگان آنها اعمال شد. با این همه خبر داده شد که

⁴³ UN General Assembly, Situation of human rights in the Islamic republic of Iran: resolution /adopted by the General Assembly, 8 December 1988, A/RES/43/137, protokollbilaga J2, s. 155 f.

اطلاعات گروه های مخالف و بستگان قربانیان اعدام شده و نیز اظهارات مقامات و شاهدان عینی در مجموع نشان می دهد که اعدام های سیاسی انجام شده است.⁴⁴

۸۲. علاوه بر این در این گزارش سالانه گفته می شود که گزارش های مربوط به اعدام ها از بسیاری از نقاط ایران آمده است و بسیاری از کسانی که اعدام شده اند، چندین سال در زندان بوده و بدون محاکمه از آزادی خود محروم شده اند. برخی از این افراد در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۱ به دلیل پخش اعلامیه و روزنامه یا شرکت در تظاهرات سیاسی به حبس های کوتاه تری محکوم شده بودند و با وجود گذراندن دوران محکومیت خود در زندان باقی مانده بودند. همچنین در این گزارش آمده است که زندانیان سیاسی که قبلاً عفو دریافت کرده اند در روزنامه های ایران متهم به مشارکت در حمله به کشور شده اند، اما این اعدام ها شامل قربانیانی می شود که هیچ نقشی در این امر نداشته اند.⁴⁵

۸۳. در گزارش عفو بین الملل در دسامبر ۱۹۹۰ در مورد نقض حقوق بشر در ایران در سال های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ اعدام زندانیان مجاهد نیز منعکس شده است. این گزارش به ویژه به وقایع زندان گوهردشت کرج مربوط می شود، به همین دلیل دادگاه بدوی در بخش بعدی که به ادعای دادستان مبنی بر تخلف در این زندان می پردازد، با جزئیات بیشتری به این گزارش بر خواهد گشت. با این همه، در اینجا می توان تاکید کرد که این گزارش حاوی اطلاعاتی است که زندانیان سابق به عفو بین الملل داده اند که چگونه یک کمیسیون متشکل از نمایندگان از مقامات مختلف ارگان های انقلابی از ژوئیه ۱۹۸۸ شروع به محاکمه دوباره زندانیان سیاسی کرده اند. بر اساس این گزارش، این محاکمه ها شباهت چندانی به مراحل قانونی برای تعیین گناه یا بی گناهی متهم از یک جرم قانونی ندارد، بلکه شبیه جلسات بازپرسی برای کشف دیدگاه های سیاسی زندانی است. بر اساس اطلاعات این گزارش

⁴⁴ Amnesty International, Årsrapport 1989 för perioden januari december 1988 (Iran), protokollbilaga J2, s. 21 ff.

⁴⁵ Ibid. s. 21 ff.

کسانی که ابراز پشیمانی نکردند، یعنی کسانی که به مخالفت با رژیم ادامه دادند، مجازات و اعدام شدند⁴⁶.

۸۴. دادگاه بدوی می تواند تایید کند که اطلاعات گزارش شده در بالا در زمان نزدیک به وقایع رخ داده در کیفرخواست توسط نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر در ایران و یک سازمان حقوق بشری به رسمیت شناخته شده مستقل و بین المللی به دست آمده و مستند شده است. از دیدگاه دادگاه بدوی، محتوای این گزارش دارای ارزش اثباتی قابل توجهی برای اعدام حامیان و هواداران مجاهدین و سایر گروه های منتقد رژیم در زندان های ایران در بازه زمانی گفته شده در کیفرخواست است. علاوه بر این، مدارک و شواهدی که از سال ۱۹۹۶ به بعد در مقالات، کتاب ها و سایر زمینه ها ظاهر می شوند و نیز شواهد اصلی در قالب اظهارات شاکیان و شاهدان، تاییدی بر این موضوع است. دادگاه بدوی در بخش دلایل رای دادگاه به محتوای دارای اهمیت مرتبط با این شواهد بازی گردد.

فتوا و انگیزه اعدام ها

۸۵. جانشین مورد نظر آیت الله خمینی، آیت الله حسینعلی منتظری، خاطرات خود را در سال ۲۰۰۰ منتشر کرد. در این خاطرات تعدادی نامه به تاریخ ژوئیه و اوت ۱۹۸۸ منتشر شد.

۸۶. در یکی از نامه ها که گفته می شود آیت الله خمینی مدت کوتاهی پس از آغاز عملیات فروغ جاویدان مجاهدین در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ نوشته است، فرمان دست نویسی وجود داشت که حکم اعدام زندانیان مجاهد در زندان های ایران که به اعتقادات سیاسی و مذهبی خود پایبند بودند، به شمار می رود.⁴⁷ نامه انگیزه اساسی اعدام های را که سازمان ملل و عفو بین الملل سپس در مورد آن گزارش دادند، آشکار کرد. آن نامه به شرح زیر است.⁴⁸

«بسم الله الرحمن الرحيم.

⁴⁶ December 1990 Amnesty International report Iran: Violations of Human Rights 1987 1990 (MDE 13/21/90), protokollbilaga J2, s. 50 f.

⁴⁷ Abdorrahman Boroumand Foundation, The Massacre of Political Prisoners in Iran, 1988: An Addendum. Witness Testimonies and Official Statements, 2013, protokollbilaga J1, s. 1329 f.

⁴⁸ Översättning i protokollbilaga J2 s. 257

از آن جا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می گویند از روی حيله و نفاق آنهاست و به اقرار سران آنها از اسلام ارتداد پیدا کردند و با توجه به محارب بودن آنها و جنگ کلاسیک آنها در شمال و جنوب و غرب کشور با همکاری های حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنها برای صدام علیه ملت مسلمان ما و با توجه به ارتباط آنها با استکبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه آنها از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تاکنون، کسانی که در زندان های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری دارند محارب و محکوم به اعدام می باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجت الاسلام نیری دامت افاضاته و جناب آقای اشراقی و نماینده ای از وزارت اطلاعات می باشد، اگر چه احتیاط در اجماع است، و همین طور در زندانهای مراکز استان های کشور رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم الاتباع می باشد، رحم بر محاربین ساده اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردید ناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید، آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنهاست و سوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند اشداء علی الکفار باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می باشد. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی

۸۷. دادگاه بدوی گزارشی از محتوا و اهمیت این فرمان و همچنین نامه های دیگری که در خاطرات منتشر شده است ارائه می دهد و بعد به ارزیابی صحت اطلاعات منتشره می پردازد. در ابتدا باید گفت که در ادبیات دانشگاهی و در مصاحبه با صاحب نظران این امر پذیرفته شده است که این فرمان با محتوایی که در نامه آمده از سوی خمینی صادر شده است.

۸۸. اصطلاح منافقین، یا «دو رویان، متظاهران» به عنوان اصلی ترین دشنام از سوی رژیم برای مجاهدین تعیین شده بود. بنابراین روشن است که این گروه بودند که در فرمان مورد نظر بوده اند. متن در استدلال خود به دو موضوع حقوقی در شریعت پیوند می زند. یکی مربوط به رِدَّة (ارتداد)، یعنی از اعتقادات اسلامی خود دست کشیدن و دیگر مربوط به جِراب، یعنی مبارزه با خدا. به کسی که جِراب انجام دهد محارب می گویند. این کلمه گاهی به «دشمن خدا» ترجمه می شود، اما در لغت به معنای کسی است که اعمال خشونت آمیز ناعادلانه انجام می دهد. لقب مرتد و محارب دادن به پیروان مجاهدین اسیر

مبنای شرعی حکم اعدام صادر شده را تشکیل می دهند.⁴⁹

۸۹. طبق دستور قرار بود بررسی اینکه آیا زندانیان باید محارب محسوب شوند، توسط کمیته ای متشکل از سه نفر به نمایندگی از دادگاه انقلاب اسلامی، دادرسی انقلاب و وزارت اطلاعات انجام شود. تصمیمات کمیته قرار بود با تصمیم اکثریت اتخاذ شود، اما در این فرمان به اتفاق آرا توصیه شده بود.

۹۰. آیت الله موسوی اردبیلی که ریاست شورای عالی قضایی ایران را برعهده داشت، بر اساس آنچه در پشت فرمان یادداشت شده، پرسش هایی را مطرح کرده بود که این حکم شامل کدام زندانیان می شود. آیا فقط مربوط به کسانی است که قبلاً به اعدام محکوم شده اند یا شامل کسانی که هنوز محکوم نشده اند هم میشود، آیا مربوط به کسانی که به مجازات زندان محکوم شده اند و بخشی از مجازات زندان را نیز تحمل کرده اند هم میشود؟ وی همچنین پرسید که آیا پرونده ها باید به نهادهای مستقل قضایی ارجاع شود یا اینکه کمیته ها می توانند مستقل عمل کنند؟ با توجه به آنچه بعنوان پاسخ از آیت الله خمینی ثبت شده، معلوم می شود که در صورت حمایت زندانی از مجاهدین، اعدام در تمام مواردی که آیت الله اردبیلی مطرح کرده است، بعنوان مجازات بایستی بکار برده می شد. پیام این بود که دشمنان اسلام باید بی درنگ نابود شوند. در بحث رسیدگی، پاسخ این بود که از همه ابزارهایی که باعث تسریع در اجرای احکام می شود استفاده شود.

۹۱. در مورد حکم یا فتوا بودن دستور، در میان کارشناسانی که در این باره اظهار نظر کرده اند، نظرات مختلفی وجود دارد. پروفیسور داوید تورفیل David Thurfjell منطقی ترین دستور را در شرع به عنوان حکم تلقی کرده است که بیان فقیه در مورد آنچه خداوند دستور می دهد است زیرا در قرآن دارای پشتوانه مستقیم می باشد. به عقیده او، حکم، تجویز قوی تری نسبت به فتوا است، که در نظام حقوقی اسلام دستوری است که توسط مجتهدی صادر می شود که به حدی رسیده است که در آن تفسیر مستقل از منابع حقوقی اسلامی مجاز است. در اصل فتوا کافی است

⁴⁹ Thurfjell, s. 10 f.

که به صورت شفاهی گفته شود تا اعمال گردد، اما می توان آنها را به صورت دستی نوشت، به صورت نامه ارسال یا به صورت الکترونیکی منتشر کرد.

۹۲. از طرف دیگر پروفیسور یان یرپه Jan Hjärpe این فرمان را فتوا توصیف کرده و از جمله موارد زیر را بیان کرده است. نظر ولی فقیه طبق قانون اساسی دارای اعتبار مطلق است. در اصل ۱۶۷ قانون اساسی آمده است: قاضی باید بر اساس قانون و اگر نمی تواند برپایه مقررات موقت و اگر بازهم نمی تواند بر اساس منابع و روایات اسلامی حکم کند. اگر استناد قانونی وجود ندارد، خودش باید از منابع نتیجه بگیرد. این بدان معناست که فتوا حجت نهایی است و اگر از سوی ولی فقیه آیت الله خمینی صادر شود، اعتبار مطلق دارد و از این رو محکم تر از رای دادگاه یا حکم است که در صورت مغایرت با آنچه که شرع هنجاری است، قابل نقض و لغو است. بنابراین نتیجه گیری ایشان این است که فتوای ولی فقیه قویتر از حکم است و آنچه آیت الله خمینی صادر کرده است فتوا بوده است.

۹۳. در این زمینه، همانطور که در بالا در بخش مقدماتی "پیشینه" توضیح داده شد، تأکید بر این نکته حائز اهمیت است که آیت الله خمینی، ولایت مطلقه فقیه را نمایندگی می کرد که بر اساس آن، وی به عنوان ولی فقیه نایب امام زمان تلقی می شد و مردم وظیفه داشتند از او اطاعت کنند. علاوه بر این، اختیارات ولی فقیه در نظام ایران را می توان تقریباً نامحدود توصیف کرد و این که وی دارای قدرت تصمیم گیری مستقیم بر قوای مجریه، مقننه و قضائیه نیز در کشور است.⁵⁰ صرف نظر از اینکه آن دستور به عنوان حکم یا فتوا تعیین شده باشد واضح است که دستور مستقیم به مقامات مربوطه در قوه قضائیه بوده است. در ادامه، دادگاه بدوی فرض می کند که این یک فتوا بوده است.

۹۴. خاطرات آیت الله منتظری نیز چند نامه را به دنبال اعلام این فتوا منتشر کرد.

⁵⁰ Thurfjell, s. 23.

۹۵. آیت الله منتظری در نامه مورخ ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۸ که برای آیت الله خمینی ارسال شد، به اعدام منافقین در زندان ها اعتراض کرد.⁵¹ ایشان به عنوان دلیل موضع خود بطور عمده اظهار داشتند که اینها افرادی هستند که قبلاً به کمترین مجازات محکوم شده اند. اجرای احکام بیش از اعدام و اجرای آن بدون انجام اقدامات جدید منجر به انتقادات منفی گسترده و در نتیجه افزایش محبوبیت منافقین و سایر ضد انقلاب می شود. او درخواست کرد، در صورتی که دستور همچنان پابرجاست، تصمیم گیری باید بر اساس اجماع سه نفر از اعضای کمیته باشد، نه با تصمیم اکثریت. وی در پایان خاطرنشان کرد: برخی از قضات شرعی در مورد معنای حکم بسیار اهتمام داشته اند و شایسته است به این حدیث قدسی توجه شود:

«ای رسول الله تا می توانید حدود را از جانب مسلمانان بدانید. اگر او چاره ای دارد، آن راه را باز بگذارید، برای امام بهتر است به جای گناه در کیفر، بخشش را بپذیرد.»

۹۶. آیت الله منتظری در ۱۵ اوت ۱۹۸۸ نامه دیگری به آیت الله خمینی ارسال کرد و بار دیگر با اعدام منافقین در زندان ها مخالفت کرد. نامه به طور کامل در اینجا می آید.⁵²

«این دومین نامه من در این مورد است. بعداً متوجه شدم که آنها به کار خود ادامه داده اند. اول محرم 53 بود و با آقای نیری، قاضی شرع اوین، آقای اشراقی دادستان و آقای رئیسی، معاون دادستان و همچنین آقای پورمحمدی که نماینده وزارت اطلاعات بود تماس گرفتم. به آنها گفتم که ماه محرم است و لاقلاً اعدام ها در ایام محرم تعطیل شوند. آقای نیری گفت: «ما تا کنون 750 نفر را در تهران اعدام کرده ایم، 200 نفر را نیز از بقیه جدا کرده ایم و اگر بتوانیم آنها را هم پاکسازی کنیم، به دستور شما عمل می کنیم». و من خیلی ناراحت شدم و در ملاقات با آنها در مورد سر فصل های اصلی یادداشت هایم و آنچه نوشته بودم صحبت کردم. من همچنین یک نسخه از یادداشت ها را به آنها تحویل دادم که اکنون برای شما می خوانم. اینها همان مطالبی است که در نامه آمده است که حاجی احمد آقا در برخی قسمت ها به آن ایراد گرفته است، اما این یک نامه نیست و فقط یادداشت های مکتوب است.»

⁵¹ Utdrag ur ayatolla Hossein Ali Montazeris memoarer, tilläggsprotokoll 1, s. 312 f.

⁵² Ibid. s. 318 f.

⁵³ Muharram är en helig månad i den islamiska kalendern.

یادداشت های نوشته شده به آقایان نیری؛ قاضی شرع، اشراقی؛ دادستان، ریسی؛ معاون دادستان و پورمحمدی؛ نماینده وزارت اطلاعات در اوین در خصوص اجرای فرمان امام.

به نام خدا

۱. من بیش از همه شما از منافقین چه در زندان و چه در خارج از زندان رنج کشیده ام. فرزندم را شهید کردند. اگر بحث انتقام باشد، من بیشتر خواهان بودم، اما من اعتبار انقلاب، اسلام، کشور، ولایت فقیه و مصلحت رژیم اسلامی را در نظر دارم. من محکومیت های نسل های آینده و تاریخ را در نظر دارم.

۲. اعدام دسته جمعی بدون محاکمه از این طریق، به ویژه علیه زندانیان و بازداشت شدگان، قطعاً و در درازمدت به نفع آنها خواهد بود. جهان ما را محکوم خواهد کرد و آنها را به جنگ مسلحانه علیه ما تشویق خواهد کرد. مبارزه با افکار و ایدئولوژی ها از طریق قتل اشتباه است.

۳. راهبرد پیامبر در برابر دشمنش در فتح مکه و جنگ هوزن و روش عمل او را مطالعه کنید. پیامبر با بخشش و آشتی با آنان ملاقات کرد و خداوند او را «بخشنده جهانیان» لقب داد. روش امیرالمومنین در برخورد با مردم در جمل را پس از شکست آنها بررسی کنید.

۴. اکثریت کسانی که مواضع خود را حفظ می کنند در اثر برخورد زندانبانان و بازجویان به آن سمت سوق داده شده اند وگرنه تمایل به تغییر داشتند.

۵. تنها به این دلیل که آنها پس از آزادی به منافقین می پیوندند کافی نیست که آنها به عنوان یاغی و محارب خوانده شوند. امیرالمومنین ابن ملجم را قبل از اینکه جنایت را انجام دهد مجازات نکرد، با وجودی که خودش گفته بود که او را می کشد.

۶. ایمان به تنهایی انسان را یاغی و محارب نمی کند و ارتداد رهبران لزوماً منجر به ارتداد طرفداران نمی شود.

۷. قضاوت و اعلام حکم باید در محیطی سالم و نه تحت تأثیر احساسات انجام شود. «قاضی وقتی تحت تأثیر است نباید قضاوت کند». در حال حاضر فضای اجتماعی ما بر اساس شعارها و تحریکات ناسالم است. ما از جنایات منافقین در غرب ناراحتیم، اما تعقیب زندانیان و بازداشت شدگان قدیمی برای اعدام بدون اینکه آنها کار جدیدی انجام داده باشند، قوه قضاییه و احکام قبلی آنها را زیر سوال می برد. کسی را که قبلاً به مجازاتی کمتر از اعدام محکوم کرده اید، به چه دلیلی اعدام می کنید؟ اکنون ملاقات ها و تماس های تلفنی را متوقف کرده اید. در آینده چه جوابی به خانواده ها می دهید؟

۸. من بیش از هر چیز از حیثیت امام و ولایت فقیه می ترسم. نمی دانم چگونه قداست آن را از رایه کرده اند. آیا همه آنچه در شرع درباره احتیاط در مورد خون و مال بحث کرده ایم، اشتباه بوده است؟

۹. با چندین قاضی عاقل و متدین آشنا شده ام که غمگین بوده و اجرا را زیر سوال برده اند. آنها گفتند که بیش از حد زیاده روی شده است و چندین نمونه از اعدام های نا موجه را ذکر کردند.
۱۰. در خاتمه مجاهدین خلق اشخاص نیستند یک سنخ فکر و برداشت است یک نحو منطق است، و منطق غلط را باید با منطق صحیح جواب داد، با کشتن حل نمی شود بلکه با ترویج می شود. انشاءالله موفق باشید»
۹۷. در مورد ارزش اثباتی شرایط گزارش شده در مورد این که یک فتوا صادر شد با اعدام هایی که نتیجه آن بودند دادگاه بدوی ملاحظات زیر را دارد.
۹۸. دلیلی برای تردید در صحت فتوا و نامه هایی که آیت الله منتظری در خاطرات خود منتشر کرده بود وجود ندارد. در اظهارات کارشناسان این پرونده، مشخص شده است که در متون دانشگاهی این فتوا با محتوای مندرج در خاطرات، از سوی آیت الله خمینی صادر شده است. همچنین می توان گفت که محتوا به وضوح توسط اسناد معاصر موجود، در بخش هایی که در بالا گزارش شده است، پشتیبانی می شود، که نشان می دهد که اعدام های حامیان مجاهدین در تابستان ۱۹۸۸ اتفاق افتاده است. همچنین آنچه در جلسه ۱۴ اوت ۱۹۸۸ اعضای کمیته مطرح شد و آیت الله منتظری در نامه ۱۵ اوت ۱۹۸۸ به آن اشاره کرده است و صحت آن را نوار صدا برداری شده منتشر شده از جلسه توسط فرزند آیت الله منتظری، احمد منتظری در اوت ۲۰۱۶ تایید می کند، موضوع اعدام ها را به قوت بیان می کند.⁵⁴
۹۹. همچنین می توان اشاره کرد که اطلاعات بیشتری در گزارش سالانه ۱۹۸۹ عفو بین الملل برای سال ۱۹۸۸ وجود دارد که درستی اطلاعات مندرج در خاطرات را تایید می کند. از جمله این که در اکتبر ۱۹۸۸ گزارش هایی منتشر شد مبنی بر اینکه آیت الله منتظری از اعدام ها انتقاد کرده است و نمایندگان مراجع اطلاعاتی را که در این باره به دست آمده را به عنوان تبلیغات غربی یا اپوزیسیون رد کرده اند. در نوامبر ۱۹۸۸ گزارش شد که دوازده تن از ملاهای مرتبط با آیت الله منتظری پس از درگیری در درون گروه حاکم بر ایران اعدام شده اند.

⁵⁴ Amnesty International, Blood-Soaked Secrets, s. 535 f.

چیزی که بعدها باعث شد آیت الله منتظری دیگر صلاحیت جانشینی آیت الله خمینی را نداشته باشد.⁵⁵

۱۰۰. پروفیسور یان یرپه همچنین شهادت داده است که او از سال ۱۹۸۰ یک دفتر خاطرات از جهان اسلام نوشته است و هنگامی که در سال ۱۹۸۸ آنچه را که از منابع ایرانی در مورد فتوا ثبت کرده بود مرور کرد، توانست ثابت کند که این فتوا منجر به اعدام شده است. تعداد زیادی از مردم در شرایط بحرانی جنگ با عراق و حتی حامیان آیت الله منتظری اعدام شدند. وی همچنین تأیید کرده است شرایطی که در آن این اعدام ها در زندان های ایران انجام شد خود گویای واقعی بودن این فتوا است.
۱۰۱. دادگاه بدوی می تواند در اینجا تأیید کند که محتوای فتوا نشان می دهد که اعدام ها ارتباط آشکاری با درگیری مسلحانه داشته است. در این فتوا به صراحت آمده است که یکی از دلایلی که باعث می شود افراد وفادار و پایبند به مجاهدین محارب تلقی شده و در نتیجه به اعدام محکوم شوند، جنگ با خدا و جنگ با ایران با همکاری حزب بعث عراق و جاسوسی از طرف صدام است.
۱۰۲. علاوه بر این، اطلاعات آیت الله منتظری در نامه ۱۵ اوت ۱۹۸۸ نیز گویای چنین ارتباطی است، نگاه کنید به بند ۷ از یادداشت های بالا. این یادداشت نشان می دهد که آیت الله منتظری ارتباط مستقیمی بین جنایات منافقین در غرب و اعدام هایی که در زندان ها انجام می شود، برقرار کرده است، اما بدون اینکه کشتن زندانیان را دلیل موجهی بداند.
۱۰۳. یان یرپه بر ارتباط زمانی بین عملیات فروغ جاویدان در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ و صدور فتوا تأکید کرده است، که به اعتقاد او این واقعیت را نشان می دهد که این فتوا واکنش مستقیمی به مشارکت مجاهدین در حمله به ایران بود.

⁵⁵ Amnesty International, Årsrapport 1989, s. 21 ff.

۱۰۴. در ۲۱ اکتبر ۲۰۱۳، اظهارات دیگری در رسانه های تحت کنترل دولت ایران در مورد بررسی ایران تریبونال از به اصطلاح اعدام های دسته جمعی سال ۱۹۸۸ که فتوا و ارتباط با درگیری را تأیید می کرد ارائه شد.⁵⁶ مقاله از فتوا در برابر مجاهدین منافق دفاع می کند. از آن به عنوان "فتوای نجات" یاد می شود که منجر به خنثی شدن مجاهدین شد. در این مقاله با اشاره به اظهارات مسعود رجوی قبل از عملیات فروغ جاویدان مبنی بر وجود نیروهای بالقوه مجاهدین در زندان های ایران، مجاهدین به عنوان ارتش نظامی و حامیان آن در زندان ها به عنوان نیروهای مسلح دشمن معرفی شده اند.⁵⁷
۱۰۵. مجموع شواهد مکتوب ارائه شده نشان می دهد که آیت الله خمینی، اندکی بعد و عمدتاً به دلیل حمله فروغ جاویدان مجاهدین ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ فتوایی صادر کرد که بر پایه آن زندانیان مجاهد بایستی محاکمه شده و آنانی که بر عقاید سیاسی و مذهبی خود ایستاده بودند به مرگ محکوم شوند. علاوه بر این، از تحقیقات مشخص شد که موجی از اعدام ها طبق روال مقرر در فتوا در مدت زمانی که در کیفرخواست نشان داده شده، در زندان های ایران دنبال شده است. بنابراین مشخص شد که انگیزه ای برای اعدام ها وجود داشته است که اجرای آن سازماندهی شده بود و از شیوه خاصی پیروی می کرد.

⁵⁶ Irantribunalen bildades 2007 av ett flertal brottsoffer och släktingar till brottsoffer med hjälp av jurister och människorättsaktivister. Förhandlingar ägde rum i Haag den 25 27 oktober 2012. Dom meddelades den 5 februari 2013, protokollbilaga J2, s. 161 212.

⁵⁷ Borhans politiska grupp/Seyyed Mohammad Mehdi Payamban, www.borhan.ir, publicerad 2013-10-21, protokollbilaga J3 s. 67 ff.

iii. موج اول اعدام ها در گوهردشت

سوال ۵) آیا زندانیان مجاهدین در زندان گوهردشت در دوره ۳۰ ژوئیه تا ۱۶ اوت ۱۹۸۸ پس از محاکمه ای که شرایط دادگاه عادلانه را برآورده نمی کرد و باعث ایجاد اضطراب شدید مرگ میان زندانیان می شد اعدام می شدند و همچنین ارتباط ضعیفی با درگیری مسلحانه بین المللی وجود داشت؟

اینها رسیدگی شده است

- اینکه کمیته ای محاکمه مقرر در فتوا را در دوره ۳۰ ژوئیه تا ۱۶ اوت ۱۹۸۸ در زندان گوهردشت انجام داد.
- اعدام تعداد بسیار زیادی از زندانیان بر خلاف مقررات بشردوستانه حقوق بین الملل، بدنبال بررسی کمیته در همان دوره زمانی صورت گرفت
- احکام اعدام بر اساس رویه ای به افراد ابلاغ می شد که الزامات اساسی برای یک محاکمه عادلانه را بر پایه مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل نادیده می گرفت
- تعداد بسیار زیادی از زندانیان که از حامیان و یا هواداران مجاهدین بودند، بر خلاف مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل در نتیجه محاکمه انجام شده توسط کمیته، دچار ترس شدید از مرگ می شدند.
- اینکه ارتباطی (پیوندی) با درگیری مسلحانه بین المللی بین ایران و عراق/مجاهدین وجود داشت.

در این بخش، دلایل این موضع گیری ها ارائه شده است.

۱۰۶. روند رسیدگی به یک برنامه مشترک از ۳۰ ژوئیه تا ۱۶ اوت ۱۹۸۸ دادستان بطور کلی اقدامات زیر را بصورت یک برنامه مشترک در زندان گوهردشت کرج طی دوره ۳۰ ژوئیه تا ۱۶ اوت ۱۹۸۸ شامل اتهامات قتل عمد، شکنجه و رفتار غیرانسانی در ارتباط (Nexus) با آن درگیری مسلحانه بین المللی جریانات جاری عنوان کرده است.

۱۰۷. پس از دسته بندی و انتخاب زندانیانی که از حامیان و یا هواداران مجاهدین بودند، آنها را با چشم بند از بند بیرون می آوردند و به طبقه همکف می بردند، در آنجا در راهروی اصلی بزرگ سرتاسری زندان یا مجاور آن جا داده می شدند. سپس آنها را یک به یک به محل کمیته دادگاه مانند می آوردند که اتاق آن کنار راهرو اصلی بود. کمیته که بر پایه فتوا مأموریت داشت تصمیم بگیرد که کدام زندانی باید اعدام شود، از زندانی چند سوال کوتاه می کرد پیش از اینکه زندانی را به راهروی اصلی یا مجاور آن برگردانند تا منتظر تصمیم کمیته بماند. زندانیانی که در اعتقادات خود به مجاهدین وفادار ارزیابی می شدند در قسمت ویژه ای از راهرو اصلی و به طرف یک سالن

بزرگتر (حسینیه که آمفی تاتر هم خوانده میشود) که در انتهای راهروی اصلی قرار داشت جا داده می شدند. پس از جمع آوری تعداد کافی زندانیان، اسامی آنها خوانده می شد و سپس آنها را تا محل اعدام همراهی می کردند. در اوایل، محل اعدام یک انبار بزرگتر در مجاورت زندان و سپس سالن اجتماعات در انتهای راهرو اصلی بود. در این مکان ها زندانیان با حلق آویز کردن از زندگی خود محروم می شدند. زندانیانی که در مقابل کمیته انصراف یا ابراز پشیمانی می کردند و به اعتقادات خود وفادار نبودند، زنده می ماندند. آنها در جاهای دیگر در راهرو اصلی یا در راهروهای جانبی جا داده می شدند. آنها مجبور شدند سوگندنامه بنویسند مبنی بر اینکه از مجاهدین فاصله گرفته اند، جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت می شناسند و موافقت کرده اند که بعد برای ضبط یک مصاحبه حاضر شوند و در آن بطور علنی از مجاهدین فاصله بگیرند.

۱۰۸. دادستان طرحی از زندان را ارائه کرده است که توسط زندانی آزاد شده و آرشیوتکت مسعود اشرف سمنانی به همراه ایرج مصداقی تهیه شده است. این طرح با تصویر ماهواره ای از زندان که در تحقیقات به دست آمده است مطابقت دارد است. صحت آن به طور کلی از طریق مصاحبه با سایر زندانیان آزاد شده نیز تأیید شده است. این طرح با جزئیات مکانی که دادستان ادعا کرده است در زیر ارائه شده است.

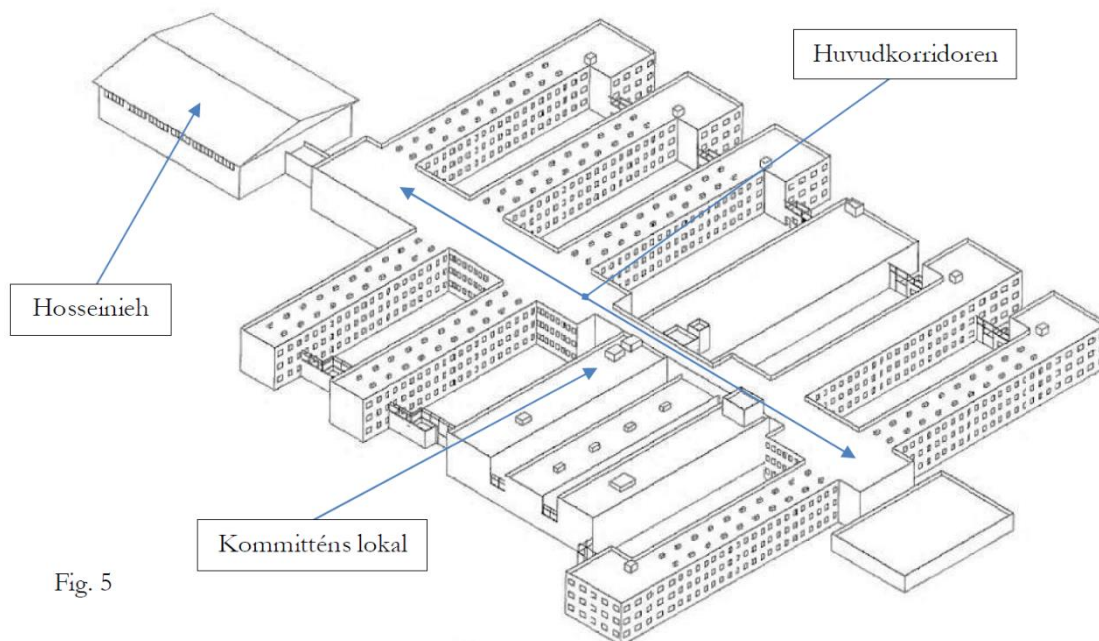


Fig. 5

قوانین حقوقی قابل اجرا

۱۰۹. نمونه هایی از تخلفات جدی که در بند ۶ از ماده ۶ از فصل ۲۲ قانون کیفری شمرده شده از موارد نقض شدید کنوانسیون ژنو گرفته شده است. چیزی که از جمله در ماده ۱۴۷ از GK IV در مورد حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ به تفصیل آمده است. این شامل قتل عمدی، شکنجه یا رفتار غیرانسانی با افراد محافظت شده است. با این حال، طبق ماده ۴ کنوانسیون، شهروندانی که توسط دولت خود اسیر می شوند، توسط کنوانسیون حمایت نمی شوند.
۱۱۰. از پروتکل الحاقی به کنوانسیون های چهارگانه ژنو TP I ، بخش III درباره «رفتار با افراد گرفتار در دست یک طرف درگیری»، در ماده ۷۲ «محدوده بکارگیری و اجرا» چنین آمده که این مقررات مکمل مقررات مربوط به حفاظت انسان دوستانه از غیر نظامیان در دست یکی از طرف های درگیری است، که در کنوانسیون ژنو آمده و همچنین سایر مقررات قابل اجرای حقوق بین الملل درباره حفاظت از حقوق پایه ای انسانی در درگیری های مسلحانه بین المللی است.
۱۱۱. ماده ۷۵ از پروتکل الحاقی، ضمانت های اساسی، مقرر می کند که با اشخاصی که در دست یک طرف درگیری هستند در هر شرایطی باید رفتاری انسانی داشته و بایستی دستکم از حمایت ذکر شده در این ماده برخوردار باشند. هر یک از طرفین باید به شرافت، اعتقاد یا مذهب همه این افراد احترام بگذارد (۱). طبق این ماده اعمال زیر همیشه و همه جا، چه توسط غیرنظامیان و چه از سوی نظامیان، ممنوع است: خشونت علیه جان یا سلامت یا علیه آسایش جسمی یک فرد، به ویژه قتل، و شکنجه از هر نوع، اعم از فیزیکی و روانی (۲a).
۱۱۲. علاوه بر این، بند ۴ از ماده ۷۵ از پروتکل الحاقی تعدادی ضمانت های امنیتی قانونی را مقرر می کند که حداقل حمایت را برای همه افراد اسیر صرف نظر از ملیت و صرف نظر از اینکه آنها وضعیت اسیر جنگی دارند یا نه، ارائه می دهد. این ضمانت ها مشابه ضمانت هایی هستند که از معاهدات حقوق بشر ناشی می شوند، یعنی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد و شامل الزامات اساسی برای یک محاکمه عادلانه هستند. در اینجا مهمترین چیز الزام به اطلاع بدون تأخیر از موضوع اتهام، اصل قانونی بودن و ممنوعیت عطف به ماسبق بودن قانون کیفری، اینکه مسئولیت کیفری تعیین شده با حکم قطعی نباید دوباره رسیدگی شود، فرض برائت، حق داشتن وکیل قبل و بعد از محاکمه، حق شهادت ندادن علیه خود، حق استماع شهود و استناد به

شواهد و مدارک خود، حق داشتن یک حکم علنی با فرصت تجدید نظر. بند e از ماده ۸۵ بیان می‌دارد که سلب حق محاکمه منصفانه از شخص تحت حمایت یا اسیر، جرمی بسیار جدی است.

پرسش‌هایی برای رسیدگی

۱۱۳. وقایع جاری شامل رویدادهای بزرگ و غیرقابل بررسی است، که در آن چندین نفر درگیر بوده و برای ارتکاب اعمال ادعا شده با هم همکاری می‌کردند. بنابراین، ارزیابی در ابتدا بروی آنچه که افراد درگیر بطور مشترک کرده اند متمرکز است، نه بر آنچه که هر یک از آنها به صورت جداگانه انجام داده‌اند. با این اوصاف، مناسب است بار دیگر تاکید شود که دادگاه بدوی باید در هنگام تنظیم دلایل حکم، فرض برائت کنوانسیون اروپایی را در نظر بگیرد و هرگز اظهارات دیگری از آنچه که برای بررسی پرونده ضروری است، نکند، مساله ای که در نهایت به مجرمیت حمید نوری در حوادث در مرکز توجه مربوط می‌شود.

۱۱۴. در ادامه، دادگاه بدوی به ارزیابی شواهدی می‌پردازد که ادعای دادستان را تأیید می‌کند

- اینکه کمیته‌ای محاکمه‌ها را مطابق با دستور فتوا در زندان گوهردشت طی دوره ۳۰ ژوئیه تا ۱۶ اوت ۱۹۸۸ انجام داده است
- اینکه اعدام تعداد بسیار زیادی از زندانیان مجاهد در نتیجه محاکمه کمیته در زندان گوهردشت در این دوره زمانی صورت گرفت (از جمله اعدام افراد نامبرده شده در پیوست A)،
- اینکه تعداد بسیار زیادی از زندانیان که حامی یا هوادار مجاهدین بودند در نتیجه محاکمه کمیته دچار ترس شدید از مرگ شدند (از جمله افراد نامبرده شده در پیوست‌های A و B)
- اینکه احکام اعدام صادره در دادگاهی که الزامات پایه ای یک محاکمه عادلانه را مطابق با مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل نداشت به قربانی ابلاغ می‌شد و همچنین
- اینکه ارتباطی (پیوند nexus) با درگیری مسلحانه بین المللی بین ایران و عراق/مجاهدین وجود داشت.

مدارک و شواهد

۱۱۵. رسیدگی به پرونده اعدام در زندان گوهردشت گسترده و پر از جزئیات است. علاوه بر اظهارات شاکیان و شاهدان، هسته مرکزی تحقیقات در این بخش تشکیل شده است از مستندات معاصر با ارتباط مستقیم با وقایع زندان و آنچه بلافاصله قبل و بعد از آن رخ داده است.

۱۱۶. از بررسی گزارش‌های بین‌المللی معاصر می‌توان چندین نتیجه قاطع در مورد سیر وقایع به طور کلی گرفت که به عنوان مدرکی در بخش قبلی درباره اعدام‌هایی که در ایران به دنبال فتوای آیت‌الله خمینی در سال ۱۹۸۸ انجام شد، گزارش و ارزیابی شده‌اند. اطلاعات موجود در تحقیقات در رابطه با حوادث زندان گوهردشت نیز از مدارک و شواهد پر اهمیت است. بنابراین دادگاه بدوی با گزارش حقایق تکمیلی از این اسناد معاصر شروع می‌کند، که به ویژه در مورد وقایع گوهردشت، حقایق مستندی را در قالب آثاری از زمان‌های مشخص شده در آن تشکیل می‌دهد. بر اساس آنچه که از این طریق به دست می‌آید، دادگاه بدوی مدارک و شواهد مرکزی را در قالب اظهارات بازپرسی و همچنین سایر شواهد و مدارک با اهمیت مستقیم و غیرمستقیم برای موضوعات جاری مورد رسیدگی را بررسی و ارزیابی می‌کند.

محاکمه‌های کمیته - اعدام‌ها و اضطراب مرگ**گزارش‌های بین‌المللی درباره گوهردشت**

۱۱۷. در ضمیمه آنچه که سازمان عفو بین‌الملل در دسامبر ۱۹۹۰ در مورد ایران و نقض حقوق بشر در این کشور طی دوره ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ گزارش کرد، مسایل زیر به ویژه در گزارش در مورد حوادث زندان گوهردشت در تابستان ۱۹۸۸ آشکار می‌شود.⁵⁸

«به نظر می‌رسد که زندانیان زندان گوهردشت در کرج تصویر واضح تری از وقایع رخ داده داشته‌اند. زندانیان سابق به عفو بین‌الملل توضیح داده‌اند که چگونه کمیسیونی متشکل از نمایندگان دادگاه‌های انقلاب اسلامی،

⁵⁸ Amnesty International report Iran: Violations of Human Rights 1987 1990, (MDE 13/21/90), protokollbilaga J2, s 50 f.

دادستانی انقلاب و وزارت اطلاعات در ژوئیه ۱۹۸۸ شروع به محاکمه مجدد تمامی زندانیان سیاسی کردند. این «محاکمه مجدد» شباهت چندانی با روندهای قانونی طراحی شده برای تعیین گناه یا بی گناهی یک متهم در رابطه با یک جرم قانونی نداشت. در مقابل، به نظر می رسد که هدف نوعی جلسات بازپرسی رسمی برای کشف دیدگاه‌های سیاسی بود تا زندانیانی را که «توبه» نکرده اند اعدام کنند، مجازات همه کسانی که هنوز به مخالفت با دولت ادامه می‌دادند.

گزارش شده است که در زندان گوهردشت زندانیان مجاهد اولین کسانی بودند که به کمیسیون آورده شدند. سایر زندانیان اطلاعات مربوط به "محاکمه" را از زندانیان مجاهد از طریق کد مورس از طریق تقه زدن به دیوار از اتاقی به اتاق دیگر دریافت کردند. به گفته یکی از زندانیان که در کمیسیون آورده شده است، اولین سوالی که پرسیده شد این بود که "وابستگی سیاسی شما چیست؟" کسانی که جواب «مجاهدین» را دادند برای اعدام فرستادند. پاسخ «صحیح» «منافقین» بود. سپس آن دسته از زندانیانی که از این بخش اول بازپرسی جان سالم به در بردند، در معرض سری دوم سؤالات قرار گرفتند. اینها شامل سؤالاتی بود مانند:

- آیا حاضرید برای محکوم کردن و افشاگری منافقین در تلویزیون مصاحبه کنید
- آیا حاضرید با نیروهای جمهوری اسلامی به جنگ منافقین بروید؟
- آیا حاضرید طناب به گردن یکی از اعضای فعال منافقین ببندید؟
- آیا حاضرید میدان‌های مین را برای ارتش جمهوری اسلامی پاکسازی کنید؟

طبق گزارش‌ها، اکثریت زندانیان حاضر به دادن پاسخ‌های مورد نظر نبودند و در نتیجه برای اعدام فرستاده شدند. حدود ۲۰۰ نفر از ۳۰۰ زندانی مجاهد در بند ۳ و ۴ زندان گوهردشت پس از این نوع بازپرسی کشته شدند. گزارش‌ها حاکی از آن است که بازپرسی‌ها به گونه‌ای انجام می‌شد که بازداشت‌شدگان را فریب می‌داد تا اظهاراتی مبنی بر افشای مخالفت خود با دولت بکنند.

زندان‌های بازجوها را «کمیسیون مرگ» می‌نامیدند. آنان هفته‌ای سه بار با هلیکوپتر به زندان گوهردشت می‌آمدند. گفته می‌شود همین کمیسیون در زندان اوین نیز حضور داشته است.

به گفته شاهدان عینی دیگری از این دوره در زندان گوهردشت، تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام زندانی را اعدام و کدام را معاف کنند، بسیار خودسرانه بوده است. برخی از زندانیان که توسط کمیسیون به اعدام محکوم شده بودند، نجات یافتند، زیرا زندانبانان، زندانیانی را می‌فرستادند که از آنان خوششان نمی‌آمد تا به جای زندانیان محکوم شده اعدام شوند. همچنین با انتقال زندانیان از زندان‌های مختلف و از بخشی به بخش دیگر در زندان، سردرگمی زیادی وجود داشت. در نتیجه این سردرگمی، گاهی اوقات زندانیان به اشتباه اعدام می‌شدند.

همین شاهد عینی تخمین می‌زند که از ۹۰۰ زندانی مجاهد در زندان گوهردشت در اوایل تابستان ۱۹۸۸، تعداد ۶۰۰ زندانی مجاهد اعدام شدند. در زندان اوین که اعدام زندانیان به طور همزمان ادامه داشت، درصد اعدام‌های انجام شده از کل زندانیان سیاسی بسیار بیشتر بود. یک توضیح احتمالی برای این موضوع این بود که در اوین راهی برای ارتباط زندانیان با یکدیگر وجود نداشت، بنابراین مانند زندانیان گوهردشت، فرصتی برای آماده کردن پاسخ به سؤالات «کمیسیون مرگ» به آنها داده نشد. "

۱۱۸. دادگاه بدوی می‌تواند تایید کند که محتوای گزارش‌های بین‌المللی که مربوط است به دوره نزدیک به دوره کیفرخواست تصویر روشن و منسجمی از شیوه‌ای به دست می‌دهد که به این معناست که زندانیان مجاهد در گوهردشت توسط کمیته‌ای در مورد عقایدشان درباره مجاهدین بازپرسی می‌شدند و اگر بر عقیده خود نسبت به این سازمان پا برجا بودند به اعدام محکوم می‌شدند.

اظهارات در بازپرسی‌ها و تحقیقات حمایتی

۱۱۹. آنچه در مورد اعدام‌های زندان گوهردشت توسط عفو بین‌الملل در مورد نحوه اقدام در سطح مشترک گزارش شده است، با اطلاعاتی که عملاً همه زندانیان بازمانده در ضمیمه B ارائه کرده‌اند تأیید شده است. اطلاعات در این مورد همچنین به طور غیرمستقیم با آنچه چندین شاهد در پرونده اظهار کرده‌اند تأیید می‌شود.

۱۲۰. اطلاعات بازپرسی شدگان در مورد آنچه در زندان تجربه کرده‌اند در خلاصه اظهارات در پیوست 2 رای دادگاه آمده است. بخشی از این شواهد مستقیم‌اند که شامل اطلاعات ارائه شده توسط افرادی است که در زندان بوده‌اند و در برابر کمیته قرار گرفته‌اند، و بخشی هم شواهد غیرمستقیم‌اند، که شامل مشاهداتی است که سایر افراد در زندان انجام داده‌اند.

۱۲۱. از توضیحات ارائه شده توسط بازپرسی شدگان در ضمیمه B، همراه با اطلاعات ارائه شده در بالا در گزارش عفو بین‌الملل، تصویری خلاصه به دست می‌آید که زندانیان مجاهد در زندان گوهردشت مجبور به پاسخگویی به سوالات فرم‌هایی در مورد دیدگاه‌های خود در مورد سازمان و سپس جمهوری اسلامی بودند و اینکه پس از آن کارکنان آن زندان با آنها مصاحبه شفاهی می‌کردند و پس از آن زندانیان بر اساس پاسخ‌های داده شده دسته‌بندی می‌شدند. کسانی را که از حامیان یا هواداران مجاهدین بودند، پس از چند ساعت انتظار در راهروی اصلی زندان یا در مجاورت آن به کمیته می‌آوردند. سپس زندانی مجبور می‌شد در بازپرسی کوتاهی به سوالاتی درباره اعتقادات خود پاسخ دهد. کسانی که معتقد و وفادار به سازمان بودند پس از انتظار برای تصمیم کمیته در راهروی اصلی، برای اعدام برده می‌شدند و کسانی که توبه و ابراز پشیمانی می‌کردند و از مجاهدین فاصله می‌گرفتند زنده می‌ماندند. فاصله‌گیری زندانیان

سپس با نوشتن توبه نامه و بعد با انجام مصاحبه ویدیویی مستند می شد.

۱۲۲. اظهارات مربوط به پروسه عمل مطابق آنچه که در بالا آمد قابل اعتماد تلقی می شود و از تمام جهات با رویدادهای واقعی مطابقت دارد. دلیلی وجود ندارد که اطلاعات منشأ دیگری داشته باشد جز اینکه بازپرسی شدگان آنچه را که خودشان در زندان گوهردشت تجربه کرده اند، شرح داده اند. هیچ شرایطی از جمله ابهامات یا ناهماهنگی ها، دلیلی برای زیر سؤال بردن تحقیقات در این بخش ها نمی شود.

۱۲۳. در اینجا می توان گفت که با بررسی ها مشخص شد که کمیته مطابق با تصمیم آیت الله خمینی محاکماتی را انجام داد که خود مؤید اطلاعات آیت الله منتظری در خاطراتش درباره فتوا و اعدام های پس از آن است. حقایقی که همچنین نشان می دهد که داده های بازپرسی ها در این مورد منعکس کننده یک توالی واقعی از رویدادها هستند. همچنین می توان اشاره کرد که اطلاعات ثابتی از سوی چندین شاکی مبنی بر توقف اعدام پیروان مجاهدین در ماه محرم (اوت ۱۹۸۸) در تقویم اسلامی ارائه شده که در خاطرات آیت الله منتظری نیز تأیید گردیده است. (نگاه کنید به اطلاعاتی که در نامه ۱۵ اوت ۱۹۸۸ که در بالا گزارش شده است). همچنین در این زمینه می توان گفت که محاکمه ها توسط افرادی که در فتوا، به قضاوت موضوع در تهران مامور شده بودند، انجام و اجرا شده است.

۱۲۴. این واقعیت که زندانیان مجاهد در زندان گوهردشت اعدام می شدند نیز به طور غیرمستقیم از اطلاعات ارائه شده کسانی که بازپرسی شده اند معلوم می شود، که زندانیان پس از بیرون آوردن از بند خود و رسیدگی به پرونده آنها توسط کمیته، ناپدید شده و دیگر هرگز دیده نمی شدند. علاوه بر این، بازپرسی شدگان گفته اند که وسایل زندانیان مفقود شده در پاییز پس از اعدام از بندها جمع آوری شده و سپس توسط کارکنان زندان به بستگانی که از مرگ زندانی مفقود مطلع شده بودند، تحویل داده می شده است. این اطلاعات هم به این نتیجه می رسد که تعداد زیادی از زندانیان گوهردشت اعدام شده اند.

۱۲۵. علاوه بر این، اظهارات برخی از بازپرسی شدگان در مورد مشاهده مستقیم اجساد در حال انتقال به کامیون ها نشان دهنده حقایق اثباتی است که تصمیمات اعدام زندانیان مجاهدین اجرا شده است. چنین اطلاعاتی را از جمله شاکیان احمد ابراهیمی، رمضان فتحی و علی اکبر بندلی و نیز شاهدان امیر هوشنگ اطیابی و منوچهر پیوند ارائه کرده اند.
۱۲۶. از اطلاعاتی که احمد ابراهیمی در اختیار گذاشته، چنین برمی آید که وی در بازه زمانی کیفخواست، مشاهداتی از عبور هر شب کامیون ها در ساعت ۱۱ شب داشته است. او اظهار داشته است که در یک مورد، کامیونی را دید که چند دقیقه زیر سالی که او بود در یک منطقه روشن در کنار ساختمان آشپزخانه ایستاده و او می توانست طرح هایی از اجساد مرده را روی اتاقک بار کامیون تشخیص دهد.
۱۲۷. رمضان فتحی گفته است که در ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۸ (۸ مرداد ۱۳۶۷) از سوراخی در پنجره کرکره بند محل حضورش، اجساد را مشاهده کرده است. طبق این گزارش، او دید که چگونه ۳۰ جسد بسته شده در گونی را به داخل کامیون های یخچال دار که در عقب دو در داشتند، می انداختند. او همچنین وقتی پیکرهای بیجان را به داخل یخچال کامیون پرت می کردند می دید و صدای افتادن آنها را می شنید. در ۳ اوت ۱۹۸۸ (۱۲ مرداد ۱۳۶۷)، او بار دیگر کامیون هایی را دید با پیکرهایی در اتاقک بار کامیون که در پارچه یا برزنت پیچیده شده بودند از پایین بند او رد می شدند و در برابر یک سرعت گیر ترمز می کردند.
۱۲۸. علی اکبر بندلی اطلاعاتی در اختیار گذاشته که نشان می دهد او کامیون هایی را دیده بود که هر روز در ساعت ۲۳ از کنار سالن اجتماعات در بند ۲ که اعدام ها در آنجا صورت می گرفت عبور می کردند. یک شب او دید که کامیونی در انبار پایین ایستاد و سپس به سمت ساختمان آشپزخانه رفت. منطقه روشن بود و او می توانست خطوط اجساد را روی اتاقک بار کامیون که با برزنت پوشانده نشده بود، تشخیص دهد. کامیونی که او دید ۷ تا ۸ دقیقه ایستاده بود و بعد حرکت کرد.
۱۲۹. امیر هوشنگ اطیابی شهادت داد که در دوازده روز مختلف بین ۳۰ ژوئیه تا ۱۶ اوت ۱۹۸۸ (۸ تا ۲۵ مرداد ۱۳۶۷) کامیون هایی را مشاهده کرده که به حسینی می آمدند و حداقل در یک مورد توانست متوجه شود که کامیون جسد بار زده است.

او در تقویم/سالنامه خود با سایه زدن یک عدد با مداد برای یک کامیون و دو عدد برای دو کامیون یادداشت می کرد.

۱۳۰. منوچهر پیوند نیز شهادت داده است که در اواسط مرداد، در فاصله ۶ تا ۷ متری در نیمه روز، مرده هایی را روی زمین زیر بند خود دیده که با چیزی روی آنها را پوشانده بودند. اجساد ۱ تا ۲ روز در آنجا ماندند و سپس خارج شدند. کارکنان زندان با سمپاشی زمین محل را تمیز و ضدعفونی کردند. او همچنین اجساد را دیده است که با یک کامیون روباز به بیرون منتقل می شوند. بدن ها روی هم چیده شده و با چیزی نازک پوشانده شده بودند.

۱۳۱. دادگاه بدوی تاکید می کند که اینها مشاهدات مستقیم در فواصل نسبتاً کوتاه در جاهای روشن یا در نور روز هستند. این اطلاعات قابل اعتماد تلقی می شوند و برای ادعای دادستان در مورد اعدام ها ارزش اثباتی نسبتاً بالایی دارند.

۱۳۲. علاوه بر این، اطلاعات زیادی در تحقیقات کتبی موجود است که علاوه بر گزارش های بین المللی معاصر، ادعای دادستان در مورد اعدام های گوهردشت را نیز تأیید می کند. از آن جمله می توان به کتاب *Neither Life Nor Death* اثر ایرج مصداقی در سال ۱۳۸۵ اشاره کرد که در آن خاطرات زندگی در زندان در دوران اعدام ها گزارش شده است. این کتاب از جمله حاوی اطلاعاتی است مبنی بر اینکه در ماه های مه و ژوئن ۱۹۸۸، تعداد ۱۵۰ زندانی که دوران حبس خود را سپری کرده بودند اما همچنان در بازداشت بسر می بردند، از اوین به زندان گوهردشت منتقل شدند. در این کتاب آمده است که حدود نیمی از آنها متعلق به مجاهدین بوده و به جز دو نفر، همه آنها اعدام شده اند. اطلاعاتی با ماهیت مشابه در کتاب آفتابکاران محمود رویایی در سال ۲۰۰۷ و نیز کتاب *A Galaxy of Stars* حسین فارسی در سال ۲۰۱۶ گزارش شده است.

۱۳۳. گزارش جفری رابرتسون Geoffrey Robertsons که در سال ۲۰۱۰ انتشار یافت با نام *A Massacre Of Political Prisoners in Iran, 1988* نیز ادعای دادستان را تأیید می کند. در آن گزارش اطلاعاتی که بر اساس حجم زیادی از مصاحبه با زندانیان سیاسی آزاد شده و بستگان اعدام شدگان در مورد اعدام های گوهردشت تهیه شده ارایه می شود. اطلاعات مشابهی درباره اعدام های گوهردشت در گزارش کمیسیون حقیقت ایران تریبونال با نام

Findings of the Truth Commission منتشر شده در سال ۲۰۱۳⁵⁹ و در گزارش عفو بین الملل در سال ۲۰۱۸ بنام *Blood-Soaked Secrets* آمده است.

۱۳۴. دادگاه بدوی بطور خلاصه می تواند چنین نتیجه گیری کند که مدارک اصلی شاکیان در پیوست B به خودی خود ارزش اثباتی بالایی را برای ادعاهای دادستان داراست که کمیته ای محاکمه دستور داده شده در آن فتوا را در زندان گوهردشت انجام داده و تعداد زیادی از زندانیان مجاهد اعدام شدند و نیز تعداد بسیار زیادی از آنها از جمله کسانی که نام آنها در پیوست B قرار دارد، به دلیل رفتار خودسرانه در زندان که نتیجه فتوای صادر شده بود، دچار اضطراب شدید مرگ شدند. این اظهارات همچنین از طریق تحقیقات گزارش شده در بالا، به ویژه از گزارش های آن زمان عفو بین الملل و سایر داده های بازپرسی هایی که دارای اهمیت بعنوان شواهد و مدارک غیرمستقیم برای اعدام ها هستند، به گونه واضح و گسترده ای پشتیبانی می شوند. از نظر دادگاه بدوی، بدین ترتیب مشخص می شود که تعداد زیادی از زندانیان مجاهد در گوهردشت طبق آن فتوا اعدام شده اند و زندانیان مجاهد به دلیل محاکمه های کمیته با ترس شدید از مرگ مواجه بوده اند.

۱۳۵. قبل از اینکه دادگاه بدوی ملاحظات حقوقی خود را مطرح کند و به بررسی این سؤال پردازد که آیا بین این اعمال و درگیری های مسلحانه بین المللی ارتباطی (nexus) وجود دارد یا خیر، توضیح مفصل تری در مورد اینکه آیا محاکمه ها در کمیته الزامات اساسی یک محاکمه عادلانه را برآورده می کند ارائه می شود. در مورد اینکه چه افرادی در پیوست A که تحقیقات نشان داده اعدام و با ترس شدید از مرگ مواجه شده اند، دادگاه بدوی در بخش ویژه ای در زیر به این موضوع خواهد پرداخت.

الزامات یک دادرسی عادلانه

۱۳۶. در رابطه با اینکه آیا احکام اعدام صادر شده توسط کمیته بر اساس رویه ای اعلام شده است که شرایط اولیه را برای یک محاکمه عادلانه برآورده نمی کند، دادگاه بدوی ارزیابی زیر را انجام می دهد.

⁵⁹ Irantribunals utredande kommission (sanningskommission) genomförde intervjuer den 18 22 juni 2012 med bl.a. personer som suttit fängslade i Gohardasht-fängelset. Rapporten avser övergrepp och avrättningar av politiska fångar i Iran 1981 1988, protokollbilaga J1, s. 1 431.

۱۳۷. از طریق محتوای گزارش های آن زمان در مورد اعدام های ایران در سال ۱۹۸۸ و شرح نحوه برگزاری جلسات استماع در کمیته که شاکیان در پیوست B ارائه کرده اند و به صورت گزارش در پیوست ۲ رای دادگاه گزارش شده است، تصویر روشنی بدست می آید. معلوم می شود که محکومان به اعدام محاکمه عادلانه ای نداشته اند. از جمله مشخص شده است که زندانیان مجاهدی که به کمیته معرفی شده اند فرصتی برای آماده سازی دفاعیات خود نداشته اند، اتهامات و مجازات آنها روشن نشده بود و آنها هیچ فرصتی برای تجدید نظر در حکم صادره پس از رسیدگی اجمالی نداشتند.
۱۳۸. همچنین تحقیقات در این زمینه، بطور غیر مستقیم از آنچه در باره روند رسیدگی به طور کلی در دادگاه های انقلاب به دست آمده است نیز حمایت می شود. آئین نامه اداری سال ۱۹۷۹ حاکم بر دادگاه های انقلاب از جمله این است که دادگاه های انقلاب از سه عضو تشکیل می شوند. یک قاضی شرع که ریاست دادگاه را بر عهده دارد، یک قاضی از وزارت دادگستری و فردی خوشنام و معتبر. ماده ۱۱ آیین نامه تصریح می کند که آرای دادگاه های انقلاب قطعی است و قابل تجدیدنظر نیست.⁶⁰
۱۳۹. علاوه بر این، عفو بین الملل در گزارش خود از آن زمان توضیح می دهد که محاکمه ها معمولاً به صورت مخفیانه در داخل زندان ها انجام می شد و متهم اغلب نمی دانست که آنچه رخ میدهد یک بازرسی نیست بلکه یک محاکمه است. همچنین گفته می شد که اتهامات همیشه قبل از محاکمه روشن نبود و معمولاً فرصت دفاع به متهم داده نمی شد. نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارش خود در فوریه ۱۹۹۰ نوشت در مواردی که احکام اعدام از سوی دادگاه های انقلاب صادر می شد، متهم هرگز از حکم مطلع نشده بود.⁶¹
۱۴۰. از تحقیقات گزارش شده در بالا، تصویری از یک سیستم دادگاه با رویه های خودسرانه ظاهر می شود که نه از الزامات قوانین و مقررات داخلی و

⁶⁰ Amnesty International, Blood-Soaked Secrets, s. 517.

⁶¹ Amnesty International, Iran: Violations of Human Rights 1987 1990 (MDE 13/21/90), s. 50 f. och 59f.

و نه حداقل استانداردهای جهانی برای یک دادگاه عادلانه برخوردار است و این بطور غیر مستقیم شاهدهی است بر درستی گفته های شاکیان درباره محاکمه های آن کمیته در گوهر دشت که در پیوست B آمده است. با این حساب مشخص شده است که احکام صادره مسبوق به یک رویه قانونی که شرایط لازم برای دادرسی عادلانه را داشته باشد، نبوده است.

ملاحظات حقوقی - Nexus

۱۴۱. اعدام شدگان هیچکدام عضو نیروی مسلحی نبودند و بنابراین تحت پوشش وضعیت اسیر جنگی قرار نمی گرفتند. قربانیان شهروندان ایرانی بودند و وابستگی رسمی یا حداقل غیررسمی به مجاهدین به عنوان حامیان یا هواداران این سازمان داشتند. به این دلیل، آنها در اوایل دهه ۱۹۸۰ به جرایم سیاسی محکوم شده بودند و از آن زمان در زندان بودند. کنوانسیون های چهارگانه ژنو (GK IV) هم درباره آنها قابل اجرا نبود زیرا کنوانسیون شهروندانی را که توسط دولت خود اسیر شده اند معاف می کند (ماده 4). با این حال، قربانیان تحت پوشش مفهوم افراد حمایت شده در ماده ۷۵ پروتکل الحاقی به کنوانسیون TP I بودند که شامل هیچ گونه شرط طرف مقابل نیست، زیرا آنها در دست یکی از طرفین درگیری بودند.

۱۴۲. آنچه که جرایم مربوط به حقوق بین الملل را متمایز می کند، همانطور که در بالا در بخش نقاط شروع قانونی نشان دادیم، این است که این اعمال ارتباط نزدیکی با درگیری مسلحانه دارند. درگیری مسلحانه به خودی خود نباید دلیلی باشد که شخص، مرتکب عمل مورد نظر می شود، اما در هر صورت باید نقش مهمی برای مرتکب در انجام آن، روش کار او و دلیل یا انگیزه او داشته باشد. این گفته به این معناست که اگر درگیری مسلحانه رخ نمی داد، احتمالاً این عمل هم رخ نمی داد. ارتباط مستقیم با منازعات لازم نیست، اما کافی است که یک درگیری زمینه ای باشد که امکان انجام جرم را فراهم می کند.⁶²

۱۴۳. تعدادی از شرایط مختلف می تواند ارتباط nexus بین عمل و درگیری را نشان دهد. ممکن است به وضعیت مجرم و قربانی

⁶² Klamberg (red.), Lagföring i Sverige av internationella brott, första upplagan, s. 267.

تحت مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل مربوط باشد، اگر عمل در مقام رسمی انجام شده باشد، اگر هدف این عمل حمایت و جلو بردن یکی از طرفین در درگیری باشد، و اگر مرتکب و قربانی نوعی وابستگی به طرف دشمن داشته باشند. چنین وابستگی را می توان به دو طریق ارزیابی کرد؛ هم بر اساس دلایل رسمی، مانند ملیت یا شغل، و هم بر اساس دلایل غیررسمی، برای نمونه اگر وابستگی به یک درگیری خاص در عمل با قومیت یا اعتقادات سیاسی یا مذهبی تعیین شود⁶³.

۱۴۴. چیزی که این رابطه nexus را روشن می کند می تواند مثلاً این باشد که غیر نظامیان بازداشت شده متعلق به طرف دشمن در معرض اعدام یا رنج شدید قرار می گیرند. چنین اعمالی از طریق وضعیت افراد، اینکه مرتکب و قربانی متعلق به طرف های مختلف درگیری هستند و احتمالاً از طریق انگیزه مرتبط با درگیری، به عنوان مثال با هدف مجازات، تحقیر یا به دست آوردن اطلاعات در مورد دشمن، نشان واضحی از درگیری دارد.

۱۴۵. همانطور که دادگاه بدوی در بالا در بخش انگیزه اشاره کرد، فتوای آیت الله خمینی حاوی نوشته هایی است که آشکار می کند بین این اعمال و درگیری مسلحانه بین المللی بین ایران و عراق/مجاهدین ارتباط مستقیمی (nexus) وجود داشته است. این نتیجه گیری را همچنین تحقیقات دیگری که در همان قسمت ارایه شد پشتیبانی می کند. این اعمال مجرمانه بسیار روشن نشان از آن درگیری داشت زیرا عاملان و قربانیان متعلق به طرف های مختلف درگیری بودند. همچنین از آنجایی که انگیزه آنها با درگیری مرتبط بود، هدف آنها مجازات و تحقیر یا به دست آوردن اطلاعات بود برای تعیین دشمن.

۱۴۶. بر پایه حقوق بین الملل، این اعمال قتل عمد و شکنجه افراد محافظت شده (بند ۲a از ماده ۷۵ از پروتکل الحاقی به کنوانسیون های چهارگانه ژنو I-TP) و محروم کردن افراد تحت حمایت از حق محاکمه عادلانه (بند ۴) می باشد. این مقررات حقوق بین الملل که در زمان وقوع این اعمال مجرمانه در سال ۱۹۸۸ نقض شد دارای وضعیت حقوق عرفی بود.

⁶³ Ibid. s. 264.

نتیجه گیری

۱۴۷. معلوم شد که آیت‌الله خمینی فتوا داد تا بررسی کند که آیا حامیان یا هواداران مجاهدین در زندان‌ها به عقاید سیاسی خود پایبند هستند و موجی از اعدام‌ها به دنبال این فتوا در زندان‌های ایران، از جمله در زندان گوهردشت در بازه زمانی تحت پوشش کیفرخواست، ۳۰ ژوئیه - ۱۶ اوت ۱۹۸۸ به راه افتاد. همچنین نشان داده شد که تعداد بسیار زیادی از زندانیان که از حامیان یا هواداران مجاهدین بودند، طبق رویه ای اعدام شدند که شرایط اولیه برای یک محاکمه عادلانه برپایه مقررات انسان دوستانه حقوق بین‌الملل را برآورده نمی‌کرد. علاوه بر این، همچنین ثابت شد است که تعداد بسیار زیادی از زندانیان حامی یا هوادار مجاهدین، از جمله کسانی که نام آنها در ضمیمه B ذکر شده است به دلیل رویه ای که در زندان به دنبال فتوا اعمال می‌شد، دچار ترس شدید از مرگ شده‌اند. در نهایت، روشن است که بین این اعمال و درگیری مسلحانه بین المللی ارتباط (nexus) وجود داشته است.

۱۴۸. دادگاه بدوی بدینوسیله نشان می‌دهد که کدام یک از افراد ذکر شده در پیوست A طبق ادعای دادستان اعدام شده‌اند و با ترس شدید از مرگ مواجه بوده‌اند.

اعدام شدگان در پیوست A

۱۴۹. در بخش بعدی، دادگاه بدوی بررسی خواهد کرد که آیا ۱۱۰ نفری که در پیوست A کیفرخواست نام برده شده است (به پیوست ۱ رای دادگاه مراجعه کنید) در جریان دوره ی جرم گفته شده، در گوهردشت اعدام و یا به ترس شدید از مرگ مجازات دچار شدند یا خیر.

۱۵۰. نخست اینکه دادگاه بدوی گزارشی از شرط اثبات و شرایطی که برای ارزیابی شواهد در این قسمت از اهمیت ویژه ای برخوردار است، ارائه خواهد کرد. سپس دادگاه بدوی گزارشی کلی از شواهد مورد استناد ارائه می‌دهد و سپس بررسی می‌کند که کدام اسامی در ضمیمه، ثابت شده که در زندان اعدام شده‌اند.

شرط مدرک قابل بکارگیری

۱۵۱. افرادی که در ضمیمه کیفرخواست گفته می‌شود که اعدام شده‌اند مشمول توضیحات دادستان از جرم هستند. این به این معنی است که

اگر پرسیده می شود که آیا شخص بخصوصی در گوهردشت اعدام شده است یا خیر، باید شرط اثبات بکار گرفته شود که بطور معمول در پرونده های کیفری بکار برده می شود. این کار از این رو لازم است که جای تردیدی باقی نگذارد.

۱۵۲. در اینجا می توان اشاره کرد که مدت زیادی از اجرای حکم می گذرد و اجساد و سایر مدارک شناسایی وجود ندارند. علاوه بر این، اطلاعات ارائه شده توسط مقامات به بستگان مختصر و در بخش هایی گمراه کننده بوده است. با این حال، در این پرونده، روند اعدام ها به وضوح مشخص شده است. قرنطینه در گوهردشت اعمال شد و پس از آن زندانیان وابسته به مجاهدین در مدتی که دادستان در کیفرخواست مشخص کرده است اعدام شدند. همچنین مشخص شده که اعدام های مشابهی در زندان های دیگر نیز در همین دوره اتفاق افتاده است و مدت کوتاهی مانده به قرنطینه، زندانیان به گوهردشت و یا از گوهردشت منتقل شده اند.

۱۵۳. بنابراین، برای برآورده شدن شرط مدرک، دادگاه بدوی معتقد است با در نظر گرفتن آنچه در مورد اعدام ها بررسی شده است، باید مدارک قابل اعتماد کافی وجود داشته باشد که نشان دهد فرد مورد نظر در دوره جرم، در گوهردشت بوده و پس از آن دوباره پیدا نشده و یا از راه دیگری خبری از او بدست نیامده است.

۱۵۴. آنچه در مورد دوره اعدام معلوم شده، مشروط بر اینکه ثابت شود شخصی در گوهردشت بوده و سپس مفقود شده است، به خودی خود دلیل محکمی است که شخص مورد نظر در آنجا اعدام شده است، به این معنی که مهم نیست که جسد مفقود شده است یا اینکه نمی توان مشخص کرد که در چه روزی در این دوره یک اعدام خاص انجام شده است.

شواهد استناد شده

۱۵۵. دادستان در تأیید این واقعیت که آنانی که در پیوست از آنان نام برده شده در گوهردشت اعدام شده اند، بطور عمده به مصاحبه با شاکیان و شاهدانی که در زندان بودند، مصاحبه با شاکیانی که از بستگان زندانیان اعدام شده بودند، گزیده ای از کتاب ها و گزارش ها درباره اعدام ها و نیز فهرست های مختلف اسامی زندانیان اعدام شده استناد کرده است. حمید نوری در رد اعدام برخی از افرادی که نامشان در پیوست آمده در گوهردشت، به تحقیقات کتبی استناد کرده است.

۱۵۶. قبل از اینکه دادگاه بدوی درستی هریک از شواهد و مدارکی را که برای اسامی موجود در پیوست وجود دارد ارزیابی کند، ملاحظات زیر در مورد تحقیقات ارجاع داده شده در نظر گرفته می شود.

بازپرسی از بستگان

۱۵۷. از شاکیبانی که برای بستگان اعدام شده درخواست غرامت کرده اند، در پرونده بازپرسی شده است. در بازپرسی ها مشخص شد که بستگان آنها به دلایل سیاسی زندانی شده اند و احتمالاً در ارتباط با موج اعدام های که در سال ۱۳۶۷ در ایران رخ داده است، در دوران اسارت جان باخته اند. از نظر دادگاه بدوی دلیلی وجود ندارد که در درستی اطلاعات ارائه شده در این زمینه ها تردید داشت. شاکیبان به شیوه ای معتبر از دوران اسارت و ناپدید شدن بستگان خود گفته و نیز در جای لازم نامه ها و اسناد دیگری از زندان ها را برای حمایت از گفته های خود ارائه کرده اند.

۱۵۸. در این پرونده، همچنین مشخص شد که ماه ها طول کشید تا مقامات با خانواده زندانیان تماس بگیرند، آنها به ندرت اطلاعات بیشتری از مرده بودن بستگان ارائه کردند. با توجه به ممنوعیت تماس و ملاقات که حاکم بود و نقل و انتقالاتی که بین زندان ها صورت می گرفت، تنها امکان محدودی برای خانواده ها وجود داشت که بدانند اعدام در چه زمانی و در کدام زندان انجام شده است. این بدان معناست که علاوه بر این بازپرسی ها به عنوان نقطه شروع، مدارک و شواهدی لازم است که با قدرت کافی آن خویشاوند را به طور خاص به گوهردشت در طول آن دوره پیوند دهد تا شرط اثباتی برآورده شود. به همین دلیل نیز چنین استنباط می شود در مواردی که شرط اثبات با یک تحقیق برآورده شده اما یکی از اعضای خانواده در جای دیگری اطلاعات دیگری ارائه می کند، اینکار لزوماً تردید معقولی در مورد وقوع اعدام در گوهردشت ایجاد نمی کند

بازپرسی از زندانیان بازمانده

۱۵۹. دادگاه بدوی ۲۲ شاک و ۲۶ شاهد را که در دوران اعدام ها زندانی بوده اند و در بازپرسی ها در مورد دیگر هم بندها خود گفته اند، استماع کرده است. برخی تایید کرده اند که چه کسانی در اسامی پیوست اعدام شده اند بدون اینکه منشأ اطلاعات خود را مشخص کنند، در حالی که برخی دیگر جزئیات بیشتری از رفقای خود در بندها و اینکه در طول دوره اعدام ها با چه کسانی در تماس قرار گرفته بودند، گفته اند. چندین نفر گفته اند که شاهد بوده اند زندانیانی که می شناختند را به سمت آمفی تاتر هدایت می کردند تا اعدام شوند، هراسی که بعد و

زمانی که آنها با دیگر بازماندگان، در دوره بعد از اعدام ها جمع شدند تا ببینند چه کسانی مفقود هستند، تأیید شد. نتیجه گیری زندانیان در این مورد نیز زمانی تأیید شد که پس از آزادی با خانواده های اعدام شدگان که اغلب از مرگ این بستگان مطلع شده بودند، تماس گرفتند.

۱۶۰. کسانی که بازپرسی شده اند، اگر کسی در گوهردشت زندانی نبود و یا از اسم خاصی در نام های ضمیمه اطلاع نداشتند آن را یادآور شده اند. در بازپرسی ها روشن بود که آنها مایل بودند اطلاعات صحیحی در مورد اینکه کدام یک از زندانیان در زندان اعدام شده اند ارائه کنند. با این حال، سال ها از واقعه می گذرد و در این مدت اطلاعات گسترده ای میان زندانیان آزاد شده و بستگان منتشر شده است، به این معنی که داده های بازپرسی ها باید به عنوان نقطه شروع با احتیاط ارزیابی شود.

۱۶۱. دادگاه بدوی برای اظهارات دقیق و مشخص شده درباره افراد به منظور پیوند دادن آنان به گوهر دشت در طول مدت جرم ارزش اثباتی بالاتری قابل است تا تاییدیه های مختصری که وجود دارد و منشا اطلاعات آنها مبهم است. بدون چنین اطلاعاتی، دادگاه بدوی نمی تواند برای نمونه تعیین کند که آیا فرد بازپرسی شده، شخص مورد نظر را در زندان می شناخته یا اینکه آیا این اطلاعاتی است که پس از آزادی از آنها مطلع شده است.

۱۶۲. علاوه بر این، می توان تأکید کرد که برخی از کسانی که بازپرسی شده اند پیش از این نام زندانیان اعدام شده را در کتاب های خود یا زمانی که با آنها در زمینه های مختلف مصاحبه شده است آورده اند. این کار در قالب حقایق کمی مثبت، می تواند بر ارزش اثباتی اطلاعات مشابهی که پس از آن در حین بازپرسی ارائه شده است، تأثیر بگذارد. بیانیه کتبی که در بازپرسی ذکر نشده است، یک واقعیت اثباتی مستقل را تشکیل میدهد.

لیست های شواهد مکتوب

۱۶۳. دادستان علاوه بر بازپرسی ها، به لیست های متعددی با صدها اسمی از زندانیان اعدام شده استناد کرده است. از طریق بازپرسی معلوم شد که زندانیان جان بدر برده شروع به شناسایی افراد ناپدید شده کرده و لیست های دست نویسی تهیه می کردند که سپس به صورت قاچاق از زندان خارج می شد. زندانیان آزاد شده سپس با بستگان اعدام شدگان تماس می گرفتند و در طول سال ها اطلاعات جمع آوری می کرده و لیست خود را به روز می کرده اند.

آنانی که در بازپرسی ها شرکت داشته اند توضیح داده اند که این یک تلاش جمعی بوده است که در آن زندانیان اطلاعاتی را با یکدیگر رد و بدل می کردند و تحقیقات مختلفی را برای جمع آوری این اسامی انجام می دادند.

۱۶۴. حجم زیادی از این نوع مطالب وجود دارد و روشن است که زندانیان آزاد شده در نبود اطلاعات از سوی مقامات ایرانی تلاش زیادی برای تهیه این فهرست ها کرده اند. با این حال، دادگاه بدوی منشاء اطلاعات ویژه در لیست ها را نمی داند. بدون چنین آگاهی، دادگاه بدوی نمی تواند تعیین کند که چه ارزش اثباتی باید به اطلاعات این لیست ها با نام کسانی که در گوهردشت اعدام شده اند، داد.

۱۶۵. با توجه به مبدأ نامشخص، خطر شمارش مضاعف حقایق اثباتی نیز وجود دارد. چندین نفر که در این پرونده بازپرسی شده اند پیش از این اطلاعاتی را در اختیار مجاهدین و ایران تریبونال قرار داده اند و دادستان به لیست آنها استناد کرده است. به این واقعیت باید توجه داشت که وجود یک نام در یک لیست، اگر شخصی که اطلاعات مورد نظر را ارائه کرده است، آن را در دادگاه بدوی ارائه دهد ارزش کل آن لیست را افزایش نخواهد داد. این کار بطور مطمئن می تواند بلا تغییر بودن داستان کسانی را نشان دهد که بازپرسی شده اند، اما در غیاب منابع برای داده های ویژه در فهرست ها، نمی توان این تمایز را قایل شد.

۱۶۶. با در نظر گرفتن اینکه لیست ها قطعی نیست دادگاه بدوی نمی تواند ارزش اثباتی زیادی به عنوان نقطه شروع برای آنها قایل شود. به همین دلیل هم یک داده انحرافی در لیست لزوماً به این معنا نیست که شرط اثبات نمی تواند برآورده شود. در اینجا تأکید می کنیم که لیست های منتشره در گزارش های بین المللی ممکن است ارزش اثباتی بیشتری از جنبه های دیگر داشته باشند، از جمله اینکه آیا اعدام ها بطور کلی در زندان های ایران در سال ۱۹۸۸ مطابق با فتوای آیت الله خمینی صورت گرفته است یا خیر.

۱۶۷. در پایان می توان گفت که برخی از کسانی که بازپرسی شده اند، فهرست ها و اسامی خود را تهیه کرده اند که تعدادی از آنها در کتاب های آنان در باره دوره زندان آنها در گوهردشت منتشر شده است. در بازپرسی ها توضیح داده شد که این اطلاعات بر اساس خاطرات خودشان و همچنین پس از تحقیقات مختلف از جمله از طریق تماس با بستگان یا جستجوهای اینترنتی جمع آوری شده است. در این صورت یک تمایز و تفاوت در اینجا

در طول بازپرسی بوجود نیامده بلکه بطور کلی اطلاعات موجود در این مجموعه ها به همان ترتیبی ارزش گذاری شده اند که نام های موجود در لیست های دیگر ارزش گذاری می شوند.

خلاصه

۱۶۸. برای تحقق شرط اثبات، لازم است شواهد کافی وجود داشته باشد که فردی که نام او در پیوست A آمده در دوره اجرای اعدام ها در گوهردشت بوده و پس از آن خبری از او در دست نیست. از نظر دادگاه بدوی، این داده های بازپرسی شفاهی است که از نظر شواهد برای این سؤالات اهمیت تعیین کننده ای دارد. شواهد مکتوب در برخی موارد می تواند اثر تاییدی داشته باشد، اما، به ویژه تا آنجا که به فهرست ها مربوط می شود، با توجه به منابع احتمالی خطا که وجود دارد، باید با احتیاط ارزیابی شوند. در مواردی که یک گفته شفاهی شامل یک داستان مختصر باشد که فردی اعدام شده است، آن اطلاعات در ترکیب با اطلاعات قابل اعتماد موجود در شواهد مکتوب ممکن است برای برآورده شدن شرط اثبات کافی باشد. با این حال، یک نام در یک لیست از نظر دادگاه بدوی چنین اطلاعاتی نیست.

بستگان شاکیان

- A5. حمزه شالوند بروجردی
- A6. محمود میمنت
- A7. علی حاجی نژاد
- A8. سید محمد حسین برهانی
- A9. سید عقیل میرمحمدی برنجستانی
- A10. محسن سید احمدی
- A13. رضا زند

۱۶۹. دادگاه بدوی ابتدا بررسی می کند که آیا هفت نفر از پیوست A که از بستگان شاکیان مختار بروجردی شالوند، مهناز میمنت، مهری حاجی نژاد، خدیجه برهانی، سیدجعفر میرمحمدی برنجستانی، حسین سید احمدی و محمد زند بوده اند در گوهردشت اعدام شده اند. وجه اشتراک اینها این است که از طریق مصاحبه با شاکیان ثابت شده است که بستگان مربوطه به دلیل تعلق به مجاهدین در ایران زندانی بوده و در اسارت جان باخته اند. سوالی که باقی می ماند این است که کجا و چه زمانی این اتفاق افتاده است. همانطور که دادگاه بدوی در بالا توضیح داد، شواهدی لازم است که آنها را به طور خاص به گوهردشت در طول دوره جرم مرتبط کند.

A5. حمزه شلالوند بروجردی

۱۷۰. شاکی مختار بروجردی **شلالوند** گفته است برادرش حمزه در سال ۱۹۸۱ دستگیر و به ۱۵ سال زندان محکوم شد زیرا که در گروه مجاهدین فعالیت سیاسی داشت. وی در ادامه گفته است آخرین دیدار این خانواده با حمزه در گوهردشت بوده است در بهار ۱۹۸۸، در ماه اردیبهشت، و پس از چندین ماه تلاش برای ارتباط با او، در اوین به او خبر اعدام برادرش را دادند. مختار بروجردی **شلالوند** از طریق دادستان عکس هایی از یک کیف همراه با وسایلی که در ارتباط با این خبر در اختیار خانواده گذاشته شده را ارسال کرده است.

۱۷۱. چندین نفر از کسانی که در بازپرسی ها شرکت داشته اند گفته اند که حمزه شلالوند بروجردی در دوران اعدام ها در اوین بوده و اینکه در آنجا بود که او را اعدام کردند. شاهد محمد خدابنده لویی گفته است که در اوایل تابستان ۱۹۸۸ با هم از گوهردشت به اوین منتقل شدند و سپس حمزه شلالوند بروجردی در آنجا اعدام شد. این که ماجرا به اینگونه بوده از سوی شاکیان نصرالله مرندی، محمود رویایی، علی اکبر بندلی و اکبر صمدی همگی در بازپرسی های خود گفته اند که حمزه شلالوند بروجردی را از گوهردشت می شناختند و چند ماه قبل از اعدام به اوین منتقل شده است. همچنین شاکی ایرج مصداقی در کتاب "رقص ققنوس ها" آورده است که حمزه شلالوند بروجردی یکی از ۱۵۰ زندانی بود که در اوایل تابستان ۱۹۸۸ به اوین منتقل شدند. شاهد مهدی اصلانی در کتابی نوشته است که حمزه شلالوند بروجردی در گوهردشت اعدام شد، در حالی که او در دو مورد دیگر اظهار داشت که این کار در اوین اتفاق افتاده است.

۱۷۲. با توجه به اطلاعات مختار بروجردی **شلالوند** از برادرش و آنچه در مورد انتقال وی به اوین در اوایل تابستان ۱۹۸۸ به دست آمده است، طبق نظر دادگاه بدوی ثابت نمی شود که حمزه شلالوند بروجردی در دوران جرم در گوهردشت اعدام شده باشد.

A6. محمود میمنت

۱۷۳. شاکی مهناز میمنت گفته است که برادرش محمود از هواداران مجاهدین بوده و در دهه 80 در ایران به دلیل ارتباط با سازمان به زندان افتاده است. وی همچنین گفته است که در بهار ۱۹۸۸ به خانواده اطلاع داده شد که وی در گوهردشت مستقر شده است، جایی که پدرشان فرصت ملاقات با او را داشته است،

و اینکه در مهر ماه سال بعد در گوهردشت به پدر خبر دادند که محمود در ماه مرداد در آنجا اعدام شده است.

۱۷۴. اطلاعات ارائه شده توسط مهناز میمنت با اظهارات چند تن از زندانیان بازمانده تأیید می شود. شاکی حسین فارسی گفته است که در تاریخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۸ (۸ مرداد ۱۳۶۷) در راهروی اصلی زندان با محمود میمنت آشنا شده است و اینکه محمود میمنت را با دیگر زندانیان بردند تا اعدام کنند. حسین فارسی در کتاب خود A Galaxy of Stars این واقعه را بازگو کرده و همچنین توضیح داده است که او پس از اعدام نام محمود میمنت را یادداشت کرد تا فراموش نکند چه بر سر او آمده است.

۱۷۵. اطلاعات حسین فارسی در مورد محمود میمنت با آنچه در بازپرسی های دیگر گفته شده تأیید می شود. شاکیان نصرالله مرندی و محمود رویایی هر دو اعلام کرده اند که محمود میمنت را می شناسند و در زمان اعدام در گوهردشت بوده و در آنجا اعدام شده است. محمود رویایی در کتاب آفتابکاران خود آورده است که محمود میمنت یکی از زندانیان اعدام شده در زندان بوده و حادثه ای را در بهار شرح داده است که یکی دیگر از زندانیان بند با محمود میمنت تماس داشته است. همچنین شاهد محسن زادشیر تأیید کرده است که محمود میمنت در گوهردشت بوده و پس از اعدام مفقود شده است. شاهد رحمت علی کرمی گفت که اوایل سال ۱۹۸۸ به همراه محمود میمنت از اوین به گوهردشت منتقل شده و بعد از آن همدیگر را ندیده اند.

۱۷۶. به گفته دادگاه بدوی، با توجه به تحقیقاتی که در بالا گزارش شد، ثابت شده است که محمود میمنت در گوهردشت بوده و در دوران جرم در آنجا اعدام شده است.

A7. علی حاجی نژاد

۱۷۷. شاکی مهتری حاجی نژاد گفته است که برادرش علی در اوایل دهه 80 به دلیل فعالیت سیاسی در مجاهدین به زندان افتاد و آخرین ملاقات خانواده با وی در بهار ۱۹۸۸ در گوهردشت صورت گرفت و مادر در آذر ماه به گوهردشت احضار شد تا از اعدام علی خبر دهند. مهتری حاجی نژاد در ادامه گفته است که به مادر تاریخ

اعدام گفته نشد اما به او طنابی داده شد که علی را با آن حلق آویز کرده بودند.

۱۷۸. مهری حاجی نژاد در کتاب *آخرین لبخند لیلیا* نوشته است که به مادر اطلاع داده شد که اعدام با تیرباران انجام شده و مشخص شده که در ۱۰ مهر یعنی حدود دو ماه پس از زمان ادعای اعدام توسط دادستان بوده است. مهری حاجی نژاد فرصت پاسخگویی به این شرایط را که پس از بازپرسی مطرح شد، نداشته است.

۱۷۹. شاهد رحمت علی کرمی گفته است که در تابستان ۱۹۸۸ همراه با علی حاجی نژاد در بند مقابل جهاد بوده است که علی حاجی نژاد را در ماه مرداد از بند بردند و او دوباره دیده نشد. این اطلاعات توسط شاهد منوچهر اسحاقی تأیید شده که تأیید کرده است که علی حاجی نژاد در آن بند بوده و او در دوران اعدام ها، اعدام شده است. همچنین شاکی ایرج مصداقی در کتاب *رقص ققنوس ها* نوشته است که علی حاجی نژاد یکی از ۳۰ زندانی بود که از بند مقابل جهاد بیرون آورده شد و سپس در ۹ اوت ۱۹۸۸ در زندان اعدام شد (۱۸ مرداد ۱۳۶۷). ایرج مصداقی در بازپرسی گفت که این موضوع را از دیگر زندانیان زندان شنیده است.

۱۸۰. با توجه به داستانهای مشابه و همخوان کسانی که بازپرسی شده اند و اطلاعاتی که در بالا در کتاب ایرج مصداقی آمده است، بر پایه نظر دادگاه بدوی با اطمینان کافی ثابت شده که علی حاجی نژاد در دوران جرم در گوهردشت بوده و در آنجا اعدام شده است. اطلاعات متفاوت مهری حاجی نژاد در کتاب، با در نظر گرفتن اطلاعات ناقص از جانب مقامات دولتی به بستگان، تردید منطقی در این باره بوجود نمی آورد، به این معنی که کیفرخواست در این قسمت ثابت شده است.

A8. سید محمد حسین برهانی

۱۸۱. شاکی خدیجه برهانی گفته است که برادرش حسین در سال ۱۹۸۱ به دلیل فروش مجلات برای مجاهدین به زندان افتاد و در اوایل سال ۱۹۸۸ از زندانی در نزدیکی زادگاهش قزوین به گوهردشت منتقل شد تا در

تاپستان همان سال اعدام شود. او در ادامه گفته است که در سال ۱۹۸۵ خودش مجبور به فرار از ایران شده است، اما در پاییز ۱۹۸۸ با تماس با مادرش که در گوهردشت از ماجرا مطلع شده و ساعت حسین را دریافت کرده بود، متوجه اعدام شده است.

۱۸۲. شاکی نصرالله مرندی گفته است که به مدت دو سال با حسین برهانی در بند بوده و در ۶ اوت ۱۹۸۸ (۱۵ مرداد ۱۳۶۷) در راهرو شنیده است که نام حسین برهانی را صدا می زند و سپس او را به محل اعدام برده اند و پس از آن دیگر دیده نشد. نصرالله مرندی در ادامه گفته است که حسین برهانی را در میان زندانیانی گوهردشت حسین قزوینی نیز می نامیدند، زیرا او اهل شهر قزوین بود.

۱۸۳. حسین قزوینی نامی است که در پیوست A کیفرخواست نیز آمده است. دادستان مدعی شده که آنها دو نفر متفاوت هستند و نشان داده است که هر دو نام در لیست هایی با سن متفاوت آمده است که یکی از آنها از نظر سنی با حسین برهانی مطابقت دارد.

۱۸۴. دادگاه بدوی خاطر نشان می کند که نام حسین برهانی را هیچ یک از کسانی که در بازپرسی ها شرکت داشته اند به زبان نیاورده اند جز نصرالله مرندی. اظهارات او مبنی بر اینکه دو سال حسین برهانی را می شناسد با گفته خدیجه برهانی مبنی بر انتقال برادرش ماه قبل از اعدام به گوهردشت سازگاری ندارد. علاوه بر این، خطر سردرگمی با یک حسین قزوینی وجود دارد که نمی توان آن را نادیده گرفت. با این پیش زمینه، روایت نصرالله مرندی در مورد اینکه حسین برهانی در گوهردشت بوده و در آنجا اعدام شده است، به اندازه کافی قابل اعتماد نیست. بنابراین کیفرخواست در این بخش اثبات نشده است.

A9. سید عقیل میرمحمدی برنجستانی

۱۸۵. شاکی سیدجعفر میرمحمدی برنجستانی گفته است که برادرش سید عقیل در سال ۱۹۸۱ به دلیل فعالیت سیاسی در مجاهدین به زندان افتاد و در اوایل سال ۱۹۸۸ به گوهردشت منتقل شد و پدر و مادرش در پاییز همان سال بعد از چندین ماه تلاش برای یافتن پسر خود، در ماه مهر به زندان اوین احضار شدند و در آنجا به آنها اطلاع داده شد که او اعدام شده است.

۱۸۶. شاکی مجید صاحب جم اتابکی گفته است که در اوایل سال ۱۹۸۸ به همراه سید عقیل میرمحمدی برنجستانی به گوهردشت منتقل شده و مدتی در سلول مشترک بوده اند. همچنین گفته است که نامش را در ۶ اوت ۱۹۸۸ (۱۵ مرداد ۱۳۶۷) در راهرو شنیده و پس از آن دیگر او را ندیده است. ادعای اعدام سید جعفر میرمحمدی برنجستانی در گوهردشت توسط شاکیان حسین فارسی و محمود رویایی و شاکی محمد زند نیز تایید شده است که وی تصریح کرد که پس از اتمام دوره اعدام ها این موضوع را شنیده است.
۱۸۷. دادگاه بدوی معتقد است که با توجه به اطلاعات مجید صاحب جام اتابکی و آنچه در بالا آمده است، ثابت می‌شود که سید عقیل میرمحمدی برنجستانی در گوهردشت بوده و در زمان جرم در آنجا اعدام شده است.
- A10. محسن سید احمدی**
۱۸۸. شاکی حسین سید احمدی گفته است که برادرش محسن در دهه ۱۹۸۰ به دلیل اینکه بر عقیده خود برای مجاهدین ثابت قدم بود به زندان افتاد و آخرین ملاقات با او چند ماه قبل از اعدام در گوهردشت در تابستان ۱۹۸۸ در اوین بود. و اینکه مادر در پاییز همان سال به اوین احضار شد و در آنجا کیفی حاوی وسایل محسن به او داده شد و به او اطلاع دادند که محسن اعدام شده است.
۱۸۹. در گزارش تحقیق درباره اعدام های دسته جمعی ۱۹۸۸ در ایران توسط سازمان عدالت برای قربانیان کشتار ۱۹۸۸ در ایران (QVMI) مربوط به سال 2017⁶⁴، آمده است که حسین سید احمدی در سال ۲۰۱۶ به سازمان ملل و دادگاه کیفری بین المللی نامه نوشته است که محسن سید احمدی در گوهردشت اعدام شده بود. حسین سید احمدی در بازپرسی در دادگاه بدوی اظهار داشت که او در این مورد با نهادهای حقوق بشری دیگری نیز تماس گرفته است.

⁶⁴ Rapporten redovisar intervjuer genomförda 2016 med tidigare fångar som befann sig i iranska fängelser under 1988 års händelser, tilläggsprotokoll 1, s 335 401.

۱۹۰. شاکی ایرج مصداقی گفته که از زندانیان دیگر شنیده است که محسن سید احمدی از زندانیان ملی کیش بود - یعنی فردی که علیرغم گذراندن دوران محکومیت خود در زندان نگهداری می شد - که در ۳ اوت ۱۹۸۸ (۱۲ مرداد ۱۳۶۷) اعدام شد و ایرج مصداقی در کتاب های خود درباره گوهردشت درباره او نوشته است. شاکی حسین فارسی تایید کرده است که محسن سید احمدی یک زندانی ملی کیش بوده که اعدام شده است، بدون اینکه توضیح دهد از کجا اطلاع دارد. همچنین شاکی نصرالله مرنندی گفته است که هرگز محسن سید احمدی را ملاقات نکرده است، اما پس از اعدام با یکی از برادرانش ارتباط برقرار کرده که به او گفته است محسن در گوهردشت اعدام شده است.

۱۹۱. دادگاه بدوی معتقد است با توجه به اینکه آخرین ملاقات خانواده با محسن سید احمدی در اوین انجام و داده های افراد بازپرسی شده، در نهایت از شنیده های آنان تشکیل شده، نمی توان با قطعیت گفت که محسن سید احمدی در گوهردشت بوده و در آنجا اعدام شده است.

A13. رضا زند

۱۹۲. شاکی محمد زند در بازپرسی گفته است که به همراه برادرش رضا زندانی بود که در ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۸ (۸ مرداد ۱۳۶۷) او را از بند مشترکشان پایین آوردند و او دیگر دیده نشد. محمد زند همچنین گفته است که وقتی خود او در ۶ اوت ۱۹۸۸ (۱۵ مرداد ۱۳۶۷) به «کمپته مرگ» آورده شد، به او اطلاع دادند که برادرش اعدام شده و پدرشان در پاییز به زندان فراخوانده شد تا همان پیام را دریافت کند. در اینجا می توان اشاره کرد که محمد زند با عفو بین الملل مصاحبه ای داشته و اطلاعات مشابهی در مورد برادرش ارائه کرده است که در گزارش Blood-Soaked Secrets یا اسرار آغشته به خون در سال ۲۰۱۸ ثبت شده است.

۱۹۳. اظهارات محمد زند مورد تایید چندین نفر دیگر که بازپرسی شده اند قرار گرفته است از جمله شاکیان نصرالله مرنندی، ایرج مصداقی، رمضان فتیحی، حسین فارسی، محمود رویایی و مجید جمشیدیت که همگی به اتفاق آرا اعلام کردند که رضا زند یکی از اولین کسانی بود که از بند آنان بردند و سپس اعدام شد. ایرج مصداقی و محمود رویایی هر یک در کتاب های خود به شرح این رویداد پرداخته اند. بنظر دادگاه بدوی ثابت شده است که رضا زند بنا به ادعای دادستان در گوهردشت اعدام شده است.

نام های دیگر در پیوست

در این بخش، دادگاه بدوی بررسی خواهد کرد که کدام یک از ۱۰۳ نفر باقی مانده در ضمیمه A کیفرخواست در گوهردشت در دوران جرم اعدام شده اند. هنوز این شواهد شفاهی است که برای این بررسی تعیین کننده است، پس از آن دادگاه بدوی اسامی را بر اساس اطلاعات بازپرسی های صورت گرفته به دسته های مختلف تقسیم کرده است. چنین طبقه بندی برای ارائه آنچه در این قسمت ثابت شده است مناسب ترین است.

شواهد شفاهی گسترده

- A4. مسعود کبری
- A11. رامین قاسمی
- A12. سید حسین سبحانی
- A14. مهران هویدا
- A15. اصغر مسجدی
- A16. منوچهر بزرگ بشر
- A21. بهزاد فتح زنجانی
- A22. عباس افغان
- A27. محمدرضا شهیر افتخار
- A31. ناصر منصوری
- A34. محمود زکی
- A36. هادی عزیزی
- A38. طاهر حقیقت طلب
- A40. جعفر تجدد
- A42. مجید مشرف
- A43. روشن بلبلیان
- A44. داریوش حنیفه پور
- A45. حسین نیاکان
- A46. ابراهیم اکبری صفت
- A48. کاوه انصاری
- A50. غلامرضا کیاکجوری
- A51. هادی صابری
- A52. منصور قهرمانی
- A59. حسین بحری
- A61. محسن روزبھانی
- A89. حیدر صادقی
- A92. علی حق وردی
- A95. محسن محمدباقر
- A97. احمد نعلبندی

- A99. رحمان چراغی
- A100. مهدی فریدونی
- A104. ناصر صابر بچه میر
- A107. بیژن کشاورز
- A110. محمد فرمانی

۱۹۵. دادگاه بدوی معتقد است با توجه به شواهد شفاهی ثابت می‌شود که این افراد همانطور که در کیفرخواست آمده در گوهردشت اعدام شده‌اند. همه آنها را افراد مختلفی که در بازپرسی ها شرکت داشته اند نام برده اند و گفته اند که با آنها در زندان بوده اند، در طول دوره اعدام ها به طرق مختلف با یکدیگر تماس داشته اند و سپس این افراد مفقود شده اند. اطلاعات مربوط به هر فرد دقیق و منسجم بود. به همین دلیل است که دادگاه بدوی معتقد است که با اطمینان کافی مشخص شده است که آنها در مدت جرم در گوهردشت بوده اند و پس از آن خبری از آنان نشد. همچنین اطلاعاتی که در این زمینه ها شبیه منطقی ایجاد کند، وجود نداشته است، به این معنی که با توجه به آنچه در بازپرسی ها گفته شده ثابت شده است که آنها بر پایه توصیف کیفرخواست در گوهردشت اعدام شده اند.

۱۹۶. برای آنچه در مورد هر فرد در رابطه با اعدام ها به تفصیل بیان شده است، به صورتجلسه جلسات در ضمیمه ۲ رای دادگاه ارجاع داده می شود.

شواهد شفاهی کمتر گسترده

- A1. مهرداد اشتری
- A3. رضا عباسی
- A17. بهنام تابانی
- A18. فرزین نصرتی
- A19. علیرضا مهدی زاده
- A23. بهروز بهنام زاده
- A26. علیرضا سیاسی
- A28. رضا فلانیک
- A29. جلال لایقی
- A30. اکبر شاکری
- A32. عباس یگانه
- A35. اسدالله طیبی
- A37. محمدحسن خالقی
- A39. نعمت اقبالی
- A47. ابوالقاسم ارژنگی
- A54. مهشید رزاقی

- A55. خیرالله جلالی
- A56. محمدرضا حجازی
- A57. بهروز شاهی مغانی
- A58. احمد نورامین
- A60. فرهاد اترک
- A62. حسین عبدالوهاب
- A70. مسعود دلیری
- A73. امیرحسین کریمی
- A74. ایرج لشگری
- A75. محمدرضا دلجوی ثابت
- A76. زیدالله نورمحمدی
- A77. حمیدرضا همتی
- A78. محسن صادق زاده اردبیلی
- A79. مسعود خستو
- A85. عبدالله بهرنگی
- A90. قاسم سیفان
- A91. فرامرز فراهانی
- A94. سید علی وصلی
- A96. علی بکالی
- A98. محمد جنگ زاده
- A105. قاسم محبعلی
- A108. محمد درویش نوری
- A109. فرامرز جمشیدیان

۱۹۷. در مورد این افراد، شواهد به اندازه تعداد افرادی که در بازپرسی ها در مورد آنها صحبت کرده اند زیاد نیست، اما با این وجود اطلاعات دقیق و مشخصی از حداقل یک مورد بازپرسی وجود دارد که آنها در جریان اعدام های گوهردشت پیدا شده و سپس مفقود شده اند. امری که در پیوند با شواهد مشابه نیز اتفاق افتاده است و به این معنی است که کیفرخواست در این قسمت نیز مستدل است. برای دادن نمونه ای از چگونگی ارزیابی دادگاه بدوی از ارزش شواهد، موارد زیر توضیح داده می شود.

۱۹۸. در مورد علیرضا مهدی زاده (A19) و بهروز بهنام زاده (A23) موارد زیر مشخص شده است. شاکی محمود رویایی گفته است که هر دو را از زمان حضورشان در بند خود می شناسد، اینکه آنها را در ۳ اوت ۱۹۸۸ (۱۲ مرداد ۱۳۶۷) در "راهروی مرگ" دیده و اینکه آنها را به سمت آمفی تئاتر می بردند و پس از آن دیگر دیده نشدند. اینها شرایطی است که محمود رویایی در سال ۲۰۰۷ در کتاب خود آفتابکاران آنها را نوشته است. همچنین شاکی ایرج مصداقی نیز در کتاب خود *Restless Raspberries* در سال ۲۰۰۴ نوشته است که علیرضا مهدی زاده و بهروز

بهنام زاده در آن روز در زندان اعدام شدند. ایرج مصداقی در بازپرسی توضیح داد که او این موضوع را از دیگر زندانیان گوهردشت شنیده بود.

۱۹۹. محمود رویایی از رفقای خود علیرضا مهدی زاده و بهروز بهنام زاده به صورت مشخص سخن می گوید. داده های وی نیز با شواهد مکتوب به شرح بالا تایید می شود، پس از آن، به نظر دادگاه بدوی، با اطمینان کافی ثابت شده است که علیرضا مهدی زاده و بهروز بهنام زاده در دوران اعدام ها در زندان بوده اند و بعد ناپدید شده اند. علاوه بر این، هیچ تحقیقی وجود ندارد که در این زمینه ها خلاف آن صحبت کند، یعنی در مجموع ثابت شده است که آنها بر پایه کیفرخواست در گوهردشت اعدام شده اند.
۲۰۰. در مورد رضا فلانیک (A28) می توان گفت که شاکي اکبر صمدی گفته است که قبل از اعدام با یکدیگر بند مشترکی داشته اند و در روز ۳ اوت ۱۹۸۸ رضا فلانیک را دیده که به "راهروی مرگ" برده شده (۱۲ مرداد ۱۳۶۷) و پس از آن دیگر با او مواجه نشده است. اعدام رضا فلانیک در گوهردشت توسط شاکي حسین فارسی و شاهد رحمت علی کرمی نیز تایید شده است که هر دو در بازپرسی های خود اظهار داشته اند که در ابتدای سال ۱۹۸۸ به همراه رضا فلانیک به گوهردشت منتقل شدند و پس از اعدام ها او ناپدید شد. علاوه بر این، رحمت علی کرمی گفت که مادر رضا فلانیک در اوایل سال ۱۹۸۹ با او تماس گرفت و متعجب بود که پسر گمشده اش چه شده است. هم ایرج مصداقی و هم محمود رویایی در کتاب های خود درباره گوهردشت نوشته اند که رضا فلانیک در ۳ اوت ۱۹۸۸ (۱۲ مرداد ۱۳۶۷) اعدام شد، اما در بازپرسی های خود گزارش دقیق تری از آگاهی از این کار ارائه نکرده اند.
۲۰۱. دادگاه بدوی معتقد است که شرط اثبات در مورد رضا فلانیک، همانند مورد علیرضا مهدی زاده و بهروز بهنام زاده، با توجه به اطلاعات موثق افراد بازپرسی شده که با شواهد دیگر پشتیبانی می شود و نبود مدارک اثباتی مخالف، برآورده شده است.
۲۰۲. دادگاه بدوی تحقیقات در مورد سیدعلی وصلی (A94) را به نحو مشابهی ارزیابی کرده است. شاکيان نصرالله مرندی و رمضان فتحی هر دو گفته اند

که نام سیدعلی وصلی در ۶ اوت ۱۹۸۸ (۱۵ مرداد ۱۳۶۷) در راهرو اصلی خوانده شد و او را بردند تا دیگر دیده نشود. نصرالله مرندی در ادامه اظهار داشت که پیش از آن مدتی با سیدعلی وصلی همبند بوده است. ایرج مصداقی در کتاب های خود درباره اعدام ها آورده است که سیدعلی وصلی یکی از زندانیان بند او بود که در ۶ اوت ۱۹۸۸ (۱۵ مرداد ۱۳۶۷) اعدام شد. او در بازپرسی توضیح داده است که سید علی وصلی آن روز با چند نفر دیگر از بند او به راهروی اصلی منتقل شدند و سپس بسیاری از آنها ناپدید شده اند. علاوه بر این، هیچ تحقیقی که در جهت مخالف در مورد سیدعلی وصلی صحبت کند، به دست نیامده است و از اینجا دادگاه بدوی، شرط اثبات را برآورده می‌داند.

۲۰۳. شاکای مجید صاحب جم اتابکی گفته است که نام هادی صابری (A51) در راهرو اصلی خوانده شده و سپس هادی صابری را به سمت سالن آمفی تئاتر برده اند. وی همچنین اظهار داشت که پس از آزادی با بستگان هادی صابری که از اعدام مطلع شده بودند در تماس بوده است. شاکای مسعود اشرف سمنانی در بازپرسی خود گفته است که هادی صابری را می‌شناسد و در اوایل مرداد در یک بند بوده اند و پس از دوره اعدام ها دیگر او را ندیده اند. همچنین حسین فارسی اعدام هادی صابری را در گوهردشت تایید کرده و گفته است که در ابتدای سال ۱۹۸۸ با هم از اوین به آنجا منتقل شده بودند.

۲۰۴. شاکای حسین ملکی گفته است که در بند جهاد بوده و رضا عباسی (A3) را در دوره اعدام ها به همراه چند زندانی دیگر که دیگر دیده نشده اند از آنجا بردند. همچنین حسین ملکی در مصاحبه ای با بنیاد عبدالرحمن برومند در سال ۲۰۰۹ گفت که دوستش رضا عباسی یکی از اعدام شدگان این زندان بوده است. گفته های او توسط حسین فارسی نیز پشتیبانی می‌شود که در کتاب *A Galaxy of Stars* نوشته است که نام رضا عباسی را در زندان یادداشت کرده تا فراموش نکنند چه بر سر او آمده است. همچنین در مورد رضا عباسی هیچ تحقیقی وجود ندارد که این گفته ها را رد کند. از این رو دادگاه بدوی معتقد است که در مورد رضا عباسی نیز شرط اثبات وجود دارد.

۲۰۵. ضمناً شاکی علی ذوالفقاری گفته است که در آغاز دوره اعدام ها در گوهردشت با مسعود خستو (A79) در همان بخش فاری بوده است و او پس از آن دیگر هرگز دیده نشد. شاکی فریدون نجفی آریا گفته است که از دوستان نزدیک مسعود خستو بوده و پس از آزادی با خانواده وی تماس گرفته و آنها گفته اند که او اعدام شده است. دادگاه بدوی معتقد است این اظهارات، همراه با اظهارات ایرج مصداقی در کتاب *Neither Life nor Death* مبنی بر اینکه مسعود خستو در ۳ اوت ۱۹۸۸ (۱۲ مرداد ۱۳۶۷) در گوهردشت اعدام شد، به این معنی است که در مورد مسعود خستو نیز شرط اثبات وجود دارد.

۲۰۶. برای افراد باقیمانده در این دسته، اطلاعات شفاهی با همین جزئیات و ویژگی وجود دارد که به همین ترتیب از کتاب‌های محمود رویایی یا ایرج مصداقی درباره اعدام‌ها و در برخی موارد از تحقیقات دیگر نیز، پشتیبانی می‌شود. دادگاه بدوی معتقد است که آنچه در مورد این افراد به دست آمده، با اطمینان کافی ثابت می‌کند که آنها در دوران اعدام ها در گوهردشت بوده و سپس مفقود شده اند و از اینجا در نبود مدارکی بر خلاف آنچه که گفته شد اثبات شده است که آنها بر پایه آنچه که در کیفرخواست آمده اعدام شده اند. برای آنچه که در مورد هر فرد در رابطه با اعدام ها با جزئیات بیشتر بیان شده است، دوباره به پیوست ۲ رای دادگاه ارجاع داده می‌شود.

شواهد شفاهی ضعیف تر

- A2. شهرام شه بخشی
- A25. ناصر بزرگر
- A41. منوچهر رضایی جهرمی
- A53. حسین حقیقت گو
- A64. محمود آرمین
- A65. ایرج جعفرزاده
- A72. سید محمد اخلاقی
- A82. مصطفی مرد فرد
- A87. حسینعلی خطیبی
- A83. رضا ازلی
- A84. محمدعلی الهی
- A93. حسین قزوینی
- A102. افشین علوی تفرشی

۲۰۷. از این افراد در بازپرسی ها نام برده شده است، اما فقط معدودی از افرادی که در بازپرسی ها شرکت داشته اند این کار را کرده اند و به طور خلاصه یا اعدام آنها را تایید کرده اند یا اظهار داشته اند که از دیگران در مورد آنچه برای آنها اتفاق افتاده است شنیده اند. این داده ها فاقد دقت و جزئیاتی است که در مورد افراد در دسته های قبلی وجود داشته است، که به این معنی است که شرط اثبات در نبود شواهد و مدارک قابل اعتماد برآورده نشده است.

۲۰۸. شاکی ایرج مصداقی تنها فردی است که در بازپرسی ها در مورد ایرج جعفرزاده (A65) و مصطفی مرد فرد (A82) صحبت کرده است. زمانی که دادستان گزیده ای از کتاب او را نشان داد که بیان می کرد آنها اعدام شده اند، او توضیح داد که این موضوع را از زندانیان دیگر شنیده است. هیچ تحقیق مهم دیگری در تایید این موضوع وجود ندارد و از اینجا به اعتقاد دادگاه بدوی با قوت کافی ثابت نشده است که ایرج جعفرزاده و مصطفی مرد فرد در گوهردشت بوده و سپس خبری از آنان در دست نیست. به همین ترتیب، دادگاه بدوی معتقد است که شرط اثبات در مورد شهرام شه بخشی (A2) نیز برآورده نشده است. به غیر از اظهارات شاهد محسن زاد شیر مبنی بر اینکه در گوهردشت در یک بخش بوده اند، تحقیقات قابل توجهی در مورد وی وجود ندارد.

۲۰۹. شواهد مربوط به حسینعلی خطیبی (A87) و افشین علوی تفرشی (A102) ماهیتی مشابه دارد. شاکی مجید جمشیدیت گفته است که حسینعلی خطیبی پس از دوره اعدام ها مفقود شد، امری که حسین فارسی در بازپرسی خود درباره افشین علوی تفرشی اظهار داشت. با این حال، آنها توضیح بیشتری نداده اند که چگونه از این موضوع اطلاع داشته اند یا جزئیات دیگری ارائه نکرده اند. ایرج مصداقی در کتاب های خود گفته است که هر دو اعدام شدند. وی در بازپرسی خود از حسینعلی خطیب نامی نبرده است اما در مورد افشین علوی تفرشی توضیح داده است که این اطلاعات را از سایر زندانیان دریافت کرده است. دادگاه بدوی به این نتیجه می رسد که این تحقیقات نشان از اعدام حسینعلی خطیبی و افشین علوی تفرشی در گوهردشت دارد، اما معتقد است که شرط اثبات در صورت نبود مدارک قابل اعتماد دیگر به گونه ای برآورده نمی شود که امکان مسئولیت کیفری وجود داشته باشد.

۲۱۰. در مورد منوچهر رضایی جهرمی (A41) می توان اظهار داشت که شاهد رحمان در کشیده، هنگام استماع وی در ایران تریونال در سال ۲۰۱۲ گفته است که منوچهر رضایی جهرمی یکی از همزمانش بود که در تابستان ۱۹۸۸ اعدام شد. در بازپرسی در دادگاه بدوی، او اظهار داشت که آنها از ابتدای دهه 80 با یکدیگر آشنا بودند و او از دیگر

زندانیان شنیده که منوچهر رضایی جهری به گوهردشت منتقل و سپس در آنجا اعدام شده است. ایرج مصداقی در کتاب های خود درباره گوهردشت نوشته است که منوچهر رضایی جهری اعدام شد و در بازپرسی توضیح داد که این موضوع را از دیگران شنیده است. دادگاه بدوی معتقد است که اطلاعات رحمان درکشیده و ایرج مصداقی در نهایت شایعه است و بنابراین با اطمینان کافی ثابت نشده است که منوچهر رضایی جهری در گوهردشت بوده و در آنجا اعدام شده است.

۲۱۱. شواهد مشابه در مورد حسین حقیقت گو نیز وجود دارد (A53). حسین فارسی بدون اینکه توضیح بیشتری از این موضوع داشته باشد، اعدام را تایید کرده است. ایرج مصداقی در کتاب های خود نوشته است که حسین حقیقت گو را اعدام کردند و در بازپرسی توضیح داده که از دیگران شنیده است. در نبود تحقیقات مربوطه دیگر، دادگاه بدوی معتقد است که شرط اثبات برآورده نشده است.

۲۱۲. ایرج مصداقی نیز در کتاب خود نوشته است که حسین قزوینی (A93) در گوهردشت اعدام شد. غیر از گفته ایرج مصداقی هیچ اطلاعات دیگری مبنی بر اعدام حسین قزوینی در گوهردشت به دست نیامده است. شاهد محمد خدابنده لویی اظهار داشته که او به همراه حسین قزوینی در اوایل تابستان ۱۹۸۸ به اوین منتقل شد. با توجه به اطلاعات متناقض، دادگاه بدوی به این نتیجه رسیده که کیفرخواست در این قسمت ثابت نشده است.

۲۱۳. تحقیقات در مورد ناصر برزگر (A25)، محمود آرمین (A64)، سیدمحمد اخلاقی (A72)، رضا ازلی (A83) و محمدعلی الهی (A84) نیز شرط اثبات را برآورده نمی سازند. همه آنها را فرد دیگری که در بازپرسی ها شرکت داشته نام برده و گفته که اعدام شده اند اما جزئیات بیشتری در این باره ارائه نکرده است. ایرج مصداقی در کتاب های خود نوشته که آنها اعدام شده اند و در بازپرسی توضیح داده که اینها اطلاعاتی بود که از سایر زندانیان دریافت کرده است. همچنین محمود رویایی در *آفتابکاران* گفته است که ناصر برزگر، محمود آرمین و سیدمحمد اخلاقی همگی اعدام شدند. او در بازپرسی توضیح داد که این کتاب درباره تجربیات خودش است، اما زمانی که چیزی را بخاطر نمی آورد، از اطلاعات سایر زندانیان آزاد شده استفاده کرده است.

۲۱۴. دادگاه بدوی نتیجه گیری می کند که این تحقیقات حاکی از حضور ناصر برزگر، محمود آرمین، سید محمد اخلاقی، رضا ازلی و محمدعلی الهی در گوهردشت در دوره اعدام هاست، اما در مورد هر یک از شواهد و مدارک ابهاماتی وجود دارد. دادگاه بدوی مطمئن نیست که رویهم رفته و با دلایل مورد اعتماد کافی ثابت شده است که آنها در دوره اعدام ها در گوهردشت بوده اند و سپس خبری از آنها نشده است، به گونه ای که منجر به مسئولیت کیفری شود.

شواهد شفاهی وجود ندارد

- A20. حمیدرضا طاهریان
- A24. فرامرز دلکش
- A33. محمدرضا مهاجری
- A49. ظفر جعفری افشار
- A63. حمید اردستانی
- A66. هادی جلال الدین فراهانی
- A67. منصور حریری
- A68. سعید رمضانلو
- A69. ناصر زرین قلم
- A71. شهریار فیضی
- A80. جعفر خسروی
- A81. کیومرث میرهادی
- A86. داوود حسینخانی
- A88. کریم خوش افکار
- A101. محمود عباسی
- A103. سید مسیح قریشی
- A106. احمد بیک محمدی

۲۱۵. در هیچ بازپرسی در اظهارات مربوط به دوره اعدام ها به افراد نام برده در بالا اشاره نشده است. علاوه بر این، در مدارک کتبی نیز چنین پشتوانه ای وجود ندارد که ثابت شود آنها در دوره اعدام ها در گوهردشت اعدام شده اند. قطعاً در برخی از فهرست ها و کتاب های افراد بازپرسی شده به آنها اشاره شده است، اما با توجه به آنچه در بالا در مورد ایرادات ذاتی در دلایل مکتوب و معنای آن برای ارزیابی شواهد گفته شد، دادگاه بدوی معتقد نیست که با اطمینان کافی ثابت شده است که این افراد در دوره اعدام ها در گوهردشت بوده اند. بنابراین کیفرخواست در این بخش اثبات نشده است. تحقیق انجام شده

البته تا حدودی این را که آنها در گوهردشت اعدام شده اند تایید می کند اما این تایید آنقدر قوی نیست که منجر به مسئولیت کیفری شود.

۲۱۶. در این ارزیابی همچنین نشان داده شد زندانیانی که ثابت شده که اعدام شده اند به دلیل رویه ای که در زندان به دنبال فتوای صادره اعمال میشد، ترس شدید از مرگ داشته اند.

۲۱۷. با این نقطه شروع، دادگاه بدوی به بررسی سوال ۶ در تجزیه و تحلیل وضعیت پرونده در مورد ادعای مشارکت حمید نوری در پروسه اعمال مجرمانه در زندان گوهردشت می پردازد.

iv. حضور حمید نوری در موج اول

پرسش ۶/ آیا حمید نوری در دوره ۳۰ ژوئیه تا ۱۸ اوت ۱۹۸۸ در اقدامات علیه زندانیان مجاهدین در زندان گوهردشت شرکت داشته است؟

ثابت شده است

- حمید نوری به عنوان دستیار معاون دادستان در زندان گوهردشت با نام مستعار حمید عباسی در دوره ۳۰ ژوئیه تا ۱۶ اوت ۱۹۸۸ مشغول به کار بود
- اینکه در این سمت با هم و با توافق یا مشورت با دیگران در اعدام ها شرکت کرده است از راه انتخاب زندانیان جهت فرستادن به کمیته، بردن این زندانیان به راهروی اصلی، خواندن نام زندانیانی که قرار بود در برابر کمیته حاضر شوند، بردن آن زندانیان به کمیته، خواندن نام زندانیانی که قرار بود اعدام شوند، دادن دستور به زندانیان که صف ببندند تا به محل اعدام اسکورت شوند، اسکورت زندانیان تا محل اعدام که در آنجا زندانیان را با دار زدن از حیات محروم می کردند و نیز دعوت از سایر مجرمان و دادن دستور به آنان برای شرکت در آن کارها
- که از طریق مشارکت گفته شده در بالا احکام اعدامی که کمیته صادر کرده بود را اجرا می کرد. احکامی که بر پایه رویه ای صادر می شد که فاقد شرایط اساسی یک محاکمه عادلانه بر پایه مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل بود. و همچنین
- اینکه او تعداد بسیار زیادی از زندانیان را که حامی یا هوادار مجاهدین بودند با ایجاد ترس شدید از مرگ در معرض رنجی بزرگ و سخت قرار می داد.

در این بخش، دلایل این موضع گیری ها روشن شده است.

پرسش هایی برای رسیدگی و پردازش

۲۱۸. دادگاه بدوی در این بخش بررسی می کند که آیا حمید نوری، همانطور که دادستان ادعا کرده است، در سمت معاون دادستان یا در نقش و سمت مشابه دیگری،

- با دیگران و با توافق یا مشورت با آنان، اعدام ها را سازماندهی کرده و در آن شرکت کرده بود از جمله از راه:
 - انتخاب زندانی برای حاضر شدن در برابر کمیته،
 - بردن این زندانیان به راهرو اصلی و نگهبانی از آنها در آنجا،
 - خواندن نام زندانیانی که قرار بود در برابر کمیته حاضر شوند، بردن آنان به کمیته و دادن اطلاعات کتبی یا شفاهی در مورد زندانیان،
 - خواندن نام زندانیانی که قرار بود برای اعدام برده شوند،
 - دستور دادن به زندانیان که صف ببندند تا به محل اعدام اسکورت شوند،
 - اسکورت زندانیان تا محل اعدام و پس از آن محروم کردن زندانیان از حیات با حلق آویز کردن آنان، و همچنین
 - حتی خود در یک یا چند نوبت در اعدام ها حاضر و در آن شرکت کرده بود.

۲۱۹. ضمناً باید بررسی شود که آیا حمید نوری با همکاری و توافق یا مشورت با سایر کارکنان ارشد، از سایر عوامل جرم خواسته یا به آنان دستور داده که در اعدام ها از راه کمک به او و دیگر کارکنان ارشد در اقداماتشان مطابق آنچه که در بالا گفته شد و نیز اجرای اعدام ها شرکت کنند یا خیر.

۲۲۰. همچنین باید رسیدگی شود که آیا حمید نوری به طور مشترک و با توافق یا مشورت با سایر عوامل جرم از طریق اقدامات گفته شده در بالا، مجازات اعدامی را که کمیته دستور آن را بدنبال رویه ای صادر کرده بود که شرایط اساسی یک محاکمه عادلانه را که از مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل پیروی می کند نداشت به اجرا گذاشته است یا نه.

۲۲۱. در رابطه با ادعای شکنجه و رفتار غیرانسانی، دادگاه بدوی باید بررسی کند که آیا حمید نوری، تحت شرایط مشابه و بطور عمده از طریق همان اعمال گفته شده در بالا، تعداد بسیار زیادی از زندانیان را که حامی یا هوادار مجاهدین بودند و از جمله کسانی که در پیوست های A و B از آنان نام برده شده، با بردن آنان به کمیته یا بردن آنها به راهرو اصلی و منتظر ماندن برای رفتن به کمیته یا انتظار کشیدن برای تصمیم کمیته و همچنین در صورت لزوم، بردن آنها به محل اجرای اعدام و انجام اقدامات مقدماتی قبل از اعدام، در معرض یک رنج بزرگ ناشی ایجاد ترس شدید از مرگ قرار داده است، کاری که به عنوان شکنجه و رفتار غیرانسانی قضاوت می شود.

نقاط شروع

۲۲۲. دادگاه بدوی در بخش قبل تشخیص داده که جرایم طبق ادعای دادستان در زندان گوهردشت انجام شده است. همانطور که در بالا گفته شد، این اعمال مجرمانه بزرگ را که بسختی می توان از آنها دریافتی کلی داشت چندین نفر با همکاری با یکدیگر صورت داده اند. در این بخش، دادگاه بدوی به بررسی مجرمیت حمید نوری در این رویدادها می پردازد.
۲۲۳. بر پایه ارزیابی دادگاه بدوی، اطلاعات موجود در گزارشها، کتابها، مقالات و مصاحبهها در زمینههای گوناگون با توجه به مقررات آزادی ارایه سند و مدرک می تواند به عنوان حقایق اثباتی مستقل اهمیت پیدا کند. چنین سند و مدرکی میتواند تاثیر مشخصی داشته باشد بویژه اگر که سند در نزدیکی زمان وقوع جرم تهیه شده و تازه باشد. آن امنیت قضایی که یک محاکمه کیفری بر آن بنا شده به این معناست که ارزش و اهمیت اسناد مجزا مطلوبست که محدود باشد. استناد به اسناد به عنوان حقایق کمکی می تواند حتی اهمیت حمایتی در رابطه با برخی اطلاعات بدست آمده از بازپرسی ها پیدا کند.
۲۲۴. بررسی شواهد و مدارک به روی اهمیت شرایط برای اثبات واقعیت های حقوقی مشخص شده در کیفرخواست متمرکز است. می توان گفت که دلیل قاطع در این قسمت از اظهارات شاکی و شهود تشکیل شده است. بنابراین دادگاه بدوی با ارزیابی اظهارات شروع می کند. هنگام ارزیابی ارزش اثباتی یک گفته، همچنین بررسی می شود که آیا این گفتهها از سوی شرایط دیگر و آنچه که مدارک پشتیبانی کننده خوانده می شود یا حقایق کمکی مثبت تایید می شوند یا نه. هنگامی که چند نفر مشاهدات مستقیمی از عمل خلاف انجام داده اند، این همکاری میان حقایق اثباتی است که به اظهارات شاکی ارزش اثباتی بیشتری می بخشد.
۲۲۵. هنگام ارزیابی مدارک شفاهی، دادگاه بدوی باید در نظر بگیرد که خاطرات در طول زمان تمایل به تغییر دارند و از یاد می روند و به جای آن یک خاطره کلی تر از در حافظه می ماند. برای اینکه بتوانیم یک رویداد را در طول زمان به درستی به خاطر آوریم، معمولاً لازم است که آن رویداد از نظر احساسی مهم و زمانی که رخ می دهد متمایز و منحصر به فرد باشد. حافظه همچنین به دلیل ماهیت بازسازی کننده اش، دائماً از گسترش و افزایش خاطره ها در حافظه می گریزد. تحقیقات نشان داده است که وقتی یک خاطره یکسان در زمانهای گوناگونی به یاد آورده می شود، محتوای آن هربار با بار قبل متفاوت است. با این حال و بطور عمده چنین

است که خاطره هایی که بیرون از مرکز رویداد و در حاشیه آن هستند بیشتر مستعد تأثیر پذیری از اطلاعات بعدی و دستخوش فراموشی شدن هستند. اطلاعات جانبی به سرعت از حافظه محو می شود. وقتی زمان کافی سپری شد، تنها بخش های مرکزی آن خاطره باقی می ماند. مطالعات همچنین نشان داده اند که انسان ها به طور کلی در تشخیص و شناسایی چهره ها نسبتاً خوب عمل می کنند.⁶⁵

۲۲۶. در رابطه با شناسایی حمید نوری، دادگاه بدوی به این نکته توجه می کند که واضح ترین و قابل اعتمادترین شناسایی شخص در صورتی به دست می آید که شاهد از قبل از وقوع جرم، شخص شناسایی شده را شناخته یا با او آشنا بوده باشد، و شناسایی به سرعت، به طور خودکار و مستقیم، و فرآیند شناسایی کل نگر باشد. هنگامی که شاهد از قبل با مرتکب جرم آشنا باشد، این فرصت را داشته است که او را برای مدت طولانی تری ببیند و جزئیات بیشتری را بخاطر بسپارد، که احتمالاً برای شناسایی صحیح مطلوب است. هنگام ارزیابی شواهد، دادگاه بدوی باید در عین حال به شرایطی که موثق بودن گفته ها را تضعیف می کند توجه نماید، مانند اینکه فردی که در بازپرسی شرکت دارد، شخص مورد نظر را قبلاً ندیده است یا با یکدیگر آشنایی بیشتری نداشتند و غیره.⁶⁶

۲۲۷. دادگاه بدوی همچنین باید در نظر داشته باشد که تحریف ها می تواند از نگرش های ناشی از روانشناسی گروهی باشد. افرادی که رویدادی را با هم تجربه کرده اند، یا به طور مشترک در معرض خطر یا حمله قرار گرفته اند، اغلب با یکدیگر احساس اتحاد می کنند. این موقعیت می تواند احساس همبستگی را برانگیزد که شاهد را تمایل به پذیرش ناخودآگاه نظریه ای می کند که برای گروه خودش سودمندتر به نظر می رسد. بنابراین، بحث های درون گروهی قبل از بازپرسی خطر تأثیرگذاری بر نتیجه گفته ها را دارد. اگر شاهدهی اطلاعاتی دریافت کرده باشد که شخص خاصی را به عنوان خلافکار معرفی کرده، این تمایل قوی است که شاهد آن شخص را در یک روبرو شدن بعنوان خلافکار معرفی کند.⁶⁷

⁶⁵ Lena Schelin, Bevisvärdering av utsagor i brottmål, 2007, s. 124.

⁶⁶ Ibid, s. 148

⁶⁷ Ibid, s. 117 f.

۲۲۸. چندین نفر که در بازپرسی ها شرکت داشتند اطلاعاتی ارائه کرده اند مبنی بر اینکه حمید نوری را در انجام تعدادی از اعمال مختلف مندرج در کیفرخواست دیده اند. دادگاه بدوی، پس از بخش مقدماتی، مرکزی ترین شواهد را ارزیابی خواهد کرد، یعنی اظهارات افرادی که از قبل از ظاهر حمید نوری اطلاع داشتند و بدون چشم بند وی را در زندان دیده بودند و سپس در شرایطی که برای بررسی حقایق حقوقی مورد استناد اهمیت دارد مشاهداتی انجام داده اند. دادگاه بدوی سپس به بررسی اجمالی شواهد متشکل از افرادی می پردازد که ممکن است توصیف شود که اطلاعات ضعیف تری از او داشتند.
۲۲۹. همچنین در اینجا باید تأکید کرد که در عمل تمام مشاهدات از حمید نوری در مورد حقایق حقوقی مشخص شده در راهرو اصلی را افراد شرکت کننده در بازپرسی ها انجام داده اند که چشم بند به چشمان داشتند. مشخص شده است که استفاده از چشم بند در خارج از بندها برای زندانیان امری عادی و همچنین زمانی که زندانیان برای محاکمه در کمیته به راهرو اصلی آورده می شدند، ضروری بود. کسانی که در بازپرسی ها شرکت داشته اند گفته اند که در طول سال های اسارت روش های مختلفی ابداع کرده اند تا به هر حال بتوانند ببینند و تا حدودی توضیح داده اند که چگونه این کار را انجام داده اند. مثلاً با بیرون کشیدن نخها، پارچه را نازک کرده اند تا بتوانند پشت پارچه را ببینند، یا سرشان را کج کرده اند و از زیر چشم بند نگاه کرده اند و همچنین نحوه قرار دادن آن را روی سر تنظیم کرده اند. همچنین تأکید شده است که مشاهدات مخفیانه زمانی که اوضاع در راهرو آشفته بود، مانند زمانی که اسامی خوانده می شد و چندین زندانی در صف قرار می گرفتند، انجام می شد.
۲۳۰. دادگاه بدوی به این نتیجه رسیده است که توضیحات موثقی در مورد نحوه مشاهدات علیرغم داشتن چشم بند داده شده و دلیلی ندارد که فرض کنیم این یک موضوع ساختگی است، حتی اگر اظهارات برخی از کسانی که در بازپرسی ها شرکت داشته اند در این مورد از روی عادت بیان شده باشد و ضعیف تر توصیف شود. با در نظر گرفتن وضعیت فوق العاده حاکم و این واقعیت که افراد برای مدت طولانی بدون دست بسته در راهرو می نشستند، دادگاه بدوی احتمال می دهد که زندانیان منتظر تلاش کرده اند بفهمند که در اطرافشان چه می گذرد. علاوه بر این، حمید نوری بیان کرد: زندانیان حداقل در اوین این فرصت را داشتند که با چشم بند چند متری جلوی خود را ببینند تا بتوانند بدون زمین خوردن راه بروند که این خود حاکی از آن است که افرادی که سرشان را کج می کردند امکان انجام برخی مشاهدات را داشتند. اگرچه ارزیابی شواهد با توجه

به این باید به اندازه کافی انجام شود می توان بر اساس آنچه توضیح داده شد به این نتیجه رسید که افراد شرکت کننده در بازپرسی فرصتی برای انجام مشاهدات در راهرو داشته اند. با این حال، آنچه در مورد چشم بندها ظاهر شده است، حقایق حمایتی منفی است که بر قابلیت اطمینان اطلاعات ارائه شده تأثیر می گذارد. با چشم‌بند، علی‌رغم روش‌های بکار رفته، انجام مشاهدات صحیح دشوارتر می‌شود، که مستلزم خطر سوء تعبیر برداشت‌های بصری است. بنابراین همانطور که در بالا تأکید شد، در ارزیابی مشاهدات انجام شده با چشم‌بند، اهمیت ویژه ای دارد که توجه شود آیا فرد شرکت کننده در بازپرسی از قبل از حمید نوری اطلاع داشته است یا خیر.

ارزیابی مقدماتی و کلی شواهد و مدارک

۲۳۱. در مورد نقش ادعایی حمید نوری، می‌توان اشاره کرد که او تأیید کرده است که با نام مستعار حمید عباسی در دفتر دادیار اوین در یک نقش اداری کار می‌کرده و امور عادی مربوط به زندانیان را برای دفتر دادیار انجام می‌داده است. بر اساس آنچه که به دست آمده، دادیار مدیریت حقوقی زندان را تشکیل می‌داد و به امور زندانیان در خصوص مرخصی، ملاقات، جابجایی و مانند اینها رسیدگی می‌کرد. اینکه حمید نوری در اوین دارای چنین نقش اداری بوده در مدارک دیگری تأیید شده و افراد مختلفی که در بازپرسی‌ها شرکت داشته اند به ارتباط حمید نوری با دفتر دادیار در اوین چه پیش از وقایع گوهردشت و چه پس از آن که موضوع رسیدگی دادگاه بدوی است اشاره داشته اند. بنابراین می‌توان گفت که به روشنی معلوم شده که چنین بوده است. از نظر دادگاه بدوی، این یکی از شرایط غیر مستقیم ارزش اثباتی دربارہ نقشی است که دادستان مدعی است او در گوهردشت بازی کرده است. در این زمینه لازم به ذکر است که حمید نوری نیز اظهار داشته است که در چند نوبت که کمبود پرسنل در دفتر دادیار گوهردشت وجود داشته، در آنجا کار کرده، اما نه در دوره ای که موضوع رسیدگی دادگاه است زیرا او در این دوره به دلیل تولد دخترش در مرخصی بوده است. همچنین در اینجا باید تأکید کرد که گوهردشت از زندان اوین اداره می‌شد و خود حمید نوری نیز تأیید کرده است که زندان‌های تهران و کرج تحت کنترل دادسرای انقلاب بوده است.

۲۳۲. ایرج مصداقی که در دهه ۱۹۸۰ به دلیل وابستگی به مجاهدین در زندانهای اوین، قزلحصار و گوهردشت بود، درباره دوران زندان خود مقالات و کتابهایی نوشته است. او در مقالاتی که در سال ۱۹۹۶ منتشر شده است، گزارشی از اعدام‌ها ارائه و در آن زمان نام یک دستیار معاون

دادستان در گوهردشت را حمید عباسی اعلام کرد. بر اساس اطلاعات مندرج در مقاله، حمید عباسی در آن مدت در زندان فعالیت داشته است. ایرج مصداقی در کتاب *Neither Life nor Death* که در سال ۲۰۰۶ منتشر شد، دوباره اطلاعاتی در مورد دستیار معاون دادستان گوهردشت در دوره مورد بحث کیفرخواست منتشر کرد. این بار از او با نام «حمید نوری (عباسی)» نام برده می شود.

۲۳۳. این اسامی توسط سایر بازماندگان دوران زندان نیز طی سالها و در زمینه های مختلف تکرار شده است. نام حمید عباسی از جمله در کتاب آفتابکاران محمود رویایی که در سال ۲۰۰۷ منتشر شد و در کتاب حسین فارسی با نام *A Galaxy of Stars* که در سال ۲۰۱۶ انتشار یافت به چشم می خورد. همچنین اکبر صمدی، مجتبی اخگر و اصغر مهدی زاده در مصاحبه های سال ۲۰۱۶ درباره حمید عباسی اطلاعاتی ارائه کرده اند و نصرالله مرنندی در یک سخنرانی در سال ۲۰۱۸ از وی نام برده است.

۲۳۴. هنگامی که شاکیان و شاهدان در دادگاه بدوی این فرصت را پیدا کردند که در مورد سیر وقایع به زبان خود صحبت کنند، آنها عموماً داستان های طولانی و در قسمت های مهم با جزئیات مفصل تعریف کردند. تا آنجا که دادگاه بدوی می بیند در هسته مرکزی اکثریت قریب به اتفاق این داستان هیچ نقص آشکاری وجود ندارد. از سایر شواهدی که در تأیید کیفرخواست به آنها استناد شده است، به نظر می رسد که شاکیان و شاهدانی وجود دارند که کتاب نوشته اند، در مصاحبه ها شرکت کرده اند یا در زمینه های دیگر همکاری کرده اند و داستان های مشابهی با جزئیاتی از نوع ادعای جرم بیان شده تعریف کرده اند.

۲۳۵. با آنچه گفته شد دادگاه بدوی چندی از اظهارات افرادی را که در بازپرسی ها شرکت داشته اند و حمید نوری برای آنان فرد شناخته شده ای بود و مشاهدات آنان از حمید نوری در شرایطی که در رسیدگی به حقایق حقوقی استناد شده اهمیت دارد، ارزش گذاری می کند. در اینجا دوباره تأکید می شود که خلاصه ای از اظهارات کامل کسانی را که در بازپرسی ها شرکت داشته اند می توان در پیوست شماره ۲ رای دادگاه یافت.

اظهارات در بازپرسی ها

افراد شرکت کننده در بازپرسی ها که حمید نوری را قبل از انتشار در رسانه ها شناسایی کردند

۲۳۶. ایرج مصداقی از تجربیات خود در زندان گوهردشت و آنچه در دوران اعدامها در آنجا مطلع شده، گزارش مفصل و طولانی و در قسمتهای مهم با جزئیات مفصل به جای گذاشته است. در این قسمت ها، داستان حاوی هیچ تناقض یا عنصری نیست که توضیح آن دشوار باشد. بنابراین، از جمله معلوم شد که او یک زندانی سیاسی بوده که به دلیل ارتباطش با مجاهدین به زندان افتاده و در دوره مورد نظر کیفرخواست از گوهردشت سر درآورده است. همچنین مشخص شده است که او پس از آزادی به طور گسترده روی مستندسازی دوران خود از جمله در گوهردشت کار کرده و نیروی محرکه دستگیری حمید نوری بوده است.
۲۳۷. وی در بازپرسی گفته که در دوران اسارت بارها با حمید عباسی ارتباط داشته است. بر پایه این گفته ها همه چیز از سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) در گوهردشت آغاز شد، جایی که وی به عنوان نماینده بند خود، بطور مرتب با معاون دادستان (دادیار) و دستیار وی حمید عباسی برای رسیدگی به مسائل مختلف پیش آمده میان زندانیان دیدار می کرد. او همچنین گفته است که دادیار و حمید عباسی در دوران اعدامها با هم در گوهردشت خدمت می کردند و پاییز سال بعد حمید عباسی را هنگام مصاحبه با زندانیان، دید. وی همچنین گفته است که پس از انتقال به اوین در سال بعد از اعدامها، بارها و بارها از جمله یک بار در دفتر دادیار قبل از آزادی خود، حمید عباسی را دیده است. او گفته است که در این سال ها مشاهداتی از حمید عباسی با چشم بند و بدون چشم بند داشته است. در مواردی که چشم بند بوده، در بازپرسی گزارش داده است که از چه طریقی از پارچه پاره شده یا از زیر آن باز هم می توانسته مشاهدات خود را انجام دهد.
۲۳۸. علاوه بر این، ایرج مصداقی اطلاعاتی ارائه کرده است که حمید عباسی را به حقایق حقوقی اعلام شده توسط دادستان مرتبط می کند. او گفته که حمید عباسی را در رابطه با انجام وظایف در چندین نوبت در راهروی اصلی زندان گوهردشت در جریان اعدام ها مشاهده کرده است. بر پایه این اطلاعات این حمید عباسی بود که زندانیان را در راهرو مرتب می کرد، آنها را به کمیته می آورد و خودش وارد اتاقی می شد که کمیته تشکیل شده بود. علاوه بر این، ایرج

مصداتی با بیان اینکه حمید عباسی اسامی زندانیانی را که برای اعدام به سالن انتهای راهرو هدایت شدند صدا زد و همچنین زندانیان را تا محل اعدام همراهی کرد تا مدتی بعد دوباره به راهرو برگردد. یک روز نزدیک غروب او یک کیک خامه ای را میان زندانیانی که هنوز در راهرو مانده بودند تقسیم کرد.

۲۳۹. در بازپرسی گفته است که مطمئنم حمید نوری همان حمید عباسی از گوهردشت است. او تعریف کرده است که سال ها او را دیده و با او زندگی کرده است و حتی امروز هم ظاهر او را می شناسد و آنچه در زندان رخ داده در خاطرش حک شده است.

۲۴۰. با توجه به اثباتی بودن شناسایی حمید نوری توسط ایرج مصداقی و مشاهدات وی در شرایطی که از نظر حقایق حقوقی مورد استناد، حائز اهمیت است، باید تأکید کرد که او در زندان در دوره مورد نظر به روشی که در بالا ذکر شد، از حمید عباسی اطلاع داشت. پیش از این نیز در دوران اسارت بارها با او در تماس بوده است. بنابراین در زمان انجام اعمال خلاف، شخص شناخته شده ای برای او بود که مشاهداتی از او انجام داد، و این شرایطی است که ارزش اثباتی شناسایی او را تقویت می کند.

۲۴۱. علاوه بر این، باید تأکید کرد که اطلاعات ایرج مصداقی با محتوای مقالات و کتابهایی که در مورد این وقایع نوشته است تأیید می شود. او توضیح داده است که پس از آزادی، با یادداشت برداری از خاطره های دوران اسارت خود، برای پردازش خاطراتش، وقایع را ثبت می کرده است. مقالات و کتاب های او با پشتوانه این یادداشت ها به رشته تحریر درآمده و به نوعی یادگار دوران اسارت است. در زیر منتخبی از شواهد و مدارک به ترتیب زمانی آمده است که در آن ردپای از زمان هایی وجود دارد که از نظر دادرسی با معنا هستند.

۲۴۲. روزنامه ایران زمین یک روزنامه ایرانی است که در اروپا و آمریکا توسط شورای ملی مقاومت ایران (مجاهدین) منتشر می شود. در سلسله مقالاتی که در ژوئیه ۱۹۹۶ در شماره ۱۰۴ تا ۱۰۶ به قلم ایرج مصداقی در مورد تجربیات خود در دوران اعدامها در گوهردشت در تابستان ۱۹۸۸ نوشته شده است، از «عباس» به عنوان دادیار زندان یاد شده است. در جایی دیگر از «حمید عباسی» به عنوان دستیار «ناصریان»

و دادیار در گوهردشت نام برده شده است. لازم به ذکر است که از اسم‌هایی که در فتوای آیت الله خمینی آمده نیز نام برده می‌شود. در شماره ۱۰۴ مورخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۶ از جمله موارد زیر آمده است:

نام رفقا را صدا زدند و ناصرین یا عباس (معاون دادستان) گفتند: «اینها را به بند خودشان ببرید» یعنی اعدامشان کنید. سپس کاروان رفقا به سمت محل اعدام به راه افتادند. لحظه سختی بود. چقدر دل‌هایمان در درونمان پی‌قرار بود، در آرزوی خداحافظی‌گونه‌هایشان را ببوسیم! از ۱۲ مرداد [۳ اوت] در حسینیه گوهردشت اعدام‌ها شروع شد و ما در راهروی طولانی منتهی به حسینیه نشستیم. سپس اسامی رفقا خوانده شد و ناصرین یا عباس (معاون دادستان) گفتند «اینها را به بند خودشان ببرید» یعنی اعدامشان کنید. سپس کاروان رفقا به سمت محل اعدام به راه افتادند.

۲۴۳. وی در بازپرسی توضیح داده است که یک حرف از نامی در دستنوشته او از قلم افتاده بود و آن نام در واقع عباسی بود. در شماره ۱۰۵ مورخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۶ از حمید عباسی بدون غلط املایی نام برده شده است. از جمله در مقاله زیر مشهود است.

هر بار که جلادان تعدادی از رفقای ما را اعدام می‌کردند، به یکدیگر تبریک می‌گفتند و نان خامه ای میان خود پخش می‌کردند. حتی یک بار به من پیشنهاد دادند که نپذیرفتم. یکی از پادوهایشان می‌گوید "برای اینها کباب سفارش داده اند". ناصرین که نام اصلی اش شیخ محمد مغیسه بود، مانند بالرین‌ها از خوشحالی می‌رقصید. دستیار او حمید عباسی، معاون دادستان گوهردشت، در حالی که قلم را به روی رادیاتور شواژ می‌کشید، با تمسخر زمزمه کرد: «عید همیشگی عاشورای⁶⁸ مجاهدین!»

۲۴۴. ایرج مصداقی در مقالاتی در سال ۱۹۹۶ از حمید عباسی به عنوان معاون دادستان و دستیار ناصرین در گوهردشت در دوران اعدام‌ها نام برد. همچنین در کتاب *Neither Life nor Death* منتشر شده در سال ۲۰۰۶ حمید نوری را نام اصلی حمید عباسی معرفی کرده است. او در کتاب، بر پایه ترجمه آن، چنین معرفی شده:

⁶⁸ عاشورا دوره ای از سال است که در آن مسلمانان شیعه به سوگ شهادت امام سوم و یارانش که در آغاز دوران اسلامی در کربلا روی داد می‌نشینند. از آنجایی که در تقویم اسلامی مصادف با دهمین روز از ماه محرم است، آن را در زبان عربی عاشورا به معنای ده می‌نامند.

«حمید عباسی (نوری)» به عنوان دستیار معاون دادستان و دادیار گوهردشت.

۲۴۵. ایرج مصداقی در بازپرسی اظهار داشته است که نام واقعی حمید عباسی را از شاکی مهدی اسحاقی که در حدود سال ۲۰۰۴ به او گفته بود، دریافت کرده است. ربه گفته ایرج مصداقی، مهدی اسحاقی به او گفته بود که پس از اعدام‌ها حمید عباسی در زندان اوین او را کتک زده بود و او نام واقعی حمید عباسی را در کارت شناسایی او که هنگام کتک زدن روی زمین افتاده بود، دیده است. این اطلاعات در بازپرسی از مهدی اسحاقی تایید شده و در ادامه به تفصیل گزارش شده است و اینکه ایرج مصداقی در کتابی در سال ۲۰۰۶ به شرح این واقعه پرداخته است، مؤید آن است. به نظر می‌رسد که مهدی اسحاقی شعری را که در رابطه با مرگ آیت الله خمینی در تلویزیون خوانده شده بود، مسخره کرده و یکی از زندانیان آن را به زندانبانان بند گزارش داده بود. بر پایه این کتاب، این کار باعث شد که حمید عباسی معاون دادستان زندان مهدی اسحاقی را بیرون برده و مورد بازجویی و ضرب و شتم قرار داده و سپس او را به سلول انفرادی منتقل کرده است.

۲۴۶. همانطور که در بالا اشاره شد، ایرج مصداقی در کتابی که در سال ۲۰۰۶ منتشر شده حمید عباسی را به عنوان دستیار معاون دادستان و دادیار⁶⁹ در گوهردشت نام برده است. همچنین در این کتاب آمده است که حمید عباسی از بند مقابل جهاد بازدید کرده تا از زندانیان در آنجا بخواهد اعتراضات خود را متوقف کنند، که حمید عباسی به دیگران در راهروی مرگ دستور می‌دهد که زندانیان را به محل اعدام ببرند و اینکه خودکار خود را به روی رادیاتور شوفاز در راهروی مرگ کشید و فریاد می‌زد «عاشورای همیشگی مجاهدین». او همچنین نوشته است که حمید عباسی نقش شاکی و شاهد برای واداشتن کمیته به صدور احکام اعدام را داشته و در راهرو برای جشن اعدام به زندانیان کیک خامه‌ای تعارف می‌کرد و پس از پایان دوره اعدام‌ها با زندانیان چپ که اظهار پشیمانی کرده بودند در سالی نزدیک بخش جهاد مصاحبه می‌کرد. اطلاعات مشابهی در مورد حمید عباسی در کتاب‌های Eldfågarnas dans منتشره در سال ۲۰۱۴ و کتاب The Massacre منتشره در سال ۲۰۱۹ نیز آمده است، و در آن ایرج مصداقی تشریح می‌کند که با حمید عباسی

⁶⁹ بر اساس تذکر یک مترجم در کتاب، دادیار به معنای دستیار دادستان است که می‌تواند به عنوان بازوی گسترده دادستان در نظام حقوقی ایران عمل کند.

جانشین ناصرین در راهروی اصلی در زمان اعدام‌ها در ارتباط قرار گرفت. او همچنین در این کتاب‌ها نقل کرده است که حمید عباسی برای جشن اعدام‌ها کیک خامه‌ای پخش می‌کرد و اعلام می‌کرد که عاشورای مجاهدین است.

۲۴۷. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که ایرج مصداقی در طول زمان اطلاعات مستمری درباره حمید عباسی و یا حمید نوری ارائه کرده است. به هنگام تعیین ارزش اثباتی آنچه ایرج مصداقی در بازپرسی‌ها اظهار داشته با داده‌های مقاله‌ها و کتابها ارزش بیشتری پیدا می‌کند.

۲۴۸. در مورد هویت حمید نوری به این نتیجه می‌توان رسید. از تحقیقات مشخص شد که در اکتبر ۲۰۱۹ فردی ناشناس با ایرج مصداقی تماس گرفته و تصویر مردی را که ایرج مصداقی او را با نام حمید عباسی می‌شناخت برایش فرستاد. ایرج مصداقی می‌گوید که فوراً او را شناخت و ظاهرش پس از وقایع مورد بحث در این پرونده تغییر چندانی نکرده بود. به گفته ایرج مصداقی معلوم شد این عکس توسط هرش صادق ایوبی ارسال شده که در سوئد زندگی می‌کرد و با زنی که حمید نوری او را دختر خود می‌داند ازدواج کرده بود. هرش صادق ایوبی مطالبی را که ایرج مصداقی درباره حمید عباسی و حمید نوری نوشته بود را خوانده بود. ایرج مصداقی در بازپرسی گفته است که هنوز کاملاً مطمئن است که حمید نوری همان حمید عباسی است که در زمان اعدام‌ها در گوهردشت کار می‌کرد.

۲۴۹. در اینجا می‌توان به این نکته اشاره کرد که ایرج مصداقی با دریافت عکسی از حمید نوری در اکتبر ۲۰۱۹ بلافاصله حمید عباسی را که در گوهردشت بود شناخت. موضوع شناسایی مستقیم بود. قوی‌ترین شکل شناسایی بصری. این شناسایی بدون عناصر تحریف و سایر تأثیرات خارجی ناروا انجام شد. برپایه نظر دادگاه بدوی، شناسایی حمید نوری توسط ایرج مصداقی به عنوان حمید عباسی قطعی است و از اعتبار بالایی برخوردار است.

۲۵۰. دادگاه بدوی همچنین خاطر نشان می‌کند که داده‌های ایرج مصداقی در مورد هسته اصلی حوادث که در کیفرخواست علیه حمید نوری آمده در طول زمان ثابت بوده و وی معتبر تلقی می‌شود. داده‌هایی که وی از مشاهدات خود از حمید نوری در آن شرایطی که از نظر حقایق حقوقی مورد استناد، حائز اهمیت است ارائه کرده

به خوبی اثبات شده و قابل اعتماد به نظر می رسد. اطلاعات به دست آمده از بازپرسی وی برای ادعای ارتکاب جرم دادستان در کیفرخواست ارزش اثباتی بالایی دارد.

۲۵۱. اطلاعات شاهد حمید/اشتری نیز در مورد شناسایی حمید نوری به عنوان حمید عباسی از اهمیت بالایی برخوردار است. وی در بازپرسی گفته است که حمید عباسی را چندین بار در زندان گوهردشت دیده است، هم در چند وهله در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶ شمسی) و هم به طور مرتب در بخش جداگانه جهاد در سال بعد از آن. وی گفته است که حمید عباسی به عنوان معاون دادیار هر هفته به بخش آنها برای رسیدگی به زندانیان و پرونده های آنان و برای ملاقات ها می آمد و این ملاقات ها هم قبل، هم در حین و هم بعد از دوره اعدامها در تابستان مورد نظر صورت می گرفت. به گفته حمید اشتری، برخی از مشاهده ها بدون چشم بند و تنها از فاصله چند متری صورت گرفته است. او همچنین به ما گفته است که چند سال بعد، یعنی پس از آزادی به طور اتفاقی در یکی از خیابان های تهران به حمید عباسی برخورد و چند کلامی با هم رد و بدل کردند.

۲۵۲. مشاهدات گزارش شده توسط حمید اشتری در شهادت خود حاکی از آن است که حمید عباسی در بازه زمانی مربوط به کیفرخواست در گوهردشت بوده و به عنوان دستیار معاون دادستان در زندان نقش داشته است. او اطلاعات خود را به روشی معتبر ارائه کرده است. او دقت می کرد که مبالغه نکند و آنچه را که دیده است به وضوح گزارش کرده است، اما زمانی که چیزی مشاهده نکرده است، آن را نیز به وضوح گفته است.

۲۵۳. وی در خصوص شناسایی حمید نوری به عنوان حمید عباسی اظهار داشته است که در مهرماه ۲۰۱۹ پیامی از ایرج مصداقی در واتس اپ دریافت کرده است. پیام شامل تصویر یک شخص و بدون متن بود. او گفته است که بلافاصله این فرد را حمید عباسی تشخیص داده و جدا از سن او همچنان بخودش شبیه بود. وی همچنین در بازپرسی گفته است که مطمئنم حمید نوری حمید عباسی است.

۲۵۴. می توان گفت که حمید اشتری وقتی عکس حمید نوری را دید و بلافاصله او را حمید عباسی تشخیص داد، تحت تأثیر شرایط بیرونی نیز قرار نگرفت. در آن زمان هنوز این پرونده شروع نشده بود و هیچ خبری

از نام و تصویر حمید نوری در رسانه های خبری یا شبکه های اجتماعی منتشر نشده بود. بنابراین این شناسایی بدون تحریف و سایر تأثیرات و آلودگی ها انجام شد. در ارزیابی ارزش اثباتی این شناسایی، توجه به این نکته حائز اهمیت است که حمید اشتری در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) بطور مرتب حمید عباسی را بدون چشم‌بند در بند جهاد در زندان دیده بود. بنابراین حمید عباسی یک شخص شناخته شده برای حمید اشتری بوده است. این شناسایی روبه‌مرفته مطمئن ارزیابی می شود و ارزش اثباتی بالایی دارد.

۲۵۵. این که اطلاعات ایرج مصداقی از شناسایی حمید اشتری پشتیبانی و حقایق اثباتی داده های او را تشدید می کند گویای قابل اعتماد بودن اطلاعات حمید اشتری است. همچنین قابل اعتماد بودن شناسایی ایرج مصداقی نیز به همین ترتیب با اطلاعات حمید اشتری بیشتر می شود. در اینجا دو گفته مستقل از هم را داریم که حمید نوری را حمید عباسی معرفی می کند.

۲۵۶. مسعود اشرف سمنانی نیز از کسانی است که در بازپرسی شرکت داشته و در شناسایی اولیه خود زیر تأثیر اخباری که پس از دستگیری حمید نوری در رسانه ها منتشر شد قرار نگرفته است. با این حال، به دلایلی که در ادامه ذکر می شود، نمی توان به شهادت وی مانند شهادت ایرج مصداقی و حمید اشتری، ارزش اثباتی بالایی داد.

۲۵۷. او در بازپرسی گفته است که حمید عباسی را چند بار قبل از اعدام ها در گوهردشت در بند دیده است. او می گوید چیز خاصی برای گزارش در این مورد ندارد، اما یادش می آید که دیگران به او گفته اند که حمید عباسی می تواند زندانیان را با فرستادن آنها به سلول انفرادی مجازات کند. وی همچنین در خصوص حقایق حقوقی اعدام ها عنوان کرده است که در تاریخ ۹ اوت ۱۹۸۸ (۱۸ مرداد ۱۳۶۷) پس از حضور در داخل کمیته، با چرخاندن سر و نگاه پنهانی با وجود چشم‌بند، حمید عباسی را در راهروی اصلی مشاهده کرده است. او می گوید که از فاصله بسیار نزدیک شاهد بود که حمید عباسی اسامی زندانیانی را که سپس به سمت سالن اعدام هدایت می شدند، می خواند. علاوه بر این، او گفته است که در ۱۲ اوت (۲۱ مرداد) حمید عباسی و گروهی که قرار بود اعدام شوند را مشاهده کرده که در وسط راهرو اصلی پشت سر هم ایستاده و به سمت محل اعدام ها رفتند.

۲۵۸. او همچنین گفته است که در پاییز پس از اعدام‌ها، بدون چشم‌بند، چندین بار حمید عباسی را در حال مصاحبه با زندانیان در سالن اجتماعات بزرگ‌تر گوهردشت دیده است و چند ماه پس از آزادی او را برای شرکت در یک چنین بازپرسی به اوین فرا خواندند. به گفته مسعود اشرف سمنانی، حمید عباسی بود که با او مصاحبه کرد. او مجبور نبود در بازپرسی تقریباً ۱۵ دقیقه ای چشم بند ببندد.
۲۵۹. مسعود اشرف سمنانی نیز در ایران تریبونال مصاحبه کرد و از دوران حضور خود در گوهردشت و اتفاقاتی که در دوران اعدام‌ها در آنجا گذشت گفت. این اظهارات در گزارش کمیسیون حقیقت ایران تریبونال Findings of the Truth Commission در سال ۲۰۱۳ منتشر شده است. او در این گزارش از حمید عباسی نامی نبرده و در دادگاه بدوی توضیح داده که او فقط بر روی افراد در کمیته و مقامات ارشد زندان تمرکز داشته است.
۲۶۰. او همچنین حمید نوری را حمید عباسی معرفی کرده و گفته است که به گفته خود مطمئن است. او درگیر کار با شکایت به پلیس بود و اجازه یافت تصاویر حمید نوری را در کامپیوتر ایرج مصداقی ببیند تا مطمئن شود که واقعاً شخصی که از او شکایت می‌شود حمید عباسی است. او پی‌درنگ او را به عنوان حمید عباسی از گوهردشت شناخت. با این حال، ارزش اثباتی شناسایی او با این واقعیت تضعیف می‌شود که او در شناسایی خود مستقل نبود. مشخص نشده است که او از قبل اطلاعاتی در مورد اینکه شکایت به پلیس به چه کسی مربوط می‌شود، نداشته است.
۲۶۱. اما می‌توان گفت که مسعود اشرف سمنانی از زمان زندان از حمید عباسی شناخت خوبی داشته است. او در چندین نوبت او را بدون چشم‌بند دید، هم پیش از اعدام‌ها در داخل بند و هم پس از آن در ارتباط با بازپرسی، و همچنین در راهرو در موارد مکرر در طول دوره اعدام‌ها. او این اطلاعات را به شیوه‌ای پر احساس ارائه کرده است و ترس از مرگ و ناامیدی خود را از آنچه اتفاق افتاده بیان و توصیف کرده است. به نظر می‌رسد اطلاعاتی که او درباره وقایع راهرو در اینجا ارائه کرده است قابل اعتماد است. با توجه به اینکه حمید عباسی از افراد شناخته شده برای مسعود اشرف سمنانی بوده است، این شناسایی نیز قابل اعتماد ارزیابی می‌شود و از ارزش اثباتی بالایی برخوردار است، هرچند کمتر از شناسایی ایرج مصداقی و حمید اشتری، به دلیل شیوه شناسایی مسعود اشرف سمنانی.

سایر شرکت کنندگان با اهمیت در بازپرسی

۲۶۲. در مورد سایر شرکت کنندگان باقیمانده در بازپرسی، دادگاه بدوی باید به ویژه این نکته را در نظر بگیرد که انتشار نام و عکس حمید نوری در اخبار و شبکه های اجتماعی پس از دستگیری، بر شناسایی وی به عنوان عامل جنایت تأثیر گذاشته است. بنابراین بررسی اینکه حمید عباسی در زمان وقوع وقایع مورد بحث در این پرونده تا چه حد برای هر یک از این افراد شناخته شده بود، اهمیت ویژه ای دارد. برای آن شرکت کنندگان در بازپرسی که در زمان وقوع وقایع مورد بحث فاقد شناخت واقعی از حمید عباسی بودند، با توجه به تحریفی که از طریق انتشار نام و عکس او صورت گرفت، باید به این شناسایی ها، ارزش اثباتی پایینی داده شود.
۲۶۳. در ادامه، دادگاه بدوی مدارک ارائه شده توسط افرادی را ارزیابی می کند که اظهار داشته اند در طول دوره مربوط به کیفرخواست از حمید نوری شناخت خوبی داشته اند و اظهارات آنها لزوماً به دلیل انتشار نام و عکس او که پس از دستگیری صورت گرفت تحریف نشده است.
۲۶۴. محمود رویایی در بازپرسی گفته است که حمید عباسی را از سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) به بعد چندین بار در گوهردشت دیده است، از جمله چند بار بدون چشم بند که برای مواردی که دادیار مسئول آن بود به بند مراجعه کرده بود و همچنین یک بار که او، محمود رویایی و سایر زندانیان به دلیل شرکت در تمرینات گروهی مجازات شدند. به گفته محمود رویایی، ظاهر حمید عباسی با بقیه فرق داشت و به همین دلیل در خاطر او نقش بست.
۲۶۵. او حمید عباسی را در چندین وهله در روزی که در دوران اعدامها محمود رویایی را به پایین و به راهروی اصلی زندان بردند و در برابر کمیته قرار گرفت دیده است و آن روز ۳ اوت (۱۲ مرداد) بود. او گفته است که حمید عباسی در آن روز بارها اسامی زندانیان را خوانده و به نگهبانان دستور داده است که آنها را به بند خود ببرند که این کد برای بردن آنها برای اعدام بود. او صدای حمید عباسی را شناخت و از فرصت استفاده کرد و چشم بندش را تنظیم کرد، چهره او را هم دید و تایید کرد که او بوده است. بنا بر گزارش ها، این مشاهده در چند متری انجام شده است. او همچنین گفته است که حمید عباسی را بدون چشم بند دیده است که بعد از اعدامها به بند آمده بود و همچنین دو بار

او را در دفتر دادیار در اوین دید زمانی که خانواده اش برای او درخواست مرخصی داده بودند. وی کاملاً یقین دارد که حمید عباسی همان متهم است.

۲۶۶. روایتی که محمود رویایی از خود به جای گذاشته است مفصل و منسجم است و در قسمت های اصلی هیچ تناقض و عناصری که توضیح آن دشوار باشد در آن وجود ندارد. علاوه بر این، همانطور که از حقایق شواهد زیر از تحقیقات می توان فهمید، گفته های او در طول زمان ثابت بوده است.

۲۶۷. محمود رویایی حدود ۲۱ سال پیش در یک برنامه تلویزیونی حاضر شد و از تجربیات خود در زندان گوهردشت گفت. از جمله به تشریح کار حمید عباسی در راهرو اصلی در زمان اعدام پرداخت. همچنین در کتاب آفتابکاران سال ۲۰۰۷ که عمدتاً برگرفته از خاطرات خودش است، شرحی از دوران زندان خود آورده است. او در کتاب از حمید عباسی یاد کرده و او را نگهبانی لاغر و دستیار معاون دادستان زندان گوهردشت معرفی کرده است. وی همچنین اطلاعاتی در این کتاب آورده است که حمید عباسی نگهبان سالن ۶ اوین بوده و به دلیل پی ادبی و گستاخی ویژه اش اجازه کار در دفتر معاونت دادستانی را پیدا کرده و بعداً به گوهردشت منتقل شده است. بر پایه داده های این کتاب، او در نقش خود به عنوان معاون دادستان ناصریان در ارتباط با اعدام ها مشارکت بسیار فعال داشت.

۲۶۸. با توجه به واقعیت های حقوقی ذکر شده، می توان اشاره کرد که در کتاب آمده است که حمید عباسی در چند نوبت نام زندانیان را در راهرو صدا کرد و اینکه با اشاره ای به نگهبان نزدیک در دستور داد که آنان را به بند ببرد و در نتیجه زندانیان را به آن راهروی تاریک بردند. در ادامه کتاب آمده است که او مشاهدات خود را با نگاه کردن به زیر چشم بند یا جابجا کردن آن در هنگام انتظار انجام می داد و خود نیز در یک نوبت با حمید عباسی ارتباط برقرار کرده و پس از مدت ها نشستن در راهرو بدون غذا نظر خود را به او منتقل کرده است. او همچنین نوشته است که حمید عباسی از او و سایر زندانیان برای بررسی حضور آنها در کمیته سوالاتی پرسیده و همچنین گفته است که مصاحبه ویدیویی لازمه مطلق کمیته برای جلوگیری از اعدام آنهاست. به علاوه اظهار داشت که حمید عباسی به زندانیان بند دیگری گفته بود که آنان سرگرم اعدام زندانیان هستند و در این دوره سر او حسابی شلوغ است. در کتاب خود او مانند ایرج مصداقی،

اطلاعاتی دارد در باره حمید عباسی که در حالی که خودکار خود را روی دیوار می کشید می گفت که عاشورای مجاهدین است و چند ماه بعد به زندانیان گفته بود که «اگر بخواهیم دستور امام (خمینی) را بطور کامل اجرا کنیم، باید نیمی از جمعیت ایران را بکشیم».

۲۶۹. در گزارش JVMI با عنوان Inquiry into the 1988 mass executions in Iran مربوط به سال ۲۰۱۷، به نظر می رسد که محمود رویایی در مورد دوران خود در گوهردشت مصاحبه کرده است. گفته می شود که وی اظهار داشت که حمید عباسی، دستیار دادیار، اسامی زندانیان اعدامی را در تاریخ ۷ اوت ۱۹۸۸ (۱۶ مرداد ۱۳۶۷) قرائت کرد. در طول بازپرسی در دادگاه بدوی، او توضیح داد که اختلاف تاریخ احتمالاً ناشی از اشتباه در ترجمه است و او گفته های یادداشت شده را پیش از چاپ آن نخوانده است.

۲۷۰. اطلاعات موجود در کتب و در زمینه های دیگر مؤید اطلاعاتی است که محمود رویایی در بازپرسی ارائه کرده است. این اطلاعات به هنگام ارزش گذاری ارزش اثباتی گفته ها تاثیر شواهد و مدارک را افزایش میدهد. محمود رویایی نیز معتبر تلقی می شود. اطلاعاتی که وی در اختیار گذاشته از مشاهدات خود از حمید نوری در شرایطی که برای بررسی حقایق حقوقی مورد استناد حائز اهمیت است، موثق به نظر می رسد. در مجموع، این اطلاعات دارای ارزش اثباتی نسبتاً بالایی برای ادعاهای دادستان مبنی بر ارتکاب جرم است.

۲۷۱. ضمناً در مورد احراز هویت، یقین دارد که حمید نوری همان حمید عباسی است. او ظاهر و اندام حمید عباسی را از دوران زندان به گونه ای توصیف کرده است که منطبق با حمید نوری است. با اطمینان می توان گفت که او قبل از اعدام ها هیچ تماس یا تعامل فردی با حمید عباسی نداشته است، اما گفته است که او را در چند نوبت چه قبل، چه در حین و چه بعد از بازه زمانی کیفرخواست در زندان دیده است. علاوه بر این، او مدام از حمید عباسی یاد می کند که در طول سال ها گزارشی از اعدام های گوهردشت به شیوه ای که در بالا گفته شد، ارائه کرده است. با این پیشینه، شناسایی او از حمید نوری به عنوان حمید عباسی قابل اعتماد ارزیابی می شود و از ارزش اثباتی بالایی برخوردار است.

۲۷۲. حسین فارسی در بازپرسی گفته است که حمید عباسی را چندین بار بدون چشم‌بند در گوهردشت دیده است، از جمله هنگامی که او را به گوهردشت بردند و یک بار هم پس از اعدام‌ها که او را به سالن بزرگی در بند جهاد بردند برای اینکه شاهد مصاحبه‌های حمید عباسی باشد با زندانیانی که به زودی آزاد می‌شدند. وی همچنین گفته است که حمید عباسی را پس از انتقال به اوین و یک بار نیز پس از آزادی در سال ۱۹۹۳ (۱۳۷۲) در راهروهای دادسرای تهران دیده است.
۲۷۳. همچنین گفته است که مشاهدات زیادی از حمید عباسی در دوران اعدام‌ها در گوهردشت داشته است. او گفته است که چندین بار به راهروی اصلی زندان منتقل شده و بارها دیده است که حمید عباسی اسامی را خوانده و زندانیان را برای اعدام به انتهای راهرو آورده است. وی همچنین گفته است که در ۹ اوت ۱۹۸۸ (۱۸ مرداد ۱۳۶۷) از فاصله نزدیک مشاهده کرده که چگونه حمید عباسی یکی از زندانیان را با خود برد و در ۱۲ اوت ۱۹۸۸ (۲۱ مرداد ۱۳۶۷) از فاصله حدود چهار متری حمید عباسی را دیده با دو نگهبان در وسط راهرو ایستاده بود و اسامی حدود ۲۰ نفر را خواند. سپس به گفته حسین فارسی خندید و گفت که تکرار عاشورای مجاهدین است و پس از آن زندانیان را به سمت سالن اعدام‌ها برد. او توضیح داد که می‌توانست با چشم بند ببیند، زیرا پارچه ساییده شده بود و نخ‌های نازکی داشت. او همچنین گفت که صدای حمید عباسی را تشخیص داده است.
۲۷۴. وی در بازپرسی فرم صورت، رویش ریش، رنگ مو و جزئیات صورت و همچنین لباس دوران زندان حمید عباسی را تشریح کرده و گفته است که کاملاً مطمئن است که حمید نوری همان حمید عباسی است.
۲۷۵. حسین فارسی نیز مانند ایرج مصداقی و محمود رویایی، کتابی در مورد تجربیات خود در زندان نوشته است که مؤید داستانی است که در دادگاه بدوی گفته است. کتاب A Galaxy of Stars او که برای اولین بار در سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷) در عراق و ۲۰۱۶ (۱۳۹۵) در اروپا منتشر شد، بر پایه تصاویری که در خاطره داشت و نیز یادداشت‌هایی بود که او از قبل در زندان شروع به نوشتن آنها کرده بود. او توضیح داد که شروع به نوشتن نام و تاریخ روی کاغذهای کوچکی کرده بود که آنها را در جاهای مخفی که در کیف‌ها درست می‌کرد نگهداری می‌کرده و سپس آنها را به صورت قاچاق از زندان خارج کرده است. او به یادداشت برداری در آزادی خود ادامه داد و حدود ۱۸ سال پیش شروع به نوشتن کتاب خود برپایه این یادداشت‌ها کرد. این که او در

کتاب خود حمید عباسی را به عنوان یک پاسدار توصیف کرده به این دلیل است که همه کارکنان زندان، چه رئیس زندان، چه نگهبان عادی و چه مانند حمید عباسی، منشی در دفتر دادیار در نهایت پاسدار بودند.

۲۷۶. در این کتاب آمده است که در ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۸ (۸ مرداد ۱۳۶۷) معاون دادستان اسامی را از روی لیست می‌خواند و یک پاسدار به نام حمید عباسی که به عنوان رئیس دفتر ناصرین معرفی شده است، در کنار او ایستاده بود. سپس به حمید عباسی دستور داده شد که آنها را به بند خود ببرد و پس از آن صف به سمت انتهای راهرو حرکت کرد. همچنین در کتاب آمده است که چگونه حمید عباسی در ۹ اوت ۱۹۸۸ (۱۸ مرداد ۱۳۶۷) فردی را که با حسین فارسی در راهرو نشسته بود صدا زد و او را با خود برد و چگونه حمید عباسی در ۱۲ اوت ۱۹۸۸ (۲۱ مرداد ۱۳۶۷) به هنگام غروب به راهرو آمد و اسامی را خواند و پس از آن با خنده ای بیمارگونه گفت که بازگشت عاشورای مجاهدین است. حسین فارسی نوشته است که در آن روز مطمئن شد که صف ها نه به بند بلکه به کشتارگاه می رفت.

۲۷۷. داده های این کتاب هنگام تعیین ارزش اثباتی آنها، ارزش اظهارات حسین فارسی را افزایش می دهد. این را باید در نظر گرفت که او پیش از اعدام ها ارتباط و مراوده ای با حمید عباسی نداشته، اما بهرحال شناخت خوبی از او داشت و اینکه در بازه زمانی مورد نظر کیفخواست بارها او را دیده است. اطلاعاتی که وی در مورد مشاهدات خود از حمید نوری در شرایطی که برای بررسی حقایق حقوقی مورد استناد حائز اهمیت است، روپهمرفته قابل اعتماد به نظر می رسد. این اطلاعات دارای ارزش اثباتی نسبتاً بالایی برای ادعاهای دادستان مبنی بر ارتکاب جرم است.

۲۷۸. مهدی اسحاقی در بازپرسی گفته است که حمید عباسی را در چند نوبت بدون چشم بند در حین بازدید از بندها در گوهردشت از جمله در سالن ۱ و سپس در بند جهاد دیده است. او همچنین از موقعیت‌هایی سخن می‌گوید که پس از حوادثی که رخ داده، با حمید عباسی به طرق مختلف از جمله در دفتر کارش تعامل داشته است.

۲۷۹. او گفته است که در دوران اعدام‌ها او را از بخش جهاد به کمیته بردند و سپس در راهرو اصلی قرار دادند. در آنجا او از چند متری می‌توانست مشاهده کند که حمید عباسی چگونه زندانیان را جابجا می‌کند، اسامی را می‌خواند و زندانیان را به کمیته می‌برد. وی همچنین اطلاعات ایرج مصداقی مبنی بر اینکه وی پس از تمسخر آیت الله خمینی در تابستان ۱۳۶۸ در اوین توسط حمید عباسی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و توانسته نام اصلی حمید عباسی را از روی کارت شناسایی او بخواند تایید کرده است. کارت شناسایی عکس دار حمید عباسی که پس از انداختن کتش به روی یک صندلی روی زمین افتاد و او از فاصله کوتاهی دید که به روی کارت نوشته شده برادر، شهید، حمید نوری. به گفته مهدی اسحاقی، شهید به این معنا لقبی است برای کسی که بستگانش در جنگ کشته شده‌اند. علاوه بر این، او گفته است که نام واقعی را به کسی نگفت، زیرا افشای آن در زندان بسیار خطرناک بود، اما سال‌ها بعد، وقتی در سال ۲۰۰۳ یا ۲۰۰۴ در آلمان با ایرج مصداقی آشنا شد، به او گفت زیرا می‌دانست که ایرج مصداقی کتابی درباره اعدام‌ها می‌نوشت.
۲۸۰. او در سالن دادگاه حمید نوری را حمید عباسی معرفی کرد و گفت تنها تفاوتی که کرده این است که موهایش سفید شده است. او در اینجا تأکید کرد که آنها سال‌ها در زندان‌ها در کنار هم بودند و در آنجا فقط زندانیان، دادیارها و پاسدارها با هم بودند. او گفته است که خبر دستگیری را از زبان ایرج مصداقی شنیده است و سپس وقتی برادرش تصویری از چهره او را در واتس‌آپ فرستاد و پرسید که آیا او را می‌شناسد، بلافاصله متوجه شد که او حمید عباسی از گوهردشت است.
۲۸۱. شناسایی حمید نوری و اطلاعات مربوط به نقش و اعمالی که او انجام داده را باید بر این اساس قضاوت کرد که مهدی اسحاقی شناخت خود از حمید نوری را فردی توصیف کرده است که با او زندگی می‌کرده و بطور مرتب در زندان با او ملاقات داشته است. او را چندین بار بدون چشم‌بند دیده. همچنین باید تأکید کرد که او در داستان خود مستقل و بدون تأثیر تلقی می‌شود و انتصاب حمید نوری به عنوان حمید عباسی به خوبی اثبات شده است. به نظر می‌رسد اطلاعاتی که وی در مورد مشاهدات خود از شرایطی که برای بررسی حقایق حقوقی مورد استناد حائز اهمیت است، معتبر هستند. بنابراین اطلاعات او برای ادعای دادستان مبنی بر ارتکاب جرم از ارزش اثباتی بالایی برخوردار است.

۲۸۲. محسن اسحاقی برادر مهدی اسحاقی نیز گفته است که بارها حمید عباسی را بدون چشم بند در گوهردشت دیده است. او توضیح داده است که حمید عباسی، زمان قبل از اعدامها، اغلب برای بررسی زندانیان و اینها می آمد زندانیان از طریق نماینده اداره امور خود را با او در میان می گذاشتند. او گفته است که یک بار زمانی که خانواده اش برای او درخواست داده بودند با حمید عباسی ملاقات کرده است.
۲۸۳. همچنین در بازپرسی او اطلاعاتی درباره حمید عباسی در اختیار گذاشته که مربوط به واقعیت های حقوقی در بازه زمانی کیفرخواست است. او گفته است که در رابطه با بردن به کمیته در جریان اعدامها، حمید عباسی را مشاهده کرده است که در راهرو با پروندهها به این طرف و آن طرف می رفت و به اتافی که کمیته تشکیل شده بود، رفت و آمد می کرد. او گفته است که حمید عباسی نیز زندانیان را به راهرو می آورده و از آنجا می برده است، اینکه زندانیان را به کمیته می آورده و پس از محاکمه زندانی را در راهرو اصلی یا در سمت راست رو به در ورودی یا سمت چپ رو به حسینیه قرار می داده است. او این مشاهدات را با چشم بندی که خود آن را دوخته و نخ های آن را بیرون کشیده بود تا بتواند ببیند انجام می داد.
۲۸۴. او همچنین گفته است که حمید عباسی را بارها در زندان اوین دیده است ۱۹۹۱ (۱۳۷۰) زمانی که در کارگاه فنی که جنب دفتر دادیار بود مشغول به کار بود. از آنجا می دید که حمید عباسی بارها وارد دفتر دادیار می شد. او همچنین در یک مورد خود به دفتر دادیار فراخوانده شد هنگامی که یکی از بستگان او درخواست کرده بود، که او و برادرش باید آزاد شوند. علاوه بر این، او همچنین گفته است که او حمید عباسی را یک بار در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸) در تهران در ارتباط با تظاهرات دانشجویی دیده بود که حمید عباسی با لباس غیرنظامی در تظاهرات نفوذ کرده بود.
۲۸۵. وی در رابطه با دستگیری حمید عباسی تصویری از وی را در اخبار مشاهده کرد. او می گوید که بلافاصله او را شناخت و به خصوص لبخند خاص او را به یاد آورد. وی در بازجویی اعلام کرده که همچنان مطمئن است حمید نوری همان حمید عباسی است.

۲۸۶. شناسایی حمید نوری به عنوان حمید عباسی و اطلاعات مربوط به نقش و اقدامات وی باید بر این اساس قضاوت شود که محسن اسحاقی حمید عباسی را فردی توصیف کرده است که در دوران زندان بطور مرتب با او زندگی کرده و بطور مرتب با او ملاقات داشته است. محسن اسحاقی او را در چندین موقعیت تکراری بدون چشم بند دیده است. با این پیشینه، شناسایی او از حمید نوری به عنوان حمید عباسی به خوبی اثبات شده است. اطلاعاتی که وی در مورد مشاهده حمید نوری در شرایطی که برای بررسی حقایق حقوقی مورد استناد حائز اهمیت است، موثق به نظر می رسد. این اطلاعات برای ادعای دادستان مبنی بر ارتکاب جرم از ارزش اثباتی بالایی برخوردار است.
۲۸۷. مجید اتابکی گفته است که حمید عباسی در سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۴ (۱۳۶۳-۱۳۶۱) در زندان اوین و در بخشی که او زندانی بود نگهداری شده و او این فرصت را داشته است که بطور مرتب و بدون چشم بند او را ببیند. وی مدعی است که از حمید عباسی هم به لحاظ شخصی و هم از نظر ظاهری شناخت خوبی داشته است و در نتیجه آن زمانی که در بهار ۱۹۸۸ (اوایل ۱۳۶۷) از گوهردشت سر درآورد او را بخوبی به خاطر می آورد. علاوه بر این، او گفته است که او را در مدت منتهی به اعدامها بطور مرتب بدون چشم بند در زندان دیده است. او توضیح داد زمانی که چشم بند به او بسته شد چگونه می توانست از زیر چشم بند مشاهداتی انجام دهد. او همچنین مدعی شده است که می تواند صدای حمید عباسی را تشخیص دهد. وی همچنین اطلاعاتی داده است که در روزهای ۶ و ۱۳ اوت ۱۹۸۸ (۱۵ و ۲۲ مرداد ۱۳۶۷) که روزهایی بود که در راهرو بوده است، شاهد بوده که حمید عباسی نام زندانیان را می خوانده که صف می بستند و سپس به دستور وی به انتهای راهروی که حسینیه در آن قرار داشت برده می شدند.
۲۸۸. وی همچنین گفته است که حمید عباسی را قبل از آزادی در دفتر دادیار اوین و سپس در دو نوبت در دادرسی مرکز تهران که برای شرکت در بازپرسی های پس از آزادی آنجا بوده، دیده است. او گفته مطمئن است که حمید نوری همان حمید عباسی در زندان است.
۲۸۹. شناسایی حمید نوری به عنوان حمید عباسی و اطلاعات مربوط به اقدامات وی در راهرو را باید با توجه به این که مجید اتابکی در زندان به طور غیرعادی شناخت خوبی از حمید عباسی داشت، ارزیابی کرد. حمید عباسی در بند او در اوین به عنوان نگهدار فعالیتی می کرد و برای مدت طولانی با وی بطور مرتب سر و کار داشت.

بنابراین حمید عباسی در زمان اعدام‌ها برای او فردی شناخته شده بود. در اینجا می‌توان اشاره کرد که داستان او در این زمینه با اظهارات حمید نوری مبنی بر اینکه او در سال‌های اولیه حضور در زندان اوین با نام مستعار حمید عباس در یک بند به عنوان نگهبان کار می‌کرده است هم‌خوانی دارد. بر پایه ارزیابی دادگاه بدوی مجید اتابکی منبعی موثق و اطلاعات وی معتبر به نظر می‌رسد. شناسایی حمید نوری به عنوان حمید عباسی کاملاً مستدل و قابل اعتماد است. اطلاعات او ارزش اثباتی بالایی دارد.

۲۹۰. مجید جمشیدیت در بازپرسی گفته است که مجموعاً ده سال در زندانهای تهران و کرج و در بازه زمانی مورد نظر این پرونده در گوهردشت بوده است. او گفته است که در دوران اعدام‌ها در گوهردشت، شناخت خوبی از حمید عباسی داشته است، زیرا وی در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) چندین ماه در بند مجید جمشیدیت در اوین پاسدار بوده و هر هفته چندین بار با زندانیان آنجا ملاقات می‌کرده است. پس از انتقال او به گوهردشت، متوجه شد که حمید عباسی به عنوان دست راست دادیار کار می‌کند. او گفته است که برای نگهبانان درجات بالاتر غیرعادی نبوده است.

۲۹۱. او گفته است که در دوره اعدام‌ها در یک مقطع او را به راهروی اصلی بردند و زمانی که قرار بود او را به کمیته ببرند حمید عباسی به کتف او کوبید و به طعنه گفت که به پایان نزدیک شدی. او چشم بند داشت و بعد از سال‌ها در زندان به آن عادت کرده بود، چشم‌بند را جابجا می‌کند تا بتواند ببیند، اما به گفته مجید جمشیدیت مهم‌ترین نکته برای شناسایی حمید عباسی صدای او بود. علاوه بر این، او گفته است که حمید عباسی را بعد از اعدام‌ها، هم در بخش مقابل جهاد در رابطه با بازپرسی‌هایی که برای کنترل نهایی اینک زندانیان، منافقین را محکوم کرده‌اند دیده، و هم چندین بار در اوین پس از انتقال به آنجا، از جمله یک بار در دفتر دادیار که به پرسش‌های حمید عباسی پاسخ داد، غافل از اینکه پدرش در اتاق بود. او معتقد است که حمید عباسی می‌خواست از طریق پرسش‌ها نشان دهد که همچنان بر عقیده خود ثابت قدم است و به همین دلیل نمی‌تواند آزاد شود. وقتی مجبور شد چشم بند را بردارد، دید چه کسی در اتاق است. او در ادامه گفته است آخرین بار حمید عباسی را بعد از آزادی در یکی از خیابان‌های تهران دیده بود و به یاد می‌آورد که او گفت اکنون تغییر شغل داده است.

۲۹۲. شناسایی حمید نوری به عنوان حمید عباسی و اطلاعاتی که مجید جمشیدیت در مورد نقش و اقدامات حمید عباسی ارائه کرده است، مانند اظهارات مجید اتابکی، باید بر این اساس قضاوت شود که حمید عباسی فردی شناخته شده بود که مجید جمشیدیت با او در ارتباط بود و به طور منظم او را میدید و با او سر و کار داشت. او را به عنوان پاسدار در اوین و سپس دستیار دادیار گوهردشت و نیز پس از اعدام‌های اوین و تهران دیده بود. گفته‌های او مبنی بر اینکه حمید عباسی در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) در زندان اوین به عنوان نگهبان کار می‌کرد نیز با گفته‌های خود حمید نوری در مورد دوران حضورش در آنجا موافق است. همچنین مجید جمشیدیت توضیحات مفصلی از ظاهر حمید عباسی در دوران حبس ارائه کرده است که با حمید نوری همخوانی دارد. شناسایی حمید نوری به عنوان حمید عباسی به خوبی اثبات شده و در مجموع قابل اعتماد تلقی می‌شود، گرچه او پیش از بازپرسی پلیس تصاویری از حمید نوری را در رسانه‌ها دیده بود.

۲۹۳. رمضان فتحی نیز مانند مجید اتابکی و مجید جمشیدیت گفته است که در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) با حمید عباسی در زندان اوین ارتباط برقرار کرده و به همین دلیل زمانی که در گوهردشت همدیگر را دیدند، او را شناخت. او اطلاعاتی داده است که بارها و بدون چشم‌بند با حمید عباسی در ارتباط با امور دفتر دادیار ملاقات کرده و او را بخوبی می‌شناخته‌هنگامی که در ۱ اوت ۱۹۸۸ (۱۰ مرداد ۱۳۶۷) در دوران اعدام‌ها با چند پاسدار آمد و زندانیان را با خود برد تا به کمیته بروند. وی همچنین گفته است که خود او را از جمله حمید عباسی در ۵ اوت ۱۹۸۸ (۱۴ مرداد ۱۳۶۷) برای بازجویی در مورد اتهامش برد و روز بعد به راهرو اصلی منتقل شد و در آنجا دوباره مشاهداتی از حمید عباسی با برداشتن چشم‌بند انجام داد. گفته می‌شود حمید عباسی مشغول آوردن زندانیان به کمیته، ردیف کردن آنها و بردن آنها به سالن اجتماعات برای اعدام بود. گفته می‌شود حمید عباسی نیز شعار می‌داد و شیرینی می‌داد. در ۱۶ اوت ۱۹۸۸ (۲۵ مرداد ۱۳۷۷) او را دوباره به «راهروی مرگ» بردند و بر پایه گفته‌هایش حمید عباسی را در حال صحبت با معاون دادستان هنگام خروج اعضای کمیته از زندان مشاهده کرد. وی همچنین در بازجویی گفته است که مطمئن است حمید نوری و حمید عباسی یک نفر هستند و تاکید کرد که سال‌ها در زندان با او زندگی کرده است و هنوز هم او را می‌شناسد.

۲۹۴. اطلاعاتی که حمید عباسی به عنوان نگهبان در زندان اوین کار می کرد با آنچه حمید نوری در این باره گفته است مطابقت دارد. بنابراین حمید عباسی از افراد شناخته شده ای بود که رمضان فتیحی قبل از دوره اعدام-ها با او ملاقات کرده بود. همچنین رمضان فتیحی توضیحات مفصلی از ظاهر حمید عباسی در دوران زندان ارائه کرده است که با حمید نوری همخوانی دارد. شناسایی حمید نوری به عنوان حمید عباسی کاملاً مستدل و قابل اعتماد است. رمضان فتیحی معتبر تلقی می شود و بنظر می رسد که اطلاعات خود را به طور مستقل و بدون تأثیر خارجی ارائه کرده است. داده های مشاهدات حمید نوری در شرایطی که برای بررسی حقایق حقوقی مورد استناد حائز اهمیت است، قابل اعتماد به نظر می رسد. در مجموع، محتوای اظهارات او دارای ارزش اثباتی بالایی برای ادعای دادستان مبنی بر ارتکاب جرم است.
۲۹۵. رضا فلاحی در بازپرسی برآورد کرده که حمید عباسی را در مجموع ۲۰ تا ۳۰ بار دیده و گفته است که این امر عادی برای او در گوهردشت بود. او گفته است که او و سایرین با حکم ده سال زندان یا بیشتر در ۱ اوت ۱۹۸۸ (۱۰ مرداد ۱۳۶۷) در دوران اعدامها از بند برده شدند از حمید عباسی شناخت خوبی دارند. او در راه پله های پایین بند، حمید عباسی را در حال بازپرسی از هر یک از زندانیان در صف دیده است. وی همچنین نقل کرده که به سلول انفرادی انداخته شد و در ۳ اوت ۱۹۸۸ (۱۲ مرداد ۱۳۶۷) به راهروی کوچک کمیته برده شد و در آنجا با جابجا کردن آهسته چشم بند و دیدن از زیر آن حمید عباسی در چند متری راهرو اصلی دید. او پس از حضور در داخل کمیته، در راهروی اصلی قرار گرفت و بر پایه گفته هایش، ۳ تا ۴ بار توانست ببیند که چگونه حمید عباسی همراه با نگهبانان، زندانیان را به صف کرده و آنها را برای اعدام به سالن اجتماعات هدایت می کنند. او همچنین دید که چگونه حمید عباسی زندانیان را به کمیته می آورد.
۲۹۶. او همچنین گفته است که ۷ یا ۸ سال پیش در شبکه های اجتماعی خوانده است که نام اصلی حمید عباسی حمید نوری است و پس از دستگیری با دیدن عکس او، وی را حمید عباسی می شناسد.

۲۹۷. می توان گفت که رضا فلاحي چندین بار حمید عباسی را دیده است که شامل موارد بدون چشم بند نیز در داخل بند رضا فلاحي بوده است. در دفتر دادیار نیز با او تماس داشته است. علاوه بر این، او مشاهداتی انجام داده و او را در "راهروی مرگ" شنیده است. بنابراین برای او یک فرد شناخته شده بود. در نتیجه، شناسایی او از حمید نوری به عنوان حمید عباسی نیز به خوبی اثبات شده است. اطلاعاتی که وی از مشاهدات خود از حمید نوری در شرایطی که برای بررسی حقایق حقوقی مورد استناد حائز اهمیت است، موثق به نظر می رسد. این اطلاعات برای ادعای دادستان مبنی بر ارتکاب جرم از ارزش اثباتی بالایی برخوردار است.
۲۹۸. بر اساس آنچه در بازپرسی به دست آمد، حسن گلزاری از دوران قبل از اجرای حکم، شناخت خوبی از حمید عباسی دارد. او گفته است که بارها او را در گوهردشت و حتی بدون چشم بند دیده است. از اظهارات وی چنین برمی آید که حمید عباسی در حوالی ۱ اوت ۱۹۸۸ (۱۰ مرداد ۱۳۶۷) به همراه چهار پاسدار به بند حسن گلزاری آمده و نام او و حدود ۲۰ نفر دیگر را از فهرستی صدا زده است. حمید عباسی دم در به او گفت که چشم بند را ببند، سپس او را به نگهبان تحویل دادند و به کمیته بردند. او همچنین گفته است که مصاحبه های حمید عباسی با زندانیان را دیده است و خودش هم در پاییز پس از اعدام ها باید در این مصاحبه ها شرکت می کرد.
۲۹۹. از تحقیقات مشخص شد که حسن گلزاری قبل از دستگیری حمید نوری در مصاحبه ای ویدئویی در سال ۲۰۱۸ برای سازمان Justice for Iran که در فیلم the Blood Moon به نمایش درآمده است از حمید عباسی به عنوان یکی از مقامات زندان گوهردشت یاد کرده است.
۳۰۰. وی در خصوص شناسایی حمید نوری به عنوان حمید عباسی، جزئیاتی از ظاهر او را از دوران زندان بیان کرده که با حمید نوری مطابقت دارد. او گفته است که او تصویری از حمید نوری پس از دستگیری دیده و اینکه بلافاصله او را حمید عباسی شناخته است.
۳۰۱. شناسایی حمید نوری به عنوان حمید عباسی و اقدامات وی در جریان اعدام ها را باید از این جهت ارزیابی کرد که حسن گلزاری حمید عباسی را که با او زندگی و بطور مرتب در زندان ملاقات می کرد به خوبی می شناخت. به نظر دادگاه بدوی، حسن گلزاری منبعی موثق و اطلاعات وی به نظر می رسد

مطمئن است. شناسایی به خوبی اثبات شده است. اظهارات او با آنچه در مصاحبه در سال ۲۰۱۸ بیان کرد پشتیبانی می‌شود. اطلاعات به طور کلی قابل اعتماد در نظر گرفته می‌شوند و ارزش اثباتی بالایی دارند.

۳۰۲. از اطلاعات محمد زند چنین برمی‌آید که او از سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) حمید عباسی را بارها در زندان گوهردشت از جمله در دفتر دادیار در ارتباط با صدور حکم دیده است. او همچنین گفته است که قبل از آزادی با حمید عباسی در دفتر دادیار در اوین ملاقات کرده و چند سال بعد در حالی که در تهران رانندگی می‌کرده بود، دوباره حمید عباسی را دید. وی همچنین اطلاعاتی را ارائه کرده است که حمید عباسی در چند نوبت و در روزهای مختلف در دوران اعدام‌ها، در راهرو اصلی از فهرست‌هایی نام زندانیان را می‌خوانده و آنان سپس به سالن اجتماعات انتهای راهرو منتقل می‌شدند. وی همچنین با توجه به هویت حمید عباسی به تشریح ظاهر وی از دوران زندان پرداخته و جزئیات دیگری از هیکل و چهره او را که با حمید نوری مطابقت دارد، ارائه کرده است. گفته است یقین دارم این همان شخص است.

۳۰۳. محمد زند در ۱ نوامبر ۲۰۱۶ با JVMI مصاحبه کرد و درباره اعدام‌ها گفت که در گزارش Inquiry into the 1988 mass executions in Iran در سال 2017 منتشر شده است. او در این گزارش نامی از حمید عباسی نبرده است. او توضیح داده است که در طول مصاحبه فقط به سوالات پاسخ می‌داد و هیچ سوالی در مورد او پرسیده نشد.

۳۰۴. می‌توان گفت که محمد زند پس از چند نوبت ملاقات با حمید عباسی در زندان شناخت خوبی از او داشته است. بنابراین حمید عباسی برای محمد زند نیز فردی شناخته شده بود. شناسایی حمید نوری به عنوان حمید عباسی و اطلاع از اقدامات انجام شده توسط حمید عباسی موثق تلقی می‌شود. اظهارات او و شناسایی او ارزش اثباتی بالایی دارد.

۳۰۵. اصغر مهدی زاده گفته است که از سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) چندین بار حمید عباسی را در گوهردشت دیده است. وی در ادامه توضیح داده است که در راهروی اصلی زندان هنگام اعدام‌ها، از زیر یا از طریق چشم بند خود که

نخ هایش را از پارچه بیرون کشیده بود می دید که حمید عباسی زندانیان را برداشت و به کمیته برد. او همچنین گفته است که حمید عباسی به دفعات بسیار زیادی پس از صف بندی در راهرو گروه های حدود ده نفره را به سالن اعدام می برد و او در سالن اعدام بدون چشم بند شاهد بوده که چگونه حمید عباسی در اعدام زندانیان از طریق حلق آویز کردن شرکت می کرده است.

۳۰۶. در مصاحبه ای با JVMI در ۱ نوامبر ۲۰۱۶ وی بر پایه آنچه که در گزارش آمده از حمید عباسی به عنوان معاون دادستان یاد کرده و گفت که حمید عباسی در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۸ (۵ مرداد ۱۳۶۷) از زندانیان در مورد اتهامات آنها سؤال می کرد. وی اظهار داشت که پاسداران به طور معمول وقتی زندانی پاسخ می داد طرفداری از مجاهدین، آنها را مورد ضرب و شتم قرار می دادند، اما این بار عباسی در مصاحبه می گفت «چه خوب!». او توضیح داده است که در این روز فقط از او در مصاحبه یاد کرده است و گفته است که ذکر دیگران در مناصب بالاتر مهمتر بوده و سؤال مستقیمی درباره او مطرح نشده است.

۳۰۷. دادگاه بدوی به چند انحراف و تناقض در اطلاعات ارائه شده توسط اصغر مهدی زاده اشاره می کند. این گفته که وی به عنوان تنها فرد این پرونده اجازه حضور در حسینیه را داشته تا شاهد اعدام هایی باشد که مرتکبان گوناگون انجام می دادند که سپس اجساد را از آنجا خارج کند، محتمل نیست. گفته های او در این زمینه به طور کلی در هیچ سند و مدرک دیگری تایید نشده است. بر اساس آنچه که به دست آمده، ایرج مصداقی نیز این حادثه را زیر سوال برده و این داده ها را غیر محتمل بشمار آورده است. این داده ها همچنین با تلاش هایی که برای مخفی نگه داشتن این کار صورت می گرفت سازگار نیست. ادعای اصغر مهدی زاده مبنی بر اینکه اجساد را در حال بارگیری در آمبولانس دیده است نیز قابل تردید است. هیچ فرد دیگری مشاهده نکرده که در ارتباط با اعدام هایی که انجام شد آمبولانس هایی اجساد مردگان را منتقل می کنند. همچنین برای اطلاعاتی که حمید نوری را به عناصر حقایق حقوقی در ارتکاب جرم مرتبط می کند، ارزش اثباتی پایین است.

۳۰۸. در مورد هویت حمید عباسی، وی اطلاعاتی در توصیف ویژگی هایی مانند قد و سایر مشخصات بدن و صورت ارائه کرده است که به خودی خود با حمید نوری مطابقت دارد. او همچنین گفت که هنگام صحبت در دادگاه صدای او را تشخیص داده است. چیزی که برای او مثل شکنجه است. این اطلاعات نیز با توجه به نحوه توصیف شناخت او از حمید عباسی

و عدم اطمینان موجود در تشخیص صدا، به عنوان کمتر قابل اعتماد ارزیابی می شود. ارزش اثباتی اطلاعات در گفته ها کم است.

۳۰۹. اطلاعات اکبر صمدی حاکی از آن است که حمید عباسی را چندین بار و همچنین بدون چشم بند در گوهردشت و پس از انتقال در اوین دیده است. او گفته است که در هر چهار روزی که در راهروی اصلی بوده از زیر چشم بندش و از چند متری حمید عباسی را دیده و شنیده است که در حال خواندن اسامی و هدایت گروه های ۱۰ تا ۱۵ نفره تا انتهای راهرو بوده است. او گفته است که حمید عباسی را هنگام بازگشت از آنجا دیدم که کیفی با چشم بند حمل می کرد و زمانی که خودش داخل کمیته بود، حمید عباسی را بدون چشم بند داخل کمیته دید.

۳۱۰. اکبر صمدی که در گزارش JvMI گفته شده دربالا نیز حضور دارد، در ۱۰ اکتبر ۲۰۱۶ مصاحبه شده است. وی در مصاحبه ذکر کرده است که در تاریخ ۳ اوت ۱۹۸۸ (۱۲ مرداد ۱۳۶۷) زمانی که پس از حضور در کمیته در راهروی مرگ بود، از حمید عباسی که از او به عنوان معاون دادستان و دادیار یاد می شود، پرسید که پرونده اش چه شده است و حمید عباسی پاسخ داد که او نه در لیست کسانی است که می توانند زنده بمانند است و نه در لیست کسانی که قرار است بمیرند. از این رو او را به سلول انفرادی فرستادند.

۳۱۱. می توان گفت که اکبر صمدی قبل از اعدام ها هیچ تماس فردی با حمید عباسی نداشت، بلکه فقط در چند نوبت او را بدون چشم بند دید. او همچنین داستان خود را تغییر داده و اضافه کرده است که حمید عباسی داخل کمیته بوده است علیرغم اینکه در بازپرسی پلیس به سوال مستقیم پلیس در این باره پاسخ منفی داده بود. این یک جزئیات کلیدی است که در بازپرسی پلیس حذف شد و اکنون به آن اضافه شده است که اعتبار او را خدشه دار می کند. وی همچنین حمید نوری را حمید عباسی معرفی کرده و گفته است که موی حمید نوری همان موی حمید عباسی است که خاکستری شده است و چهره و لبخندی شبیه حمید عباسی دارد. با این حال، با توجه به چند باری که حمید عباسی را مشاهده کرده است، خطر تاثیر از بیرون بالا تلقی می شود. بنابراین به نظر می رسد اعتبار شناسایی او از حمید نوری به عنوان حمید عباسی و ارزش اثباتی اطلاعات در مورد کارهایی که او در زندان انجام داده است، در مجموع ضعیف تر باشد.

۳۱۲. از اطلاعات نصرالله مرندی چنین برمی آید که وی حمید عباسی را در بهار سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) بدون چشم‌بند در زندان گوهردشت در ارتباط با آمدنش به بند و معرفی خود به نام حمید عباسی معاون دادیار دیده است.
۳۱۳. او اطلاعاتی ارائه کرده است که حمید عباسی را بدون چشم‌بند در دوران اعدام‌ها در بند دیده که نام زندانیانی را که بیرون آورده بودند صدا می‌کرد. او همچنین گفته است که با حمید عباسی با چشمان بسته ملاقات کرده است و حمید عباسی از او سؤالاتی پرسیده است که آیا می‌خواهد عفو شود یا خیر. وی در ادامه گفته است که حمید عباسی را در روز ۵ اوت ۱۹۸۸ (۱۵ مرداد ۱۳۶۷) در راهرو چندین بار از زیر چشم‌بند دیده است و در همین راستا خاطرنشان کرده است که حمید عباسی اسامی زندانیانی را خواند که به دستور وی آنان را به انتهای راهرو بردند و حمید عباسی آنها را تا آنجا همراهی کرد و سپس با پاسداران بدون هیچ زندانی از آنجا بازگشت. او گفته است که چند متر زیر چشم‌بند را می‌دید و به این ترتیب حمید عباسی را با وجود اینکه چهره اش را نمی‌دید، به یاد داشت و شناخت. او همچنین صدای او را تشخیص داد.
۳۱۴. بدون اینکه بتواند اطلاعات دقیقی در مورد دومین بار حضورش در راهرو و کمیته در ۱۱ اوت ۱۹۸۸ (۲۲ مرداد ۱۳۶۷) بدهد، با این حال اعلام کرده است که حمید عباسی آنجا بوده است. او گفته است که جزئیات وقایعی را که در آن مناسبت رخ داده فراموش کرده است. او به طور کلی گفته است که این وظیفه حمید عباسی بوده است که زندانیان را از بندها بیاورد و به کمیته و به اعدام ببرد، اما جزئیاتی از حمید عباسی ارائه نکرده است جز اینکه او را در ۱۴ اوت ۱۹۸۸ (۲۵ مرداد ۱۳۶۷) شنیده وقتی دوباره در راهرو بود. پس از آن در دو نوبت در سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۳) در مراجعه به دادسرای مرکزی تهران، حمید عباسی را دید.
۳۱۵. وی در کنفرانسی در سال ۲۰۱۸ در مورد اعدام‌های ۱۹۸۸ نام حمید عباسی را ذکر کرد که برای حضار به حمید نوری ترجمه شد. او گفته است که در سال ۱۳۸۵ یا ۱۳۸۶ متوجه شده است که نام اصلی حمید عباسی حمید نوری بوده و به احتمال نام نوری در متن سخنرانی که مترجم استفاده کرده است، بوده است.

۳۱۶. حمید نوری را حمید عباسی معرفی کرده است. وی پس از دستگیری حمید نوری تصاویری را در رسانه‌ها دیده و گفته است که این فرد را حمید عباسی می‌شناسد. او با دوستان صحبت کرد و متقاعد شد که اوست. او گفته است که حمید نوری شبیه فردی است که او به نام حمید عباسی می‌شناسد.

۳۱۷. با توجه به ارزیابی گفته‌ها، دادگاه بدوی به این نتیجه می‌رسد که قبل از اعدام‌ها، نصرالله مرندی بیش از چند بار در داخل بند حمید عباسی را بدون چشم بند ندیده بود. جزئیات بیشتری در مورد این مشاهدات گزارش نشده است. با در نظر گرفتن این موضوع، داده‌ها باید با احتیاط ارزیابی شوند. قابلیت اطمینان به همان دلایل ضعیف‌تر ارزیابی می‌شود، و به طور کلی داده‌ها ارزش اثباتی پایینی برای ارتکاب جرم داده می‌شوند.

ارزش اثباتی متوازن

۳۱۸. پس از ارزیابی بخش‌های بزرگی از عمده‌ترین شواهد، و همچنین شواهدی متشکل از افرادی که می‌توان آنها را دارای شناخت ضعیف‌تری از حمید عباسی توصیف کرد، دادگاه بدوی به این نتیجه رسیده است که ارزش مجموعه شواهد در مورد اینکه آیا حمید نوری با نام مستعار حمید عباسی در گوهردشت در بازه زمانی کیفرخواست فعالیت می‌کرد و در ارتکاب جرم کیفرخواست در آنجا در نقش معاونت دادستان شرکت داشت، قانع‌کننده است. علاوه بر این، اطلاعاتی از دیگر افرادی که در بازپرسی‌ها شرکت داشته‌اند و در دوران وقوع جرم در زندان گوهردشت بودند نیز وجود دارد. اگرچه اساساً می‌توان این افراد را دارای شناخت ضعیف‌تری از حمید عباسی نیز توصیف کرد، اما مشخص شده است که آنها مشاهدات خود از حمید نوری به عنوان حمید عباسی را در مناسبت‌های مختلف در بازه زمانی مربوطه و در شرایطی که وی را به کار کمیته در رابطه با اعدام‌ها گره و پیوند می‌زند گزارش کرده‌اند، امری که از خلاصه کار آنها در پیوست شماره ۲ رای دادگاه مشخص است.

۳۱۹. علاوه بر اظهارات گفته شده در بازپرسی‌ها که در آن مشاهدات مستقیم در زندان گزارش و ارزیابی می‌شود، شرایط دیگری نیز وجود دارد که شواهد را تأیید می‌کند.

۳۲۰. حمید نوری انگیزه‌هایی برای شرکت در اعمال و رفتار متعاقب فتوای آیت‌الله خمینی داشت. نقش او در دفتر دادیار به این معنی است که طبیعی به نظر می‌رسد که او در کار انجام مأموریت در فتوا شرکت کرده است. او

برای شرکت در این کار به نظام حاکم در ایران متعهد بود. این یک کار پیچیده بود که باید به سرعت انجام می شد و بنابراین برنامه ریزی، سازماندهی و همکاری بین چند نفر را می طلبد.

۳۲۱. علاوه بر این، شواهد با رفتار حمید نوری پس از ارتکاب جرم نیز تأیید می شود. دفتر تلفن حمید نوری حاوی اطلاعات تماس افراد مرتبط با زندان گوهردشت در دوران اعدامها است. برای افرادی که از جمله به جشنها دعوت شده اند پیام هایی ارسال شده است. وی قبل از سفر به سوئد نیز چندین مشخصات تماس افراد مرتبط با زندان گوهردشت را در تلفن خود حذف کرد. همه این شرایط البته برای حمید نوری آزردهنده است.

۳۲۲. علاوه بر موارد فوق، شواهدی در پرونده در رابطه با مصاحبه ادعایی وجود دارد که یک روزنامه نگار پس از دستگیری حمید نوری در سوئد با دادیار وقت، ناصرین در زندان گوهردشت انجام داده است. از مصاحبه بر می آید که ناصرین می گوید حمید نوری دستیار او در دهه ۱۳۶۰ بود و اینکه به او توصیه کرده بود که به سوئد سفر نکند زیرا این یک تله است. مجید اتابکی و تعداد دیگری که در بازپرسی ها شرکت داشته اند گفته اند که در مصاحبه صدا و گویش ناصرین را تشخیص داده اند. از تحلیل تصویر صدا در مقایسه با سایر زمینه هایی که ناصرین در آن صحبت می کند، ارزیابی این است که احتمالاً همان شخص است.

۳۲۳. به گفته دادگاه بدوی، ادله پشتیبان دارای ارزش اثباتی کمی نبوده اند و ارزش شواهد و مدارک را در باره نقش و مشارکت حمید نوری در ارتکاب جرم در گوهردشت در بازه زمانی کیفرخواست بالا می برند.

نتیجه

۳۲۴. دادگاه بدوی به این نتیجه می رسد که شواهد، متشکل است از چندین شاک و شاهدانی که در رویدادهای یکسانی در زندان حضور داشتند و می توانند گفته های یکدیگر را تأیید کنند. اینها در هسته مرکزی کیفرخواست درباره نقش حمید نوری در زندان و نحوه مشارکت او در ارتکاب جرم با یکدیگر هم نظر هستند. همچنین به اصطلاح ثبات بیرونی در طول زمان وجود دارد که گفته ها را حمایت می کند

و آن شواهد مکتوبی مانند مقالات، کتاب‌ها و مصاحبه‌ها و غیره است که ردپایی از زمان‌های مشخص شده در آن که برای ارزیابی دارای اهمیت است را تشکیل می‌دهند. همچنین شرایط دیگری وجود دارد که شواهد را تأیید می‌کند. حمید نوری انگیزه شرکت، نقش، فرصت و همچنین الزام شرکت در این اعمال را در نظام ایران را داشت. رفتار او قبل و بعد از ارتکاب جرم نیز شواهد را تأیید می‌کند.

۳۲۵. با توجه به اینکه شواهدی غیر از اظهارات صرف وجود دارد که این موارد را تأیید می‌کند، شواهد به عنوان یک کل قوی ارزیابی می‌شوند. ارزیابی ما اینست که برخی گفته‌ها با اهمیت ویژه برای شناسایی، مستقل از یکدیگر بیان شده‌اند، و این تأثیر تقویت‌کننده‌ای بر ارزش اثباتی کلی دارد. حتی اگر سایر اظهارات را نتوان مستقل تلقی کرد زیرا خطر تأثیر پذیری وجود دارد، دادگاه بدوی معتقد است که ارزش اثباتی کلی آنقدر بالاست که ثابت شود حمید نوری در نقش دستیار معاون دادستان، به اتفاق و با توافق یا مشورت با دیگران در اعدام‌ها به این صورت شرکت کرده است:

انتخاب زندانیان برای بردن به کمیته،
بردن این زندانیان به راهرو اصلی،
خواندن نام زندانیان که قرار بود در برابر کمیته حاضر شوند،
بردن زندانیان به کمیته،
خواندن نام زندانیان که قرار بود برای اعدام برده شوند،
دادن دستور به زندانیان تا به صف شوند تا به محل اعدام اسکورت شوند.
اسکورت کردن زندانیان تا محل اعدام و پس از آن گرفتن جان زندانیان با حلق آویز کردن آنان و نیز
دعوت از سایر مرتکبان و دادن دستور به آنان برای شرکت در ارتکاب جرم.

۳۲۶. سایر ادعاهای مربوط به شرکت حمید نوری در ارتکاب جرم در تحقیقات به آن اندازه مورد تأکید قرار نمی‌گیرد که بتوان شرط اثبات را محقق و انجام گرفته دانست.

۳۲۷. بعلاوه نشان داده شده است که حمید نوری از طریق مشارکت گفته شده در بالا، مجازات اعدام تعیین شده توسط کمیته را که پس از رویه‌ای صادر شده است که الزامات اساسی برای یک محاکمه عادلانه ناشی از مقررات انسان دوستانه حقوق بین‌الملل را برآورده نمی‌کند، اجرا کرده است. و نیز اینکه او تعداد بسیار زیادی از زندانیان مجاهدین را با ایجاد ترس از مرگ در معرض رنجی سخت قرار داد؛

این کار به دلیل اقداماتی که در زندان به دنبال فتوای صادر شده انجام می‌شد صورت می‌گرفت.

۳۲۸. قبل از اینکه دادگاه بدوی به بررسی داستان حمید نوری و به طور کلی شواهدی که وی به آنها استناد کرده است بپردازد، دادگاه بدوی با در نظر گرفتن اینکه اتهامات 1 و 2 به هم مرتبط هستند و عمدتاً شواهد مشابهی دارند، ابتدا اتهام 2 را بررسی می‌کند. پس از بررسی و ارزیابی اطلاعات حمید نوری، کارآزمایی با موضع نهایی در مورد ارزیابی وزنی شواهد به پایان می‌رسد.

D. بند ۲ کیفرخواست – قتل

i. موج دوم اعدام‌ها در گوهردشت

پرسش (۷) آیا زندانیانی که هوادار گروه‌های چپ‌گرای گوناگون بودند و پنداشته می‌شد که اسلام خود را ترک کرده‌اند، در زندان گوهردشت در ایران در دوره ۲۷ اوت تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ اعدام شدند؟

روشن شده است که

- رهبری مذهبی و سیاسی ایران احتمالاً پیش از ۲۷ اوت ۱۹۸۸ تصمیم گرفته بود که سایر زندانیان سیاسی در زندانهای ایران که هوادار گروه‌های چپ‌گرای گوناگون بودند و مسلمان مؤمن نبودند و پنداشته می‌شد که دین اسلام خود را ترک کرده‌اند نیز اعدام شوند.
- کمیته ای محاکمه را انجام داد و تصمیم گرفت که کدامیک از زندانیان در زندان گوهردشت در بازه زمانی ۲۷ اوت تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ اعدام شوند.
- اعدام تعداد بسیار زیادی از زندانیان که عقاید مذهبی یا ایدئولوژیک آنها در تضاد با حکومت دینی ایران بود، در پی محاکمه کمیته در زندان گوهردشت در این مدت انجام شد.
- احکام اعدام بر اساس رویه‌ای اجرا می‌شد که الزامات اساسی برای یک محاکمه عادلانه را برآورده نمی‌کرد.

در این بخش، دلایل این مواضع ارائه شده است.

روند اقدامات در یک سطح مشترک از ۲۷ اوت تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸

۳۲۹. دادستان اعلام کرده روند اقدامات زیر در یک سطح مشترک در زندان گوهردشت کرج در بازه زمانی ۲۷ اوت تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ موجب شد حمید نوری با همراهی و توافق و یا مشورت دیگران

به عمد جان گروه بزرگی از زندانیان را که گفته می‌شد اعتقادات ایدئولوژیک و یا مذهبی آنان در تضاد با حکومت دینی ایران است بگیرد.

۳۳۰. کمیته، محاکمه مجاهدین را در ۱۶ اوت ۱۹۸۸ متوقف کرد و در ۲۷ اوت ۱۹۸۸ به زندان بازگشت. برپایه تصمیمات رهبری مذهبی و سیاسی ایران که قبل از این تاریخ گرفته شده بود، کمیته اکنون بر روی اعضا یا هواداران گروه‌های چپ متمرکز بود. کسانی که مسلمان مؤمن نبودند و پنداشته می‌شد که دین اسلام خود را ترک کرده‌اند. همانند مجاهدین، زندانیان را از بندها خارج می‌کردند. این بار بطور کلی از آنها پرسیده می‌شد که آیا مسلمان هستید و اگر چنین است آیا نمازهای روزانه خود را می‌خوانید؟ بر اساس پاسخ‌ها، زندانیان دسته بندی می‌شدند. کسانی که به سؤالات پاسخ منفی می‌دادند، به راهروی اصلی و به کمیته برده می‌شدند که درباره همین موضوع بازپرسی می‌کرد. این جلسه فقط چند دقیقه طول می‌کشید. سپس زندانی را بیرون آورده و به راهرو اصلی یا فضای مجاور آن بازگردانده و زندانی باید منتظر تصمیم کمیته می‌بود. زندانیانی که هوادار گروه‌های چپ بودند و حاضر به انتقاد علنی از سازمانی نبودند که با آن ارتباط داشتند و از دین اسلام برگشته بودند، در قسمتی از راهرو اصلی منتهی به سالن اجتماعات یا حسینیه واقع در انتهای زندان تجمع می‌کردند. در راهرو اصلی پس از جمع شدن تعداد کافی زندانیان، اسامی خوانده می‌شد و سپس آنها را به حسینیه اسکورت می‌کردند و در آنجا با حلق آویز کردن، جان آنان را می‌گرفتند. سایر زندانیان که پس از محاکمه مجازات اعدام دریافت نکرده بودند به بخشهای ویژه منتقل می‌شدند و در آنجا مجبورشان می‌کردند تا نمازهای روزانه خود را بجا آورند. آنها همچنین مجبور می‌شدند در مصاحبه ای شرکت کنند که در آن سازمان خود را محکوم می‌کردند و جمهوری اسلامی را به رسمیت می‌شناختند.

قوانین حقوقی قابل اجرا

۳۳۱. بر پایه ماده ۱ از فصل ۳ قانون کیفری در نسخه قبل از ۱ ژوئیه ۲۰۰۹، هر کس جان دیگری را بگیرد به جرم قتل به ده سال حبس یا حبس ابد محکوم می‌شود. بر پایه معاهدات حقوق بشر مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل که ایران در سال ۱۹۸۸ به آن ملزم بود، در ماده ۱۴ الزامات اساسی برای دادرسی عادلانه تصریح شده است. این شامل، از جمله حق

محاکمه عادلانه و علنی توسط دادگاه صالح، مستقل و بی طرف، فرض برائت، حق دفاع و داشتن وکیل حقوقی و همچنین زمان و فرصت برای آماده سازی دفاع است.

سوالاتی که باید رسیدگی شود

۳۳۲. مانند بند ۱ کیفرخواست، وقایعی که در جریان آنچه دادستان در این کیفرخواست موج دوم اعدام‌ها نامیده، رخ داده است شامل اعمال مجرمانه بزرگی است که بسختی می توان از آنها دریافتی کلی داشت و چندین نفر با همکاری با یکدیگر آنها را صورت داده اند. اینها اعمالی است که چند نفر در اجرای آن نقش داشته اند. بنابراین ارزیابی، مانند بند ۱ کیفرخواست، در ابتدا بر آنچه افراد درگیر در یک سطح مشترک انجام داده اند متمرکز است، نه بر آنچه که هر یک از آنها به طور جداگانه انجام داده اند، زیرا این اقدامات مشترک انجام شده است که شرایط کیفری مربوط را برآورده می کند. همانطور که در بالا گفته شد، دادگاه بدوی در هنگام تنظیم دلایل رای دادگاه، اظهارات دیگری جز آنچه که به طور اجتناب ناپذیری برای دادرسی ضروری است، ارائه نخواهد کرد، که در نهایت به مجرمیت حمید نوری در حوادث جاری مربوط می شود.

۳۳۳. دادگاه بدوی به عنوان نقطه شروع، حقایق اثباتی که ادعای دادستان را تأیید کند، ارزیابی می کند.

- اینکه مدتی قبل از ۲۷ اوت ۱۹۸۸ رهبری مذهبی و سیاسی ایران تصمیم گرفتند که سایر زندانیان سیاسی در زندانهای ایران که هوادار گروههای مختلف چپ بودند و مسلمان مؤمن نبودند و پنداشته می شد که دین اسلام خود را ترک کرده اند نیز باید اعدام شوند.
- اینکه کمیته ای محاکمه را انجام داد و تصمیم گرفت که کدامیک از زندانیان باید در زندان گوهردشت در بازه زمانی ۲۷ اوت تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ اعدام شوند.
- اینکه اعدام تعداد بسیار زیادی از زندانیان که عقاید ایدئولوژیک یا مذهبی آنها در تضاد با دولت دینی ایران بود، پس از محاکمه کمیته در زندان گوهردشت در این دوره زمانی (از جمله موارد مندرج در ضمیمه C) صورت گرفت.
- اینکه احکام اعدام بر اساس رویه ای اجرا می شد که شرایط اولیه برای یک محاکمه عادلانه را برآورده نمی ساخت.

۳۳۴. دادگاه بدوی با بررسی آنچه در مورد روند اقدامات در یک سطح مشترک ثابت شده است شروع می کند. با این نقطه شروع، دادگاه بدوی به ادعای دادستان مبنی بر اینکه پیش از این اسناد توسط رهبری مذهبی و سیاسی ایران دستوری قبل از ۲۷ اوت ۱۹۸۸ صادر شده است و احکام اعدام صادر شده طبق رویه ای اجرا شده است که الزامات اساسی برای یک محاکمه عادلانه را برآورده نمی کند بررسی خواهد کرد. پس از آن، در بخش ویژه، دادگاه بدوی تصمیم خواهد گرفت که کدام افراد در پیوست C که تحقیقات نشان می دهد اعدام شده اند.

اعدامها در گوهردشت در جریان موج دوم

۳۳۵. در بخش بعدی، شواهد تایید کننده ادعای دادستان مبنی بر اینکه کمیته برای زندانیان سیاسی گوهردشت که از طرفداران گروه های چپ بودند و مسلمان مؤمن نبودند و پنداشته می شد که از دین اسلام خود دست کشیده اند در دوره ۲۷ اوت - ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ حکم اعدام صادر کرد.

۳۳۶. تحقیقات پرونده در این قسمت گسترده و پر از جزئیات است. علاوه بر اظهارات شرکت کنندگان در بازپرسی، شامل اسناد معاصر است که مستقیماً به وقایع زندان و آنچه بلافاصله قبل و بعد از آن روی داده است، مربوط می شود. علاوه بر این، در بخش های دیگر تحقیقات کتبی نیز اطلاعاتی با ارزش اثباتی وجود دارد.

۳۳۷. دادگاه بدوی زیر پرسش های 4 و 5 در بالا بخش هایی از گزارش های بین المللی و معاصر را گزارش و ارزیابی کرد. از این بررسی می توان چندین نتیجه قاطع در مورد سیر وقایع به طور کلی گرفت. داده هایی که در قالب ردپای از زمان های ذکر شده در آن در خصوص اعدام زندانیان هوادار گروه های گوناگون چپ در گوهردشت، حقایق اثباتی را تشکیل می دهد، تأثیر اثباتی قابل توجهی بر وقایع این بخش دارد. بنابراین دادگاه بدوی، دادرسی را با تشریح دوباره اما تکمیل تحقیقات فوق با نشان دادن حقایق تازه از گزارش های بین المللی آغاز می کند. سپس اطلاعات موجود در اظهارات عمده و مهم در بازپرسی ها و سایر شواهد پشتیبان، ارایه و ارزیابی می شود.

گزارش‌های بین‌المللی معاصر

۳۳۸. همانطور که در بالا و در بند ۱ کیفرخواست تشریح شد، در سند عمومی سازمان ملل متحد در ۸ دسامبر ۱۹۸۸ به نظر می‌رسد که اطلاعاتی که نماینده ویژه به آنها دسترسی داشته است نشان می‌دهد که موجی از اعدام‌ها در دوره ژوئیه تا سپتامبر ۱۹۸۸ رخ داده است که در آن تعداد زیادی از افراد به دلیل اعتقادات سیاسی خود کشته شدند.⁷⁰
۳۳۹. چنین اطلاعاتی همچنین در گزارش سالانه عفو بین‌الملل در سال ۱۹۸۹ برای دوره ژانویه تا دسامبر ۱۹۸۸ آمده است. بر اساس این گزارش، اعدام‌های مخفیانه در ایران رایج بود. قربانیان، علاوه بر اعضا و هواداران مجاهدین، زندانیان سیاسی دیگر گروه‌های مخالف نیز بودند. بین پایان ژوئیه و دسامبر ۱۹۸۸، بیش از ۱۲۰۰ زندانی سیاسی اعدام شدند، با این حال، عفو بین‌الملل در این گزارش تأکید کرد که رقم صحیح احتمالاً به طور قابل توجهی بالاتر خواهد بود.⁷¹
۳۴۰. علاوه بر آنچه از گزارش عفو بین‌الملل در دسامبر ۱۹۹۰ در مورد ایران و نقض حقوق بشر در این کشور طی دوره ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ گزارش شده است، موارد زیر بویژه در مورد رویدادهای مربوط به گروه‌های چپ و افراد غیر مذهبی در زندان گوهردشت تابستان ۱۹۸۸⁷² آشکار می‌شود
- «در پایان اوت ۱۹۸۸ «کمیسیون مرگ» توجه خود را به زندانیان گروه‌های چپ در زندان گوهردشت معطوف کرد. این افراد شامل هواداران حزب توده، فراقسیون‌های گوناگون سازمان PFOI و غیره بودند. بازجویی‌ها از الگوی مشابهی پیروی می‌کردند. در مورد زندانیان مجاهدین که در آن از زندانیان پرسیده شد که آیا آمادگی دارند بطور علنی در انتقاد از سازمان سیاسی که با آن در ارتباط بوده اند حرف بزنند یا خیر؟ تو نماز می‌خوانی؟ قرآن می‌خوانی؟ پدرت قرآن خوانده؟
- یکی از شاهدان عینی بازجویی در زندان گوهردشت از نحوه معرفی وی به همراه پنج زندانی دیگر به «کمیسیون مرگ» خبر داد. از آن شش نفر پرسیده شد که آیا نماز می‌خوانند یا قرآن می‌خوانند: آنها پاسخ دادند که نمی‌خوانند. سپس از

⁷⁰ UN General Assembly, Situation of human rights in the Islamic republic of Iran: resolution /adopted by the General Assembly, 8 December 1988, A/RES/43/137, s. 155 f.

⁷¹ Amnesty International, Årsrapport 1989 för perioden januari december 1988 (Iran), s. 21 ff.

⁷² Amnesty International, Iran: Violations of Human Rights 1987 1990 (MDE 13/21/90), s. 50 f., jfr. Även Blood-Soaked Secrets, s 517.

آنها سؤال شد پدرانشان قرآن خوانده بودند. چهار نفر از آنها پاسخ دادند "بله" و دو نفر از آنها گفتند "خیر". پس از بحث و گفتگو در میان اعضای کمیسیون، تصمیم گرفته شد که کسانی که در یک خانواده مذهبی بزرگ نشده بودند، به اندازه کسانی که والدینشان مذهبی بودند، مقصر نیستند، زیرا گروه قبلی به عنوان مؤمن بزرگ نشده بودند. بر این اساس، دو مردی که پدرشان نماز نخوانده بود نجات یافتند، اما چهار نفر دیگر اعدام شدند.

یک شاهد عینی تخمین می زند که از 600 زندانی چپ در زندان گوهردشت در اوایل تابستان ۱۹۸۸، ۲۰۰ زندانی اعدام شدند. در زندان اوین که اعدام زندانیان به طور همزمان ادامه داشت، درصد اعدام های انجام شده از کل زندانیان سیاسی بسیار بیشتر بود. یک توضیح احتمالی برای این موضوع این بود که در اوین هیچ راهی برای ارتباط زندانیان با یکدیگر وجود نداشت، بنابراین آنها فرصت نداشتند تا مانند زندانیان گوهردشت پاسخ سوالاتی را که از سوی «کمیسیون مرگ» برایشان مطرح شده بود، آماده کنند.

۳۴۱. دادگاه بدوی می تواند نتیجه بگیرد که محتوای گزارش های بین المللی که به صورت آنلاین به دوره مورد نظر کیفرخواست اضافه شده است، تصویر روشن و منسجمی از روند حوادث به دست می دهد، به این معنی که زندانیان گوهردشت که هوادار گروه های چپ بودند و کسانی که آمادگی انتقاد علنی از سازمانی که با آن در ارتباط بودند را نداشتند مرتد شناخته و به اعدام محکوم می شدند.

بازرسی ها و شواهد پشتیبان

۳۴۲. آنچه در مورد زندان گوهردشت در بالا در گزارش عفو بین الملل ارایه شد در بخش های اصلی کیفرخواست مربوط به روند اقدامات در یک سطح مشترک با اظهارات شهودی که در برابر کمیته بوده اند تأیید شده است. علاوه بر این، اطلاعات ارائه شده توسط سایر شاهدان این بند از کیفرخواست به این واقعیت اشاره دارد که اعدام ها در موج دوم صورت گرفته است.

۳۴۳. اطلاعات کسانی که در بازپرسی ها شرکت داشته اند را می توان در خلاصه اظهارات پیوست ۲ رای دادگاه خواند. این اطلاعات، هم شواهد مستقیمی از دیده های افرادی است که در طول دوره مورد بحث در مقابل کمیته ایستادند و هم شواهد غیر مستقیمی از اطلاعات افرادی است که در زندان بودند اما به کمیته فرستاده نشدند.

۳۴۴. از توضیحات ارائه شده توسط شاهدانی که در مقابل کمیته حاضر شدند، همراه با اطلاعات ارائه شده در بالا در گزارش عفو بین الملل، در مجموع تصویری بدست می آید از یک اقدام مشترک مطابق با آنچه

که در جریان موج اول اعدام ها صورت گرفت، با این تفاوت که محاکمه در کمیته در جریان موج دوم بر روی زندانیان سیاسی هوادار چپ متمرکز بود که آیا می شد پنداشت که آنان اعتقادات مذهبی خود را ترک کرده اند یعنی آنان را مرتد دانست.

۳۴۵. اظهارات شهود در مورد روند اقدامات مطابق آنچه در بالا گفته شد قابل اعتماد ارزیابی می شود و از هر نظر با آنچه اتفاق افتاده است مطابقت دارد. دلیلی وجود ندارد که گفته ها منشأ دیگری داشته باشند جز اینکه شاهدان آنچه را که خودشان در باره روند اقدامات در زندان گوهردشت در سطح مشترکی در طول دوره کیفرخواست تجربه کرده اند، توصیف نموده اند. هیچ شرایطی مانند ابهامات یا تناقضات، یا دلیلی برای زیر سوال بردن تحقیقات در این زمینه ها وجود نداشته است.
۳۴۶. داده های ارائه شده در بازپرسی همراه با آنچه در شواهد مکتوب به دست آمد، می توان دریافت که کمیته در جریان موج دوم بطور عمده از همان افرادی تشکیل شده بود که محاکمه را در مورد زندانیان مجاهدین انجام داده بودند و برپایه فتوا در تهران به آنها ماموریت داده شده بود. این شرایطی است که نشان می دهد داده های بازپرسی فعلی منعکس کننده یک توالی واقعی از رویدادها هستند.
۳۴۷. اطلاعات موجود در اظهارات همچنین به طور غیرمستقیم با آنچه بسیاری از شاکیان و شاهدان در بند ۱ کیفرخواست گفته اند و سایر حقایق اثباتی که دادگاه بدوی در ادامه رای به دهد، تأیید می شود.
۳۴۸. این که زندانیان در موج دوم اعدام شدند به طور غیرمستقیم از اطلاعات ارائه شده توسط شرکت کنندگان در بازپرسی معلوم می شود که زندانیان چپ ناپدید شده و پس از خارج شدن از سلول های خود و رسیدگی به پرونده آنها توسط کمیته، دیگر دیده نشدند. همچنین شاهدان گفته اند که وسایل زندانیان چپ مفقود در پاییز پس از اعدام ها در بند جمع آوری شده و سپس به بستگانشان تحویل داده شده است که از مرگ این زندانی مفقود مطلع شده بودند. اطلاعات در این زمینه، که می توان به آن اشاره کرد، با آنچه در گزارش های عفو بین الملل آمده است پشتیبانی می شود.

از آن زمان، به این ترتیب این نتیجه گرفته می شود که تعداد زیادی از زندانیان چپ در گوهردشت اعدام شدند.

۳۴۹. علاوه بر این، مشاهدات گزارش شده محمود خلیلی از اجساد مردگان در این دوره زمانی، شواهدی را نشان می دهد که زندانیان چپ به روشی که در بالا ذکر شد اعدام شده اند. وی شهادت داده است که در ۳۰ اوت ۱۹۸۸ (۸ شهریور ۱۳۶۷) اجساد انباشته شده بر روی اتاقک بار دو کامیون را دیده است. وی با بیان اینکه دو کامیون در زیر سالن اجتماعات زندان ایستاده بودند، گفت: مشاهدات خود را در ساعت 23 و در فاصله حدود 8 تا 12 متری انجام داده است و کامیون را یک منبع روشنایی در محوطه زندان روشن کرده بود. دادگاه بدوی به این نتیجه می رسد که موضوع، مشاهدات مستقیم در فاصله کوتاه در یک محوطه روشن است. اطلاعات قابل اعتماد تلقی می شود و ارزش اثباتی به نسبت بالایی برای ادعای دادستان در نظر گرفته می شود.

۳۵۰. علاوه بر این، اطلاعات زیادی در تحقیقات کتبی وجود دارد که علاوه بر گزارش های بین المللی معاصر، ادعای دادستان را در مورد اعدام در موج دوم در گوهردشت تأیید می کند. جعفر یعقوبی در کتاب «مرزهای ناشناخته میان زندگی و مرگ» که در سال ۲۰۱۵ انتشار یافت خاطرات زندگی خود را از موج دوم اعدامها در گوهردشت به گونه ای توصیف کرده که کاملاً رویکردی را که در تحقیقات فوق ظاهر شد تأیید می کند. همچنین مهدی اصلانی در کتاب «کلاغ و گل سرخ» منتشره در ۲۰۱۹ اطلاعات ثابتی در مورد روند وقایع به طور کلی در مورد اعدام زندانیان چپ ارائه کرده است.

۳۵۱. علاوه بر این، می توان گفت که شرایط در گزارش The Massacre of Political Prisoners in Iran ، ۱۹۸۸، منتشر شده در سال ۲۰۱۰ نیز تأیید شده ، که براساس مصاحبه ها گزارش شده که موج دوم اعدام ها در گوهردشت حوالی ۲۶ اوت ۱۹۸۸ آغاز شده و اینکه بررسی کمیته این بار متوجه چپها بود و اینکه آیا آنها اعتقادات مذهبی خود را رها کرده اند یا خیر. در ادامه این گزارش آمده است که زندانیان مرد خانواده های مسلمان که از خواندن نماز خودداری می کردند برای اعدام فرستاده می شدند، در حالی که مردان خانواده های غیرمسلمان مجازات می شدند تا زمانی که با نماز موافقت می کردند. بر اساس این گزارش، اعدام ها در نوامبر ۱۹۸۸ متوقف شد، زمانی که به بستگان اطلاع داده شد که فرزندان یا بستگان نشان فوت کرده اند، اما بدون این که

اطلاعاتی در مورد محل دفن آنها به خانواده ها بدهند.⁷³ اطلاعاتی مشابه و هم ارزش درباره اعدامها در سطح کلی در گزارش کمیسیون حقیقت ایران تریونال در سال ۲۰۱۳ و در گزارش عفو بین الملل - Blood-Soaked Secrets در سال ۲۰۱۸ نیز دیده می شود.

تصمیم رهبری مذهبی و سیاسی

۳۵۲. دادستان استدلال کرده است که محاکمه های کمیته در دوره اخیر با تصمیم رهبری مذهبی و سیاسی ایران قبل از ۲۷ اوت ۱۹۸۸ انجام شده است.
۳۵۳. می توان گفت که هیچ فتوایی در مورد زندانیان چپ برای موج دوم اعدامها مطابق با فتوایی که تحقیقات نشان داد آیت الله خمینی در مورد مجاهدین صادر کرده است وجود ندارد. در خاطرات آیت الله منتظری و یا در هیچ جای تحقیقی ثبت نشده که رهبری سیاسی و مذهبی چنان تصمیمی گرفته که دادستان ادعا می کند. با این حال، دادگاه بدوی می تواند اشاره کند که بررسی کمیته در دوره دوم، با توجه به آنچه که از طریق تحقیقات گزارش شده در بالا به دست آمد، با اعدامی که به دنبال فتوا در مورد مجاهدین انجام شد، مطابقت دارد. همچنین می توان تاکید کرد که در آن فتوا می توان برای اعدام افراد مرتد پشتوانه یافت. فتوا تا حدی به مسئله شرعی ارتداد اشاره کرده است.
۳۵۴. به گفته رابرتسون، ممکن است فتوای سری دوم نیز برای هدف فعلی صادر شده باشد.⁷⁴ روزه پاریسی در گفته های خود از فتوای دوم نیز صحبت کرده است که گفته می شود ماهیت مذهبی بیشتری داشته و بطور عمده درصد کمتری زندانیان سیاسی را تحت تأثیر قرار داده که متعلق به گروه های مختلف چپ سکولار بودند. با این حال، وی تصریح می کند که وجود چنین فتوایی در نهایت نتیجه ای است که مورخان بر اساس سؤالاتی که پرسیده شده و تصمیماتی که پاسخ های مختلف به آن داده شده، به دست آورده اند. در ادامه روزه پاریسی می گوید که سؤالات مربوط به دینداری زندانیان و اینکه آیا در خانه های آنان اسلام به شکلی اعمال می شد یا نه.

⁷³ The Massacre of Political Prisoners in Iran, 1988, Report of an Inquiry Conducted by Geoffrey Robertson QC, 10 May 2010, Published by Abdorrahman Boroumand Foundation, protokollbilaga J 1, s. 1087 f.

⁷⁴ Ibid, s. 1087 och Robertson QC, Appendix A: A Brief Chronology, s. 1151.

عامل تعیین کننده این بود که آیا آنها تا به حال با دین ارتباط داشته اند و سپس آن را ترک کرده اند (ارتداد) یا اینکه در جاهلیت اسلام زندگی می کنند. به عقیده روزبه پاری، این یادآور زمانی است که تفتیش عقاید اسپانیا، بین کسانی که سخنان عیسی را برای آنها موعظه نکرده بودند (جهل) که می توان آن را یک حالت تعدیل کننده تلقی کرد، و کسانی که از عیسی آگاه بودند اما هنوز او را رد می کردند، تمایز قائل شد. آنها مرتد و در نتیجه سزاوار مرگ بودند. وی ادامه می دهد که زندانیان سیاسی که با وجود علم و آشنایی با «دین حق» در الحاد پافشاری می کردند، به اعدام محکوم و اعدام می شدند.⁷⁵

۳۵۵. با در نظر گرفتن دولت و نظام سیاسی ایران پس از انقلاب، همانطور که در بالا در سوال 4 توضیح داده شد، که در آن جایگاه و اختیارات ولی فقیه به معنای داشتن قدرت تصمیم گیری مستقیم بر قوه مجریه، مقننه و قضاییه کشور است، به احتمال زیاد رهبری مذهبی و سیاسی ایران مدتی قبل از ۲۷ اوت ۱۹۸۸ تصمیم گرفته بود که زندانیان سیاسی در زندانهای ایران که هوادار گروه های مختلف چپ بودند و مسلمان مؤمن نبودند و پنداشته می شد که دین اسلام خود را ترک کرده اند، اعدام شوند. بعید به نظر می رسد که اعدامها در جریان موج دوم بدون دستوری از مقام بالاتر صورت می گرفت. بنابراین آنچه در مورد اعدامها در موج بعدی ظاهر شد، شواهدی غیرمستقیم است مبنی بر صدور چنین تصمیمی که دلیل اصلی اعدامها را توضیح می دهد.

الزامات یک دادرسی عادلانه

۳۵۶. محتوای گزارش های بین المللی و همچنین در توضیحات ارائه شده توسط شهود از نحوه انجام جلسات استماع در کمیته در دوره مربوطه که به صورت گزارش در پیوست شماره ۲ رای دادگاه آمده، تصویر روشنی به دست می دهد که محاکمه قبل از مجازات تعیین شده عادلانه نبود. در اینجا می توان تأکید کرد که همچنین آنچه در خصوص رسیدگی های عمومی در دادگاه های انقلاب اسلامی به دست آمده و در بند ۱ کیفرخواست در بالا تشریح شده است،

⁷⁵ Parsi, s. 9.

حمایت غیرمستقیم از چنین نتیجه‌گیری را نشان می‌دهد و از آن اطلاعاتی که شاهدان درباره رویه کاری کمیته ارائه کرده‌اند، پشتیبانی می‌کند.

نتیجه

۳۵۷. در مجموع، تحقیقات نشان می‌دهد که کمیته‌ای محاکمه‌هایی را انجام داد و تصمیم گرفت که کدام یک از زندانیان فرار است در فاصله زمانی ۲۷ اوت تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ در زندان گوهردشت اعدام شوند. اعدام تعداد بسیار زیادی از زندانیان که عقاید ایدئولوژیک و مذهبی آنها در تضاد با حکومت دینی ایران بود نتیجه محاکمات کمیته در زندان گوهردشت در این مدت بود. احکام اعدام بر اساس رویه‌ای اجرا می‌شد که شرایط اولیه را برای دادرسی عادلانه نداشت. در مجموع، طبق تحقیقات انجام شده، این امر نشان می‌دهد که رهبری مذهبی و سیاسی ایران مدتی قبل از ۲۷ اوت ۱۹۸۸ تصمیم گرفت که سایر زندانیان سیاسی در زندان‌های ایران که هوادار گروه‌های چپ‌گرای مختلف بودند و پنداشته می‌شد دین اسلام خود را ترک کرده‌اند نیز اعدام شوند.
۳۵۸. دادگاه بدوی اکنون نشان می‌دهد که کدام یک از افرادی که نامشان در پیوست C آمده است طبق ادعای دادستان اعدام شده‌اند.

اعدام شدگان در پیوست C

۳۵۹. در بخش بعدی، دادگاه بدوی بررسی خواهد کرد که آیا ۲۶ نفری که نام آنها در ضمیمه C کیفرخواست آمده است (به پیوست شماره ۱ رای دادگاه مراجعه کنید) در گوهردشت در دوره مربوطه اعدام شده‌اند یا خیر.
۳۶۰. ملاحظاتی که دادگاه بدوی در بالا در مورد شواهد و الزامات شواهد در مورد اشخاص مندرج در ضمیمه A بیان کرد در مورد کسانی که در دوره بعدی اعدام شدند نیز صادق است. یعنی آنچه در مورد موج دوم اعدام‌های حامیان گروه‌های چپ مورد رسیدگی قرار گرفته است منجر می‌شود که شرط اثباتی به عنوان نقطه شروع، برآورده شده است بشرط وجود مدارک قابل اعتماد کافی مبنی بر اینکه فرد مورد نظر در دوره اعدام‌ها در گوهردشت بوده و سپس مفقود شده است.

بستگان شاکی

- C1. عادل روزدار
- C2. حسین حاجی محسن
- C3. عادل طالبی
- C5. مجید ایوانی
- C6. بیژن بازرگان
- C7. محمود علیزاده اعظمی

۳۶۱. دادگاه بدوی ابتدا بررسی می کند که آیا شش نفر پیوست که از بستگان شاکیان سارا روزدار، صدیقه حاجی محسن، عصمت طالبی کلهران، ویدا رستمعلی پور، لاله بازرگان و سولماز علیزاده هستند در گوهردشت اعدام شده اند یا خیر. از طریق مصاحبه با شاکیان مشخص شد که بستگان مربوطه به دلیل فعالیت های سیاسی در ایران زندانی بوده و در اسارت جان باخته اند. پرسش هایی که باقی می ماند این است که آنها چه زمانی و در کدام زندان جان باخته اند. همانطور که دادگاه بدوی قبلاً توضیح داد، برای برآورده شدن شرط اثبات نیاز به شواهدی است که آنها را به طور خاص به گوهردشت در طول دوره جرم مرتبط کند.

C1. عادل روزدار

۳۶۲. شاکی سارا روزدار گفته است که برادرش عادل در سال ۱۹۸۳ دستگیر و به دلیل عضویت در حزب توده به شش سال زندان محکوم شد. وی همچنین گفته است که پدر هر دو هفته یکبار به دیدار عادل در گوهردشت می رفته و آخرین ملاقات در اوایل تابستان ۱۹۸۸ در تیر ماه بوده است و در اواخر پاییز به پدر در اوین اطلاع داده شد که پسرش اعدام شده است. سارا روزدار از طریق دادستان نامه های ارسالی به عادل روزدار و از طرف او را در گوهردشت ارسال کرده است که آخرین آن چند هفته قبل از اجرای حکم است.

۳۶۳. چند نفر که در بازپرسی شرکت داشتند گفته اند که عادل روزدار در دوران ارتکاب جرم در گوهردشت بوده و در آنجا اعدام شده است. شاهد امیر اطمیایی گفته است که عادل روزدار را می شناخت، آنها در یک بخش بودند و بعد از اعدام ها عادل مفقود شد. شاهد ابوالقاسم سلیمان پور گفته است که در سال ۱۹۸۷ با عادل روزدار در گوهردشت بند مشترک بوده و در پاییز پس از اعدام ها عادل مفقود شده است. همچنین شاهد مهدی اصلانی نیز گفته است که عادل روزدار در گوهردشت بوده و اعدام شده است و توضیح داده

که این را از زندانیان دیگری شنیده که عادل روزدار را می شناختند زیرا او قبل از دستگیری دانشجوی دندانپزشکی بوده است.

۳۶۴. دادگاه بدوی معتقد است که اظهارات سارا روزدار همراه با آخرین نامه عادل روزدار قویاً حاکی از آن است که وی در مدت اجرای حکم در گوهردشت بوده است که همراه با اظهارات شاهد گزارش شده در بالا و در نبود تحقیقاتی که خلاف این گفته‌ها را ثابت کند، می توان گفت که با اطمینان کافی ثابت شده است که عادل روزدار در دوره وقوع جرم در آنجا اعدام شده است.

C2. حسین حاجی محسن

۳۶۵. شاکي صدیقه حاجی محسن گفته است که برادرش حسین از اعضای سازمان مارکسیستی راه کارگر بوده و در سال ۱۹۸۲ به دلیل ارتباط با این سازمان به ۱۵ سال زندان محکوم شده است. وی همچنین گفته است که والدین از سال ۱۹۸۶ تا ممنوعیت ملاقات در تابستان ۱۹۸۸ توانسته‌اند به دیدار حسین در گوهردشت بروند و در پاییز سال بعد به پدر اطلاع دادند که حسین را اعدام کرده‌اند، اما بدون اینکه اطلاع دهند اعدام در کجا صورت گرفته است.

۳۶۶. شاهد جعفر یعقوبی گفته است که حسین حاجی محسن در دوران اعدام از بند مشترکشان در گوهردشت برده شده و دیگر دیده نشده است، اطلاعاتی که وی در کتاب «مرزهای ناشناخته بین زندگی و مرگ» خود در سال ۲۰۱۵ نیز بیان کرده است. ماجرای او توسط شاهدان ابوالقاسم سلیمان پور و روم افشام نیز تایید می شود که هر دو اظهار داشتند که با حسین حاجی محسن در گوهردشت هم بند بوده و در جریان اعدام ها برده شده و دیگر دیده نشده است. شاهدان متعددی از جمله مهدی اصلانی، امیر اطمیابی، سیدجلال الدین سعیدی و مهرداد نشاطی ملکیان از شنیدن خبر اعدام حسین حاجی محسن از دیگر زندانیان خبر داده اند. در اینجا می توان به این نکته اشاره کرد که مهدی اصلانی در کتاب «آخرین فرصت گل» و امیر اطمیابی در لیست خود اعلام کرده اند که حسین حاجی محسن یکی از زندانیان اعدام شده در گوهردشت بود.

۳۶۷. به گفته دادگاه بدوی، با توجه به تحقیقاتی که در بالا ذکر شد، در مجموع ثابت می‌شود که حسین حاجی محسن در گوهردشت بوده و در دوره وقوع جرم در آنجا اعدام شده است.

C3. عادل طالبی

۳۶۸. شاکی عصمت طالبی کله‌ران گفته است که برادرش عادل در سال ۱۹۸۵ به دلیل وابستگی به سازمان مارکسیستی راه کارگر به ده سال حبس تعزیری محکوم شد و در سال ۱۹۸۷ به گوهردشت منتقل شد و در بهار ۱۹۸۸ در فروردین ماه، قبل از اعلام مقررات منع رفت و آمد، برای آخرین بار به دیدار او رفت. علاوه بر این، او گفته است که متعاقباً به خانواده در اوین در مورد اعدام عادل اطلاع داده شده است که آن زمان از زندانیان آزاد شده شنید که اعدام در گوهردشت انجام شده است. وی از طریق دادستان تصاویر کیف همراه با وسایلی را که در ارتباط با ابلاغیه تحویل خانواده شده بود، دریافت کرده است.

۳۶۹. عصمت طالبی در مصاحبه‌ای که عفو بین‌الملل در گزارش Blood-Soaked Secrets در سال ۲۰۱۸ منتشر کرده، گفته است که خانواده از اعدام عادل طالبی در اوین مطلع شده‌اند. در طول جلسه دادگاه بدوی، او توضیح داد که او یا اشتباه گفته یا اینکه در گزارش اشتباه نوشته شده است.

۳۷۰. شاهدان نادر حدادی مقدم، عبدالرضا شهاب شکوهی و علی رضا اکبر سپهر همگی گفته‌اند که با عادل طالبی در یک بند در گوهردشت بوده و او پس از اعدام‌ها مفقود شده است. شاهدان علی رضا امید Meaf و حسین ملکی نیز از اطلاعات آنها پشتیبانی می‌کنند که هر دو گفته‌اند در اوایل سال ۱۹۸۸ با عادل طالبی به گوهردشت آورده شده و سپس عادل در آنجا اعدام شده است. همچنین شاهدان مهرداد نشاطی ملکیان و سید جلال الدین سعیدی گفته‌اند که خبر اعدام عادل طالبی را از دیگران در زندان شنیده‌اند.

۳۷۱. به عقیده دادگاه بدوی، از طریق اظهارات یکسان شاهدان، با اطمینان کافی ثابت شده است که عادل طالبی در دوران وقوع جرم در گوهردشت بوده و در آنجا اعدام شده است. اینکه عصمت طالبی کله‌ران در مصاحبه قبلی اطلاعات اشتباه ارائه کرده است، با در نظر گرفتن اطلاعات ناکافی ارائه شده به بستگان،

تردید منطقی در این مورد ایجاد نمی‌کند. به همین دلیل، نامه ای که عفو بین الملل در نوامبر ۱۹۸۸ نوشته بود مبنی بر احتمال قریب الوقوع بودن اعدام عادل طالبی به این معنا نیست که شرط اثبات برآورده نشده است. در آن زمان کمبود اطلاعات برای خارجی ها در مورد آنچه در زندان ها می گذشت وجود داشت. در مجموع آنچه اکنون گزارش شده به این معناست که در این قسمت نیز پیگرد قانونی ثابت شده است.

C5. مجید ایوانی

۳۷۲. شاکی ویدا رستمعلی پور گفته است که همسرش مجید در سال ۱۹۸۵ به دلیل عضویت در یکی از شاخه های مارکسیستی فدائیان به زندان افتاده و آخرین ملاقات با او در اواخر سال ۱۹۸۶ در اوین بوده است. او معتقد بود که در آنجا اعدام شده است و به همین دلیل وقتی در دادگاه ایران شنیده شد، این را بیان کرد، اما بتازگی با چند زندانی آزاد شده در تماس بوده که گفته اند مجید در تابستان ۱۹۸۸ در گوهردشت اعدام شده است. در ماه شهریور.

۳۷۳. شاهدان منوچهر پیوند، محمد اسد جو و نادر حدادی مقدم گفته اند که با مجید ایوانی در گوهردشت بند مشترکی داشتند و او را برای اعدام در ابتدای شهریور بردند. همچنین شاهدان متعددی از جمله حسین ملکی، علی رضا امید Meaf، عبدالرضا شهاب شکوهی، رحمان درکشیده، محسن زادشیر و مجید صاحب جام اتابکی اعلام کرده اند که مجید ایوانی را از دوران زندان به طرق مختلف می شناختند و می دانند که آنجا اعدام شد در اینجا می توان تاکید کرد که رحمان درکشیده نیز همین اطلاعات را در مورد مجید ایوانی در مقاله ای از سال ۲۰۱۳ در مجله کار ارائه کرده است. در نهایت، می توان به این نکته نیز اشاره کرد که چندین شرکت کننده دیگر در بارپرسی تأیید کرده اند که مجید ایوانی در گوهردشت اعدام شده است، البته بدون گفتن بیشتر از این که آن را از زبان دیگر زندانیان شنیده اند.

۳۷۴. در این پرونده، تعداد زیادی از کسانی که در بازپرسی شرکت داشته اند گفته اند که مجید ایوانی در گوهردشت بوده و در آنجا اعدام شده است. اطلاعات دقیق و تا حد زیادی منسجم بوده است، به همین دلیل است که به اعتقاد دادگاه بدوی، با اطمینان کافی ثابت شده است که وی در گوهردشت در جریان

دوره وقوع جرم اعدام شده است. به گفته دادگاه بدوی، اطلاعات متناقضی که ویدا رستمعلی پور قبلاً در زمینه های دیگر ارائه کرده بود، هیچ شک منطقی در این زمینه ایجاد نمی کند.

C6. بیژن بازرگان

۳۷۵. شاکی لاله بازرگان گفته است که برادرش بیژن به دلیل ارتباط با کمونیست های ایران به ده سال حبس محکوم شده و در بهار ۱۹۸۵ در گوهردشت پدرشان برای آخرین بار در تابستان سال ۱۹۸۸ در تیر ماه با او ملاقات کرده است. وی همچنین گفته است که پس از چندین ماه ممنوعیت، پدر را به اوین فراخوانده اند و از اعدام بیژن به او خبر داده اند که پس از آن از تعدادی از زندانیان آزاد شده شنید که پسرش در گوهردشت اعدام شده است.

۳۷۶. شاهد منوچهر پیوند گفته است که هم قبل و هم در زمان اعدام با بیژن بازرگان در گوهردشت در همان بند بوده است که در اول شهریور با هم از بند پایین آورده شدند و بعداً همان روز در راهرو اصلی برای آخرین بار بیژن بازرگان را دید. علاوه بر این، از چندین شاهد این پرونده از جمله ابوالقاسم سلیمان پور، روم افشم، مهدی اصلانی، حسین ملکی و مجید صاحب جم اتابکی، اطلاعاتی وجود دارد که با بیژن بازرگان به طرق مختلف در گوهردشت آشنا شده و وی پس از مدتی در دوره اعدامها مفقود شده است.

۳۷۷. دادگاه بدوی معتقد است که اطلاعات منوچهر پیوند به وضوح توسط سایر شهادت ها تایید می شود و بنابراین با اطمینان کافی ثابت شده است که بیژن بازرگان در گوهردشت بوده و در آنجا اعدام شده است. به گفته دادگاه بدوی، اطلاعاتی که مقامات ایرانی در مورد مهاجرت بیژن بازرگان به خارج از کشور به سازمان ملل ارائه کرده اند، با تحقیقات گزارش شده در بالا تکذیب شده است و به گفته دادگاه بدوی، هیچ شک منطقی در مورد اعدام بیژن بازرگان در گوهردشت ایجاد نمی کند.

C7. محمود علیزاده اعظمی

۳۷۸. شاکی سولماز علیزاده گفته است که پدرش محمود در سال ۱۹۸۴ وقتی او تنها ۸ سال سن داشت به دلیل فعالیت سیاسی در یکی از شاخه های سازمان چپ فداییان دستگیر شد. وی همچنین گفته است که به یاد دارد که در اوین و سپس در گوهردشت به دیدار او رفته است، اما نمی داند آخرین دیدار کی بوده است.

و کی این اتفاق رخ داد و زمانی که وسایل او را به همراه گواهی فوت از زندان دریافت کردند که در آن به دروغ قید شده بود که او به مرگ طبیعی فوت کرده است، اعدام او به خانواده اطلاع داده شد. وی از طریق دادستان گواهی فوت و نامه پدر را دریافت کرده است که آخرین آن از گوهردشت ارسال شده و تاریخ آن چند هفته قبل از اعدام های تابستان ۱۹۸۸ است.

۳۷۹. اطلاعاتی که سولماز علیزاده ارائه کرده است بر اساس گفته های تعدادی از زندانیان آزاد شده است. شاهد امیر اطمینانی گفته است که با محمود علیزاده اعظمی در گوهردشت در بند مشترک بوده و پس از اعدام مفقود شده است. یا او را به عنوان یکی از زندانیان اعدام شده معرفی کرده است. همچنین شاهد جعفر یعقوبی گفته است که محمود علیزاده اعظمی را از زندان قزلحصار می شناخت و سپس هر دو به گوهردشت منتقل شدند و وی پس از اعدام ها مفقود شده است. شاهد مهدی اصلانی در مورد اعدام محمود علیزاده اعظمی اطلاعات ثابتی داده است که از جمله در کتاب خود «آخرین فرصت گل» نیز درباره آن نوشته است.

۳۸۰. با توجه به اطلاعات گزارش شده از بازپرسی ها در بالا و آخرین نامه ارسالی محمود علیزاده اعظمی، در مجموع ثابت می شود که وی در گوهردشت بوده و در زمان وقوع جرم در آنجا اعدام شده است.

نام های دیگر در پیوست

۳۸۱. در بخش حاضر، دادگاه بدوی بررسی خواهد کرد که کدام یک از 20 نفر باقی مانده در پیوست C کیفرخواست در گوهردشت در دوره وقوع جرم مورد بحث اعدام شده اند. در این بخش، دادگاه بدوی نیز اسامی را بر اساس اطلاعات شفاهی به دسته های مختلف تقسیم کرده است. در اینجا قابل ذکر است که تمامی اسامی پیوست حداقل توسط یک شرکت کننده در بازپرسی ذکر شده است.

شواهد شفاهی گسترده

- C8. جهانبخش سرخوش
- C9. محمود قاضی
- C10. کیوان مصطفوی
- C12. عباس رئیسی
- C13. جعفر ریجایی

- C14. صادق ریاحی
- C15. محمدعلی پژمان
- C16. مصطفی فرهادی
- C20. محمدعلی بهکیش
- C21. محمود بهکیش

۳۸۲. به اعتقاد دادگاه بدوی، با توجه به شواهد شفاهی ثابت می‌شود که این افراد طبق کیفرخواست در گوهردشت اعدام شده‌اند. همان طور که برخی از افراد ضمیمه A، توسط تعدادی از شرکت کنندگان در بازپرسی ذکر شده‌اند که گفته‌اند قبل و در حین اجرای حکم در گوهردشت با یکدیگر تماس داشته‌اند و سپس مفقود شده‌اند. اطلاعات دقیق و منسجم بوده است، به همین دلیل است که به نظر دادگاه بدوی، با اطمینان کافی مشخص شده است که آنها در مدت وقوع مورد بحث در گوهردشت بوده‌اند و متعاقباً مفقود شده‌اند. در صورت نبود اطلاعاتی که در این زمینه‌ها شک منطقی ایجاد کند، با توجه به آنچه در بازپرسی رخ داده است، ثابت می‌شود که آنها بر پایه کیفرخواست در گوهردشت اعدام شده‌اند. برای آنچه که در مورد هر فرد با جزئیات بیشتر بیان شده است، به خلاصه پیوست شماره ۲ رای دادگاه مراجعه کنید.

شواهد شفاهی کمتر جامع

- C11. محسن رجب زاده
- C17. همایون آزادی
- C18. مجید ولید
- C19. بهزاد عمرانی
- C22. ابراهیم نجاران
- C23. حمید نصیری
- C24. محسن دلیجانی
- C25. ساسان قندی

۳۸۳. در مورد این افراد، شواهد به اندازه تعداد شرکت کنندگان در بازپرسی که درباره آنان حرف زده‌اند قانع کننده نیست، اما با وجود این، اطلاعات دقیق و مشخصی از شاهدان در پرونده وجود دارد که آنها در گوهردشت در ارتباط با اعدام‌ها بهم برخوردند و بعد از آن مفقود شده‌اند، که در ترکیب با سایر حقایق اثباتی که بدست آمده، به این معنی است که کیفرخواست در این قسمت نیز ثابت شده است.

۳۸۴. شاهد محمد اسدجو گفته است که او در همان بند همایون آزادی بود (C17) و او را در ماه شهریور بردند و دیگر دیده نشد. وی همچنین گفته است که پس از اعدام، وسایل همایون آزادی را در زندان بسته و پس از آزادی با بستگانش در تماس بوده و به آنها گفته که همایون اعدام شده است. اعدام همایون آزادی اطلاعاتی است که توسط شاهد مهرداد نشاطی ملکیان تایید شده است و وی گفته است که خبر اعدام را از دیگر زندانیان گوهردشت شنیده است و در مقاله خود در سال ۲۰۱۳ در نشریه کار نیز منتشر کرده است. همچنین شاهد حمید اشتری نیز گفته است که همایون آزادی پس از اعدامها از میان زندانیان مفقود شده است، اما فردی است که از نزدیک نمی‌شناسد.
۳۸۵. دادگاه بدوی خاطرنشان می‌کند که محمد اسد جو به طور ملموس در مورد ناپدید شدن همایون آزادی در گوهردشت صحبت کرده است و اطلاعات وی به وضوح توسط سایر اطلاعات شاهدان گزارش شده پشتیبانی می‌شود. به گفته دادگاه بدوی، به این ترتیب با اطمینان کافی مشخص شده است که همایون آزادی در زندان بوده و در طول دوره وقوع جرم مورد بحث در آنجا اعدام شده است. علاوه بر این، هیچ تحقیقی که در این زمینه ها در جهت مخالف صحبت کند، ارائه نشده است، از این رو دادگاه بدوی معتقد است که شرط اثباتی برآورده شده است.
۳۸۶. محمد اسدجو نیز گفته است که او را با بهزاد عمرانی (C19) و حمید نصیری (C23) در بند گذاشتند و هر دو را در اول ماه شهریور بردند و دیگر آنان را ندیده است. اطلاعات او مورد تایید مهرداد نشاطی ملکیان است که هم گفته است که هر دوی آنها را در دوران اعدامها ملاقات کرده است و هم در مقاله خود در سال ۲۰۱۳ نوشته است که آنها اعدام شده اند. علاوه بر این، شاهد مهدی اصلانی نیز در کتاب «آخرین فرصت گل» نوشته است که حمید نصیری در گوهردشت در شهریور اعدام شده است که البته اطلاعاتی است که پس از تماس با دیگران به دست آورده است. مانند همایون آزادی، دادگاه بدوی با در نظر گرفتن اطلاعات محمد اسدجو و سایر شواهد و در نبود تحقیقات مخالف، شرط اثبات در مورد بهزاد عمرانی و حمید نصیری را برآورده می‌داند.

۳۸۷. دادگاه بدوی مدارک مربوط به محسن رجب زاده (C11) و مجید ولید (C18) را به روشی معادل ارزیابی کرده است. شاهد محمود خلیلی گفته است که در راهروی اصلی زندان در ابتدای شهریور بوده و بسیاری از هم‌بندهایی که می‌شناسد از جمله محسن رجب‌زاده و مجید ولید در آنجا بوده‌اند و سپس مفقود شده‌اند. همچنین شاهد مهرزاد دشتبانی گفته است که مجید ولید را می‌شناخت و پس از آزادی با خانواده‌اش تماس گرفت که اعدام او را تایید کردند. رحمان درکشیده گفته است که محسن رجب زاده را از قزلحصار می‌شناخت و پس از آن خبر اعدام او را شنید. دادگاه بدوی معتقد است که از طریق داده‌های بازپرسی گزارش شده، با اطمینان کافی ثابت شده است که محسن رجب زاده و مجید ولید در طول دوره اعدام‌ها در گوهردشت بوده‌اند و پس از آن ناپدید شده‌اند که به موجب آن کیفرخواست ثابت شده است.

۳۸۸. در پایان می‌توان اشاره کرد که شاهد امیر اطمیابی گفته است که در زمان شروع اعدام‌ها با محسن دلیجانی (C24) و ساسان قندی (C25) در بند مشترک بوده است که هر دوی آنها را در آغاز شهریور برای آخرین بار در زندان دیده است. و اینکه بعد از آن ناپدید شده‌اند. وی همچنین گفته است که پس از آزادی با خانواده‌های مربوطه آنها تماس گرفته است که آنچه روی داده بود را تایید کردند. امیر اطمیابی نیز این اطلاعات را در فهرست هم‌بندان اعدامی خود که چند ماه قبل از بازپرسی تکمیل شده بود، آورده است. در مورد محسن دلیجانی و ساسان قندی تحقیقی صورت نگرفته است. با این حال، دادگاه بدوی خاطرنشان می‌کند که امیر اطمیابی داستان موثقی را در مورد رفقای خود در زندان گفته است و به این ترتیب ارتباط مشخصی بین گوهردشت و ناپدید شدن آنها وجود دارد. همچنین دلیلی برای زیر سوال بردن اطلاعات ارائه شده توسط امیر اطمیابی وجود ندارد و پس از آن و در نبود مدارک خلاف، ثابت می‌شود که محسن دلیجانی و ساسان قندی برپایه آنچه که در کیفرخواست نوشته شده اعدام شده‌اند.

شواهد شفاهی ضعیف‌تر

C4. حیدر نیکو
C26. انوشه طاهری

۳۸۹. این دو نفر در بازپرسی ها نام برده شده اند، اما اطلاعات فاقد دقت و جزئیاتی است که در مورد افراد در دسته های قبلی بوده، به این معنی که به دلیل نبود تحقیق قابل اعتماد، شرط اثبات برآورده نشده است.
۳۹۰. حیدر نیکو (C4) به گفته شاهدان مهدی اصلانی و امیر اطمینانی اعدام شده است. اما هر دو گفتند که هرگز او را ندیده اند و خبر اعدام او را فقط از دیگران شنیده اند. اطلاعات مشخصی در دست نیست که حیدر نیکو را به گوهردشت مرتبط کند، به این ترتیب شرط اثبات در مورد وی برآورده نمی شود.
۳۹۱. فقط شاهد مهدی اصلانی است که در مورد انوشه طاهری صحبت کرده است (C26). او گفت که در پاییز ۱۹۸۶ آنها را به گوهردشت منتقل کردند و انوشه طاهری به بند جداگانه ای رفت و او و بسیاری دیگر را اعدام کردند که در کتاب خود درباره آن نوشته است. دادگاه بدوی خاطر نشان می کند که این اطلاعات تا حدی در تایید موضوع صحبت می کند، اما معتقد است که در نبود تحقیقات دیگر، بطور موثق نشان داده نشده است که انوشه طاهری در گوهردشت اعدام شده به گونه ای که دلالت بر مسئولیت کیفری کند.
۳۹۲. با این نقطه شروع، دادگاه بدوی به بررسی مشارکت ادعایی حمید نوری در روند اقدامات در مورد اعدام ها می پردازد و با نظر نهایی در مورد ارزیابی ترکیبی از شواهد برای هر دو بند ۱ و ۲ کیفرخواست و سپس با رسیدگی به اطلاعات و مدارک و شواهد حمید نوری به پایان می رسد.

ii مشارکت حمید نوری در موج دوم

سوال ۸) آیا حمید نوری در دوره ۲۷ اوت تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ در زندان گوهردشت در ایران در اعمال ادعایی علیه زندانیانی که هوادار گروه های گوناگون چپ بودند و از آیین مسلمانی خود دست برداشته بودند، دست داشت؟

ثابت شده است

- که حمید نوری به عنوان دستیار معاون دادستان در زندان گوهردشت با نام مستعار حمید عباسی دوره ۲۷ اوت تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ مشغول به کار بود
- که در آن نقش، با همراهی و با توافق یا مشورت با دیگران، با انتخاب زندانیان برای معرفی به کمیته، در اعدام ها شرکت کرده، این زندانیان را به راهرو اصلی آورده، اسامی زندانیان را برای معرفی به کمیته خوانده و زندانیان را به کمیته برده است
- که از طریق مشارکت گفته شده در بالا، مجازات اعدام تعیین شده توسط کمیته را - که به تبعیت از رویه ای تعیین می شد که شرایط اولیه یک محاکمه عادلانه را برآورده نمی کرد، اجرا کرده است.

در بخش، دلایل مواضع ارائه شده است.

پرسش هایی برای رسیدگی و پردازش

۳۹۳. دادگاه بدوی در این بخش بررسی می کند که آیا حمید نوری به نحوی که دادستان در این بند از کیفرخواست ادعا کرده است، در سمت معاونت یا در نقش یا سمت مشابه دیگری، با همراهی و با توافق یا مشورت با دیگران، اعدام ها را سازماندهی کرده و در آنها به صورت زیر شرکت کرده است:
- انتخاب زندانیان برای بردن به کمیته،
 - بردن این زندانیان به راهرو اصلی و نگهبانی از آنان در آنجا،
 - خواندن نام زندانیان که قرار بود در برابر کمیته حاضر شوند، بردن زندانیان به کمیته و دادن اطلاعات کتبی و شفاهی درباره زندانیان به کمیته
 - خواندن نام زندانیان که قرار بود برای اعدام برده شوند،
 - دادن دستور به زندانیان تا به صف شوند تا به محل اعدام اسکورت شوند
 - اسکورت کردن زندانیان تا محل اعدام و پس از آن گرفتن جان زندانیان با حلق آویز کردن آنان.
۳۹۴. همچنین اینکه حمید نوری با همراهی و تفاهم یا مشورت با دیگر کارکنان ارشد از سایر مرتکبان دعوت و به آنان دستور داده که

با کمک به او و دیگر کارکنان ارشد در اعدام‌ها شرکت کرده و آنها را اجرا کنند.

۳۹۵. همچنین باید بررسی شود که آیا حمید نوری به طور مشترک و با توافق یا مشورت با سایر مرتکبان به روال گفته شده در بالا احکام مجازات مرگ کمیته را، که بدنبال رویه‌ای صادر شده که شرایط اولیه دادرسی عادلانه را نداشته است، به اجرا گذاشته است.

نقاط شروع

۳۹۶. دادگاه بدوی در قسمت قبل تشخیص داده است که در زندان گوهردشت به ادعای دادستان جرمی صورت گرفته است. اینها اقدامات مشترکی از جمله رویدادهای بزرگ و غیرقابل بررسی هستند که چندین نفر در اجرای آن همکاری کرده‌اند. اکنون دادگاه بدوی به بررسی مسئولیت کیفری حمید نوری در آن حوادث می‌پردازد.

۳۹۷. دادگاه بدوی نخست به ملاحظات اولیه از مجموع شواهد مکتوب، و استدلالی که قبل از ارزیابی شواهد در قالب گزارش‌ها، کتاب‌ها، مقالات و مصاحبه‌ها در زمینه‌های مختلف در زیر بند ۱ کیفرخواست ارایه شده ارجاع می‌دهد.

۳۹۸. بررسی شواهد، مانند بند ۱ کیفرخواست، بر شرایط مربوط به حمایت از حقایق قانونی ذکر شده در شرح جرم متمرکز است. دادگاه بدوی با ارزیابی اظهارات شروع می‌کند. هنگام ارزیابی ارزش اثباتی یک گفته، همچنین بررسی می‌شود که آیا آن گفته، توسط شرایط دیگر، به اصطلاح شواهد یا حقایق تأیید کننده مثبت، تأیید می‌شود یا خیر. مانند شواهد کتبی، استدلال و نقطه شروع ارائه شده در بالا، برای ارزیابی شواهد شفاهی زیر بند ۱ کیفرخواست، معتبر است.

۳۹۹. همانطور که در قسمت اول ذکر شد، ثابت شده است که حمید نوری در نقش معاون دادستان، به اتفاق و با توافق یا مشورت با دیگران، در اعدام زندانیان مجاهد شرکت داشته است که ده روز قبل از شروع اعدام زندانیان هوادار

گروه‌های چپ‌گرای مختلف و کسانی که پنداشته میشد مسلمانان خود را کنار گذاشته بودند پایان یافت. شواهدی که در رسیدگی به بند ۱ کیفرخواست ارائه شده به واسطه اثر اثباتی غیرمستقیم خود، برای بررسی مشارکت حمید نوری در جریان موج دوم اعدام‌ها طبق بند ۲ کیفرخواست نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

۴۰۰. عملاً همه شهودی که برای این بخش از کیفرخواست شهادت دادند، اطلاعاتی ارائه کرده اند مبنی بر اینکه حمید نوری را در حال انجام تعدادی از اعمال مختلف در رابطه با این اتهامات این کیفرخواست دیده اند. دادگاه بدوی ابتدا مهمترین شواهد را ارزیابی می کند، یعنی کسانی که از قبل از ظاهر حمید نوری اطلاع داشتند و بدون چشم بند او را دیده بودند و سپس در موقعیت هایی که برای بررسی حقایق حقوقی مورد استناد اهمیت دارد مشاهداتی انجام می دادند. سپس دادگاه بدوی به بررسی گذرا مدارک متشکل از افرادی می پردازد که می توان آنها را دارای شناخت کمتری از حمید عباسی توصیف کرد. گزیده ای از مقالات، کتاب ها یا مصاحبه ها و غیره از بازماندگان دوره زندان در ارتباط با ارزیابی اظهارات به میزان اهمیت شواهد ارایه خواهد شد.

۴۰۱. اما در ابتدا می توان گفت که محمود رویایی در کتاب آفتابکاران خود در سال ۲۰۰۷ اظهار داشت که محاکمه غیر مذهبی ها و مارکسیست ها از ۲۷ اوت ۱۹۸۸ (۵ شهریور ۱۳۶۷) آغاز شده است و در این دوره حمید عباسی سرش حسابی شلوغ بود. محمود رویایی همانطور که در بالا در سوال 6 توضیح داده شد، حمید نوری را حمید عباسی معرفی کرده است.

۴۰۲. با آنچه گفته شد به عنوان نقطه شروع، دادگاه بدوی به ارزیابی شواهدی از برخی از اظهارات عمده در بازپرسی روی می آورد. در اینجا می توان تاکید کرد که گزارش خلاصه ای از اظهارات شرکت کنندگان در بازپرسی را می توان در پیوست 2 رای دادگاه یافت.

آنچه که در بازپرسی ها گفته شد

۴۰۳. حسین ملکی گفته است که در ماههای قبل از اعدام‌ها چندین بار بدون چشم بند مشاهداتی از معاون دادیار حمید عباسی داشته است. از جمله اینکه در رابطه با انتقال وی به بند مقابل جهاد در تابستان ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) و سپس در رابطه با بازپرسی هایی که دادیار در بند انجام می داد، این مشاهدات صورت گرفته است. او اطلاعات بیشتری در مورد آنچه که

در دوران اعدام‌ها در بند دیده و شنیده که به طور غیرمستقیم حکایت از انجام اعدام‌ها داشته و شرح داده است که پس از اعدام‌ها دو بار در گوهردشت با حمید عباسی ملاقات کرده است. در یک نوبت که در پاییز همان سال بود، او را از راهروی اصلی به اتاقی بردند که حمید عباسی از او پذیرایی کرد و به او اطلاع دادند که محکومیتش در آن زمان از ۸ سال به ۱۵ سال تغییر یافته است. نوبت دوم در اوایل سال ۱۹۸۹ (اواخر ۱۳۶۷) بود که وی را در ارتباط با تجمع خانواده‌های زندانیان و معاون دادستان در حال سخنرانی دید.

۴۰۴. علاوه بر این، حسین ملکی گزارشی از رویدادی در اوین در پاییز ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) ارائه کرده است که گویا نام اصلی حمید عباسی در جریان آن فاش شده است. در رابطه با رفتن چند زندانی برای بازی فوتبال به قزلحصار، یکی از کارکنان زندان با حمید عباسی در دفتر دادیار تماس گرفت و به اشتباه گفت که حمید نوری به زودی خواهد آمد. بعد حمید عباسی آمد.

۴۰۵. دادگاه بدوی می‌تواند اعلام کند که اطلاعات ارائه شده توسط حسین ملکی تا حد زیادی در تحقیقات کتبی پشتیبانی می‌شود. او در مصاحبه‌های مختلف اساساً اطلاعات ثابتی ارائه کرده است. بنابراین او در روایت خود از حمید عباسی در مورد اطلاعات محوری ثابت بوده است. او در برخورد عکسی که با پلیس انجام داده، گفته است که به راحتی می‌توانست حمید عباسی را در میان عکس‌ها مشخص کند. اگرچه او در آن زمان تصاویری از حمید نوری را در رسانه‌ها دیده بود، اما در ارزیابی مدارک، این شناسایی با اهمیت است که حمید عباسی در زندان برای او فردی شناخته شده بود.

۴۰۶. حسین ملکی معتبر است. اطلاعاتی که وی در خصوص مشاهدات حمید نوری در موقعیت‌ها و دوره‌های زمانی مرتبط با محاکمه ارائه کرده است، قابل اعتماد به نظر می‌رسد. داده‌ها دارای ارزش اثباتی بالایی برای این ادعا هستند حمید نوری هم قبل و هم بعد از دوره وقوع جرم به عنوان دستیار معاون دادستان گوهردشت فعالیت می‌کرد.

۴۰۷. اینها شرایطی است که به طور غیرمستقیم ادعای ارتکاب جرم را اثبات می‌کند زیرا حاکی از آن است که حمید عباسی این بار نیز به نقش خود در گوهردشت و در طول موج دوم اعدام‌ها عمل کرد.

با این، بعنوان نقطه شروع دادگاه بدوی شواهد را که شامل مشاهدات مستقیم از حمید نوری در دوره اعدام‌هاست ارزشگذاری می‌کند.

۴۰۸. علی رضا اکبری - سپهر گفته است که چگونه در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) در اوین در سه نوبت بدون چشم بند در دفتر دادیار با حمید عباسی همکاری داشته است. آن مسایل در ارتباط با مشکلات مربوط به همسر زندانی او و فرزند تازه متولد شده آنان در زندان و امرار معاش آنها بودند. وی اظهار داشته است که پس از آن، هنگام ملاقات با حمید عباسی در گوهردشت در تابستان ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) در رابطه با بازپرسی در مورد اعتقادات مذهبی وی، او را شناخت. وی در ادامه اظهار داشته است که سپس در ابتدای شهریور حمید عباسی را در راهرو اصلی و در راهروی مجاور محل استقرار کمیته مشاهده کرده و همچنین دیده است که حمید عباسی یک زندانی را از کمیته آورده و در راهرو اصلی قرار داده است. علاوه بر این، گفته می‌شود که وی در راهرو با حمید عباسی تعامل داشته و در آنجا به سوالات وی در مورد شرکت در مصاحبه و اقامه نمازهای روزانه پاسخ داده است. او توضیح داده است که این مشاهدات را از طریق شکافی در چشم بند انجام داده است.

۴۰۹. وی همچنین بیان کرده است که پس از بازپرسی او را به راهروی فرعی بردند و یکی از زندانیان به او گفت که یک دادگاه سیاسی در زندان وجود دارد که تصمیم به اعدام همه غیرمسلمانان گرفته است و بسیاری از آنها قبلاً اعدام شده‌اند. در حالی که دیگران مجبور به خواندن نمازهای روزانه شدند. وی اظهار داشته است که پس از آن تصمیم به موافقت با مصاحبه و خواندن نماز گرفته است و در حین جابجایی زندانیان در راهرو توجه حمید عباسی را جلب کرده و به این ترتیب دوباره با حمید عباسی که مطلع شد او تغییر عقیده داده وارد تعامل شد. بنا به گزارش‌ها، حمید عباسی به طعنه از او پرسید که آیا این دیوارها بودند که او را با سواد و فرهیخته کردند و سپس او را به همان جایی که قبلاً نشسته بود برد. او گفته است که حمید عباسی سپس به آوردن زندانیان به کمیته ادامه داد و زمانی که کمیته از زندان خارج شد، با یکی از همکارانش بحث کرد که زندانیان در راهرو کجا قرار گیرند.

۴۱۰. علی رضا اکبری سپهر معتبر است. اطلاعاتی که وی در مورد مشاهدات حمید نوری در موقعیت‌ها و بازه‌های زمانی مرتبط ارائه کرده است

برای بررسی حقایق حقوقی استناد شده قابل اعتماد به نظر می رسد. شهادت وی نشان می دهد که حمید عباسی در بازپرسی از زندانیانی که بر اساس پاسخ های به دست آمده برای حضور در کمیته انتخاب شده اند، مشارکت داشته و در سازماندهی و استقرار زندانیان در راهروهای اصلی و راهروهای فرعی مشارکت داشته است. او زندانیان را به کمیته می آورد و می برد.

۴۱۱. وی در خصوص شناسایی حمید نوری به عنوان حمید عباسی شرحی از ظاهر حمید عباسی در گوهردشت ارائه کرده است که می توان گفت که شباهت های زیادی به ظاهر حمید نوری دارد. وی همچنین در تصویری که پس از دستگیری در فیس بوک منتشر شده، حمید نوری را به عنوان حمید عباسی شناخته و در دادگاه نیز او را شناسایی کرده است. با توجه به اینکه حمید عباسی بر اساس دیدارهای ایشان در اوین به مناسبت تولد فرزندش از جمله افراد شناخته شده برای وی بوده است، این شناسایی مطمئن تلقی می شود و از ارزش اثباتی بالایی برخوردار است.

۴۱۲. **آذرنوش همتی ایزه ای** شهادت داده است که حمید عباسی در زمان اعدام ها در زندان برای او فردی شناخته شده بوده است، زیرا او را قبلاً در بند دیده است. وی با توجه به نکات حقوقی بیان شده، به ویژه از حادثه ای در شهریور در سال ۱۳۶۷ که به کمیته معرفی شد، گفته است. او گفته است که پس از پایان جلسه کمیته باید از جایش بلند شود و بعد نگاهی به اطراف انداخته و دستیار دادستان و حمید عباسی را در قسمت پشتی سالن، حدود ۷ تا ۸ ردیف صندلی پشت سر دیده است. وی از نظر اطمینان از مشاهده، تاکید کرده است که می دانستم محاکمه دادگاه در مورد مرگ و زندگی بوده و به همین دلیل توجه ویژه ای به افراد حاضر و آنچه در اتاق می گذرد داشته است. او بیان کرده است که این حادثه یکی از ده رویداد تعیین کننده در زندگی اوست و به همین دلیل در اظهارات خود تردیدی ندارد. وی در ادامه گفته است که با حمید عباسی ارتباط چشمی داشته است و او در هنگام خروج دستور داده است که چشم بند را ببندد. حمید عباسی سپس کتف او را گرفت و به بیرون از سالن هدایت کرد. او گفته است که مطمئن بود که او را به حسینیة محل اعدام می برند.

۴۱۳. آذرنوش همتی ایزه ای نیز پس از آنچه در بازپرسی پلیس از وی ثبت شده بود اطلاعات جدیدی ارائه کرده است در باره اینکه که حمید عباسی پس از بیرون بردن او

از اتاق با لحنی تند گفت که می‌داند او، ایزه‌ای، می‌دانست که قرار است او را به کمیته ببرند. او گفته است که حمید عباسی او را به پاسداران سپرد و گفت که می‌رود تا از قاضی حکم شلاق بگیرد و برایش معلوم بود که صدای حمید عباسی است که شنیده است. او در توضیحی برای ارائه اطلاعات جدید گفته است که با گذشت زمان و فکر کردن به اتفاقات، خاطرات جدیدی به یاد می‌آورد. به اعتقاد دادگاه بدوی، همانطور که در قسمت ابتدایی شواهد در بالا ذکر شد، این پدیده بی سابقه ای نیست، بلکه برعکس، برای نحوه عملکرد حافظه طبیعی است.

۴۱۴. آذرنوش همتی ایزه‌ای در بازپرسی خوددار بود و این تصور را ایجاد میکرد که مراقب است مبالغه نشود. او رفتاری منسجم داشت و در بازگویی خاطراتش جمع و جور عمل کرده است. اینکه او حمید عباسی را در داخل کمیته دیده است، از مشاهده مستقیم و بدون چشم بند یک فرد شناخته شده در یک لحظه حساس و دردناک ناشی می‌شود که گویای صحت اطلاعات است.

۴۱۵. وی در ادامه شرحی از حمید عباسی از دوران زندان ارائه کرده است و توجه خاصی به چشم و نگاه او داشته است. او چندین بار برای شکنجه و شوک روحی تحت معالجه قرار گرفته است و چندین بار در این باره حرف زده است. او گفته مطمئن است حمید نوری همان حمید عباسی از گوهردشت است و از او کینه ای ندارد. اطلاعاتی که وی در خصوص مشاهده حمید نوری ارائه کرده است، موثق به نظر می‌رسد و ارزش اثباتی بالایی دارد.

۴۱۶. نادر حدادی مقدم در بازپرسی اطلاعاتی داده است که اوایل سال ۱۹۸۸ (پایان ۱۳۶۶) به گوهردشت آمده و قبل از اعدام‌ها ۲ تا ۳ بار بدون چشم بند از حمید عباسی مشاهداتی داشته است که در رابطه با آمدن وی اتفاق افتاده است. او به بند می‌آمد و با زندانیانی که با دفتر دادیار کار داشتند صحبت می‌کرد. نادر حدادی مقدم همچنین شهادت داده است که حمید عباسی همراه با دیگران در ۳۱ اوت ۱۹۸۸ (۹ شهریور ۱۳۶۷) به بند آمد و او و سایر زندانیان را بلند کرد و به طبقه همکف برد، جایی که آنها را وادار به نشستن و انتظار کشیدن کردند تا قبل از حضور در برابر کمیته. با این حال هیچ وقت شخصاً با حمید عباسی ارتباط برقرار نکرده است

و در این مواقع نام او را نمی دانست، اما این چیزی بود که بعداً از سایر زندانیان آموخت.

۴۱۷. وی در بازپرسی توضیحاتی درباره جزئیات چهره حمید عباسی ارائه کرده و گفته است که تصاویر حمید نوری در رسانه ها را حمید عباسی تشخیص داده و در دادگاه نیز او را شناسایی کرده است. او گفته مطمئن است حمید نوری حمید عباسی در گوهردشت است.

۴۱۸. نادر حدادی مقدم بر اساس ارزیابی دادگاه بدوی معتبر است. او در بازگویی تصاویر خاطره‌ای به شیوه‌ای خویشتن دارانه عمل کرده است. در اینجا نیز مشاهده مستقیم بدون چشم بند از فردی است که در یک لحظه آسیب زا برای او شناخته شده است که گویای درستی اطلاعات است. اما باید به این نکته توجه کرد که او فقط حمید عباسی را در چند نوبت در زندان دیده است. گفته ها پذیرفته می شود اما به طور کلی ارزش اثباتی نسبتاً کمتری برای ادعاهای دادستان در مورد ارتکاب جرم وجود دارد.

۴۱۹. محمود خلیلی در بازپرسی گفته است که قبل از اعدام بارها بدون چشم‌بند حمید عباسی را دیده است. طبق گزارش ها، او به عنوان مسئول بخش، تماس زیادی با حمید عباسی داشت. وی خود را پل ارتباطی بین زندانیان و مدیریت زندان در امور مرخصی، ویزیت بهداری، غذا و موارد دیگر عنوان کرده و اظهار داشته که با هم جلساتی داشته اند. حمید عباسی در زمان اعدام ها فردی شناخته شده بود.

۴۲۰. وی همچنین شهادت داد که پس از حضور در کمیته در ۲۷ اوت ۱۹۸۸ (۵ شهریور ۱۳۶۷) شنیده است که ناصرین به نگهبانی در راهرو اصلی دستور داده است که او را برای ادای نماز روزانه به بند ببرند. او گفته است که بعد از آن صدا فهمیده که حمید عباسی او را برده است. او گفته است که زیر چشم بند حمید عباسی و لباس پوشیدنش را یادداشت کرده، هر چند که چهره را ندیده است. بنا بر گزارش ها، حمید عباسی او را تا چند پله آورد، و باقیمانده راه را یک پاسدار همراه او بود.

۴۲۱. گفته های محمود خلیلی نسبت به آنچه در زندان در مدت مربوطه تجربه کرده است معتبر است. وقتی صحبت از ارزیابی صحت اطلاعات مربوط به مشارکت حمید عباسی در کار انجام شده در «راهروی مرگ» به میان می آید، باید توجه داشت که محمود خلیلی چهره حمید عباسی را در آن مناسبت ندیده، بلکه فقط یک سؤال بوده است. شناسایی صدا، که می توان آن را نامشخص توصیف کرد. این بلا تکلیفی تا حدودی با این واقعیت جبران می شود که محمود خلیلی به عنوان رئیس این بند بارها با حمید عباسی صحبت کرده است. وی در ادامه عنوان کرده است که تصاویر رسانه ای حمید نوری را حمید عباسی می شناسد و در دادگاه نیز او را شناسایی کرده است. با این حال، به نظر می رسد اطلاعاتی که او در مورد مشاهده حمید عباسی در راهرو اصلی ارائه کرده است، در مجموع قابل اعتماد کمتری است و بنابراین ارزش اثباتی کمتری دارد.
۴۲۲. محمد اسدجو قبل از اعدامها حمید عباسی را می شناخت. او گفته است که او را در بند بدون چشم بند و در فاصله ای کوتاه در کنار سایر مسئولان زندان دیده ام که حمید عباسی پشت سر آنها راه می رفت و یادداشت برداری می کرد. گفته می شود حمید عباسی درگیر امور زندانیان بوده و مثلاً یک بار برای دیدن زندانی که نیاز به مراقبت پزشکی داشت، آمده بود. محمد اسدجو گفته است که زندانیان دیگر به او گفته اند که حمید عباسی کیست و نامش چیست.
۴۲۳. او همچنین اطلاعاتی ارائه کرده است که در ۳۱ اوت ۱۹۸۸ (۹ شهریور ۱۳۶۷) او را به همراه سایر زندانیان به اتاقی بردند که در آنجا از او پرسیدند که آیا مسلمان هستی و آیا نمازهای روزانه خود را بجا می آوری یا خیر. او گفته است که علیرغم اینکه حوله ای دور صورتش پیچیده بود، متوجه حضور حمید عباسی در اتاق شده بود. او آن را این گونه توضیح داده است که حوله نیمه باز بوده به گونه ای که مشاهدات خود را با زاویه ای خاص از کنار ممکن می سازد. پس از پایان جلسات، وی توسط حمید عباسی به راهروی بیرون از کمیته منتقل شد. او گفته است که از آنجا حمید عباسی را در فاصله ۴ تا ۷ متری دیده است که ۳ یا ۴ نفر را به سمت آلفی تئاتر هدایت می کند. او توانست این مشاهدات را زیر چشم بند خود با قرار دادن آن در بالا انجام دهد. در آن روز در فرصتی دیگر مشاهده کرد که افرادی را به دست حمید عباسی می سپردند که درست در مقابل او صف آرایی کرده بودند که پس از آن حمید عباسی با آنها به راه افتاد.

۴۲۴. در خصوص شناسایی حمید نوری به عنوان حمید عباسی، وی پس از دستگیری عکس هایی از وی به همراه عکس پاسپورت دیده و سپس او را شناسایی کرده است. وی همچنین در دادگاه حمید نوری را حمید عباسی معرفی کرده است.

۴۲۵. محمد اسدجو نسبت به بیان آنچه در زندان در مدت زمان مربوطه تجربه کرده است صادق است. در ارزیابی اعتبار گزارش حضور حمید عباسی در جلسه مقدماتی و متعاقباً در کار انجام شده در راهروی خارج از کمیته، خاطرنشان می شود که وی توصیفی از ظاهر حمید عباسی ارائه کرده است که هیچ کس دیگری انجام نداده است. اینکه حمید عباسی به سمت جلو خم شده راه می رفت. در این زمینه باید تأکید کرد که وی در زمان مشاهدات مورد بحث نیز شناخت نسبتاً مبهمی از وی داشته است. به نظر می رسد اطلاعاتی که وی در مورد مشاهده حمید عباسی در گوهردشت در بازپرسی و در راهرو ارائه کرده است، در مجموع قابل اعتمادتر نیست و بنابراین ارزش اثباتی کمتری دارد.

۴۲۶. مهدی اصلانی تبریزی پور برای اولین بار حمید عباسی را در ۲۸ اوت ۱۹۸۸ (۶ شهریور ۱۳۶۷) دید. او گفته است که در این مناسبت او را بدون چشم بند و بدون اینکه بداند کیست دیده است، اما پس از اعدام ها از نام مستعار او مطلع شده است. او گفته است که او و ۹ نفر دیگر در بند توسط حمید عباسی انتخاب شدند و سپس به راهروی بیرون از کمیته رفتند و حمید عباسی آنها را به یک نگهبان تحویل داد. همچنین گفته است که حمید عباسی یک بار دیگر در پاییز همان سال به بند آنان آمد و سپس زندانیان دیگری که با دفتر دادیار در ارتباط بودند به او گفتند که او کیست. در نهایت، بنا بر گزارش ها، او پیش از آزادی برای سومین بار در دفتر دادیار زندان اوین با حمید عباسی در نقشی مطابق با روایت خود حمید نوری از نقشش در اوین ملاقات کرد.

۴۲۷. مهدی اصلانی تبریزی پور در کتاب کلاغ و گل سرخ و در سایر جاها پس از وقایع گفته است که در شهریور اولین بار یک نگهبان به بند آمد. و در مطالب نوشته شده نیز فقط بار از حمید عباسی نام برده و آنهم بعد از اعدام ها و در رابطه با اتفاقی در زندان اوین بوده است. او

توضیح داده است که به دلایل واضح نتوانسته تمام آنچه را که در زندان تجربه کرده در کتاب بیاورد.

۴۲۸. او عکس های حمید نوری را پس از دستگیری دیده و متعاقباً نزد پلیس عکس او را جدا کرده است. او در بازپرسی نیز چنین شناسایی را در دادگاه انجام داده و تأکید کرده است که هرگز نمی تواند خاطرات دوران اسارت را فراموش کند.

۴۲۹. مهدی اصلانی تبریزی پور با توجه به آنچه در زندان در دوره مربوطه تجربه کرده است در گفته هایش معتبر تلقی می شود. اطلاعات او به خوبی اثبات شده است و توسط تحقیقات کتبی پشتیبانی می شود. در ارزیابی صحت اظهار نظر مبنی بر مراجعه حمید عباسی به بند در شهرپور، باید در نظر گرفت که وی پیش از این حمید عباسی را ندیده بود و او را به نام نمی شناخت. بعد از دوران اعدام بود که دوباره حمید عباسی را دید و نام او را از زندانیان دیگر یاد گرفت. این واقعیت که او از قبل حمید عباسی را نمی شناخت، حقایق کمی منفی است که بر ارزش اثباتی گفته ها تأثیر می گذارد. اطلاعات باید با احتیاط ارزیابی شوند و در این زمینه کمتر قابل اعتماد به نظر می رسند. در مجموع، ارزش اثباتی شناسایی حمید نوری به عنوان حمید عباسی در دوره اعدامها ضعیف ارزیابی می شود.

۴۳۰. ابوالقاسم سلیمان پور در زمان اعدامها اطلاع چندانی از حمید عباسی نداشت. پیش از آن نیز طبق اطلاعاتی که در بازپرسی داده شد، وی تنها یک بار در دفتر کار حمید عباسی با وی ملاقات کرده بود و در آن مناسبت نیز چشمان وی را بسته بودند. او سپس از موردی گفت که در سلول انفرادی نشسته بود و شخصی در سلول را باز کرد و جویای حالش شد که در آن زمان صدای جلسه را در دفتر تشخیص داد. وی اظهار داشته است که چهره این فرد را در همان لحظه دیده و پس از آن برای سایر زندانیان در بند تعریف کرده است که توانسته اند به او بگویند که دادیار حمید عباسی با او ملاقات کرده است.

۴۳۱. در مورد دوره اعدامها، اطلاعاتی ارائه کرده است که حمید عباسی او را در فاصله زمانی ۳۱ اوت تا ۲ سپتامبر ۱۹۸۸ (۹ تا ۱۱ شهریور ۱۳۶۷) برداشت و به کمیته برد و نیز حمید عباسی و دیگران پس از آن

محاکمه او را به اتاقی آورد تا شلاق بزنند. در این موقع او را تنها با صدا شناسایی می کرد. او همچنین گفته است که پس از انتقال به اوین چند بار دیگر با او ملاقات کرده است، از جمله او را بدون چشم‌بند در دفتر دادیار قبل از آزادی در تابستان سال بعد دیده است. وی گفته است که با دیدن تصاویر پس از دستگیری در رسانه‌ها بلافاصله حمید نوری را از زندان به عنوان حمید عباسی شناخت.

۴۳۲. ابوالقاسم سلیمان پور با توجه به آنچه در زندان در دوره مربوطه تجربه کرده است در گفتار خود معتبر تلقی می شود. با این حال، این واقعیت که او قبل از دوره اعدام‌ها از حمید عباسی شناخت ضعیفی داشته است، حقایق کمی منفی است که بر ارزش اثباتی گفته‌ها تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، شناسایی در گوهردشت با تشخیص صدا انجام شد که روشی نامشخص است. با توجه به این موضوع، این روایت که حمید عباسی او را به کمیته آورده و سپس شلاق زده است، کمتر قابل اعتماد به نظر می‌رسد. ارزش اثباتی در آن بخش به طور کلی پایین است.

۴۳۳. مهرداد نشاطی ملکیان اطلاعاتی ارائه کرده است که در ۲۸ اوت ۱۹۸۸ (۶ شهریور ۱۳۶۷) او را از بند خارج کردند و ابتدا از او پرسیدند که آیا سازمان خود را محکوم می‌کند و آیا با شرکت در یک مصاحبه ویدیویی موافق است یا خیر. سپس او را به راهروی اصلی که بخش درمانگاه، ملاقات و اداری در آن قرار داشت، بردند. او گفته است که او را به اتاقی بردند و در برابر کمیته ای حاضر شد که در مورد مسلمان بودنش و اقامه نمازهای روزانه سوال‌هایی پرسیدند. ضمناً گفته است که دو روز بعد او را دوباره به راهروی اصلی بردند و همان طور که پاسدار گفته بود به برادر عباسی که قبل از آن هیچ ارتباطی با او نداشت تحویل دادند. گزارش شده است که او را به دفتر دادیار بردند و در آنجا فرمی را پر کرد که حاوی سؤالات متداول بود که متوجه شد به اضافات پرونده اش مربوط است. وی به همین مناسبت چشم‌بند زده و نتوانسته حمید نوری را حمید عباسی معرفی کند. این اطلاعات داری مقدراری ارزش اثباتی است برای اینکه فردی وجود دارد بنام حمید عباسی که در آن روز در دفتر دادیار بکار جمع‌آوری اطلاعات مشغول بوده است.

۴۳۴. رحمان درکشیده در همسایگی حمید نوری در تهران بزرگ شد. در رابطه با اطلاعات مربوط به حمید نوری با نام مستعار حمید عباسی، او بطور کلی همان اطلاعاتی را ارائه کرده است که در مقاله خود در روزنامه کار که در سال ۲۰۱۳ منتشر شد، آمده است.
۴۳۵. در این مقاله به حوادث و شرایط گوهردشت در ارتباط با اعدام‌های سال ۱۹۸۸ اشاره شده است. اولین مورد بخشی با عنوان فرعی «کمپته مرگ» است که مربوط به زمانی است که رحمان درکشیده به کمپته آورده شد. گفته می‌شود که ناصرین به این سوال اعتراف کرده و در کمپته اعلام کرده است که رحمان درکشیده تا همین اواخر به جای نام واقعی خود از نام مستعار استفاده می‌کرد. در ادامه مقاله آمده است: «ناصرین واقعاً مرا نمی‌شناخت و معلوم بود که «دست راست» او حمید عباسی (نوری) بود که به او گفته بود».
۴۳۶. دومین باری که در مقاله به حمید نوری اشاره شده در قسمتی با عنوان فرعی است. بخشی است که به دوران پس از اعدام‌ها اشاره می‌کند و در آن از جمله مواردی که زندانیان را با چشم بند از بند خارج می‌کردند، ذکر شده است که به موجب این ماده باید موارد زیر رخ می‌داد: «حمید عباسی دادستان زندان به همراه تعدادی از نگهبانان از هر یک از زندانیان سوال‌هایی را پرسیدند که آیا با شرکت در مصاحبه {جلوی دوربین} موافق هستند یا خیر... حمید عباسی (نوری) که در جوانی در همسایگی من زندگی می‌کرد. سوال- هایش را برای من تکرار کرد».
۴۳۷. آخرین مورد در مقاله در بخشی با عنوان فرعی "آزادی" است که به مصاحبه‌های انجام شده در سالن اجتماعات بعد از اجرای حکم در بهمن ماه می‌پردازد. در ادامه این مطلب آمده است: «پس از مصاحبه‌ها، ما را از سالن اجتماعات بیرون فرستادند، دلیل اعزام ما این بود که حمید عباسی نمی‌خواست من او را ببینم، بنابراین وقتی برای مصاحبه دعوت شدیم، فرد دیگری به نام رحمانی مصاحبه را انجام داد، وقتی ما را با چشم بسته بردند، حمید عباسی ما را در راهرو دید، سوال‌هایی از ما پرسید و سپس به سالن اجتماعات رفت و ما را به بند بردند».

۴۳۸. اطلاعات مندرج در مقاله شواهدی را نشان می‌دهد که حمید نوری به عنوان دستیار معاون دادستان گوهردشت با نام مستعار حمید عباسی و دست داشتن وی در اعدام‌ها در مدت زمانی که در کیفرخواست آمده است، بوده است. در اینجا می‌توان به اعتراف حمید نوری به همسایه بودن آنها در دوران کودکی اشاره کرد که این امر در قالب پشتوانه‌های مثبتی در رابطه با اظهارات رحمان درکشیده تأثیر اثباتی دارد.
۴۳۹. اما در بازپرسی معلوم شد که رحمان درکشیده حمید نوری را با نام مستعار حمید عباسی در زندان ندیده است. او توضیح داده است که نتوانسته است صدای حمید عباسی را صدای حمید نوری تشخیص دهد، زیرا او در دوران بزرگسالی شدن با حمید نوری زیاد صحبت نکرده است. اظهارات او مبنی بر حضور حمید نوری در این مواقع در گوهردشت، در عوض به اطلاعاتی در مورد آنچه در مناسبت‌های مختلف به دست آمده و محتوای آن به گفته خودش حاکی از آن است که حتماً در آنجا بوده است، استناد کرده است. در جریان بازپرسی کمیته، اطلاعاتی مبنی بر استفاده رحمان درکشیده از نام مستعار در اوین استفاده شد که به اعتقاد او فقط می‌تواند از حمید نوری باشد. با این حال، بنظر دادگاه بدوی می‌تواند این اطلاعات از پرونده او باشد باشد، بنابراین نتیجه قطعی نیست که او در گوهردشت بوده است. از این سؤال که آیا همسایه‌ای دارد که در زندان کار می‌کند یا از گمانه‌زنی‌های او مبنی بر اینکه حمید نوری نمی‌خواهد پس از اعدام‌ها با او مصاحبه کند، به این دلیل که به این ترتیب خطر افشای خود را دارد، نمی‌توان نتیجه محکمی گرفت. در نهایت، اینها نتایجی است که نمی‌توان آنها را قطعی ارزیابی کرد.
۴۴۰. با توجه به آنچه در بالا توضیح داده شد، ارزش اثباتی اطلاعاتی که حمید نوری تحت نام مستعار حمید عباسی در گوهردشت در دوره اعدام انجام می‌داد، پایین است. اطلاعاتی که او در مقاله بالا درباره آن نوشته است، این ارزیابی را تغییر نمی‌دهد. بحث همان اطلاعاتی است که مبتنی بر نتیجه‌گیری بر اساس اطلاعات است نه مشاهدات شخصی.
۴۴۱. عبدالرضا شهاب شکوهی در بازپرسی گفته است که در جریان موج اول و دوم اعدام‌ها، فردی را با لباس غیرنظامی مشاهده کرده که چندین بار همراه با پاسداران به بند آمد. از جمله در رابطه با یک زندانی که بعدها اعدام شد، در ۲۸ اوت ۱۹۸۸

(۶ شهریور ۱۳۶۷) از بند برده شد. وی همچنین گفته است که چند هفته پس از دوره اعدام‌ها به زندان اوین منتقل خواهد شد و پیش از این نیز توسط پاسدار به بند منتقل شده و گفته است که قرار است با عباسی ملاقات کند. او گفته است که پس از آن او را به اتاقی بردند که مجبور شد چشم بند خود را از آنجا بردارد و عباسی را به عنوان لباس شخصی که با پاسداران به بند آمده بود، دید و شناخت.

۴۴۲. دادگاه بدوی خاطرنشان می‌کند که عبدالرضا شهاب شکوهی چندین بار بدون چشم بند مشاهداتی از حمید عباسی داشته است. وی با ارائه توضیحاتی در خصوص جزئیات چهره حمید عباسی گفت که تصویر حمید نوری را پس از دستگیری در فیس بوک به نام حمید عباسی تشخیص داده و در دادگاه نیز او را شناسایی کرده است. با توجه به چند باری که وی در آن مواقع بدون شناخت بیشتر از حمید عباسی مشاهداتی از حمید عباسی کرده است، باید اطلاعات را با احتیاط ارزیابی کرد. این که شخصاً در دفتر دادیار با او ملاقات کرد و به او نیز اطلاع دادند که نامش عباسی است تا حدودی جبران می‌شود. بنابراین اطلاعات موجود در اظهارات و شناسایی دارای ارزش اثباتی بالاتری است.

۴۴۳. جعفر یعقوبی گفته است که حمید عباسی را یک بار قبل از اعدام‌ها دیدم که در یک مورد در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) زندانیان بند او اعتصاب غذا کرده بودند و کارکنان زندان برای جلوگیری از اعتصاب آنها آمدند. او گفته است که پس از آن، از سوی دیگر زندانیان به او گفته شده که یکی از آنها دادیار عباسی بوده است. وی همچنین گفته است که پس از اجرای اعدام‌ها در آبان ماه او را به اتاقی در قسمتی از زندان که در آن کمیته جمع می‌شد بردند و در آنجا با حمید عباسی ملاقات کرده است که بنا به گفته وی شروع به سوال کردن درباره پرونده او کرد. او گفته است که حمید عباسی در آنجا به او گفت که «قسر در رفتی». این گفته در خاطرات زندان جعفر یعقوبی با نام «مرزهای ناشناخته بین مرگ و زندگی» که در سال ۲۰۱۵ منتشر شد نیز آمده است، جایی که از جمله در آن چنین نوشته شده:

"برخی از مسئولان زندان مانند ناصریان و لشگری و عباسی (حمید نوری) در زندان گوهردشت و مرتضوی، حلوائی و حسین زاده در زندان اوین نقش فعالی در کمیته و کشتار داشتند.

از اول آبان (اکتبر) به دادیاری زندان فراخوانده شدند. این همان جایی بود که او در آنجا بود و منتظر مانده بود تا او را به سوی

کمپته مرگ ببرند. او را بردند و دستور دادند که چشم بند را بردارد. اتاق بزرگی بود که وسطش یک میز بود و یکی از دادیاران زندان (معاون دادستان) به نام عباسی پشت آن نشسته بود. او یک سری سؤالات رایج از او پرسید و پرونده او را ورق زد و بررسی کرد که روبرویش بود عباسی گفت قسر در رفتی. هانس سپس به بخش خود فرستاده شد. بدنال آن به آنها این فرصت داده شد تا دوباره ملاقاتی داشته باشند که در آذر (نوامبر/دسامبر) انجام شد".

۴۴۴. جعفر یعقوبی گفته است که اطلاعات کتاب درباره نقش فعال عباسی در کمپته و «قتل عام»، گفته بازماندگان بند ۸ است. او توضیح داده است که آنها پس از اعدام‌ها با یکدیگر تبادل اطلاعات می‌کردند و آنها بودند که می‌گفتند حمید عباسی فعال بوده است. او همچنین توضیح داده است که در حین نگارش کتاب با تحقیقات آنلاین به نام حمید نوری برخورد کرده است.

۴۴۵. می‌توان گفت که جعفر یعقوبی هیچ اظهارنظری از خود مبنی بر اثبات ادعای مشخص دادستان درباره مشارکت حمید نوری در ارتکاب جرم ارائه نکرده است. از سوی دیگر، اطلاع از ملاقات با حمید عباسی پس از اعدام‌ها، دلیل غیرمستقیم حضور وی در گوهردشت است، حتی اگر خارج از بازه زمانی مورد نظر پرونده باشد.

ارزش اثباتی متوازن

۴۴۶. پس از ارزیابی محوری ترین شواهد و همچنین شواهد معینی متشکل از افرادی که می‌توان آنها را دارای شناخت ضعیف تری از حمید نوری توصیف کرد و با در نظر گرفتن تأثیر غیرمستقیم اثباتی که تحقیق در مورد بند ۱ کیفرخواست در این قسمت دارد و چگونگی این تأثیر به روی دادرسی، دادگاه بدوی می‌تواند نتیجه‌گیری کند که مجموع ارزش اثباتی در این موضوع که آیا حمید نوری با نام مستعار حمید عباسی در دوره مورد نظر بند ۲ کیفرخواست در گوهردشت فعالیت داشته و در ارتکاب جرایم گفته شده در کیفرخواست شرکت داشته، قانع‌کننده است.

۴۴۷. به آن اطلاعاتی از سایر شرکت‌کنندگان در بازپرسی اضافه شده است که در همه موارد می‌توان گفت که شناخت ضعیف تری از حمید نوری با نام مستعار حمید عباسی داشته‌اند و اطلاعات آنها با توجه به شرایط باید با احتیاط ارزیابی شود. صرف نظر از این، می‌توان گفت کرد که چند تن از این شرکت‌کنندگان در بازپرسی، مشاهدات خود از حمید نوری را به عنوان حمید عباسی نیز گزارش کرده‌اند، چنانکه از خلاصه اطلاعات آنها در پیوست شماره ۲ رای دادگاه مشهود است، در مناسبت‌های مختلف در بازه زمانی مربوطه و در

زمینه هایی که او را به کار کمیته با اعدام ها پیوند می دهد. دیگر شرکت کنندگان در بازپرسی مشاهداتی را قبل یا بعد از اجرای حکم گزارش کرده اند که حمید نوری با نام مستعار حمید عباسی را در نقشی که دادستانی ادعا می کند به زندان گوهردشت پیوند می دهد.

۴۴۸. علاوه بر اظهارات مربوط به شرکت کنندگان در بازپرسی که در آن مشاهدات مستقیم در زندان گزارش و ارزیابی می شود، شرایط دیگری نیز وجود دارد که شواهد را تأیید می کند. از نظر انگیزه و نقش در دفتر دادیار، طبیعی به نظر می رسد که حمید نوری در جریان موج دوم نیز در جریانات حضور داشته است. رفتار او قبل و بعد از اعمالی که در بالا در بخش مربوط به موج اول اعدام ها گزارش شد، شواهد را پشتیبانی می کند. اوضاع و احوالی که در آنجا در مورد یافته های تلفن همراه وی و سایر شواهد گزارش شده و مورد ارزیابی قرار گرفته است نیز برای این بخش از کیفرخواست از اهمیت اثباتی برخوردار است.

۴۴۹. در مجموع، شواهد پشتیبان از ارزش اثباتی کم اهمیتی برخوردار نیستند و از اظهارات بیان شده در مورد نقش و مشارکت حمید نوری در آن اعمال در جریان موج دوم اعدام ها در گوهردشت اثر اثباتی دریافت می کنند.

نتیجه

۴۵۰. دادگاه بدوی می تواند اعلام کند که شواهد متشکل از چندین نفر است که در بازپرسی شرکت داشته اند و در یک رویداد در زندان حاضر بوده اند و می توانند از یکدیگر حمایت کنند. هسته مرکزی گفته های آنان در مورد نقش حمید نوری در زندان و نحوه مشارکت او در روندی که منجر به اعدام زندانیانی شد که هوادار گروه های مختلف چپ بودند و مسلمانی معتقد نبودند یا پنداشته می شد که اسلام خود را ترک کرده اند، همخوانی دارد. علاوه بر این، اظهارات آنها با شواهد دیگری پشتیبانی می شود. می توان گفت که حمید نوری حتی در اینجا نیز انگیزه، نقش، موقعیت داشته و همچنین موظف به شرکت در این اعمال طبق نظام ایران بوده است. رفتار او قبل و بعد از آن اعمال، شواهد را بیشتر تأیید می کند.

۴۵۱. با در نظر گرفتن اینکه شواهد دیگری به جز اظهارات تنها، وجود دارد که این موارد را تأیید می کند، شواهد به طور کلی قوی ارزیابی می شوند. اگرچه همه اظهارات

مستقل از یکدیگر نیستند، و خطر تاثیر پذیری وجود دارد، دادگاه بدوی معتقد است که ارزش اثباتی کلی هنوز آنقدر بالاست که ثابت شود حمید نوری در نقش دستیار معاون دادستان، به همراه و با توافق یا مشورت با دیگران، در اعدام‌ها شرکت داشت، به این صورت که در بازجویی‌ها از زندانیان شرکت می‌کرد تا افرادی را که قرار بود به کمیته معرفی کنند انتخاب کند، در راهرو اصلی و راهروهای فرعی مجاور سالنی که کمیته در آنجا محاکمات خود را اجرا می‌کرد حاضر بود، انتقال و جابجایی زندانیان در این راهروها و بردن زندانیان به داخل کمیته و آوردن آنان از کمیته را انجام می‌داد، و در سالنی که کمیته در آن بازجویی می‌کرد حضور داشت.

۴۵۲. سایر اتهامات مربوط به مشارکت حمید نوری در اعدام‌ها در این بند از کیفرخواست حمایتی در تحقیقات ندارند که به آن پایه باشد که بتوان گفت شرط اثبات را برآورده کرده است.

۴۵۳. شرکت او در روند اعدام‌ها در گوهردشت به این معنی است که او از این طریق در اجرای مجازات اعدام تعیین شده توسط کمیته، با پیروی از رویه ای که شرایط اولیه برای یک محاکمه عادلانه را برآورده نمی‌کرد، مشارکت داشته است.

۴۵۴. دادگاه بدوی اکنون به بررسی گفته‌های حمید نوری و شواهدی می‌پردازد که آن را تایید می‌کند. قبل از اینکه ارزیابی شواهد به نتیجه برسد، باید یک سنجش کلی و نهایی شواهد انجام شود. اگر ادعای دادستان تکذیب شود یا اظهارات متهم و سایر شواهد، چنان از توانی مدارک و شواهدی که گویای حقایق حقوقی دادستان است بگیرد که دیگر نتوان آنها را واجد شرایط شواهد دانست، برائت صورت می‌گیرد. در غیر این صورت پیگرد قانونی باید تایید شود.

E. بررسی سوابق حمید نوری

سؤال ۹) آیا اطلاعات حمید نوری و سایر مدارکی که علیه ادعای ارتکاب جرم استناد شود به این معناست که ارزش مدارک دادستان به حدی تضعیف می شود که دیگر شرط اثبات برآورده نمی شود؟

دادگاه بدوی دریافت کرده است که اطلاعات حمید نوری و سایر شواهد که در برابر ادعای ارتکاب جرم استناد می شود به آن حد بر شواهد دادستان تأثیر نمی گذارد که شرط اثبات دیگر برآورده نمی شود. در این بخش، دلایل ارزیابی ارائه شده است.

۴۵۵. حمید نوری در بازپرسی با اطلاعاتی که از طریق شواهد دادستانی به دست آمده مواجه شد و بر این تمرکز کرد که با خنثی کردن ادعاهای دادستان چیز دیگری غیر آنچه دادستان ادعا می کند نشان دهد. او ادعا کرد که شاهد دارد و مضامین جایگزینی ارائه کرد که در درجه اول شامل این است که آن حوادث ساختگی است و هرگز اتفاق نیفتاده و ثانیاً مرتکب دیگری وجود دارد. در ادامه دادگاه بدوی به ارزیابی اطلاعات حمید نوری می پردازد.

شاهد

۴۵۶. حمید نوری مدعی شده است که به دلیل تولد دخترش در ۲۹ اوت ۱۹۸۸ (۷ مرداد ۱۳۶۷) در دوره مورد نظر کیفرخواست در مرخصی بوده است. دادگاه بدوی اطلاعات مربوط به زمان تولد را زیر سوال نمی برد، اما اشاره می کند که حمید نوری هیچ مدرکی که ادعای مرخصی را تأیید کند در بازه های زمانی مورد بحث در پرونده ارائه نکرده است. علاوه بر این، دادگاه بدوی می تواند بیان کند که شرایط حاکم در زمان مربوطه در پرونده نیز مخالف این وضعیت است.

۴۵۷. ایران در حال جنگ بود و آتش بس هنوز به اجرا در نیامده بود که مجاهدین با پشتیبانی عراق در عملیات فروغ جاویدان در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ (۴ مرداد ۱۳۶۷) به ایران حمله کردند. بسیج عمومی در کشور به دنبال این حمله صورت گرفت، آن گونه که در گزیده ای از گزارش های خبری منابع ایرانی در ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۸ (۵ مرداد ۱۳۶۷) دیده می شود. آیت الله خمینی احتمالاً در ۲۸ ژوئیه ۱۹۸۸ (۶ مرداد ۱۳۶۷) فتوایی صادر کرد که بطور مستقیم کارفرمای حمید نوری، دادستانی انقلاب اسلامی

محل کارش در زندان های تهران و کرج را درگیر ساخت. اداره زندان گوهردشت کرج از اوین بود و بر اساس آنچه در تحقیقات مشخص شد همکاری نزدیکی بین دو زندان وجود داشت. همان گونه که در بالا اشاره شد، فتوا بر حمید نوری در سمت خود در زندان تهران و کرج تکلیف کرد که در اجرای مأموریتی که ولی فقیه دستور داده و انجام آن را به هیئتی واگذار کرده، شرکت کند. این مأموریتی بود که طبق دستورات داده شده، فوری بود و قرار بود بعد از محاکمه، برای از بین بردن دشمنان اسلام، بلافاصله حکم اعدام اجرا شود. منطقی است که فرض کنیم پروژه ای از این دست که اکنون راه اندازی شده است برای اجرای آن نیاز به استفاده از تمام منابع موجود در زندان ها دارد. اینکه حمید نوری در شرایط کنونی و با در نظر گرفتن ساختار سلسله مراتبی حاکم بر ایران با الزام به اطاعت از اوامر ولی فقیه در مرخصی طولانی تری به دلیل تولد دخترش باشد بعید است. اطلاعات او مبنی بر اینکه در طول دوره اعدام در مرخصی بوده است، ارزش اثباتی تحقیقات دادستان را تضعیف نمی کند.

اطلاعات ساختگی و نادرست

۴۵۸. حمید نوری همچنین ادعا کرده است که تحقیقات علیه وی با انگیزه سیاسی و با هدف متهم کردن وی به مشارکت در جرایم ادعایی با اتهامات ساختگی و واهی صورت گرفته است. به گفته حمید نوری، این گروه های سیاسی منتقد و مخالف رژیم ایران در خارج از کشور هستند که توطئه کرده اند. او معتقد است که در بازی سیاسی به مهره تبدیل شده است و از او برای دسترسی به نمایندگان برجسته رژیم ایران استفاده می شود.
۴۵۹. فرضیه حمید نوری این است که تعداد معدودی از بازماندگان عملیات فروغ جاویدان هنگام بازگشت به کمپ اشرف، داستانی را ساختند که اطلاعاتی را منتشر کنند مبنی بر اینکه تمام کسانی که در جنگ کشته شده اند در زندان های ایران کشته شده اند.
۴۶۰. حمید نوری اشاره کرده است که در شهادت ها ابهامی وجود دارد. اینکه به تا چه حد برخی از شاهدان خود شاهد وقایع بوده اند یا

فقط آنچه دیگران گفته اند را تکرار می کنند. این موضوع البته بطور اساسی در طی جلساتی که در دادگاه بدوی برگزار شد، روشن شده است

۴۵۱. علاوه بر این، حمید نوری تأکید کرده است که چند تن از افرادی که گفته می شود که این اعمال را همراه با او انجام داده اند، بطور مرتب در اوراق شهادت نام برده می شوند بدون اینکه نامی از او برده شود. وی همچنین اظهار داشت که شهود مستقل نیستند و ارتباطات و روابط شخصی وجود دارد و شهادت ها علاوه بر اطلاعاتی که وی مرتکب اعمال ادعایی شده است، حاوی چندین نادرستی است.

۴۶۲. از نظر دادگاه بدوی نمی توان از عدم ذکر نام حمید نوری در موارد دیگر نتیجه گرفت. شرایط ارائه شده که ممکن است دلیلی برای شک در ارزش شهادت ها ایجاد کند، به طور کلی وجود دارد و ارزیابی آن دشوار است. این واقعیت که افراد شرکت کننده در بازپرسی یک رویداد را توصیف می کنند، آنطور که وکیل مدافع ادعا می کند، به این معنی نیست که آنها در زمینه های مختلف با یکدیگر مشورت کرده یا از یکدیگر تأثیر گرفته اند. این به واقعیت نزدیک تر است که فرض کنیم گزارش های توصیفی آنها درباره وقایع در زندان ها، تجربه شخصی آنان است. اینکه چندین نفر یک چیز را تجربه کرده اند چیز عجیبی نیست. برعکس، با توجه به این واقعیت که اینها زندانیان زندانی بودند که هر اقدامی، همانطور که توضیح داده شد، اساساً تمام زندانیان را هدف قرار می دهد؛ طبیعی است.

۴۶۳. ارزش شواهد شفاهی توسط حمید نوری مورد تردید قرار گرفته که به علائم سؤال پیرامون شرایط منشأ اظهارات اشاره دارد. اشاره شده است که اطلاعات ضد و نقیضی وجود دارد، اینکه قبلاً شاکیان و شهود در زمینه های مختلف بازپرسی شده اند، تحقیقات مقدماتی آلوده به رسیدگی های قبلی در رابطه با وقایع است، پخش مستقیم دادگاه در رسانه های مختلف و اینکه ممکن است شرکت کنندگان در بازپرسی بر یکدیگر تأثیر گذاشته یا از یکدیگر تأثیر گرفته باشند.

۴۶۴. این واقعیت که اشخاصی که در مورد اطلاعات ارائه شده در تحقیقات مقدماتی مطالب ضد و نقیض گفته اند، لزوماً به معنای ساختگی بودن آنها نیست. در سطح کلی، می توان چندین توضیح برای اطلاعات متناقض ارائه شده، به ویژه از نظر جزئیات، ارائه کرد.

سوالات می توانند به عنوان مثال به طرق مختلف پرسیده شده باشند، ممکن است ترجمه اشکال داشته باشد، ممکن است به گونه ای یادداشت شده باشد که با گفته واقعی مطابقت نداشته باشد و غیره. همچنین باید تأکید کرد که برای افرادی که در بازپرسی شرکت داشته اند، موضوع به یاد آوردن وقایع بسیار قدیمی بوده که در آن جزئیات محیطی به علل طبیعی ممکن است از بین رفته یا تغییر کرده باشد. هیچ چیزی وجود ندارد که به طور کلی این نتیجه را توجیه کند که شرکت کنندگان در بازپرسی که در داستان خود تغییراتی ایجاد می کنند غیرقابل اعتمادتر از افرادی هستند که اطلاعات ثابتی ارائه می دهند. در واقع، تغییر یک داستان بسیار معقول است، زیرا مبنای توصیف شاهد، خود تغییر تصاویر حافظه است که فرد قادر است در موقعیت های مختلف بازپرسی آن ها را برانگیزد و بخاطر بیاورد.

۴۶۵. در این پرونده، شرکت کنندگان در بازپرسی برای اطلاعات جدیدی که در جریان بازپرسی در رابطه با آنچه در تحقیقات مقدماتی یا در گزارش های کتبی، مقالات یا مصاحبه هایی که آنها در آن شرکت داشته اند، ثبت شده است، توضیحاتی ارائه داده اند. در اصل، توضیح این بوده است که قبلاً اطلاعات به طور خاص پرسیده نشده بود یا پاسخ ها به طور کامل منعکس نشده بودند. یک برداشت ثابت از بازپرسی های انجام شده در دادگاه بدوی این است که شرکت کنندگان در بازپرسی، به روشی که به آنها گفته شده بود، فقط به سؤالاتی که پرسیده می شد، پاسخ های محدودی می دادند. به طور کلی، دادگاه بدوی هیچ چیز غیر عادی در مورد توضیحات ارائه شده برای انحرافات در طول بازپرسی در مقایسه با سایر مطالب نمی یابد. هیچ مورد مشخصی که حاکی از آن باشد که افراد بازپرسی شده در این پرونده تحت تأثیر گرفته اند که اتهامات نادرست به حمید نوری ببندند، به دست نیامده است. از سوی دیگر گزارش هایی حاکی از آن است که شاکتی از ساینی که اطلاعاتی در اختیار دارند خواسته است که در مراحل قانونی حاضر شده و شرکت کنند.

۴۶۶. اینکه افرادی که در محل جرم بوده و از حمید نوری اطلاع داشته اند، وی را مشاهده نکرده اند، منافاتی با عدم حضور وی یا نادرست بودن مدارک دادستان در پرونده ندارد. ممکن است توضیحات طبیعی دیگری برای این موضوع وجود داشته باشد. این به خودی خود غیرعادی نیست که افراد متوجه حضور حمید نوری در وضعیت فوق العاده ای که در صحنه جرم با جمعیت و تحرک زیاد و چشم بند حاکم بود، نشدند.

۴۶۷. این تحقیق شامل مصاحبه با مردان تقریباً همسن و با پیشینه سیاسی یا مذهبی همگن در گروه های مربوطه است. با این حال، همانطور که در بخش پیشینه در بالا نشان داده شد، باید تأکید کرد که اینان از گروه های سیاسی مختلفی هستند که نه از نظر سیاسی و نه از نظر مذهبی هیچ معیار مشترکی باهم ندارند. میان آنان افرادی هستند که دیگر پیرو یا هوادار سازمان سابق خود نیستند. همچنین مشخص شده است که تضادهای شدیدی بین افراد و گروه های خاص وجود دارد. خیلی ها حمید نوری را از قبل از زندان های دیگر می شناختند، اما افرادی هم هستند که قبل از بازه زمانی مورد نظر کیفرخواست، اطلاعات بیشتری درباره او نداشتند. تحقیقات حاوی اطلاعات متفاوتی از شاکی و شاهدان است. اکثر بازپرسی شدگان اطلاعاتی در مورد مشاهدات مستقیم گزارش کرده اند، اما به اصطلاح اطلاعات شنیداری نیز وجود دارد
۴۶۸. تقریباً همه بازپرسی شدگان، هر چند به درجات مختلف، حمید نوری را عامل این جرم معرفی کرده اند. اما موارد و موقعیت هایی که از او مشاهداتی کرده اند متفاوت است. در بسیاری از موارد حتی به هیچ یک از عناصر جرم مندرج در شرح جرم اشاره نمی شود، بلکه بیشتر معطوف به کار حمید نوری در زندان گوهردشت است. اگر بنا به ادعای حمید نوری، تحقیقات توسط بازپرسی شدگان ساخته شده باشد، منطقی است که محتوا به طور منسجم تری بر حضور حمید نوری در صحنه جرم و مشارکت در صحنه جرم متمرکز می شد. آن گونه که دادستان او را متهم می کند.
۴۶۹. به نظر دادگاه بدوی، تحقیقات هیچ گونه پشتوانه مشخصی مبنی بر اینکه شواهد به شیوه ای نامناسب به دست آمده است ارائه نمی دهد. از سوی دیگر، نمی توان رد کرد که تاثیرهایی بر جزئیات وجود داشته که بازپرسی شدگان معتقدند که در تمام جلسات و مصاحبه هایی که ممکن است در آن شرکت کرده بودند، به خاطر داشته اند، و با توجه به گذشت زمان طولانی جزئیات را فراموش کرده اند.
۴۷۰. به طور خلاصه، هیچ دلیلی برای انتقاد از قابلیت اطمینان و استحکام تحقیقات وجود ندارد. شرایط به اندازه کافی مشخصی ارائه نشده است که نشان دهد تحقیقات ساخته شده و سازماندهی شده است یا اینکه هر گونه دخالت نادرست دیگری از سوی گروه های سیاسی در تحقیقات صورت گرفته است.

نظریه جایگزین حمید نوری محتمل نیست و بر ارزش اثباتی تحقیقات دادستان تأثیری ندارد.

مرتکب جرم فرد دیگری است

۴۷۱. حمید نوری البته مدعی شده است که ممکن است یک مرتکب جایگزین در گوهردشت از همان نام مستعار او استفاده کرده باشد. با عنایت به ارزیابی جامع شواهد فوق مبنی بر شناسایی حمید نوری به نام حمید عباسی، دادگاه بدوی می‌تواند هرگونه اشتباه با مرتکب جایگزین را منتفی اعلام کند. فرضیه جایگزین نیز ارزش اثباتی تحقیقات دادستان را تضعیف نمی‌کند.

متفرقه

۴۷۲. توضیح حمید نوری در مورد اینکه چرا مشخصات تماس افراد مرتبط با قوه قضائیه و زندان‌ها از جمله گوهردشت در ایران را پیش از عزیمت به سوئد در تلفن همراه خود حذف کرده است می‌گوید که می‌خواسته مانع از دسترسی هرش صادق ایوبی به اطلاعات تماس تلفن همراهش شود. او گفته است که در بازدیدهای قبلی، هرش صادق ایوبی از تلفن همراه او استفاده کرده و با دوستان خود تماس گرفته و در آنجا مسائل سیاسی مربوط به قوه قضائیه را مطرح کرده است. وی در ادامه گفته است که نمی‌دانست هرش صادق ایوبی بستگانی داشته که اعدام شده‌اند، اما بعداً در بازپرسی از او این موضوع را خوانده است. بر اساس ارزیابی دادگاه بدوی، اطلاعات معقول نیستند و بنابراین می‌توان آنها را نادیده گرفت. توضیح او بر ارزش اثباتی شواهد دادستانی تأثیری ندارد.

سنجش کلی و نهایی شواهد

۴۷۳. در سنجیدن کلی و نهایی شواهد، می‌توان اظهار داشت که مدارک دادستان به طور کلی قوی ارزیابی می‌شود. شواهد و قرائن بر خلاف آن است که این اتفاق به شکلی که حمید نوری گفته است رخ داده است. اطلاعات او با هیچ مدرکی در پرونده پشتیبانی نمی‌شود. این بدان معناست که سیر وقایع آن چیزی نبوده که حمید نوری ادعا کرده است. اینکه این یک توطئه است و در زمان وقوع جرم در تعطیلات بوده و یا با مرتکب دیگری اشتباه گرفته شده است. همچنین شواهد مورد استناد حمید عباسی، حمایت بسیار قوی ای را که مدارک موجود در پرونده از کیفرخواست می‌کند، تضعیف نمی‌کند.

فاقد هرگونه اشاره ای به طریق سوم است یعنی سیر رویدادها به نحوی بوده که نه شاکیان و نه حمید نوری بیان کرده باشند.

نتیجه این است که بدون هیچ شکی حمید نوری مرتکب اعمالی شده که به اعتقاد دادگاه بدوی ارتکاب آن مطابق آنچه که در بالا آمده ثابت شده است. ۴۷۴

F. قصد، مجرمیت و عنوان جرم

دادگاه بدوی به این نتیجه رسیده است

- که حمید نوری به قصد عمل کرده است
- مشارکت او به عنوان ارتکاب جرم توصیف می شود
- که عمل موضوع بند ۱ کیفرخواست باید به عنوان جرم علیه حقوق بین الملل، جرم فاحش ارزیابی شود و نیز
- این که اعمال موضوع بند ۲ کیفرخواست به عنوان قتل ارزیابی می شود.

در این بخش، دلایل ارزیابی ها گزارش شده است.

قصد

ممکن است ثابت شود که حمید نوری جریان وقایع جاری را به نحوی که در احکام جزایی آمده است درک کرده است. ۴۷۵ در مورد موضوع بند ۱ کیفرخواست باید تاکید کرد که وی از جنگ بین ایران و عراق/مجاهدین آگاه بود و شرایط جنگ به گونه ای بود که بین ایران و عراق درگیری مسلحانه بین المللی رخ داده بود. او همچنین از مشارکت فعال مجاهدین در این درگیری همراه با عراق اطلاع داشت و از این رو می توان گفت که این بینش و آگاهی را داشت که این گروه بخشی از درگیری های مسلحانه بین المللی شده است. بنابراین او باید درک کرده باشد که قربانیان جرم متعلق به یک حلقه محافظت شده از افراد مشمول مقررات انسان دوستانه حقوق بین الملل هستند.

در مورد عمل مجرمانه، تحقیقات نشان می دهد که او بطور عمد عمل کرده است. وی کاملاً مطابق با هدف مندرج در فتوا عمل کرده و در کشتار زندانیان مجاهد مشارکت داشته است و همچنین تا آنجا که به موضوع بند ۲ کیفرخواست مربوط می شود در کشتار هواداران گروه های مختلف چپ که از اعتقادات اسلامی خود دست برداشته بودند شرکت کرده است. بنابراین حمید نوری قصد لازم را برای اعمال کیفرخواست داشته است. ۴۷۶

مجرمیت

۴۷۷. رویدادهای جاری، همانطور که قبلاً مشخص شد، شامل رویدادهای بزرگ و بسیار دشواری هستند با چندین نفر که درگیر آنند. بحث اعمالی است که چند نفر با هم همکاری داشته اند و افراد مختلف کارکردهای متفاوتی برای اجرا داشته اند. بنابراین ارزیابی دادگاه بدوی عمدتاً بر آنچه افراد درگیر در یک سطح مشترک انجام داده اند متمرکز شده است، زیرا این عمل مشترک انجام شده است که شرایط لازم برای جنایات ادعایی را برآورده می کند.
۴۷۸. با توجه به شرکت حمید نوری در روند اقدامات دادگاه بدوی می تواند اعلام کند که حمید نوری فعالانه در اجرای اعمال خود در زندان شرکت داشته است. شرایط به گونه ای ارزیابی می شود که می توان شرکت حمید نوری را در این اعمال، حتی اگر بطور مستقل شرایط مندرج در مجازات را نداشته باشد، به عنوان مجرمیت به معنایی که در بند ۲ از ماده ۴ از فصل ۲۳ قانون کیفری ذکر شده است، معرفی کرد.

عنوان جرم

۴۷۹. عمل مجرمانه موضوع بند ۱ کیفرخواست طبق ماده ۶ از فصل ۲۲ قانون کیفری باید به عنوان جرایم مربوط به حقوق بین الملل عنوان داده شود. بر اساس همین ماده، هنگام ارزیابی جدی بودن جرم، تا آنجا که در حال حاضر به آن مربوط می شود، باید توجه ویژه ای به این موضوع داشت که آیا این جرم از طریق تعداد زیادی اقدامات جداگانه انجام شده است یا اینکه افراد زیادی به دلیل جنایت کشته شده اند.
۴۸۰. دادگاه بدوی می تواند اعلام کند که حمید نوری در تعداد زیادی از اقدامات جداگانه شرکت کرده است که بر بسیاری از شاکیان تأثیر گذاشته است. این اقدامات در یک درگیری مسلحانه بین المللی در مدت زمان نسبتاً محدود و در همان مکان انجام شده است. افراد زیادی کشته شده اند. بیشتر افراد با پیشینه سیاسی یا مذهبی مشابه را هدف قرار داده است. از شکل دهی مقررات چنین مشخص می شود که تنها یک جرم می تواند وجود داشته باشد، حتی اگر جرم در موارد مختلف بر چندین نفر تأثیر گذاشته باشد. در مجموع شرایط به گونه ای است که جرم واحدی است که می توان آن را جرم سنگین ارزیابی کرد.

۴۸۱. در بند ۲ کیفرخواست، همچنین بحث یک آیین دادرسی کیفری است که در آن افراد زیادی کشته شدند، از جمله ۲۴ نفر در ضمیمه C که دادگاه بدوی متوجه شد آنان را اعدام کرده‌اند. عمل مجرمانه تحت این اتهام طبق ماده ۱ از فصل ۳ قانون کیفری نسخه پیش از ۱ ژوئیه ۲۰۰۹، به عنوان قتل قابل قضاوت است.

III. مجازات و بزرگی آن

مجازات زندان ابد تعیین شده است.

۴۸۲. حمید نوری فعالانه در یک روند اقدامات مجرمانه شرکت کرده است که در آن تعداد بسیار زیادی از افراد تحت حمایت مقررات بشر دوستانه حقوق بین الملل به دنبال رویه‌ای که شرایط یک دادرسی عادلانه را برآورده نمی‌کرد، اعدام شدند. او همچنین به طور فعال در اقداماتی شرکت کرده که در آن تعداد بسیار زیادی از افراد به دلیل یک موضع گیری مذهبی در پی رویه‌ای که الزامات یک دادرسی عادلانه را برآورده نمی‌کرد، اعدام شدند. این یک جرم فوق‌العاده سنگین است و مجازات آن، حتی با در نظر گرفتن اینکه مدت قابل توجهی که از ارتکاب اعمال گذشته است، جز حبس ابد نیست.

IV. خسارات

دادگاه بدوی حمید نوری را به پرداخت 40 000 کرون خسارت به هریک از شاکیان مستحق دریافت غرامت محکوم می‌کند.

در این بخش، دلایل این تصمیم ارائه شده است.

مقدمه

۴۸۳. شاکیان هر یک به مبلغی به کرون سوئد به ارزش 4,800,000,000 ریال ایران (تقریباً 1,155,000 کرون) درخواست غرامت کرده‌اند. هیچ شرایط دیگری در حمایت از ادعای خسارات غیر از آنچه در شرح دادستان از عمل آمده است، مورد استناد قرار نگرفته است. طرفین توافق می‌کنند که قانون ایران باید در مورد دعاوی فردی اعمال شود (ر.ک. NJA 1969 ص 163).

۴۸۴. شاکیان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ بخشی که از بستگان زندانیانی که کشته شده‌اند تشکیل می‌شوند (که در لیست های A و C یافت می‌شود، به پیوست ۱ رای دادگاه مراجعه کنید)، و بخشی دیگر زندانیان آزاد شده هستند (که در لیست B، پیوست ۱ رای دادگاه یافت می‌شود). همه آنها برای رنج روحی که

بدلیل این جرایم متحمل شده اند، درخواست غرامت کرده اند و به عنوان مبنای قانونی در قانون ایران به بند ۱ قانون مسئولیت مدنی از سال ۱۹۶۰ و بند ۵ از ماده ۳ قانون دیه از سال ۱۹۸۲ استناد شده است. مبالغ درخواستی معادل یک دیه (پول خون) است. با توجه به ارزش تعیین شده توسط بانک مرکزی ایران در ماه مارس ۲۰۲۱ شاکیان در خصوص معقول بودن این مبلغ به طور ویژه به قانون ایران، ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۲۱۰ قانون دیه اشاره کرده اند.

اعمال قوانین خارجی

۴۸۵. هنگامی که یک دادگاه سوئدی قواعد حقوقی خارجی را اعمال می کند، باید به عنوان نقطه شروع، قوانین را به همان روشی که دادگاه در کشور دیگر انجام می دهد تفسیر و اعمال کند (اصل اعمال وفادارانه). با این حال، در صورتی که محتوای قانون خارجی ناشناخته باقی بماند، یک دادگاه سوئدی ممکن است مجبور باشد فرض کند که قانون خارجی با قانون سوئد مطابقت دارد، مگر اینکه چیزی به طور خاص مخالف آن باشد (نگاه کنید به NJA 2016، ص 288، ص 17-19).

محتوای حقوق ایران

۴۸۶. دادگاه بدوی در ادامه محتوای قوانین ایران را برای رسیدگی به دعاوی خسارت به نحوی که از طریق تحقیقات مورد استناد شاکیان بدست آمده است، ارایه می کند.

قانون مسئولیت مدنی از سال ۱۹۶۰

۴۸۷. مقررات مورد استناد قانون مسئولیت مدنی با توجه به ترجمه ارسالی دارای محتوای زیر است.

ماده ۱ هر کس بدون اجازه قانونی از طریق عمد یا سهل انگاری به جان و سلامت، مال، آزادی، تمامیت، شهرت تجاری یا هر حق قانونی دیگری لطمه ای وارد کند که موجب خسارات مادی یا غیر مادی شود، مسئول خسارات ناشی از آن عمل خود می شود

ماده ۳ دادگاه میزان خسارت و نحوه و کیفیت غرامت را بسته به شرایط مربوط به حادثه تعیین می کند.

۴۸۸. از آن نظر حقوقی کتبی تألیف محمد نیری، حقوق دان، دکتر و جلسه مشورتی کارشناسی با وکیل دعاوی ایرانی محمد غلیایی فرد موارد زیر را آشکار شده است. این قانون در سال ۱۹۶۰ وارد نظام حقوقی غرب شد که در آن زمان

در ایران حاکم بود و تعیین غرامت بین طرفین را زمانی که قراردادی وجود ندارد مطابق با اصول عمومی قانون مدنی تنظیم می کند. این قانون حتی پس از انقلاب ۱۹۷۹ نیز توسط دادگاه‌های ایران اعمال می شد، اما تبدیل به قانون کمکی برای دعاوی مطرح شده بر اساس قانون دیه شد که از سال ۱۹۸۲ اعمال می شود. قانون مدنی خسارات غیر مادی را پوشش می دهد، به این معنی که ممکن است برای چنین رنج روحی که شخصی برای دیگری از روی عمد یا غفلت بیافریند غرامتی صادر شود.

قانون دیه از سال ۱۹۸۲

۴۸۹. مقررات مورد استناد قانون دیه ایران فعلا با توجه به ترجمه ارسالی دارای مطالب زیر است.

۳§. دیه برای کشتن یک مرد مسلمان یکی از شش گزینه زیر است که توسط خلافکار انتخاب شده است. و اختلاط آنها جایز نیست:

[...]

۵. یک هزار دینار مسکوک بدون عیب و بدون آلیاژ، هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود [...]

۲۱۰§ در کلیه مواردی که به موجب این قانون ارش مقرر شده و یا تعیین میزان غرامت به عهده قاضی می باشد، قاضی با در نظر گرفتن دیه کامل انسان و نوع آن، شرایط جرم و خسارت وارده، دیه را تعیین می کند...

۴۹۰. از نظر حقوقی موارد زیر حاصل می شود. زمانی که نظام حقوقی در ایران پس از انقلاب، اسلامی شد، قوانین متعددی از جمله قانون دیه برای هماهنگی حقوق کیفری با شرع ارائه شد. جرایم علیه جان و سلامت طبق قانون قصاص (انتقام) مجازات می شود که به موجب آن همان ضرری که به قربانی جرم وارد شده به محکوم وارد می شود یا از راه دادن دیه (پول خون) مجازات انجام می گیرد. این شاک یا بستگان بازمانده او هستند که درخواست می کنند چه حکمی صادر شود. دیه مربوط به قتل یک مرد مسلمان هر ساله توسط بانک مرکزی ایران تعیین می شود و معیاری است که تمام مطالبات غرامت از آن محاسبه می شود.⁷⁶

⁷⁶ Se även Said Mahmoudi och Ali Chahandeh, Om brott och straff i Iran, Svensk Juristtidning, Häfte 4, 2001, s. 347 372.

۴۹۱. محمد غلبایی فرد در بازپرسی خود صحت نظر حقوقی را در این زمینه تأیید کرده است.

مسئولیت حمید نوری در قبال خسارات وارده

چه کسانی شایسته دریافت غرامت هستند؟

۴۹۲. دعوی شاکیان مختار بروجردی شالاوند و خدیجه برهانی برای جبران خسارت باید رد شود، زیرا در قسمت مسئولیت مشخص نشده است که بستگان مربوطه آنها در زندان گوهردشت طبق شرح جرم اعدام شده اند. اما در مورد محاکمه به طور کلی، حمید نوری طبق ماده اول قانون مسئولیت مدنی ایران در قبال رنج روحی که به دلیل رفتار مجرمانه خود برای سایر شاکیان ایجاد کرده است، فی نفسه مسئول خسارت است.

۴۹۳. از طریق محاکمه در قسمت مسئولیت ثابت شده است که شاکیان پیوست B (زندانیان آزاد شده) از طریق رفتار مجرمانه در معرض رنج شدید روحی قرار گرفته اند. بدین ترتیب همچنین می توان محرز دانست که آن رفتار مجرمانه موجب رنج روحی و روانی آنان شده است که به منزله خسارت غیر مادی است که طبق تحقیقات، مشمول قانون مسئولیت مدنی ایران می باشد. به همین ترتیب مشخص شد شاکی که بستگان وی طبق شرح جرم اعدام شده اند، متحمل خسارت غیر مادی قابل جبران به صورت رنج روحی شده است.

میزان خسارت و غیره

۴۹۴. شاکیان هر کدام تقریباً ۱.۱۵۵.۰۰۰ کرون درخواست کرده اند، و همانطور که می توان فهمید، به طور خاص به ماده ۳ قانون مدنی در رابطه با نهاد حقوقی ایران در مورد دیه و مبلغ پرداختی به صلاحدید قاضی اشاره کرده اند. کشتن یک مرد مسلمان با توجه به منطقی بودن مبالغ مطالبه شده، دادگاه بدوی ارزیابی زیر را انجام می دهد.

۴۹۵. از تحقیقات معلوم شد که غرامت به موجب قانون دیه در جرایم علیه جان و سلامت تعلق می گیرد و صاحب پرونده می تواند به جای مجازات دیگری در قالب تنبیه بدنی چنین غرامتی را مطالبه کند. بر خلاف

قانون حق غرامت و خسارت، برای نمونه در سوئد و اصول کلی قانون مدنی در این خصوص، هدف دیه علاوه بر جبران خسارت وارده، مجازات مرتکب نیز می باشد. به همین دلیل، به گفته دادگاه بدوی، برای مبالغ بعدی نمی توان در ارزیابی غرامتی که طبق قانون مدنی باید بطور معقول بابت خسارت غیر مادی تحمل شده، به شاکیان پرداخت شود، اهمیت قائل شد. با بررسی قوانین ایران مشخص نشده است که بتوان هردوی این مقررات را انجام داد. چنین ارزیابی از ادعای غرامت غیر اجباری را با توجه به اهداف مختلف قوانین نمی توان معقول توصیف کرد. دادگاه بدوی اضافه می کند، در صورتی که در ارزیابی مورد نظر شاکیان به قانون دیه اهمیت داده شود، چنین اعمالی از قوانین ایران، به دلیل وجود عناصر مجازات مضاعف ناشی از مبالغ بالا، به وضوح موجب خواهد شد با اصول سیستم حقوقی سوئد ناسازگار باشد.

۴۹۶. در غیاب رویه قضایی ایران و سایر تحقیقاتی که مبالغ غرامت در صورت رنج روانی با اعمال قانون مدنی پرداخت می شود، دادگاه بدوی به دنبال راهنمایی در قوانین مربوطه سوئد در مورد این ارزیابی است. با توجه به اینکه خسارت در سال ۱۹۸۸ رخ داده است، قوانین و اصول حاکم در آن زمان است که باید مورد توجه قرار گیرد (رجوع کنید به NJA 2017 ص 938).

۴۹۷. طبق قانون خسارات ۱۹۷۵، برای خسارات ناشی از رنج روحی موقت (درد و دیگر ناراحتی های جسمانی) می توان غرامت پرداخت کرد. درخواست شاکیان برای جبران رنج روحی آنها را می توان در بیشترین ارتباط با این نوع خسارت غیر مادی دانست. در رویه قضایی سوئد، میزان غرامت نیز کاملاً شابلونی تعیین می شود به صورت مقطوع و در صورت لزوم با استفاده از شواهد تا آنجا که به میزان خسارت مربوط می شود.

۴۹۸. هنگامی که یکی از بستگان نزدیک، کشته شده است، بازماندگان می توانند، طبق قوانین سوئد، غرامتی را برای رنج روانی که در نتیجه مرگ متحمل شده اند، بر اساس الگو (شابلون) های قابل اعمال دریافت کنند. با توجه به رویه رایج در زمان مورد بحث در پرونده، غرامت برای بازماندگان در صورت قتل عمد به میزان ۲۵۰۰۰ کرون (به NJA 1993 ص 41 و 2000 ص 521 مراجعه کنید) بود. با توجه به ماه ها بلا تکلیفی که در مورد سرنوشت بستگان اعدام شده وجود داشت، اینکه محل دفن بستگان نشان مخفی بوده و هنوز هم چنین است،

می توان درک کرد که این شرایط برای مشکلات روحی آنها چه بوده است؛ دادگاه بدوی معتقد است که با تحقیقات در این پرونده مشخص شده است که شاکیانی که یکی از بستگان خود را از دست داده اند، خسارت بیشتری از اعدامها متحمل شده اند و اینکه به طور معقول باید به هر کدام ۴۰۰۰۰ کرون تعلق غرامت گیرد. دلیلی وجود ندارد که میان شاکیان از نظر میزان غرامت رنج روحی تفاوت قائل شویم.

۴۹۹. شاکیان در پیوست B نیز به دلیل جرایم انجام شده دچار ناراحتی روحی قابل ملاحظه ای شدند. همچنین تحقیقات پزشکی دقیقی در رابطه با رنج روحی در مورد آنها انجام نشده است، اما بر اساس داده های بازپرسی آنها و آنچه در مورد توالی وقایع و ترس از زندگی ایجاد شده ثابت می کند که آنها در معرض رنج روحی قرار گرفته اند که در هر صورت با شاکیانی که بستگان خود را از دست داده اند قابل مقایسه است. به همین دلیل، دادگاه بدوی معتقد است که یک غرامت معقول به مبلغ ۴۰۰۰۰ کرون برای مشکلات روحی که آنها متحمل شده اند به آنان پرداخت شود. به دلیل نبود بررسی بیشتر، نمی توان مبلغ بیشتری را اعطا کرد.

۵۰۰. در پایان می توان اظهار داشت که به دلیل نبود مطالبات در این خصوص، بهره پرداخت نمی شود.

V. دعاوی خاص

اخراج

۵۰۱. حمید نوری به جرم بسیار سنگین به زندان محکوم شد. بنابراین نباید اجازه داده شود در کشور بماند. می توان اشاره کرد که او در زمان بازداشت بطور موقت در اینجا اقامت داشته است. او هیچ ارتباط قوی با اینجا ندارد. بعلاوه، گمان می رود مانعی برای اجرای تصمیم اخراج وی به ایران وجود ندارد. در مجموع، دلایلی برای اخراج او با ممنوعیت بازگشت به اینجا بدون محدودیت زمانی وجود دارد.

توقیف مدارک

۵۰۲. درخواست توقیف دلیل قانونی دارد و مورد قبول واقع می شود.

VI. متفرقه

دستمزدها

۵۰۳. وکلای مدافع تسخیری و نمایندگان شاکیان در قبال کار، وقت تلف شده و هزینه هایی که ماموریت مستلزم آن بوده است، مستحق دریافت دستمزد معقول از محل منابع عمومی هستند. دستمزد کار باید بر اساس زمان مصرف شده معقول با توجه به ماهیت و وسعت ماموریت و با استفاده از استاندارد هزینه ساعتی تعیین شود (به فصل 21 § 10 بند اول قانون آیین دادرسی مراجعه کنید. § 5 قانون [1988:609] در مورد وکیل شاکی در مقایسه با § 27 قانون کمک حقوقی [1996:1619]).
۵۰۴. دستمزد به طور معمول بر اساس استاندارد هزینه ساعتی نرخ پرونده جنایی محاسبه می شود، حتی در مواردی که این نرخ قابل اعمال نیست. با این حال، زمانی که ماهیت هدف یا دلیل خاص دیگری آن را ایجاب می کند، می توان از استاندارد هزینه ساعتی چشم پوشی کرد. غرامت بالاتر از آنچه از هنجار ناشی می شود - به اصطلاح افزایش دستمزد - در موارد استثنایی رخ دهد، از جمله مواردی که پرونده مسائل یا مشکلات قانونی غیرعادی را مطرح می کند که ارزیابی آنها دشوار است یا زمانی که جلسه رسیدگی اصلی برای مدت قابل توجهی ادامه داشته است (نگاه کنید به NJA 1993، ص 237).
۵۰۵. دانیل مارکوس برای کار 4,776,712 کرون بدون مالیات بر ارزش افزوده برای 2,744.5 ساعت که 1,703 ساعت با افزایش حقوق در طول دوره زمانی 1 ژوئن 2021 تا 4 مه 2022 و نیز 258,060 کرون، برای 195.5 ساعت وقت تلف شده درخواست کرده است. علاوه بر این، او 519,939 کرون هزینه داشته که درخواست پرداخت آن را کرده است.
۵۰۶. توماس سودرکوئیست برای کار 4,792,339 کرون بدون احتساب مالیات بر ارزش افزوده برای 2,756 ساعت دستمزد تقاضا کرده است که 1,719 ساعت آن با افزایش دستمزد در طول دوره 1 ژوئن 2021 تا 31 مه 2022 و نیز 331,320 کرون، برای 251 ساعت وقت تلف شده درخواست دستمزد کرده است. علاوه بر این، او مبلغ 622,990 کرون هزینه داشته که تقاضای پرداخت آن را دارد.
۵۰۷. یوران یالمارسون برای کار 1,978,424 کرون بدون مالیات بر ارزش افزوده برای 1,372 ساعت و 165,730 کرون برای 129 ساعت زمان از دست رفته درخواست دستمزد کرده است. علاوه بر این، 84,503 کرون هزینه ها داشته که درخواست پرداخت آن را دارد.

۵۰۸. گیتا هادینگ و پیری برای کار با 1,975,259 کرون بدون مالیات بر ارزش افزوده برای 1,186.7 ساعت، 554.7 ساعت با افزایش نرخ از 22 اکتبر 2021 و نیز 111,270 کرون برای 90.5 ساعت زمان از دست رفته درخواست دستمزد کرده است. علاوه بر این، او 58823 کرون هزینه داشته که درخواست پرداخت آن را کرده است.
۵۰۹. بنگت هسلبری برای کار با 2,369,536 کرون بدون مالیات بر ارزش افزوده برای 1,335 ساعت، که 933.75 ساعت آن با افزایش دستمزد از 10 اوت 2021 و با 133,821 کرون برای 102 ساعت زمان از دست رفته، درخواست دستمزد کرده است. بنگت هسلبری پس از اشاره دادستان ها درباره پی دقتی در مورد تعداد ساعات کار، 12.75 ساعت از آن انصراف داده است که هشت ساعت آن با افزایش دستمزد بود. علاوه بر این، او برای مخارج خود 68784 کرون مطالبه کرده است.
۵۱۰. دادستان مطابق بند 1 آیین نامه (2005:77) در مورد کنترل برخی مطالبات دستمزد، در مورد ادعای دستمزد وکلای مدافع و وکیل شاکی اظهار نظر کرده است. هیچ اعتراضی به دستمزدی که یوران یالمارسون و گیتا هادینگ و پیری درخواست کرده‌اند نیست، اما از سوی دیگر دستمزدی که دانیل مارکوس، توماس سودرکوئیست و بنگت هسلبری درخواست کرده‌اند، دادستان معتقد است که دستمزد باید در بخش‌های خاصی کاهش یابد.

افزایش دستمزد

۵۱۱. در ابتدا می توان گفت که پرونده بسیار گسترده بوده و مدت زیادی ادامه داشته است. حمید نوری در 9 نوامبر 2019 بازداشت شد و پس از دو تغییر وکیل، دانیل مارکوس در 12 فوریه 2020 به عنوان وکیل مدافع حمید نوری منصوب شد. توماس سودرکوئیست در 16 ژوئن 2020 به عنوان وکیل دوم منصوب شد. کیفرخواست در 27 ژوئیه 2021 صادر و جلسه رسیدگی اصلی از 10 اوت 2021 تا 4 مه 2022 و در مجموع 92 روز دادرسی برگزار شد. زمان موثر مذاکره (بدون وقفه) 426 ساعت بوده است. علاوه بر این، چندین مذاکره برای تمدید بازداشت صورت گرفته است. ضمناً باید تاکید کرد که پرونده مربوط به جرایم بسیار سنگینی است که مدت‌ها پیش در ایران انجام شده است، مسائل و مشکلات حقوقی نه چندان پیچیده را به فعلیت رسانده است. با در نظر گرفتن دامنه و ماهیت پرونده، دادگاه بدوی ارزیابی می کند

وکلائی تسخیری در تقاضای خود برای افزایش دستمزد در بازه های زمانی اعلام شده آنان، درخواست حق دارند.

۵۱۲. تا آنجا که به دستیاران شاکی مربوط می شود، تکلیف آنها نیز متضمن چنین تعهدی به این هدف بوده است که ممکن است انحراف از استاندارد هزینه ساعتی تا حدی که خواسته شده موجه تلقی شود.

دستمزد برای کار

۵۱۳. همانطور که در بالا ذکر شد، دانیل مارکوس در ۱۲ فوریه ۲۰۲۰ به عنوان وکیل حمید نوری و توماس سودرکوئیست در ۱۶ ژوئن ۲۰۲۰ منصوب شد. بنابراین این انتصاب دانیل مارکوس تقریباً دو سال و دو ماه از زمان انتصاب تا زمان رسیدگی به جلسه اصلی ادامه داشته است و پس یک سال و یازده ماه برای توماس سودرکوئیست به پایان رسید. در تمام این مدت، حمید نوری از آزادی محروم بود، با محدودیت هایی در کشوری که هیچ ارتباطی با آن نداشت و زیانش را نمیدانست. علاوه بر این، اتهامات سنگین کیفی و تحقیقات مقدماتی گسترده با شاکیان فراوان، حجم بسیار زیاد مواد و اکثر بازپرسی های پلیسی که مستلزم حضور مدافعان بود. این پرونده همچنین توجه دیگران غیر از طرفهای دعوا اعم از رسانه ای و بین المللی را به خود جلب کرده بود که بر مأموریت وکلای مدافع تأثیر می گذاشت. با این اوصاف، دادگاه بدوی می تواند بیان کند که انتصاب به عنوان وکیل عمومی در این پرونده مستلزم حجم غیرعادی و زیادی کار بوده است.

۵۱۴. تعیین دو مدافع برای حمید نوری همانطور که دادستان ها اشاره کرده اند باید در ارزیابی دستمزد مورد توجه بوده و منطقی است که تراز مبالغ مطالبه شده و ارزیابی کلی صورت گیرد. در مواردی که دو وکیل مدافع عمومی تعیین شده اند، لازم است - حداقل از نظر هزینه - برای جلوگیری از تکرار کار، کار بین مدافعان توزیع شود. از گزارش های کار دانیل مارکوس و توماس سودرکوئیست چنین بر می آید که چنین تقسیم کار نیز تا حد زیادی انجام شده است، که در جلسه اصلی نیز مشهود بود. از جمله در مورد توزیع کارهای مربوط به بیان حقایق، اظهارات پایانی و بازجویان بین آنها بوده است. اما با توجه به ماهیت پرونده، دادگاه بدوی می داند که تقسیم کار ممکن نیست

به طور کامل انجام شود. بنابراین، همانطور که وکلای مدافع ادعا کرده اند، اینکه هر دو مدافع تا حد معینی مراحل کاری مشابهی را انجام می دهند، توجیه دارد.

۵۱۵. با توجه به زمان صرف شده برای خواندن گزارش تحقیقات مقدماتی، دادگاه بدوی ملاحظات زیر را بیان می کند. در ابتدا می توان گفت که مطالب تحقیقات اولیه بسیار گسترده است و عمدتاً شامل متن با عناصر کمی از تصاویر است. همچنین عمدتاً از داده های بازپرسی، نظرات و گزارش های کارشناسی و حقوقی تشکیل شده است. قسمتی نه چندان کم اهمیت به انگلیسی نوشته شده است. با این پیشینه زمان اظهار شده از سوی وکلای مدافع برای این کارها را می توان معقول دانست و این نیز با توجه به ماهیت خاص پرونده قابل توجیه است.

۵۱۶. به طور کلی، دادگاه بدوی معتقد است دستمزد کاری که وکلای مدافع مطالبه می کنند معقول است و بنابراین باید در آن قسمت مطالبات اعطا شود.

۵۱۷. Ghita Hadding Wiberg و Göran Hjalmarsson به ترتیب به 13 و 9 شاکي در وظایف خود به عنوان وکیل شاکي کمک کرده اند. از میان این شاکيان، دو نفر از کسانی که یوران یالمارسون نماینده آنها بود بستگان زندانیان هستند که ادعا می شود اعدام شده اند و پنج نفر از کسانی که گیتا هادینگ وپیری آنان را نمایندگی میکرد، چنین شاکيانی بوده اند.

۵۱۸. با در نظر گرفتن ماهیت پرونده و محدوده تکالیف، دادگاه بدوی در نظر می گیرد که دستمزد برای کار درخواست شده توسط یوران یالمارسون و گیتا هادینگ وپیری معقول است و باید تأیید شود.

۵۱۹. بنگت هسلبری، در نقش خود به عنوان وکیل شاکي، به ده شاکي کمک کرده است که چهار نفر از آنها از بستگان زندانیان اعدام شده بوده اند. قبل از شروع جلسه اصلی، یک شاکي که گفته می شود از زندانیان آزاد شده بود فوت کرد. دادستان ها در نظر خود اعلام کرده اند که ادعای دستمزدی که بنگت هسلبری ارائه کرده است تا حدودی زیاد است، با توجه به اینکه وی در زمان رسیدگی اصلی وکالت تنها پنج شاکي را که در گوهردشت زندانی بودند، بر عهده داشت. دادگاه بدوی با ارزیابی دادستان موافق است و معتقد است که غرامت معقول کار باید تا حدودی کمتر از آنچه درخواست شده تعیین شود و در همان سطح دستمزد اعطا شده به گیتا حدینگ وپیری تعیین شود. این با در نظر گرفتن تعداد شاکيانی که وکالت آنان را به عهده داشته اند و همچنین در نظر گرفتن

در جلسه اصلی حضور یافتند. بنابراین دستمزد بنگت هسلبری برای کار 1,975,259 کرون بدون احتساب مالیات بر ارزش افزوده معقول بنظر می رسد.

اتلاف وقت و هزینه

۵۲۰. دانیل مارکوس و توماس سودرکوئیست پیوسته درخواست غرامت برای از دست دادن زمان 30 دقیقه ای مربوط به وقفه های ناهار در روزهای اصلی مذاکره کرده اند. مقررات قابل اجرا برای محاسبه تلفات زمانی را می توان در مجموعه اداره امور دادگاه های سوئد DVFS 2021:8 یافت. بخش 3 بیان می کند که یک استراحت معمولی صرف غذا به منزله اتلاف وقت نیست. در جلسه اصلی با متهمی که در بازداشت به سر می برد، اغلب یک ساعت و 30 دقیقه برای صرف ناهار استراحت داده می شود تا نیازهای کارکنان بازداشتگاه برای حمل و نقل و غذا برآورده شود. نقطه شروع این است که چنین استراحتی برای ناهار از حالت عادی منحرف نمی شود. تحت هر شرایطی، کار باید بتواند در زمانی که برای وعده های غذایی استفاده نمی شود، انجام شود. وکلای مدافع نیز اعلام کرده اند که در وعده های ناهار تا حد زیادی کار کرده اند، اما با وجود این، مدعی جبران کار نبوده اند، بلکه ادعای اتلاف وقت کرده اند. در چنین شرایطی هیچ مبنایی برای اعطای غرامت به وکلای مدافع برای مدت زمان مورد نظر وجود ندارد.
۵۲۱. یوران یالمارسون و گیتا هادینگ ویری هر کدام برای 36 ساعت اتلاف وقت ناشی از دو سفر به آلبانی و از آلبانی مطالبه غرامت کرده اند. دادگاه بدوی معتقد است که شرایط به گونه ای بود که در زمان انتظار و سفر می توان کار را انجام داد. بنابراین غرامت از دست دادن زمان قابل پرداخت نیست.
۵۲۲. با توجه به اینکه محاسبه اتلاف وقت باید بر اساس کدام دفتر یا محل کار در هنگام تشکیل پرونده برای دادرسی اصلی باشد، دادگاه بدوی با ارزیابی دادستان موافق است که نزدیکترین دفتر باید اعمال شود (به NJA 2021 ص 520 مراجعه کنید). بنابراین، سفرهای انجام شده توماس سودرکوئیست را از Huddinge نمی توان پرداخت کرد، محاسبه باید از Sveavägen انجام شود و ممکن است بطور معقول مانند دانیل مارکوس ارزیابی شود یعنی 0.75 ساعت برای هر روز مذاکره. در مقابل درباره چگونگی سفر و موضوع نحوه حمل و نقل، دادگاه بدوی فرض می کند که وکلای مدافع با توجه به شرایط مناسب ترین وسیله حمل و نقل را انتخاب کرده اند. از آنجایی که این مذاکره برای مدت قابل توجهی و در زمان بیماری همه گیر در جریان بوده است، ممکن است سفر با ماشین شخصی شما پذیرفته شود. در نتیجه هزینه های ادعا شده، به جز عوارض خودرو، باید پرداخت شود.

کنت لوئیس

۵۲۳. شاکیان خدیجه برهانی، حسین سیداحمدی، محمد زند و علی اکبر بندلی پس از رسیدگی اصلی درخواست کرده اند که وکیل کنت لوئیس با اصلاح رای قبلی دادگاه بدوی به عنوان وکیل شاکی برای آنها تعیین و هزینه کار او توسط دولت پرداخت شود. از مرحله دوم درخواست کرده اند، که مشابه قوانین مربوط به وکیل مدافع در صورت محکومیت، استحقاق دریافت غرامت برای وکیل خصوصی را دارند. و در مرحله سوم درخواست کرده اند که در صورت محکومیت حمید نوری، هزینه های قانونی آنان را در دادگاه بدوی جبران کند.
۵۲۴. دادگاه بدوی در تصمیم 7 دسامبر 2020 (شماره سند در پرونده 219 - 220) و 22 دسامبر 2020 (شماره سند در پرونده 245) در مورد درخواست شاکیان مختلف برای تعیین وکیل کنت لوئیس به عنوان وکیل شاکی برای آنها موضع گرفته است. این هم به درخواست شاکیانی که وکیل شاکی برایشان تعیین نشده بود و هم به درخواست شاکیانی که قبلاً برایشان وکیل تعیین شده بود، اما خواستار تغییر وکیل به کنت لوئیس بودند، مربوط می شود. در همه موارد این درخواست رد شد. دلایل مواضع را در تصمیمات می توان دید. کلیه تصمیمات توسط شاکیان مربوطه تجدیدنظر خواهی شد (شماره سند در پرونده 246). دادگاه استیناف با Svea در تصمیمی در 25 ژانویه 2021، درخواست تجدیدنظر را رد کرد، به موجب آن دادگاه استیناف با ارزیابی دادگاه بدوی موافقت کرد. با توجه به اینکه شاکیان خدیجه برهانی، حسین سید احمدی، محمد زند و علی اکبر بندلی، وکیل کنت لوئیس را به عنوان نماینده خصوصی معرفی کردند، دادگاه بدوی در 17 فوریه 2021 تصمیم گرفت وکیل این شاکیان را برکنار کند. شاکیان متعاقباً توسط کنت لوئیس به عنوان وکیل خصوصی نمایندگی شدند.
۵۲۵. دلایلی که دادگاه بدوی تصمیمات خود را در تصمیمات قبلی بر اساس آنها قرار داده است و دادگاه تجدید نظر با آنها موافقت کرده است، همچنان صادق است. آنچه اکنون شاکیان بیان کرده اند، که اساساً به شرایطی اشاره دارد که در زمان تصمیم قبلی برای دادگاه بدوی شناخته شده بود، به ارزیابی دیگری منجر نمی شود. درخواست شاکیان برای انتصاب کنت لوئیس به عنوان وکیل شاکی بعد از موعد، رد می شود.
۵۲۶. شاکیانی که به دادستان کمک کرده اند، همانطور که می توان فهمید، ادعا کرده اند که مشابه قوانین مربوط به وکلای مدافع، باید در صورت محکومیت حمید نوری از محل منابع عمومی

برای پوشش هزینه هایی که برای استخدام وکیل خصوصی متحمل شده اند دستمزد دریافت کنند. مقررات آیین دادرسی در فصل 31 بخش 2، باید بر اساس قیاس و همانندی اعمال شود، به این معنی که دادگاه می تواند تصمیم بگیرد که در صورت تیره در پرونده ای که دادستان شاکی است، متهم باید از بودجه عمومی برای هزینه های دفاعی خود غرامت دریافت کند. امکان اتخاذ چنین تصمیمی مشروط به این است که هزینه ها به طور منطقی توجیه شود تا متهم بتواند از حق خود استفاده کند.

۵۲۷. به گفته دادگاه بدوی، هیچ حمایتی برای اعمال مشابه قاعده در فصل 31 بخش 2 قانون آیین دادرسی برای شاکیان وجود ندارد. همچنین اعطای غرامت به شاکیانی که از استفاده از وکیل شاکیان خود خودداری کرده اند، و بعد که درخواست آنان برای تعویض وکیل خود با کنت لوئیس رد شد، خواهان پرداخت غرامت از محل منابع عمومی به کنت لوئیس بعنوان نماینده خصوصی آنان هستند در واقع دور زدن مقررات جاری است. در این زمینه، دادگاه بدوی می خواهد تأکید کند که به دلیل ماهیت پرونده یا سایر شرایط، توجیهی برای جایگزینی وکیل شاکی منصوب با کنت لوئیس به عنوان وکیل پرونده وجود نداشت. دلایل عدم انتصاب کنت لوئیس عمدتاً این بود که دولت متحمل هزینه هایی که یک دستیار دیگر در این پرونده ایجاد می کرد نشود. بنابراین هزینه های پیش آمده به طور معقول توجیه نشده بود تا شاکیان بتوانند از حق خود استفاده کنند.

۵۲۸ - در مواردی که شاکی در کیفرخواستی یا مانند آن به دادستان کمک می کند طبق فصل 31. بخش 11 قانون آیین دادرسی، در مورد حق جبران هزینه های قانونی، مقررات فصل 18 قانون معتبر است. اینکه هزینه های دادرسی قابل جبران چیست توسط بند 8 از فصل 18 همین قانون تنظیم می شود. این بدان معناست که - زمانی که شاکی قرار است غرامت دریافت کند - این هزینه باید به طور معقول برای تأمین حق شاکی مورد نیاز بوده باشد. همین دلیل در مورد ادعا علیه حمید نوری نیز صدق می کند که رد تقاضای غرامت شاکیان در بالا را برای هزینه های دادگاه از محل منابع عمومی توجیه کرده است. اقدام شاکیان برای جایگزینی نمایندگان منصوب شده برای شاکیان با یک نماینده خصوصی و با هزینه هایی که در غیر این صورت متحمل نمی شدند، به طور معقول برای اعمال حق خود درخواست نشده است. آنان در زمان انجام اقدامی که باعث هزینه شد، دلیلی بر ضرورت این کار نداشتند. آنها از همان زمان وکلای

مجرب و با تجربه و از قبل در زمینه هایی مانند این آزموده داشتند که به عنوان نمایندگان شاکی منصوب شده بودند. بنابراین آن غرامت قابل جبران نیست.

تعهد بازپرداخت

۵۲۹. اگر چه حمید نوری فی نفسه طبق قاعده اصلی در ماده 1 از فصل ۳۱ قانون آیین دادرسی مکلف به استرداد غرامتی که از محل وجوه عمومی به وکیل مدافع و همچنین وکلای شاکیان طبق ماده 8 قانون وکالت شاکی از وجوه عمومی پرداخت شده است را دارد، با در نظر گرفتن مجازات تعیین شده برای جرایم او چنین تعهدی برای بازپرداخت بر وی اعمال نخواهد شد.

بازداشت

۵۳۰. خطر فرار یا طفره رفتن حمید نوری از اجرای حکم وجود دارد. ضمناً مجازات کمتر از دو سال زندان برای قتل پیش بینی نشده است و فقدان زمینه بازداشت نیز آشکار نیست. بنابراین حمید نوری باید تا قطعی شدن حکم مجازات و اخراج علیه او در بازداشت بماند.

اسناد تسویه حساب پیوست می باشد

برای درخواست تجدیدنظر، به پیوست ۳ رای دادگاه (TR-01) مراجعه کنید.
درخواست تجدیدنظر خطاب به دادگاه استیناف Svea، باید حداکثر تا ۴ اوت ۲۰۲۲ به دادگاه بدوی تسلیم شود.

Anna Liljenberg Gullésjö

Tomas Zander

بهنگام تصمیم گیری چهار عضو هیئت منصفه شرکت داشتند. دادگاه به اتفاق آرا رای داد.